

انتفاضه ملت عرب

عادل عباسی رُبیخه

انتفاضه ملت عرب
عادل عباسی رُبیخه
تاریخ نشر: ۲۰۰۶ میلادی
تایپ و صفحه آرایی: فرزاد جاسمی

تقدیم به شهدای انتفاضه ملت عرب

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص
ض ط ظ ع غ ق ک ل م ن و ه ی

هر متون و تنوری و هر تغییر و تحول و انتفاضه
ای که دارای ماهیت واقعی و بر اسلوب علمی و
عینی جامعه و طبقات اجتماعی آن مبتنی باشد،
ماندگار و جاودانه خواهد ماند.

ع.ع.ر

فهرست مطالب:

صفحه	
۵	مقدمه
۱۵	انتفاضه
۲۰	زمینه های اجتماعی انتفاضه
۴۲	طیف سیاسی و انتفاضه
۴۵	انتفاضه و اینترنت
۴۹	انتفاضه و دکتترین
۵۶	درس هایی از انتفاضه محمره
۷۷	احیاء و حفظ وطن و منافع و مصالح آن
۸۱	محورهای انتفاضه
۸۹	استراتژی شوونیسم فارس
۱۰۳	انتفاضه و دو دیدگاه
۱۳۳	استراتژی ملت عرب
۱۴۰	استمرار انتفاضه و عوامل سرنوشت ساز
۱۵۱	قوه قضائیه و انتفاضه
۱۷۶	معضل سیاسی - اقتصادی
۲۰۷	انتقال آب کارون
۲۱۱	پایان سخن

مقدمه:

انتفاضه خواست و اراده ملت عرب است که طی هشت دهه قربانی ایدئولوژی و ناسیونالیسم افراطی و توسعه طلبی دولت ایران گردیده است. پذیرش حقایق دال بر شرایط موجود که تهدیدی برای امنیت ملی ملت عرب - منافع - مصالح و تمامیت ارضی آن از سوی اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه بشمار می رود، فائق آمدن و فروپاشی حصار کنونی که در جهت غارت منابع طبیعی و زیر زمینی و ترویج و گسترش اهداف استعماری مذهب صفویه و نیات شوم و پلید توسعه امپراطوری ایران در رأس آنها دولت ایران - ولی فقیه (شخص) و ولایت فقیه (نهاد حقوقی - سیاسی) می باشد. عبور از آن در چارچوب انتفاضه ست که بیان واقعیت روز منطقه و حقایق موجود آنست.

انتفاضه خارج از اراده و پیش بینی تنوکر اتیسم های حاکم بر ایران می باشد و این در شرایطی است که دولت جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه و ولایت فقیه تلاش و کوشش خود را مهیا و بهره گیری و بهره برداری از اوضاع آشفته و نابسامان عراق که حاصل اهداف و استراتژی جمهوری اسلامی بشمار می رود و با اعزام تعداد کثیری از نیروهای اطلاعات و عملیات به برون مرز با هماهنگی فیلق بدر حزب الدعوة (حکیم) و تثبیت موقعیت نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی

در وسط عراق و جنوب آن و سمت و سوی تحولات در جهت منافع و مصالح خویش و تحقق استراتژی و دکترین و بازماندگان مذهب صفویه و تاسیس پلی بسوی گسترش نفوذ و اهداف استعماری و نظام آپارتایدی جمهوری اسلامی، ولی فقیه و ولایت فقیه در خاورمیانه (عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین) و گسترش عقاید و افکار و رسوم منحط مذهب صفویه و روحانیون وابسته به جمهوری اسلامی و گسترش امپراطوری خویش در لوای اسلام و ولایت فقیه و عامل رئیسی و نقطه ثقل ثبات و امنیت و ایفای نقش تخریبی و سلبی در عراق با پشتوانه عناصر نفوذی و نیروهای وابسته به خود در حکومت فعلی عراق و جنوب آن (بصره) و گسترش نفوذ خود در حوزه علمیه نجف و ترویج عقاید و افکار مذهب صفویه که گرایش بسوی ناسیونالیسم فارس و زائیده فرهنگ و تفکرات تابع آن می باشد. آموزش و تدریس زبان فارسی یکی از موارد آن بشمار می رود.

از سوی دیگر رهبران جمهوری اسلامی خواهان گسترش منطقه ی نفوذ و ایفای نقش سیاسی - اجتماعی - فرهنگی روحانیت شیعه در عراق و ایجاد سد و مانعی در برابر احیاء و گسترش مجدد ناسیونالیسم عرب پس از اشغال عراق و شرایط فعلی هستند. هدف آنان نفوذ در مراکز دولتی و حکومتی و تصمیم گیرنده ی عراق و گسترش نفوذ روحانیت شیعه وابسته به دولت جمهوری اسلامی ایران و نافذان اوامر و دستورات طهران و استراتژی و دکترین دولت جمهوری اسلامی و گسترش امپراطوری ولایت فقیه در خاورمیانه می باشد.

اوضاع ناهنجار و بسیار بد اقتصادی - اجتماعی - سیاسی است که سرنوشت بسیاری از معادلات را رقم خواهد زد و جمهوری

اسلامی را درگیر معضلات پیش روی قرار خواهد داد. که در نتیجه تاثیر بسزائی در اتخاذ تصمیم گیری ها خواهد داشت. نارضایتی از وضعیت بد اقتصادی و روند رو به توسعه آن که با هدف قرار دادن دو قشر بالفعل و سرنوشت ساز، قشر متوسط (فرهنگیان - پرسنل ادارات) و قشر پائین جامعه تحصیل کرده و جوان و کم در آمد را در بر می گیرد، بیش از ۷۰٪ جمعیت کشور را شامل می شود.

سرنوشت و آینده ی ملت های جغرافیای ایران که با عدم پذیرش شرایط فعلی و نفی سیستم و دولت، خواهان تحقق اهداف و آمال شان بر اساس حق تعیین سرنوشت خویش، یعنی یگانه راه حلی که در مستقبل سرنوشت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی طبقات اجتماعی مورد نظر جغرافیای ملت ها را تشکیل و ترسیم می نماید، در گرو مبارزه و پیکار در برابر استثمار و عبودیت انسانها و تبعیض نژادی حاکم بر جامعه است.

در شرایط کنونی آنچه حائز اهمیت است و مرحله مابعد شناخت ماهیت و عمل کرد دولت جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه و ولایت فقیه را تشکیل می دهد، احیاء، ترویج و گسترش فرهنگ شناخت تمییز در جامعه است. و در کلیه ابعاد آن، از جمله داد و ستد - معامله - روابط روزمره اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - سیاسی در سطح منطقه است.

مرحله ای که در انقلاب الجزائر نقش و جایگاه مهمی در تفکیک دو عامل متضاد یکدیگر در ابعاد مختلف آن و در محاصره قرار دادن نیروی اشغالگر و مهاجر بشمار میرود و بهترین و کارسازترین سلاح مقاومت در برابر چنین نیروئی و راهکار ایجابی انتفاضه می باشد.

در چنین مقطع و مرحله ای است که قدرت و اراده تصمیم گیری و موضع گیری مردم تقویت و مورد ارزیابی و سنجش قرار خواهد گرفت. (صفحات ۲۶ تا ۲۹) گواه چنین ادعائی است. پرونده اتمی ایران و امریکا - اروپا و ارجاع پرونده اتمی به سازمان ملل و اتخاذ تصمیم نهائی مواردی است که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت و آینده ایران ایفاء می نماید.

موقعیت استراتژیک ایران بر شمال خلیج و کشورهای نفت خیز در معادلات امنیتی و صدور نفت و ثبات منطقه خلیج و انجام عملیات تخریبی از سوی عوامل جمهوری اسلامی در کشورهای خلیج، عامل بسیار مهمی در برابر بی ثباتی و بی امنیتی و هرج و مرج از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه و ولایت فقیه و شورای مصلحت نظام را بدنبال خواهد داشت.

الاهواز - الاحواز منطقه مهم و استراتژیک جغرافیای ایران بشمار میرود و از موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک و دارا بودن منابع غنی نفت - گاز - از اهمیت و موقعیت استثنائی برخوردار می باشد و دارا بودن چنین ویژگیهائی بر اهمیت و حساسیت آن افزوده است که دولت ایران، ملت عرب را دشمنان این آب و خاک قلمداد می نمایند که بکارگیری و استفاده از چنین تعبیری، بدلیل ترس از ازدست دادن منابع و استثمار و غارت و چپاول منطقه است.

منطقه ای مهم و استراتژیک برای ملت عرب و مصالح و منافع ملی آن بشمار می رود.

تغییر بافت جمعیتی و دیموگرافی و آسیمیلزاسیون نمودن منطقه و بهره برداری از منابع ملی و غنی نفت و گاز - آب - زمین های کشاورزی و حاصل خیز منطقه در شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تئوکراتیسم های حاکم بر

جغرافیای ایران و طی حکمی از سوی معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح به وزیر کشاورزی وقت ابلاغ و خواستار تحقق آن گردیدند. طرح استعماری نیشکر و غصب زمینهای کشاورزی در این راستا و هدف می باشد. سیل مهاجرت غیر بومیان به منطقه و اتخاذ شیوه استخدام و گزینش در طهران جهت اشتغال در مراکز صنعتی و اداری در منطقه و انحراف مسیر آب رودخانه کارون از سرچشمه آن - تغییر بافت جمعیتی و ساختار اجتماعی منطقه با عنوان عمران و سازندگی و آبادانی مناطق فرسوده و قدیمی و تعویض و تخریب آنها.

ملت عرب در طی هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی منطقه، شاهد و قربانی توسعه طلبی ها و اهداف نژاد پرستانه بیشماری از سوی دولت جمهوری اسلامی، مذهب صفویه و شوونیسم فارس می باشد. تحقق چنین اهدافی در راستای استراتژی و دکترین و استثمار آنچه که در فرهنگ و فلسفه اشغالگر معنا و مفهوم یافته و در ابعاد سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی جامه عمل پوشیده است و از هیچ کوششی در جهت تغییر دیموگرافی و نفی بقاء و هویت ملت عرب دریغ نورزیده اند و کماکان به اهداف شوم و پلید خویش ادامه می دهند. اهداف نژاد پرستانه و توسعه طلبانه دولت ایران در منطقه تازگی نداشته و بر اساس شرایط و تحولات منطقه متوسل به تاکتیک و تغییر جهت داده و اهداف خویش را که تابع استراتژی و دکترین دولت ایران است مجددا دنبال می نماید. ملت عرب هرگز تسلیم اراده و خواست اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه و ایادی آنان نخواهد شد و در برابر آنان مقاومت و استمرار انتفاضه را یگانه راه حل تا تحقق اهداف و خواسته های بر حقش ادامه خواهد داد. و اشغالگران را ناچار به پذیرش

واقعیت های موجود منطقه و اراده و خواست مشروع و برحق ملت عرب بنماید.

ملت عرب خود صاحب قرار و تصمیم گیرنده سرنوشت و آینده منطقه با توجه به دارا بودن ویژگیهای دیرینه مبارزات خویش بر علیه دولت ایران و موفقیت های اقتصادی - سیاسی و سرنوشت ساز و تغییر و تحولات منطقه ای و اقلیمی و تأثیرات و اهمیت آن بر دولت ایران عیان و آشکار می باشد. اتخاذ مواضع و تصمیم گیری سیاسی در نشست ها و میزگردها و تجمع ملت های جغرافیای ایران می بایست بر اساس و مبنای خواست و موقعیت و اراده ملت ها جستجو نمود نه بر اساس خواست طیفی از تشکل های خارج از وطن (الاحواز) بررسی و پیگیری نمود.

هر ملتی خود سرنوشت و آینده خویش را عهده دار می باشد و همسوئی و همگامی با ملت های جغرافیای ایران بخشی از استراتژی مبارزات ملت ها بشمار می رود و نه در بر گیرنده کلیه اهداف و خط مشی و راهکارهای آن.

وحدت عمل سیاسی طیف های خارج از ایران در شرایط کنونی ضروری می باشد و تصمیم گیرنده سرنوشت آینده ملت ها و ساختارهای سیاسی بر اساس تفاهم و اتحاد عمل در چارچوب معین و مشخصی در حیطه برنامه ریزی مدون و راهکارهای متناسب با اوضاع منطقه ست، چنانچه در بر گیرنده منافع و مصالح ملت ها می باشد قابل پذیرش است و تصمیم گیری های سرنوشت ساز و نهائی بعهدہ ملت های جغرافیای ایران است.

ضروری بودن وحدت عمل سیاسی به لحاظ موقعیت ها و فضای باز سیاسی و مکتب های بین المللی و شخصیت های مسئول در جهت افشای عمل کردها و جنایات و ماهیت دولت ایران و توجه عموم جهانیان به اوضاع تأسف آور درون ایران،

مبارزه ای بر اساس حسن تفاهم و دارای اسلوب و برخورداری از انسجام کلیه طیف های خارج با دیدگاهها و برداشت های متنوع و دارای هماهنگی لازم در برخورد با رویدادهای داخل و خارج و صدور بیانیه مشترک با دیدگاههای مشترک حول هدف واحد در برابر دشمن مشترک و جبهه واحد با توجه به شرایط نوین و موقعیت کنونی ایران و ملت های جغرافیای ایران راهگشای فضای کنونی و احزاب و سازمانهای درون ایران باشد و تاثیر گذار و تاثیر پذیر تحولات درون و نقش و جایگاه خویش را در پروسه کنونی جستجو و مورد ارزیابی دقیق تجزیه و تحلیل نموده وجود جبهه واحد و در برگیرنده طیف وسیعی از تشکل های جبهه سازمان - حزب و نیروی مستقل در شرایط حاد کنونی بیان گر عمق واقع بینی و درک اوضاع حساس و نقش و جایگاه نیروهای واقع بین و واقع گرا در تحولات و میزان قدرت ارزیابی اوضاع و موقعیت خویش و نیروی شرکت کننده می باشد.

در چنین شرایطی نیروئی موفق و سر بلند میدان مبارزه است که همگام با شرایط عینی جامعه و استفاده صحیح از موقعیت های بدست آمده ضامن موفقیت و رهبری بشمار خواهد آمد و ضرورت های پیش آمده عامل بالقوه و بالفعل وحدت و تشکل بشمار می رود. در این مقطع و شرایط جریاناتی که دارای دیدگاهها و وجوه مشترکی باشند یکدیگر را خواهند یافت. انتفاضه تحولاتی را به همراه خواهد داشت. تحولات بدست آمده مدیون تغییراتی کمی و کیفی است. اصل عبور و پشت سر گذاشتن تغییرات تدریجی بسوی تغییرات بنیادین و ریشه ای و اساسی تحولات اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و اقتصادی است. و در مراحل مختلف و شرایط گوناگون عملی گردیده است.

با توجه به شرایط عینی منطقه و ضرورت تغییر و تحولات در سطوح و طبقات اجتماعی که مبرم ترین عنصر و رکن انتفاضه و خواست و اراده ملت عرب می باشد و نیاز و درک چنین ضرورتی بر مبنا و پایه و اساس استراتژی و دکترین و اهداف آپارتایدی دولت ایران طی هشت دهه حرمان و غارت و چپاول برکات منطقه می باشد.

الاحواز – الاحواز و حلقه تنگ محاصره اقتصادی و سرکوب و خفقان سیاسی و نفی و نابودی فرهنگ ملت عرب و فروپاشی بافت و ساختار اجتماعی منطقه طی هشت دهه اشغال نظامی – سیاسی دولت ایران به ارمغان آورده است و انتفاضه ملت عرب محصول چنین برداشتی است.

انتفاضه کنونی مدیون تجربیات و مبارزات سالیان گذشته است. عدم تشکل و انسجام طبقات اجتماعی شهری و روستائی و عدم برخورداری از تناسب قوا و نیروی لازم در رویارویی و برخورد با اشغالگران نظامی – سیاسی و عدم رهبریت مستمر و قیادی در طول پروسه مبارزات هشت دهه گذشته و حال می باشد و با درک و شناخت چنین خلأئی و همگامی طیف سیاسی داخل و خارج وطن الاحواز – الاحواز در جهت رفع و برطرف نمودن عمود انتفاضه که ضروری و حیاتی بودن سه رکن رهبریت – تشکل و انسجام در جهت استمرار پروسه انتفاضه در ساختمان آن و شکل و شیوه کنونی اش که به شیوه بریده و منقطع و پراکندگی در نحوه عمل و اجرای تظاهرات و راهپیمائی ها و گرامیداشت در مناسبت های خاص در زمان واحد و مناطق مختلف عدم سه رکن مذکور را لمس و مشاهده نمود منطقه برای خیزش عظیم دارای پتانسیل و انرژی لازم را دارا می باشد. تاکید بر ضرورت های عینی و کاستی های جامعه و سیاست و اهداف دولت ایران و موقعیت سیاسی و

دیپلماسی آنرا در سطح بین‌المللی پیگیری نمود و آنچه در جهت منافع و مصالح ملی ملت عرب است، بکار گیریم و بهره برداری صحیح و مناسب را بدون آسیب‌پذیری دیگر جناح‌های درگیر با دولت ایران، بدنبال کسب آراء و جایگاهی در مکاتب مطرح و رسمی بین‌المللی تحصیل نمائیم و ملت عرب را از حصار کنونی که ساخته و پرداخته دولت ایران - اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه است بیرون آمده و با مطرح نمودن و تثبیت قضایا، موقعیت و سرنوشت منطقه، آنرا در حوزه سازمان ملل و مراجع قانونی بسط و گسترش نمائیم.

تحركات طیف سیاسی خارج از وطن الاحواز - الاهواز نشان از خانه‌تکانی گسترده و درک واقعیت‌های موجود و تشکل‌های موجود و سنجش و ارزیابی آراء و تفکرات بخش‌های فرهنگی و سیاسی در سطح اروپا قابل تعمق بوده - ضرورت بر وحدت عمل سیاسی و یکپارچگی و هماهنگی در پیگیری و مساعدت و یاری رساندن در ابعاد مختلف آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

ارتقای سطح دانش سیاسی و تئوریک و پراتیک هر کدام بنا به موقعیت و قدرت مانور و تحرک و تمرکز بر این گونه موارد را نباید از قلم انداخت و تاثیر گذاری و تاثیر پذیری آنها را در ساختارهای اجتماعی و سیاسی جامعه هویدا است.

وحدت عمل بر اساس تفاهم و اشتراک عمل حول یک محور و خواست واحد ملت عرب و پشت سر گذاشتن بخش مهم و اساسی و کاستی‌های جامعه و درک شرایط موجود و تحلیل عینی و واقعی اوضاع اجتماعی - سیاسی و در برگیرنده طیف وسیعی از طبقات اجتماعی و طیف سیاسی و خلق تناسب قدرت ملی ملت عرب و صف آرائی و تشکل و انسجام در برابر دولت ایران اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه است. مقطعی بودن

وحدت عمل طیف سیاسی، دلالت بر استمرار و پیگیری مشترک در پروسه انتفاضه و اتخاذ رأی واحد و تصمیم گیری های بعدی و مقاطع آن نخواهد بود. اتحاد عمل طیف سیاسی در پروسه انتفاضه شکل خواهد پذیرفت و تحقق خواهد یافت چرا که ضرورت چنین وحدتی اگر چه مقطعی بوده لکن حیاتی و در خدمت منافع و مصالح ملت عرب بشمار می رود.

درک پروسه انتفاضه و انطباق با آن دلیل واضح و آشکار شناخت و درک شرایط و همسوئی با اوضاع درون وطن الاحواز - الاهواز خواهد بود.

هر تشکلی دارای مرامنامه و اساسنامه و استراتژی کوتاه مدت و استراتژی دراز مدت و ابعاد آن می باشد و دارای تاکتیک مشخص در شرایط مشخص شکل می گیرد. مشارکت و همسوئی و پیوند و وحدت عمل طیف های سیاسی دلیل بر تخی و عقب نشینی از مواضع و دیدگاههایشان نخواهد بود. بلکه پذیرش وحدت صفوف و اتخاذ مواضع و مواضع مشترک در برابر دولت ایران می باشد. ضرورت چنین پیوند و اتحاد مقطعی را دو چندان نموده است (می نماید) و منشاء تحولات پیش روی خواهد بود و افت و خیزهای کنونی انتفاضه و فراز و نشیب های آن حامل درس های آموزنده و دست آوردهای گران بهائی خواهد بود. موفقیت یا عدم موفقیت و دست یابی و رسیدن به هدف از اهمیت موضوع و اراده و انتفاضه نخواهد کاست و اصل اثبات وجود ماهیت و جوهره قضیه یا هدف و قوه دافعه آن (ملت عرب) می باشد که بمثابة اصل و هدف مطرح و شناخته شده است و انتفاضه انفجار اجتماعی ملت عرب در برابر اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه است.

انتفاضه

روندی از مقطع معین تاریخی در جامعه بوجود آمده است. تکاملی از انتفاضه محمره و خواست و مطالبات آن و جدا شدن و بریدن از شرایط تحمیلی و سرنوشت از پیش تعیین شده توسط دولت ایران و تحقق خواست و بر طرف نمودن کاستی های جامعه و استناد به پتانسیل عظیم اجتماعی آن.

انتفاضه بر بستر عوامل معین تاریخی شکل پذیرفت و تحقق یافت. انتفاضه های شهری و روستائی که در گذشته تابعی از نظام و بافت اجتماعی ملت عرب به انحاء و اشکال گوناگون و ظهور شخصیت ها و ایدئولوژی سنتی ناسیونالیستی - ناصریستی جهان عرب و به شهادت رساندن رهبران تشکیلات سیاسی وقت - تبعید و زندانی نمودن فرزندان رشید و راست قامت ملت عرب منجر گردید. ذکر اسامی شهداء و مسائل و رویدادهای دهه های گذشته از حوصله و حافظه تاریخی اینجانب خارج می باشد. شهادتی که در راه وطن (الاهواز) بر بالای چوبه دار به شهادت رسیدند و در میدان تیر نقش زمین می گردد از ارزشی یکسان و جایگاهی والا در پیشگاه ملت برخوردار می باشد و ارج و منزلتی شایسته در تاریخ ملت عرب به ثبت رسانده است.

با رفتن حاکمی و آمدن حاکم جدید در طهران هیچگونه تغییری در شکل و ماهیت و برداشت انتفاضه ملت عرب ننموده و این نشان از درک و استقلال فکری - سیاسی طیف سیاسی ملت عرب و درایت آنان می باشد. دولت ایران تابع و مطیع

استراتژی و اهداف مشترک و مصالح ملی خود می باشند، نه مستعمراتشان. شیوه برخورد بر اساس رابطه استعمارگر و مستعمره می باشد و نه رابطه ظالم با مظلوم که دیدگاهی عبث و به غایت بیهوده می باشد.

انتفاضه حرکتی استراتژیکی بر اساس درک و شناخت موقعیت و شرایط عینی جامعه می باشد. شناخت مواضع انتفاضه، شروع حرکت نوین در بستری از اعتماد و حمایت ملت عرب را فراهم نموده است و جهشی نوین برای نیل به استراتژی کهنه ملتی که طی هشت دهه مبارزه بی امان بر علیه اشغالگران نظامی - سیاسی و شهدای بیشمارش در پی تحقق اهداف خویش بشمار می رود و بر اساس معیارهای عینی جامعه و ضرورت تحولات در منطقه و انفجار جامعه ای بر انباری از باروت تبعیض نژادی و غارت و چپاول و رانت خواران ایرانی در منطقه و اهداف استعماری هشتاد ساله، ضرورت انتفاضه در جامعه آشکار گردیده و شاهد تحولات روزمره آن می باشیم. انتفاضه ای که با پیشی گرفتن از طیف سیاسی و اشراف بر اوضاع و احوال وقایع و رویدادهای جاری منطقه بر جایگاه مردمی و خواست ملت عرب و وحدت در مسیر تشکل و انسجام گام بر خواهد داشت. اهداف و توطئه های استعماری هشتاد ساله ایرانیان در منطقه را با درایت و هوشیاری خنثی و در برابر شان مقاومت خواهد نمود و در برابر تمامیت ارضی الاهواز و طرحهای آپارتایدی ایرانیان لحظه ای درنگ نخواهد نمود، و تا تحقق هدف و خواست ملت عرب انتفاضه و حماسه های آن کماکان مسئله روز جامعه و اشغالگران نظامی - سیاسی در منطقه خواهد بود.

خشونت چون غده ای سرطانی است. این غده سرطانی هر جامعه ای را از درون می بلعد و نابود می کند. ملت های

جغرافیای ایران با مبارزات مستمر به دنبال کسب حق تعیین سرنوشت خویش می باشند. موجودیت ایران بیش از هر زمان دیگری با سرانجام انتفاضه ملت های جغرافیای ایران در پیوند قرار گرفته است. مقاومت همه جانبه در برابر عوامفریبی دولت ایران به چنان مرزهایی از مقاومت رسیده است که به دشواری می توان نتایج قطعی آنرا در آینده ای دور بود و از طرفی مدافعان سرکوب خونین انتفاضه در این امر کوچکترین تردیدی به خود راه نمی دهند. دولت جمهوری اسلامی ایران از سوئی و انتفاضه ملت عرب از سوی دیگر و ولایت فقیه در جهت نفی و انتفاضه در جهت اثبات هویت، تاریخ را به قضاوت کشانده است و به نتایج قطعی و ضروری که لازمه تضمین ادامه انتفاضه ست برسد. منطق استدلال انتفاضه در برابر ولی فقیه و ولایت فقیه متکی به نیروهای امنیتی و نظامی - سرکوب و خون ریزی - زندان - شکنجه - اعدام. تکرار همان وقایع و رسیدن به همان مرزی که پیشینیانشان ترسیم نموده اند.

در این مقطع و با شرایطی که پیش روی ملت عرب قرار دارد، تحمیل انتفاضه بمثابه تنها راه گشا و ابزار دفاعی ملت - ضربه ای که می بایست مانع توسعه طلبی و اهداف شوونیستی فارس، بسود انتفاضه جریان دارد، تشدید می شود به کرات در مطبوعات و محافل سیاسی ایران پارلمان - شورای عالی قضائی کنفرانس قضات در طهران توسط شاهرودی - خطبه های نماز جمعه - وزارت اطلاعات - وزارت دفاع - ولایت فقیه مطرح شده است. ابعاد و گستردگی انتفاضه را می توان در عکس العمل و تناقضات دولت جمهوری اسلامی ایران و شیوه برخورد با آن - اعزام نیروی زبده نظامی و ویژه به سرتاسر منطقه، انتفاضه را به موضوع مهم و اجتناب ناپذیر روز و در حال تکامل و گسترش تبدیل نموده، انتفاضه ای که به سمت

تعمیق آگاهی ملت عرب و ضرورت حضور در صحنه مبارزه و تاثیر تعیین کننده اراده خود به منزله دفاع از خویش بیش از پیش آشنا و ماهیت اقدامات و توطئه هائی که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد، ضرورت افشگری ماهیت و عملکرد شوونیستی دولت جمهوری اسلامی را به ضرورتی تاریخی تبدیل کرده است. چنانچه با چنین وسعتی به قضایا بنگریم آن وقت هیچ راه حلی جز استمرار انتفاضه و تحمیل خواست و اراده ملت عرب که همانا حق تعیین سرنوشت خویش می باشد و چهره عریان جمهوری اسلامی را بنام اسلام بر تن نموده با سازماندهی و استمرار انتفاضه و تحمیل آن بر دولت ایران و نظام تابع و طرح شعارهائی که مضمون و مفهوم شان با واقعیات منطقه الاهواز منطبق باشد و بررسی نمودن قضایا از جهات مختلف ما را در رسیدن به حقایق و وقایع نزدیکتر و ملموس تر نموده. نقطه حائز اهمیت آنست که نسبت به روند کنونی نه خوش بین و نه خوش باور بلکه بر اساس حجم وقائع و رویدادها و قدم های سنجیده گام برداشت و با بررسی اوضاع و شرایط اقلیمی و منطقه ای و جایگاه خویش را در این معادلات سنجید و با درک دقیق و واقعی اوضاع را زیر نظر داشت.

جمهوری اسلامی ایران دشمن ملت عرب و ملت های جغرافیای ایران بشمار می رود و به مراتب قوی تر بر اوضاع مسلط و به منظور فراهم آمدن زمینه مناسب با اعلام حالت فوق العاده و سرکوب انتفاضه و بستن فضای سیاسی و براه انداختن حمام خون چهره عریان ولی فقیه و ولایت فقیه را دگر بار در تاریخ منطقه به اثبات برساند. برای مهیا نمودن چنین شرایطی تسلط بر رسانه های گروهی - جراید - مطبوعات - رادیو تلویزیون و سایت های اینترنتی و بکارگیری عناصر خود فروخته و دست

نشانه همچون ائمه جمعه و نمایندگان پارلمان به ندای ولی فقیه
لبیک گفته و همسو با اهداف جمهوری اسلامی گام بر دارند.
بدون شک مسیری که باید برای رسیدن به آن (حق تعیین بر
سرنوشت خویش) مبارزه نمود، مسیری طولانی - دشوار و پر
هزینه است. هر انتفاضه ای از دیدگاه جامعه شناسی و روان
شناسی آن دارای علت و معلولی است که این علت و معلول را
میتوان در مناسبات و روابط و ریشه های دولت ایران طی
هشتاد سال تجزیه و تحلیل نمود و به نقد کشید.
با توجه به شرایط عینی جامعه و تئوریزه نمودن شرایط سیاسی
- اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی حاکم بر ملت عرب، کالبد
شکافی چنین جامعه ای بر بستری از روابط نا متجانس و نا
همگون انسانی و اهداف آپارتایدی و شوونیستی دولت جمهوری
اسلامی ایران نطفه انتفاضه ایست که اشغالگران نظامی -
سیاسی طی هشت دهه گذشته بر منطقه بوقوع پیوسته و تا
رسیدن به هدف خویش ادامه خواهد داشت. درس هائی که بر
اساس روند کنونی جامعه و وقائع و رویدادهای بوقوع پیوسته و
تنش های فی مابین (ملت عرب و دولت جمهوری اسلامی)
موجود در منطقه ای که آستان توطئه ها و حوادث ریز و درشت
بشمار می رود. ضرورت ارتباط و شریک نمودن عناصری که
انگشت اتهام دولت بسویشان نبوده و منتخبان گسترده ترین اقشار
جامعه بشمار میروند و با دیده (نگرش) شک و تردید به آنان
که ناشی از عدم شناخت اوضاع و شرایط منطقه بشمار میرفت،
به اینگونه عناصر بهای لازم داده نشد.

زمینه های اجتماعی انتفاضه

حاصل سالهای پر از فراز و نشیب توطئه های ریز و درشت دولت جمهوری اسلامی ایران و دیکتاتوری ولی فقیه و ولایت فقیه در حق ملت عرب، کاشتن نهال انتفاضه در جامعه امروزی پس از انتفاضه محمره ست که محصول عملکردها و اهداف پلید در منطقه حاصل چنین برداشتی ست. نهالی که وقائع و رویدادها و بر بستر حوادث بزرگ رشد نموده و در سرزمین مان بر اساس شرایط عینی جامعه و طبقات اجتماعی شکل پذیرفت و بالطبع روند طبیعی خود را سیر نموده که در بر گیرنده کلیه طبقات اجتماعی و نارضایتی اجتماعی که مجموعه ای از کاستی های آنرا در بر می گیرد، به همراه آورد.

غصب زمین های کشاورزی (طرح استعماری نیشکر) – غارت منابع طبیعی – تاسیس شهرک جهت اسکان مهاجرین غیر عرب در سرتاسر منطقه – ناامنی و ترورهای مشکوک برخی عناصر سرشناس منطقه – گروه های فشار لباس شخصی ها – سپاه – بسیج – بیت رهبری – قوه قضائیه و میلشییای حزب الله به رهبری آیت الله خزعلی و عواملی که بر پایه و اساس حفظ منافع و استراتژی دولت ایران در منطق که عاملی حیاتی و اساسی از دید آنان بشمار میرود، مجموعه تضادها و تنش های ملت عرب و دولت جمهوری اسلامی ایران در طی هشت دهه را در بر می گیرد.

انتفاضه نمود عینی در برابر تصرفات و عملکردهای آپارتایدی دولت ایران در منطقه می باشد و ناهنجاری های اجتماعی ست

که هدایت کننده ملت عرب به نقطه و مرحله انفجار اجتماعی است. اعتراضات دسته جمعی و تظاهرات مسالمت آمیز نمود چنین عملکردی بر علیه قدرت آلوده به جنایت ولی فقیه و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی می باشد.

تحولاتی که در اقصی نقاط منطقه - شهرها و روستاهای مرزی و همسویی با انتفاضه شاهدش هستیم نشان از عمق انتفاضه و جنایات جمهوری اسلامی می باشد.

ولی فقیه و ولایت فقیه و طیف حکومتی که با اندیشه و تفکر نیاکانشان (پهلوی ها) در پی به حاشیه راندن ملت عرب و گسیل نمودن مجموعه بیشماری از انسانهای غیر بومی به منطقه و کاشتن بذر نفاق و کینه و خلق درگیری های طوائف و برجسته نمودن اختلافات گذشته سعی در پیش برد اهداف استعماری خویش، سرکوب را پیشه خود نموده و به زعم خویش کار ملتی قریب به پنج میلیون نفر را یکسره کنند و از جغرافیای کنونی الاهواز محو و نابود سازند. در مقطع کنونی خود گرفتار گرداب تحولات سیاسی منطقه و انتفاضه شدند چرا که هر علتی دارای معلولی است. ملتی که حریصانه از هویت و سرزمین خود با ابتدائی ترین امکانات حمایت نموده و حاضر نیست وجبی از اراضی آنرا به غصب دیگر مناطق ایران وصل نمایند، هرگز تن به ذلت و خواری و عبودیت ولی فقیه و ولایت فقیه و طیف حاکم بر ایران نخواهد داد و هر وجب از سرزمین منطقه بمثابه عضوی از اعضاء بدن انسان عرب بشمار میرود و عوامل حاشیه ای زندان - شکنجه - اعدام بخشی از اسکلت و هیكل انتفاضه بشمار رفته و عمده نیروی ملت عرب متوجه استراتژی ایرانیان - دولت جمهوری اسلامی در منطقه می باشد و اهداف دراز مدتی که دست در دست یکدیگر داده و بدنبال

تغییرات دیموگرافی منطقه ست، انتفاضه اهداف خود را متمرکز بر چنین نکات حساس و مهم و حیاتی منطقه دنبال می نماید. سیاست و تاکتیک دولت جمهوری اسلامی طرح مسائل حاشیه ای و دوری جستن از مسائل اساسی و درگیر نمودن و به انحراف کشاندن انتفاضه از مسیر واقعی آن می باشد که با هوشیاری و درایت و دادن هزینه های انسانی و اجتماعی این توطئه ها با هدایت طیف سیاسی داخل و خارج وطن (الاهواز) نقش بر ملاء گردید.

تشکل و انسجام از ویژگیهای انتفاضه ایست که در حال تکوین و شکل گیری می باشد. و در بر گیرنده کلیه طیف های سیاسی ملت عرب بشمار میرود. نظامی که بر وحشت و ترور و شکنجه و اعدام بنا گردیده باشد، دوام چندانی نخواهد داشت و بدست توانمند ملت های جغرافیای ایران از اریکه ی قدرت به زیر کشیده خواهد شد.

با توجه به تغییر و تحولات منطقه ای و شرایط پیش آمده کنونی، حکومت کردن به شیوه گذشته غیر ممکن می باشد، تغییر شرایط به تناسب دهه های گذشته که با رشد و توسعه سیاسی ملت ها همگام بوده بکارگیری شیوه های سرکوب و تحمیق افکار و رسانه ها با جامعه کنونی و فرهنگ سیاسی حاکم بر این جوامع هم خوانی نداشته و غیر قابل تطبیق می باشد.

رعب و وحشت در فرهنگ کنونی جوامع معنا و مفهومی نداشته و در مخیله هیچ یک از افراد جوامع مورد بحث نمی گنجد. انفجار اجتماعی و سیاست های شوونیستی حاکم بر دولت ایران، جهت دار نمودن جامعه بسوی انفجاری عظیم و سرتاسری جغرافیای کنونی ایران را در بر خواهد گرفت.

انتفاضه هویت ملی عرب پذیرش توطئه و غارت منابع طبیعی و اهداف شوونیستی دولت جمهوری اسلامی ایران را با قاطعیت

هر چه تمامتر پاسخ گو و دست رد بر سینه اعوان شان خواهد زد. و این همان تضاد عمده ایست که انتفاضه ملت عرب بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه پاسخ دندان شکنی داده است. ریشه این تضاد تاریخی - سیاسی طی هشت دهه حکومت اشغالگران نظامی - سیاسی بر منطقه به اثبات رسیده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران، این مستبدان و رانت خواران حکومتی و سارقان منابع طبیعی و ثروت های منطقه، با استمرار عملکردهای گذشته و شیوه های کهنه خویش پافشاری می نمایند. عدم توجه نسبت به اوضاع کنونی و اوضاع و احوال تأسف آور جامعه حاصلی جز تنش های خونین و براه انداختن حمام خون توسط دولت جمهوری اسلامی ایران نتیجه دیگری نخواهد داد.

بدین ترتیب نشانه های آشکاری در برابر همگان با انتخابات شوراها و پیروزی چشمگیر ملت عرب که حاکی از اپیدمیک شدن انتفاضه هویت برای تحول و خلق تنش سیاسی و اجتماعی بر علیه تناقض گوئی دولت جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله نوینی از انتفاضه گردیده. مرحله نوینی که انتفاضه در آن سیر می کند، ابزار و راه کارهای جدیدی را جستجو می نماید. ابزاری که می بایست در انتفاضه هویت بر علیه دشمن غدار بکار برد، عکس آن چیزی ست که نظام جمهوری اسلامی متوسل به آن می شود. تظاهرات مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت، بر اساس شناخت و درک عمیق شرایط و حفظ فرهنگ حاکم بر آن (جامعه) در جهت روشنگری و افشای ماهیت دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و ارتباط مستقیم با مردم و رشد و توسعه عوامل فرهنگی و سیاسی جامعه و استفاده بهینه از شرایط موجود در جهت مصالح ملت خویش و ماندن در

صحنه سیاسی و حفظ انتفاضه بعنوان اهرم و نیروی گرد آورنده ملت با کلیه دیدگاهها و طیف های سیاسی در جهت انسجام و تشکل در برابر توطئه ها و اهداف پلید و شوم دولت جمهوری اسلامی ایران بشمار می رود. نگذاریم دولت ایران بهره برداری سیاسی را آنگونه که مورد اراده و خواستش باشد و با توسل به اهرمها و ابزار سرکوب گرش سپاهی - بسیجی - لباس شخصی - ناحیه نظامی و انتظامی بکار گیرد.

انتخاب شیوه و خط مشی انتفاضه به گونه ای باشد که ابزار فوق را بر علیه دولت نشانه گرفت. در این میان و در مسیر نوینی که انتفاضه هویت سیر می کند، کلیه سعی و کوشش مان را در جهت ایجاد تغییرات ایجابی در منطقه را به امید برای ایجاد تحول کمی و کیفی تبدیل نمائیم. ماهیت - عملکرد و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس واقعیت موجود و شرایط عینی به ملت عرب و طیف سیاسی خارج از وطن الاهواز - ح مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد. ملت عرب باید این سد را در جهت ایجاد تحولات مثبت (ایجابی) از سر راه خود بردارند. شناخت درد، درمان را سهل می نماید.

قرائن و شواهد بسیاری نشان می دهد انتفاضه هویت با عکس العمل خشن و حادثه سازی های خونین و جنایتکارانه توسط ستاد مشترک قضائی و نظامی در سرتاسر منطقه برای نظامی کردن اوضاع منطقه و حاکمیتی که با این مضمون بر منطقه حکم فرمائی نماید از پای ننشسته و آنچه که در توانش باشد، با آن برخورد می نماید. تعلل و درنگ به معنای مهیا نمودن شرایط اهداف آپارتایدی و شوونیستی جمهوری اسلامی - ساختن شهرک ها و تخریب و فروپاشی بافت اجتماعی بشمار می رود.

جذب اقشار اجتماعی در هر مقام و منصبی و پیوند دادن آنها به انتفاضه (نیروهائیکه دست شان آلوده به خون ملت عرب و خیانت به آن نبوده) و از هر گونه برچسب و لقب دادن جدا پرهیز نمود. انتفاضه تماضی سرنوشت کنونی ست. آنچه که باعث وحشت دولت جمهوری اسلامی ایران، عدم پیش بینی و گسترش اعتراضات مردمی و سرایت آن به دیگر مناطق می باشد.

انتفاضه در شهرهای الاهواز - ح دارای شیوه و سبک های مختلف و متأثر از روابط اجتماعی و سازمانی محیط می باشد و کیفیت آن با یکدیگر متفاوت می باشد ولی هدف و جوهره انتفاضه یکی ست. منفعل نمودن - بی تفاوتی و به حاشیه راندن مردم - تحقیر نمودن در بکارگیری زبان فارسی و روابط اجتماعی مورد طبع و نظر دولت ایران طی هشت دهه از اشغال نظامی - سیاسی منطقه با بکارگیری کلیه سلاح ممکنه بر علیه ملت عرب به کارزار پرداختند. استفاده از ابزار روان شناسی و جامعه شناسی مهمترین عامل و کار سازترین آنها بشمار میرود که تأثیرات خود را هم اینک در کلیه زمینه های اجتماعی شاهد هستیم. عوامل بر شمرده در برابر ملتی ست که هیچگونه ابزار دفاعی در برابر چنین تهاجمات را نداشته به جز توسل به فرهنگ - آداب و سنن و تقالیه آن که آنها نیز بی تأثیر از چنین تهاجمی نبوده و تأثیرات خود را در موارد عدیده ای بجای گذاشته است. بکارگیری چنین ابزاری و سلاحی از قدرت تحریمی بمراتب بسیار بالائی به نسبت بکارگیری ابزار و سلاح نظامی و تأثیرات و تفاوت بین مد و جزر اجتماعی بالائی برخوردارست.

توسعه در هر جامعه ای و تغییر در بافت اجتماعی همیشه بطور تدریج و در مقاطع مختلف شکل پذیرفته و میسر نمودند و بطور

سننتی در تغییر دیموگرافی جدید بخشی از بافت و ساختار اجتماعی قدیم را در میان بافت جدید اسکان داده اند. تناسب و میانگین چنین ترکیبی به میزان (۵ به ۱) یک خانواده عرب در میان پنج خانواده فارس (مهاجر) می باشد، دخالت دادن عناصر گذشته در ترکیب کنونی بمراتب سرعت ذوب و تحلیل شدن در مجموعه جدید و تحمیل نمودن مناسبات سازگاری و ملاحظات عاطفی مسائل اجتماعی - تحمیل فرهنگ و آداب و سنن جدید بدون دردسر و بی دغدغه با شیوه ها و ابزارهای روان شناسی و جامعه شناسی که بنوعی و از راه رادیو - تلویزیون - جراید و روابط اجتماعی تزریق می گردد. مجموعه مهاجر غیر عرب به آسانی نمی توانند با محیطی که جدیداً در آن بسر می برند، خود را تطبیق نمایند و بر قراری چنین روابطی این امکان را سهل و آسان می نماید. بر قراری روابط اجتماعی - ازدواج های نامتجانس و ناممکن فی مابین ملیت های مختلف * فرهنگ - آداب - سنن - زبان و بافت های اجتماعی و عوامل الگوهای آن از موارد نادر چنین پیوندها و نتایج سلبی و زیانبار اینگونه وصلت ها در شرایطی که ملت عرب از ابتدائی ترین و کمترین ابزار فرهنگی در برابر چنین موارد نداشته و موضع دفاعی و احتیاط را بر گزیده، برگزاری مراسمی که در طی سال برگزار می گردد مجموعه ای از اهدافی است که در جهت تغییر هویت ملت عرب می باشد و در راستای هویت ملی و دولت ملی وفاداری به آن و فروپاشی ساختار و بافت اجتماعی ملت عرب و گرایش به مادون خود (ملت فارس) خواهد بود. تأکید بر نوع مذهب - شکل و شیوه زندگی از مهمترین اهداف و استراتژی ایرانیان در منطقه بشمار می رود.

گذر از چنین فرآیند صعب و دشوار و منتقل نمودن جامعه ای با چنین بافت اجتماعی و نظام سازمانی آن به نظامی واحد و مرکزی انتقال هویت به مادون خود (هویت ملت غالب به لحاظ ویژگیها) و حمایت های اقتصادی - اجتماعی حاکمیت و دولت و تطبیق خود با شرایط تحمیلی بدیل از فروپاشی و مانعی در جهت تحلیل خویش می باشد که مهمترین اصل و گام اصولی ملت عرب در برابر آن می باشد.

طی هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی منطقه، هویت ملی ملت عرب در روند طبیعی خویش دستخوش ناملایمات و ناسازگاریهای سیاسی- فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی در روند تکاملی خود گردیده است. دولت ایران سعی می نماید تا ملت زیر سلطه خویش را تابع نظام و سازمان خود نماید، تا بتواند تأثیر مورد نظر را بر بافت اجتماعی و نظام سازمانی ملت تحت سلطه را زیر نفوذ خود قرار داده و هویت آنرا تابع متغیرهای خویش نماید و مانع روند تکامل ملت ها گردد و هویت ملی را مرکز ثقل و هرم کلیه عوامل زیر گروه خود مطرح و ویژگیهای ملت را بر اساس چهار عامل زبان - سرزمین - آداب و رسوم مشترک - نژاد را نفی نماید و ملت فارس و نژاد آریائی را بعنوان هویت ملی، ملت های جغرافیای ایران معرفی و در خود ذوب نماید. فاکت های مطرح شده در راستای فرآیند ملت سازی یا همسان سازی در جهت اهداف شوونیستی و آپارتایدی آریائی بشمار می روند. فرآیند ملت سازی هیچ معنا و مفهومی نداشته و در چارچوب و حدود جغرافیائی ملت فارس معنا و مفهوم خاص خود را داشته است و هر ملتی دارای ویژگی و عوامل سیاسی - فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی خود را دارا و متغیر از هم نوع خود می باشد و هیچگونه وجه تشابهی با یکدیگر در موارد مطروحه نداشته است.

هر ملتی ویژگیهای خاص خود را دارا می باشد که آنرا از دیگر ملتهای هم نوع متمایز می سازد. انتفاضه حاصل مجموعه ای از عواملی است که در بر گیرنده ویژگیهای اقلیمی منطقه بشمار می رود. انتفاضه نه از حمایت شیوخ برخوردار بوده و نه بر اساس ضعف دولت مرکزی در طهران شکل گرفته، تحولی ست که از جانب و از حمایت ملت عرب و بر اساس درک و شناخت شرایط عینی و ضرورت تحولات در جامعه کنونی تحقق و شکل پذیرفته است. تأکید بر این عوامل در جهت شناخت استراتژی و اهداف رهبران ایران و نفی اراده و خواست ملت و نسبت دادن انتفاضه به عوامل حاشیه ای می باشد. هویت ملی ارتباط مستقیم با فرآیند ملت سازی (همسان سازی) دارد و عنصر ملت بخشی از عناصر هویت ملی و مهمترین رکن هویت ملی بشمار می رود.

ملت عرب را در برابر پدیده های اجتماعی و عکس العمل هموطن عرب را در برابر نیروی مقابل (فارس) چنین ارزیابی می نماید.

- ۱ - تمایل به ازدواج کردن با اعراب (۱.۲۲ در صد)
- ۲ - تمایل به معاشرت با غیر اعراب (۱.۳ در صد)
- ۳ - تمایل به همسایه بودن با غیر اعراب (۱.۶۴ در صد)
- ۴ - تمایل به هموطن بودن با غیر اعراب (۱.۵۵ در صد)
- ۵ - تمایل به همکار بودن با غیر اعراب (۱.۶۵ در صد)
- ۶ - تنفر از غیر اعراب (۱.۵۹ در صد)
- ۷ - تمایل به زندگی در سایر نقاط ایران (۱.۸۱ در صد)

قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران صفحه ۶۸ - نورالله قیصری - مطالعات رهبردی.

دولت باید در جهت رفع مشکلات اجتماعی که بر آورده نشده اند و می توانند سبب رشد هویت قومی شوند، سریعا اقدام کند ص ۶۳.

جنگ و عدم بازسازی مناطق - شرایط سخت معیشت - عدم امکانات اولیه و رفاهی و در راستای اهداف دیموگرافی منطقه و تن دادن به ازدواج بخشی از جوانان عرب در استانهای فارس و اصفهان و ماندگار شدن را بر رجعت به وطن ترجیح دادند. تأکید و تمرکز مرکز مطالعات و تحقیقات پژوهشگر رهبردی بر عامل ماندگاری در چنین مناطقی و دادن تسهیلات و امکانات معیشت به مهاجرین جنگ بدیل بر عودت مجدد به وطن خود (الاهواز - ح) و ظهور مجدد مسائل قومی و رشد هویت قومی ص ۶۳.

ص ۶۴. اقدامات فرهنگی دولت زیاد نیست و باید در این زمینه فعالیت بیشتری صورت گیرد.

در صفحه ۶۵ در مورد ارتباط خانوادگی: تمرکز بر عامل برون گروهی و سازمانی ملت عرب و فروپاشی ساختار اجتماعی آن: گر چه انزوای اجتماعی خود نوعی بلیه است اما در شرایطی که مشکلات فراوان و زمینه رانده شدن هویت های مادون ملی از جمله قومی زیاد است، نفس ارتباطات زیاد خود زمینه ای برای رشد آگاهی جمعی از وضعیت مشابه و در نتیجه رشد هویت قومی می باشد. ص ۶۷ هر چه سطح آگاهی و سواد افزایش پیدا کند، تمایل و گرایش نسبت به هویت ملی افزایش می یابد و داشتن شغل مناسب می تواند کمک زیادی به از میان رفتن نا رضایتی و افزایش گرایش فرد نسبت به هویت ملی بنماید. رضایت به زندگی نسبت به هویت ملی بر دو پایه استوار است:

- ۱ - رضایت از مردم محل (۱۳ در صد)
- ۲ - رضایت از همسایه دیوار به دیوار (۱۳ در صد)

رابطه معنا دار است و بر اساس نظریه های هروشکا و گرونبرگ که معتقد به نظریه تسری می باشند، رضایت از زندگی (۱۸ در صد) و رضایت از خانواده (۱۲ در صد) همگی در جهت همبستگی انسان عرب نسبت به هویت ملی و در جهت فروپاشی ساختار و بافت اجتماعی تحت لوای هویت ملی می باشد. هر دو رابطه نسبت به هویت ملی معنا دار می باشند. (صفحات ۶۹ - ۶۸). مهمترین حوزه حساسیت، ازدواج با غیر عرب ها است که میانگین (۱.۲۲ در صد) ارزیابی این گویه نیز مثبت و معنی دار است. و گرایش اعراب به این عنصر از هویت ملی نیز مثبت ارزیابی شده است. به جز در یک مورد استثنائی تمایل به معاشرت و رفت و آمد با غیر اعراب (۱.۳ در صد) میانگین منفی و بسیار پائین می باشد و احساس تنفر از ایران (۴۰۹ . در صد) در میان اعراب می باشد و احساس تعلق به عنصر سرزمین در میان اعراب بسیار قوی است.

ص ۷۰ - ضعف گرایش به عناصر هویت ملی:

۱ - گرایش نسبت به سرزمین (۳۴%)

۲ - گرایش نسبت به ملت (۱۷%)

۳ - گرایش نسبت به دولت (۳%)

سرزمین (۳۴%) < ملت (۱۷%) < دولت (۳%)

مسافرت به سایر نقاط ایران از عنصر اصلی هویت ملی بشمار رفته و از روش احتساب ضریب همبستگی پیرسون در طیف لیکرت در رابطه با متغیرهای مدل اصلی (ملت عرب) تحقیق و هویت ملی و همچنین تعیین پایداری ... اجزاء تشکیل دهنده هویت ملی:

دولت
سرزمین

هویت ملی

ملت

تقسیم بندی مشکلات : مشکلات اجتماعی – فرهنگ - سیاسی - اقتصادی.

۱ – مشکلات اجتماعی (۸۸.۷ %) رتبه اول

۲ – مشکلات اقتصادی (۶۵.۵ %) رتبه دوم

۳ – مشکلات فرهنگی (۴۰.۲ %) رتبه سوم

۴ – مشکلات سیاسی (۳۴.۵ %) رتبه چهارم

ارزیابی هیچکدام واقعی و عینی نبوده و در راستای استراتژی دولت ملی و هویت ملی ارزیابی گردیده است. دولت باید در جهت رفع مشکلات اجتماعی که بر آورده نشده اند (عدم تحقق آنها) می تواند سبب رشد هویت قومی (ملت عرب) شود، سریعاً اقدام کند.

مشکلات اجتماعی (۸۸.۷ %) < اقتصادی (۶۵.۵ %) < فرهنگی (۴۰.۲ %) < سیاسی (۳۴.۵ %).

ص ۵۷ – در روان شناسی و روان شناسی اجتماعی نظریات فیش باین و آیزن، نقش گرایش در بروز رفتار را بررسی کرده اند.

نظریه روزون اشتیل: ارضای نیاز – رضایت افراد – میزان دست یابی به اهداف و تجربه قبلی را در بروز گرایش مهم می داند. نظریه های هروشکا و گرونبرگ بر نظریه تسری که بر اساس آن رضایت از یک بخش زندگی به سایر بخش های آن منتقل می شود تأکید کرده اند.

انتقال هویت شناسی قدیم به مرحله بعد از آن هویت شناسی جدید امکان پذیر می باشد. بدین معنا که فروپاشی ساختار اجتماعی و بافت آنرا با توجه به عامل دیموگرافی نمودن مناطق توسط دولت ملی و ساختارهای حکومتی آن تحقق پذیر می باشد.

تخریب بافت و ساختار جمعیتی و ساختن شهرک و اسکان غیر بومیان در آنها.

نتیجه گیری کتاب از تحقیقات و پژوهش های انجام شده در میان ملت عرب بشکل زیر می باشد:

گرایش اعراب نسبت به دولت معنا دار است. هویت ملی در میان اعراب حل شده است. همین گرایش جای امیدواری زیاد دارد و می توان با اتخاذ استراتژی های فرهنگی و تبلیغی بسیاری از مرزهای موجود را برداشت. در فرآیند ملت سازی (یک ملت - یک سرزمین - نظام حکومتی خاص) هویت ملی معنا و مفهوم خواهد داشت.

فرآیند وفاداری به دولت ملی و هویت ملی و روابط اجتماعی و فرهنگی و تمرکز و تأکید بر عامل اقتصادی و برجسته نمودن آن و کم اهمیت جلوه دادن عامل سیاسی که عامل روز و فرهنگ حاکم بر منطقه می باشد، از دید و زاویه گرایش و وفاداری به دولت ملی و هویت ملی ارزیابی نموده مخدوش نمودن فضای سیاسی منطقه در چارچوب امنیت ملی کشور و توجیه فضای نظامی - سیاسی در اذهان و باور ایرانیان می باشد.

از اهم مسائلی که انتفاضه در شرایط کنونی با آن روبروست نحوه مقابله با توطئه های دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه می باشد. پاسخی که متناسب با پتانسیل و ظرفیت جامعه بوده، حمایت مادی - معنوی بعنوان پشتوانه استمرار انتفاضه از سوی نیروهای مترقی و مسئول در هجرت چنانچه بخواهد تاثیر گذار باشد شناخت واقعیات منطقه، همیاری و مساعدت و همفکری و همگامی با احزاب منطقه می باشد و تعمیق دیدگاهها و ارزیابی ها بر اساس شرایط عینی و خواست انتفاضه و راهکارهای آن

می باشد. با پشت سر گذاشتن تحولات و رویدادها در روزهای اخیر، نشان از درک معین نیروهای محرکه انتفاضه و راههای رسیدن به آن است. نیروی محرکی که قشرهای تهیدست و پائین جامعه را تشکیل می دهد، گرایش به خشونت به لحاظ محرومیت و در حاشیه بودن از صفات برجسته اقشار محروم جامعه می باشد.

استراتژی انتفاضه جلب حمایت طبقه متوسط جامعه، طبقه ای که گرایش به روش های مسالمت آمیز داشته و همراه نمودن دیگر طبقات اجتماعی است. توسل به خشونت بمعنای مات شدن و شکست در صحنه سیاسی منطقه است. راهکاری که هرگز نتایج مثبت به همراه نداشته و با معضل سیاسی و اجتماعی از زوایای آن برخورد نمود. مقاومت انتفاضه و تبلیغات سنو دولت ایران گمراه کردن و فریب دادن ایرانیان در برابر انتفاضه و خواست ملت عرب می باشد و نادرست بودن ادعای دولت جمهوری اسلامی ایران حضور در صحنه طیف سرکوبگر و خشونت طلب بسیج - سپاه - لباس شخصی ها و قوه قضائیه می باشد که هرم آنرا ولی فقیه و ولایت فقیه تشکیل می دهد. تحول اجتماعی در اشکال مختلف مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیزش پیش می رود که نمی توان برای آن تاریخ و مدت زمان و نه پیش بینی نمود. آنچه تا به امروز صورت گرفته کاری بسیار بزرگ و مهم در قالب انتفاضه.

انتفاضه چهره و ماهیت عریان دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را به جهانیان آشکار نمود و جهانیان و رسانه های خبری و خبرگزاری ها را متوجه اعمال و سیاست آپارتایدی حاکم بر منطقه و ملت عرب جلب نمود. شانتاژ سازی از جانب ولایت فقیه و ولی فقیه و قوه قضائیه - نیروی نظامی و انتظامی نمی

تواند خلی در اراده و هدف انتفاضه بوجود آورد. تشکیل جبهه ای وسیع که در بر گیرنده طیف های درون و برون وطن الاهواز - ح باشد.

در سالهای گذشته تحولات بیشماری رخ داده و بوقوع پیوسته که تغییرات عمدتاً اجتناب ناپذیر فرهنگی - سیاسی بوده، شناخت و درک جوهره ماهیت دولت ایران و گذشت هشت دهه و درک مواضع سیاسی طیف های ایران که هیچ نشانه مثبت در جهت دفاع از ملت عرب و محکومیت دولت ایران مشاهده نگردیده و موارد کثیری سکوت را اختیار نموده اند.

عمق فجایع جامعه و کاستی های آن به حدی ست که مردم از کمترین امکانات در جهت رفع وضعیت موجود بهره برداری می نمایند و از سرنوشت شوم که نتیجه اهداف و توطئه های اشغالگران نظامی - سیاسی در منطقه ست خلاصی یابند.

در خصوص انتخابات شوراها با استقبال بی نظیر و پر شکوه ملت عرب برگزار گردید و طبیعتاً نتایج مثبت و ایجابی عاید گردید. نتایجی که ثمرات آنرا ولو اندک و خفیف در رویارویی سیاسی و شناخت ماهیت دولت ایران- ولی فقیه و ولایت فقیه و به جنایات و حقایق بیشماری در دستگاه دولت و مجریان امور در منطقه کشف نمود و به نتایج مثمر ثمری دست یافت.

احزاب و شوراها دو عاملی که نقش اساسی در تحولات کنونی انتفاضه داشته اند عناصری که با خلوص نیت و صادقانه مبنی را بر خدمت گذاری و تحقق اهداف هشت دهه حاکمیت ایرانیان بر منطقه است.

ملت عرب با ثروت های بیکران و منابع طبیعی و محروم از ابتدائی ترین حقوق انسانی با توجه به ویژگیها و موقعیت های منطقه و واقعیت های موجود جامعه و شرایط عینی، ظهور و تلاش دو عامل فوق بطور محسوس در سرتاسر منطقه قابل لمس

و پیگیری مسائل و کاستی های جامعه و حمایت از اقشار ضعیف و حاشیه جامعه عینی ترین دلیل انتفاضه و برداشت های دقیق و بجا از مسائل و اعتماد و ایمان مردم به آنها نتایجی که روشنگری - ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - توطئه ها و اهداف پلید و شوم دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه رسالتی که با شیوائی و رسائی کلام مردمی طیف های بر شمرده خانه به خانه ملت عرب گردیده است. اتمسفر چنین تحولاتی بلحاظ سیاست ها و اهداف شونیستی قابل درک می باشد.

انتفاضه از پدیده های اجتناب ناپذیر می باشد که بر اساس نیاز و خواست جامعه و شرایط عینی شکل پذیرفته و در صحنه سیاسی منطقه دارای اهمیت حیاتی بوده و در مراحل گام به گام و کسب تجارب مسیر طولانی و پر از فراز و نشیب رویدادها و وقائع بیشماری که پشت سر گذاشته بر میزان صلابت و آبدیده شدن انتفاضه تأثیر بسزائی داشته است.

جامعه کنونی با ساختار سنتی و رو به رشد سیاسی - فرهنگی خویش و گسستن و پشت سر گذاشتن قیود و عقب ماندگی اقتصادی و فقر سیاسی و فرهنگی با پذیرش تحولاتی در دگرگونی های اجتماعی با پذیرش جامعه ای نوین با اسلوب و منش امروزی و خروج از انزوا و در حاشیه بودن به جامعه ای پویا و ساختاری تبدیل گشته، عاملی که ملت ها در پی تحقق آن می باشند.

آنچه در انتفاضه حائز اهمیت حیاتی ست نیاز و خواست های ملت عرب برای تغییر و تحول شرایط کنونی و تطبیق ساختار معیشتی و دیگر عوامل اجتماعی با مهاجرین به منطقه که عموماً غیر عرب می باشند از زندگی و سرنوشت رقت باری برخوردار می باشند. بطور یقین دولت ایران برای اثبات وجود

و خارج نشدن از صحنه پیکار و تسلط بر اوضاع منطقه برخوردی خشن به بهانه دفاع از میهن و اسلام دست خواهد زد. انتفاضه انعکاس طیف وسیعی از خواست ملت عرب بشمار میرود. دستگیری ها - هجوم شبانه به منازل - قطع برق - اتصالات تلفنی و اینترنت همگی پیش زمینه های سرکوب گسترده در سطح منطقه می باشد. طبیعی ست هر تحول و حرکت وسیعی تلاقی خواست گوناگون و طیف در برگیرنده است.

انتفاضه با پیشاهنگی مردم همراه بوده. بخشی از طیف سیاسی که همگام با خواست و درک شرایط عینی جامعه همسو با تحولات بوده سعی نمودند بنوعی صفوف شان را با مردم هماهنگ نمایند نه آنقدر پیش افتاده و نه آنقدر پس. آنچه در شرایط کنونی برجسته و آشکار گردیده نخبه کشی شاخص تر از دیگر پدیده های اجتماعی توسط جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه پیشه ی اهداف و نظام سرکوب و وحشت در انتفاضه هویت بچشم می خورد. دستگیری - شکنجه فعالان سیاسی - روشنفکران و تحصیل کرده بخش عمده چنین سرکوب و تهاجم وحشیانه است.

شناخت ماهیت دشمن و به چالش کشاندن آن از مراحل اولیه و ابتدائی انتفاضه ست. و شناختی که از تجربه حاصل گردیده و این تجربه میسر نگردیده مگر در کوران پروسه هشت دهه تحقق یافته. چنین تجربه و چنین شناختی ما را به مراحل نوینی از پروسه انتفاضه هدایت می نماید.

واقعیت هائی که پتانسیل انتفاضه هویت بشمار می روند:

۱ - حرکت های سیاسی و اجتماعی مردم.

۲ - ارتقاء سطح سواد و آگاهی عمومی طی سه دهه اخیر. این تحول منجر به رشد آگاهی سیاسی و توسعه آن در سرتاسر منطقه منجر گردید.

۳ - طرح استعماری نیشکر و غصب وسیعی از اراضی کشاورزان در منطقه.

۴ - انحراف آب رودخانه کارون.

۵ - تغییر دیموگرافی منطقه - مهاجرت و تبعید نخبه گان ملت عرب.

اگر چه به لحاظ دانش و آگاهی فاز جدیدی را گشوده است اما نباید از نکات قوت و ضعف انتفاضه چشم پوشید. عدم تشکل و انسجام و رهبری انتفاضه تأکید نمود که نمود عینی استمرار و عدم استمرار و تأثیر شرایط تحمیلی را از جمله عوامل آن دانست. فرهنگ سیاسی حاکم بر منطقه می بایست همسو و دوشادوش فرهنگ تشکیلاتی که لازم و ملزوم یکدیگر می باشند، برجسته نمودن ضعف ها در جهت رفع آنها و قدرت بخشیدن به نقاط ایجابی آن از جمله مواردی است که می بایست به آنها بهاء داد. احزاب منطقه طیفی از طیف های سیاسی بشمار رفته و نه کل آن وقائع و رویدادها و حوادث جاری و آتی لایه بندی های جدیدی در میان احزاب و سازمانها و جبهه ایجاد خواهد کرد و روند پالایش بر اساس واقع بینی شرایط و تحولات و موضعگیری های اساسی و اصولی شکل پذیر خواهد بود نه طرح شعار و مرز بندی های خارج از چارچوب مسیر انتفاضه و درک ضرورت ها و شرایط عینی جامعه. طیف های سیاسی منطقه - جدای از مثنی سیاسی دارای شالوده اجتماعی نیز هستند و شالوده اجتماعی تحولات پشتوانه بقاء و استمرار مسیرشان است.

چنانچه شاهدیم انتفاضه بخشی جدا نشدنی از پیکره ملت عرب و استمرار آن نیروهای بالنده را در عرصه عمل سیاسی بدست می‌آورد. هیچ یک از احزاب - سازمان ها - جبهه مصون از اشتباه نمی باشند.

هر کس عمل سیاسی کند به لحاظ پستی و بلندی های مبارزه - تغییر و تحولات در کلیه ابعاد آن - حوادث و وقائع و رویدادها غیر قابل پیش بینی هستند ولی میتوان در برابر آنها ایستادگی و مبارزه نمود و به عقب راند و چنین ویژگی‌هایی در پروسه مبارزه سیاسی مد و جزرهای اجتماعی خاص خودش را به همراه داشته و عاری از اشتباه نمی باشد. مهم آنست که از اشتباهات پند گرفته و تاکتیک ها و استراتژی مناسب و مبتنی بر واقعیات عینی جامعه و درک و شناخت ماهیت اجتماعی - سیاسی دشمن ولی فقیه و ولایت فقیه و دولت ایران اندیشید.

کشش بار سیاسی سنگین جامعه بر دوش انتفاضه و پذیرش ابعاد وسیع جغرافیائی و سیاسی و انسجام و تشکل و هماهنگی در عمل سیاسی - یک پارچگی و شعار واحد و عدم تحقق آنها باعث آسیب پذیری اجتماعی انسانها و سنگینی بار و حجم انتفاضه را بر دوش طیف های سیاسی تحمیل نماید.

ظهور شرایط نوین نیاز به خانه تکانی سیاسی داشته و انسجام و تشکل را متناسب با نیروهای اجتماعی هماهنگ نمود نه پیش و نه پس.

انتفاضه باید دارای استراتژی باشد و هویت انتفاضه استراتژی آن می باشد.

انتفاضه در چارچوب تشکل سازمانها - احزاب و جبهه بقای خود و استمرار خویش را تضمین نموده و با اتکاء به پایگاههای اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و اقتصادی طی مسیر می نماید. جامعه از حرکت باز نخواهد ایستاد و تغییر و تحول روند توسعه

سیاسی را پایدار می نماید. طیف سیاسی برای بقاء و استمرار انتفاضه و تحولات جامعه می بایست پاسخ گوی نیازهای اجتماعی و ادامه دهنده چنین تحولاتی باشیم. بطور قطع نمی توان پیش بینی نمود در آینده تحولات اجتماعی به چه شکل و مسیر جامعه کدام جهت سیاسی را دنبال نموده و دچار چه نوساناتی گردد.

شکست و یا پیروزی (انتفاضه و یا پیروزی دولت ایران نیست) بلکه به مفهوم این است که جنبش اجتماعی دیگری سر برآورده و قرائن- شواهد و مؤلفه های کثیری دال بر یک جنبش اجتماعی با انبانی از تجربه انتفاضه هویت و در بر گیرنده جغرافیای منطقه و در پی تغییر سیاسی و اجتماعی جامعه و منطقه باشد. این جنبش اجتماعی هنگامی که مجال سیاسی بیابد دگر بار به سطح جامعه خواهد آمد و همانند سالهای گذشته در جامعه سیاسی کنونی منطقه با تجارب و آموخته های نوین وارد کارزار خواهد شد. بن بست سیاسی دولت ایران و اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه - توسل به قوه قهریه و عناصر سرکوب گر و میلشای جمهوری اسلامی و نیروی نظامی و انتظامی - لباس شخصی ها و خلق جو خوف و وحشت دور از انتظار نبوده و شرایط حکایت از تنش و درگیری فی مابین می باشد و بررسی زوایای مختلف انتفاضه بازگشت به مرحله پیش و با توجه به تغییر شرایط اقلیمی - منطقه ای و جهانی دشوار بوده ولی بررسی این مورد با توجه به تحولات پیش آمده و پیش رو بجا و ضروریست.

اوضاع کنونی و تغییر شرایط مقاومت اجتماعی را در درون خویش پرورش داده و انفجار اجتماعی را در پی خواهد داشت. باز نگری و باز بینی وقائع و تغییرات و ارزیابی ها و تجارب حاصله از نبرد دو طیف اشغالگران نظامی - سیاسی و ملت

عرب درس های آموزنده را در جهت پیشبرد اهداف و خواست انتفاضه را به همراه داشته است. به چالش کشاندن جمهوری اسلامی بر اساس شرایط عینی و نیاز و ضرورت جامعه می باشد. دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه سرمست از قدرت نظامی - قضائی خویش و نهادهای تحمیلی و مهاجرتی در منطقه همچنان از درک واقع بینی جامعه و شرایط دشوار آن عاجز و در انحصار قدرت و سرکوب و اهداف آپارتایدی و شوونیستی به مسیرشان ادامه می دهند. شعارها و مواضع آشکار انتفاضه ناگفته های بیشماری را به دولت ایران گوشزد و از عواقب خطیر و نسنجیده آنان بر حذرشان داشت. ملت عرب با گسستن زنجیره های او هام و فریب کارانه ولی فقیه و ولایت فقیه چهره از نقاب اهریمنان جمهوری اسلامی و دولت ایران برداشت و حاضر به فریب خوردن ایدئولوژی های به ظاهر متضاد و در عمل اشتراک در هدف و استراتژی و عمل سیاسی واحد از جانب ایرانیان نخواهد پذیرفت و به انتفاضه خویش بر علیه غارتگران و شوونیست های فارس به هر شکل و شمایل آن ادامه خواهند داد.

انتفاضه ای که به دو هفته گزائید حکایت از ادعاهای بیشماری است. گسترش و عمق انتفاضه و سرایت آن به روستاها و اقصی نقاط منطقه و اعزام هیأتی از رئیس جمهور ایران- وزارت اطلاعات- اعزام نمایندگان پارلمان (منطقه) بهترین دلیل و اثبات چنین ادعائی است.

منزوی نمودن - تحمیل شرایط - بی تفاوت بودن - جنجال آفرینی بدون شک هسته مرکزی دورانی است که فاصله توطئه ناتمام کنونی با توطئه های بعدی را تشکیل می دهد. این همان ترفندی است که دریا دار و استاندار وقت منطقه احمد مدنی در تاریخ ۳۰ . ۵ . ۱۹۷۹ در محمره به اجرا گذاشت. (وظیفه

یکایک ماست از کلیه مکتب های بین المللی و بشر دوستانه
بخواهیم این جانی را دستگیر نموده و به میز محاکمه و عدالت
بکشانند).

طیف سیاسی و انتفاضه

طیف سیاسی منشاء قدرت سیاسی مردم می باشند و با چنین پشتوانه عظیم و حائل اهداف سیاسی به تحقق می رسد. انتفاضه هر گامی که پشت سر می گذارد بطور طبیعی اتحادی از عناصر شرکت کننده را تشکیل می دهد. اتحاد از جانب چه کسانی ست و عنصر دخیل در انتفاضه دارای چه صفات و القابی هستند؟

با عمیق شدن انتفاضه و خواست مشروع ملت عرب با جذب بیشماری از نیروهای صادق و خدمت گذار و ذوب نمودن اقشار بیشماری از مردم نیروهائی که سعی نمودن در دستگاه اداری و دولتی خدمتی به هموعان خود نموده و بار سنگین اجتماعی و اوضاع اسف بار معیشتی را بنوعی کاهش دهند و از فروپاشی بافت اجتماعی ممانعت بعمل آورده که با چهره عریان و وحشی ولی فقیه و ولایت فقیه و دولت ایران مواجه گردیده و به همسوئی با انتفاضه و ملت خویش گام های ایجابی و پر ثمری برداشتند و همگی دارای مناصب و سمت های برخوردار بودند و عمدتاً از اقشار کم در آمد جامعه هستند. انگیزه اصلی رویکرد از نظام و تعابیر هویت کنونی دولت ایران و اهداف شوم و شرایط بغرنج کنونی منطقه، انتخاب را بر خدمت گذاری به هموعان و ملت خویش ترجیح دادند.

هر ملتی پیش از آنکه مورد تجاوز قرار گیرد، باید ابتکار عمل و مقابله با تجاوز را بدست گیرد. ملتی با چنین اراده بازنده میدان مبارزه نخواهد بود. برای شناخت و ارزیابی انتفاضه

شرکت طیف های سیاسی و تاثیر پذیر بدون آنها بر انتفاضه و کیفیت پروسه مبارزاتی آن می باشد. همسوئی و همگامی مهاجرین سیاسی با انتفاضه نشان بینش بالا و درک مسائل منطقه می باشد. دانستن حقیقت - تطبیق واقعیت را به همراه دارد. اشتراک و وحدت عمل سیاسی اگر چه در پروسه مبارزه آنها بشکل مقطعی و نه دراز مدت تحقق خواهد یافت. دیدگاههای مشترک و اهداف مشترک از خصوصیات بارز چنین اتحاد عمل سیاسی ست. سیاست طرد و نفی جریانات سیاسی عملا ناممکن و مخرب می باشد و از آسیب پذیری اجتماعی و سیاسی بالائی بر انتفاضه برخوردار می باشد و به پراکندگی نیروها و عدم جذب دیگر عناصر کمک چندانی نمی کند.

باید دید ملت ما (ملت عرب) چه کسانی را در کنار خودش احساس می نماید و از آنها حمایت می کند. طیف یک پارچه و متحدالشکل حکومت با استراتژی واحد و هدف واحدی بر علیه ملت ما عمل می نمایند و نباید خوشبین و خوش باور بود که بخشی از دولت ایران در برابر انتفاضه ملت عرب از خود انعطاف و همسو بوده، هرگز.

آنها (دولت ایران) ولی فقیه و ولایت فقیه متحدا و متفق اند هر عمل نظامی و سرکوبگرانه را در منطقه جهت استمرار اشغال نظامی - سیاسی خویش به اجرا در آورند و دشمن ملت عرب در برابر ما متحدالشکل و متحدالقول می باشد. ما نیز در برابر چنین دشمن غداری صفوف خود را فشرده و عناصر حکومتی و پرسنل ادارات دولتی- شرکت های تولیدی دولتی - راهنمایی و رانندگی - بانک ها - راه آهن همگی را به انتفاضه پیوند داده و بخشی از انتفاضه هویت بشمار آورد. رشادت ها و مساعدت های آنان در حافظه تاریخ ملت عرب جاودانه خواهد ماند.

طیف های سیاسی داخل وطن (الاهواز - ح) و نیروهای مستقل صرف نظر از دیدگاهها و برداشت هایشان نسبت به جمهوری اسلامی ایران که ناشی از شرایط و فضای بسته سیاسی بوده - سهم بسزائی در شناخت ماهیت و اهداف شوم ولی فقیه و ولایت فقیه و دولت ایران داشته اند و خدمات شایان توجه ای به انتفاضه نموده اند و تلاش های بی وقفه در شهرها و روستاها که ولی فقیه و ولایت فقیه حمایت از اسلام و مستضعفین که در اصل استراتژی نظام را تشکیل میدهد و مخدوش نمودن و تشویق افکار عمومی می باشد. می بایست چنین سلاحی را از (توسل به سنت مردم) ولی فقیه و ولایت فقیه گرفت و بر علیه خودش بکار گرفت. اینست آنچه سیاست و خط مشی می نماییم. باید دید و بیاموزیم دشمن ما از چه چیزی بیم و هراس دارد و در کجا مقاومت نموده و نسبت به چه چیزی عکس العمل نشان می دهد و عبارتی استفاده بجا و لازم

۱ - روش ۲ - حرف ۳ - عمل

روش هائی که جمهوری اسلامی در قبال حریف خود (نیروی مقابل) بکار می برد و بعنوان تکنیک جنگ روانی نام میبرد. می بایست این تکنیک را به ضد خودش بکار گیریم. حکومت و یا نظامی که پشتش خالی باشد و از پشتوانه مردمی برخوردار نباشد - دیگر به چه چیزی می اندیشد و یا در فکر چه چیزی است؟

انتفاضه و اینترنت

در آستانه رویدادهای چند هفته اخیر انتفاضه و در ادامه توقیف بسیاری از فعالان سیاسی و جوانان و غیر سیاسی - فشار قوه قضائیه - وزارت کشور - وزارت اطلاعات برای تحمیل سانسور و بستن کلیه منافذ خبری و اطلاع رسانی به خارج و قطع تلفن و اینترنت در ایام انتفاضه از سوی وزارت پست و تلگراف و تلفن و خروج شبکه بین المللی الجزیره (خبرگزاری) عدم وصول خبرنگاران خبرگزاری های خارجی به منطقه و اطلاع از کم و کیف قضایا و وقائع و رویدادهای پیش آمده و جنایت ولی فقیه و ولایت فقیه و همسوئی اپوزیسیون ایرانی با جمهوری اسلامی ایران.

چپ به لحاظ ایدئولوژی و راست به لحاظ باورهای افراطی و شوونیستی خود همگی در یک صف و با شعار واحد بر علیه انتفاضه ملت عرب هم آواز با جمهوری اسلامی ایران و فیلترینگ نمودن سایت های سیاسی، ادامه بستن فضای سیاسی و سرکوب خونین که بیمارستان ها نیز از پذیرش مجروحین و طرد آنها و در مواردی تحویل مجروحین به مقامات امنیتی وزارت اطلاعات که همگان از طریق اینترنت و گزارش وقائع و تصاویر جابجائی نظامی و ایست های بازرسی شاهدش بودیم. کنترل و بستن کلیه منافذ چهره عریان دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را به نمایش گذاشت. اما حوادث بعدی نشان داد که این نیز بخشی از طرح بزرگی بوده که اکنون بعنوان عملیات سرکوب نام برده می شود. باید دید در پشت این اقدام در تدارک

چه جنایاتی و توطئه‌هائی هستند. دستگیری‌ها - شکنجه و اعدام حاصل بستن فضای سیاسی منطقه است.

جنگ اندیشه‌های کهنه و پوسیده با دانش - آگاهی و تکنیک در واقعیت از موضع ضعف سیاسی آنان ناشی می‌باشد. ترس و واهمه از سایت‌های سیاسی، چنین دولتی نمی‌تواند مقتدر و مسلط بر اوضاع باشد. ولایت فقیه و ولی فقیه و دولت دست نشانده که از حمایت و پشتوانه مردمی تهی باشد - می‌کوشد حمایت و پشتوانه خارجی را کسب نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران فکر می‌کند با ایجاد فضای رعب و وحشت ملت عرب را از استمرار انتفاضه و خواست خود ترسانده و مرعوب چنین جنایات دهشتناک خود نماید که حاکی از عمق وحشت و ترس از انتفاضه و ابعاد آن می‌باشد.

ملت عرب با تمسک به تاریخ با ارزش و حماسه‌ای خود بر سرزمین آباء و اجدادیش و تمسک به فرهنگ و آداب و سنن و به شهادت و قضاوت گرفتن تاریخ هرگز از حقوق مشروع خود عدول ننموده و به انتفاضه ادامه خواهد داد. بسیار غم‌انگیز است وقتی که به چهره‌هائی نگاه می‌کنی که تصور می‌کردند عزیزان و فرزندان‌شان زنده در زندان‌ها بیابند. حالا امروز بقایای پیکرهای پاک و نحیف‌شان را در کیسه‌ها در رودخانه کارون با آثار شکنجه و سوختگی پیدا می‌کنند. چنین جنایات هولناک و ضد بشری زبینه‌تن بی‌آلایش و ضمیر و ماهیت اشغالگران ولایت فقیه و ولی فقیه می‌باشد.

سرعت تحولات بشکلی ست که وقائع و رویدادها بسرعت کهنه شده و حوادث جدیدی جایگزین آن شده. تحمیل انتفاضه بر طیف سیاسی درون و برون و تأثیر پذیری آن بر مواضع و صف بندی طیف سیاسی موجود نشان از غفلت و عدم درک ضرورت‌ها و اولویت‌های جامعه بشمار می‌رود.

تغییر دیموگرافی منطقه و اعزام نیروی تحصیل کرده و دارای تخصص به سایر نقاط ایران از جمله موارد چنین غفلت هائی است که خارج از برنامه ریزی های سیاسی و فرمول بندی های اجتماعی آن بوده که تشکیلات طیف سیاسی بدان متکی و پایه و اساس تئوری آنها را تشکیل می دهد. تغییر و تحول و رویدادهای اخیر منطقه متأثر از چنین وقائع و حاصل عمل کردهای اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه می باشد. انطباق تحلیل و مواضع بر اساس شرایط عینی جامعه و هماهنگی عمل سیاسی (تئوری و پراتیک) با احزاب و نیروهای مستقل درون، اتحاد عمل و ارائه برنامه واحد ضرورت استمرار انتفاضه و حفظ نیروی تأثیر گذار در صحنه و ضرورت تشکیل اتحاد در جناح بندی طیف های سیاسی در مرحله گذار، عامل بالفعل در برابر اهداف و بازوی سیاسی در برابر دشمن (دولت جمهوری اسلامی ایران) و تاخت و تازهای سیاسی و دیپلماسی آن در صحنه بین المللی می باشد.

ادامه و استمرار وضعیت نظامی در شهرها و اطراف آن در بی ثباتی و ناپایداری جهت سرکوب نمودن ملت عرب و دستگیری های شبانه توسط اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه و اعزام نیروی بیشمار نظامی ورزیده برای کنترل اوضاع و مرز. این تصمیم چنان قاطع توسط ولی فقیه و ولایت فقیه و دستگاههای ذی نفوذش اتخاذ گردید که پیش بینی چنین وضعیتی دور از انتظار دولت ایران نبوده - گسترش و وسعت بخشیدن انتفاضه به کلیه شهرها و روستاهای دور دست، نیروهای اعزامی را به درون منطقه فرا خوانده و سلاح هایشان را بسوی ملت عرب نشانه گرفتند. وجه تشابه دو انتفاضه (محمره - هویت) را به قیاس گذاشت. هر دو انتفاضه در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که از تاریخ پند و اندرز

نیاموخته و لشکر کشی را پیشه نموده و تبلیغاتی و شانناژ سازی های حکومت تئوکراتیسم های واپسگرا و متحجر به لحاظ برداشت های سیاسی خودشان تدارک دیدند، برای درک واقعیت های کنونی منطقه و شرایط بغرنج و اسف بار کافی نبود. حضور در صحنه طیف سیاسی و تعقیب نمودن تحرکات و امور و وضعیت جدید از جانب اشغالگران نظامی – سیاسی منطقه را در معادلات و محاسباتمان بگنجانیم.

انتفاضه و دكترين

تحولات اخير مرحله نوپني از تنش هاي اجتماعي را به همراه داشته و شكل و جوهره تحولات به گونه ديگري و در ابعاد وسيع تري مطرح گرديده و شعارها از شفافيت و شرايط عيني جامعه و ضرورت دريدين و شكافتن مرز نهائي محدوديت ها و حصارهاي تحميلي و حمل پرچم الاهواز - ح كه نشانه و سمبل ملت و منطقه مي باشد شعارها غافلگير كننده، اما نشان از واقعييت ها و شرايط جامعه ست.

اسقرار نيروهاي نظامي و ادوات جنگي منطقه را عملا در محاصره كامل نيروهاي تجاوزگر قرار داده - آرايش و تغييرات جدي در منطقه آشكار مي باشد.

تغيير روند سياسي و ادامه روند كنوني توانست با شكل گيري و قدرتمند شدن شوراهاي شهر و روستا و دخالت اين نهاد اجتماعي در تصميم گيري هاي اقتصادي - سياسي - فرهنگي شكل كم و بيش واقعي بگيرد. ناگفته هاي بي شمار و شرايط سخت نظامي - سياسي و عميق تر شدن فجايع منطقه و كاستي ها و بر جسته شدن آنها در سطح جامعه (اعتياد - بيكاري - فساد - سرقت - قتل) همگي محصول اشغالگران و نظام آپارتايدى تئوكراتيسم هاي حاكم مي باشد.

رو در روئي و قرار گرفتن دو جريان اجرائي و حكومتي در برابر يكديگر، يكي در جهت اثبات و ديگري در جهت نفی واقعييت ها و برداشت هاي سياسي منطقه، استمرار و تثبيت وضعيت موجود در كلييه ابعاد سياسي - اجتماعي - فرهنگي و

اقتصادی آن و دیگری در جهت تغییرات بر اساس شرایط عینی و ضرورت جامعه و مبرم بودن آن در شرایط کنونی. شوراها و نیروهای صادق و وفادار به اهداف دراز مدت ملت عرب و عدم تحمل و پذیرش چنین روندی که در برگیرنده منطقه و خواست و مبارزه با کاستی های جامعه و رفع آنها و مردمی بودن عناصر و نیروهای شوراها که بدور از هر وابستگی فکری و جناحی و با پذیرش مسئولیت سنگین و خطیر شرایط را بر خود تنگ نموده و هدف را بر سنت شکنی اداری و حکومتی با پذیرش عواقب و نتایج آن ترجیح دادند. دکترین: تئوری اهداف و حفظ موقعیت اشغالگران نظامی - سیاسی.

- ۱ - تقویت مواضع و جریانی که در جهت حفظ مصالح حاکمیت ایران بر منطقه.
- ۲ - طرح کهنه کمر بند امنیتی (لایه های قطور واحدهای اطلاعات و ضد اطلاعات).
- ۳ - پادگان ها و موقعیت های رزمی متعدد در سطح منطقه.
- ۴ - تاسیس جبهه - حزب و سازمان از سوی دولت ایران.
- ۵ - کانال یا شبکه تلویزیون - ترویج عرق ملی - تمامیت ارضی - ملی گرایی.
- ۶ - چاپ - نشریه - کتب - جراید در جهت مصالح ملی و ترکیب اجتماعی کنونی.

عاجز از درک انتفاضه و توسل به مسائل حاشیه ای و به انحراف کشاندن آن و توجیه و برجسته نمودن اختلافات درونی و اجتماعی (اختلافات سنتی و متأثر از مسائل اجتماعی دو طایفه) که هیچ گونه تناسبی با انتفاضه نداشته ولی برداشت یا بهره برداری جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و جهت دار نمودن آن بدیلی از انتفاضه و مطرح نمودن و تمسک

به آن در سطح جامعه. سلاح و حربه ای که همیشه مورد توجه دولت ایران - جمهوری ولی فقیه و ولایت فقیه و تئوریسین های وابسته به آنها در جهت تحریف وقایع جامعه و توسل به چنین ابزاری جهت خروج از حلقه محاصره انتفاضه ست و بن بست سیاسی منطقه در برابر مقاومت ملت عرب در اشکال و شیوه های ابتدائی و مردمی آن که به کلاف سر در گم نیروی قهریه ولی فقیه و ولایت فقیه منجر گردید.

مقاومتی که تا پاسی از شب ادامه داشته و خواب را از چشمان بسیجی های اعزامی از طهران و دیگر مناطق گرفت. طبیعتاً نیروئی که از انسجام و تشکل و دیسیپلین خاصی برخوردار باشد از امتیاز و قدرت مانور بهتری برخوردار می باشد و نیروی سرکوب گر و رزمی از چنین ویژگی در برابر نیروی نامنظم و فاقد تشکل برخوردار بوده اما از حمایت و پشتیبانی مردمی.

قطع آب - برق - تلفن و سایت های اینترنتی از جمله اهداف ولی فقیه و ولایت فقیه در راستای بستن فضای سیاسی و سرکوب می باشد. مقاومت و ایستادگی و تغییر اوضاع و شرایط بسود انتفاضه و هدف و خواست ملت عرب را بر دولت جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمود. حفظ شرایط موجود بر گستره جامعه، مرحله نوینی از انتفاضه و اجرای قدرت در منطقه در برابر اشغالگران نظامی - سیاسی و سئو استفاده از احساسات و سنت گرائی - کمر همت بر نابودی و محو هویت تاریخی - فرهنگی - میراث و غارت ثروات منطقه جنگ انداخته است.

اجرای چنین اهداف و سیاست هائی هدفی بجز حفظ دولت و تثبیت آن در منطقه و استفاده از حیلها و ترفندهای سنتی که ریشه در وابستگی اعتقادی و ایدئولوژی مردم داشته و تا

حدودی کار ساز بوده - این حق و وظیفه و رسالت تاریخی مان است که در برابر هر آنچه دولت برای حفظ ساختار خود کامه اش در منطقه بکار می بندد - به افشای ماهیت اشغالگرانه و به مقابله بر اساس درک شرایط عینی و ضرورت آن به مقابله در هر شکل آن بر خیزیم.

حق تعیین سرنوشت بر اساس نیاز مبرم و تنها راه حل اوضاع کنونی ست. هرگز نمی توان به رشد - رفاه - آسایش و همزیستی مسالمت آمیز چشم دوخت مادامی که در اسارت و اشغال نظامی - سیاسی و حق کمترین تصمیم گیری و مشارکت در سرنوشت بوده و فاقد اختیارات قانونی و سرنوشت ساز بوده. انتفاضه در طیف سیاسی - خواهان احیاء و رشد طیف های اقتصادی - اجتماعی - و فرهنگی ست و پایان بخشیدن به غارتگری و چپاول و محرومیت از جمله اهداف انتفاضه کنونی ست. گذار از مرحله کنونی اجتناب ناپذیر بوده و به هر شکل از اشکال آن نه خوشبین و نه خوش باور بود و به دور از بغرنجی ها و حادثه آفرینی ها و بر اساس شرایط عینی بر اوضاع و وقائع مسلط بوده و بدنبال راهکار نوین و شیوه های اصولی بکار گیری ابزار مورد نیاز انتفاضه که حاصل واقع بینی و درک اوضاع و احوال کنونی و ارزیابی نیروهای حمایت کننده و پشتیبان انتفاضه و طیف سیاسی درون و بیرون می باشد. حوادث و وقائع مهم دیگری در این روند شکل خواهد پذیرفت. اما نباید اسیر و تسلیم آنها شد. عواملی که در هر تغییر و تحولی و انتفاضه ای دور از انتظار نبوده و نباید از اشغالگران نظامی - سیاسی انتظار گل شقایق را داشت باید شرایط سیاسی و موقعیت اجتماعی اشغالگران را ارزیابی نمود و بر اساس آن تحولات را بدنبال نمود و بسوی دشمن خیز برداشت. در واقع باید نتایج چنین عملکردها و اعمال دولت جمهوری اسلامی

ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را مورد ارزیابی مجدد و بررسی راهکارهای آن و چاره جوئی اساسی و عینی را وصف العین قرار داد و عمل نمود.

عقب نشینی و بست نشستن و بفکر راه و چاره نبودن خلاصه نمی گردد. بلکه مسیری را انتخاب نمود که از تلفات سنگین و عوارض و آسیب های اجتماعی به مراتب کمتری برخوردار باشد. دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه سعی نموده تا فرهنگ سیاسی جامعه را به آشوب و حمام خون بکشانند. همچنانکه تلاش می نمایند شکاف درون انتفاضه را خلق نمایند و طیف هائی از پیکره آنرا جدا نموده و تضعیف انتفاضه را به همراه داشته باشد. باید دید نشانه های چنین شکافی در کجا خودش را هویدا می نماید.

بنا بر این تحولی که در الاهواز - ح جریان دارد و همگی با آن روبرو هستیم در خور شأن و با هویت می باشد. انتفاضه ای با این تحول عظیم، طبعا دارای ساختاری ست - دارای زیر بنا و ربنائی ست که به آسانی شکل نگرفته و با پشت سر گذاشتن توطئه ها و فراز و نشیب های بیشمار شاهد تحولات کنونی آن هستیم.

چنانچه با عمق بیشتری به انتفاضه بنگریم آنوقت بر ایمان جابجائی و تغییر رؤسای جمهوری در ایران هیچگونه تغییری در سرنوشت و خط مشی سیاسی و نظامی حاصل نگردیده و ادامه همان استراتژی و هدف مد نظر دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه می باشد. بسیاری فاکت های اجتماعی و کاستی های آن بمنابۀ فلسفه مبارزاتی ملت عرب مشهود می باشد و مردم ما روزانه آنرا لمس می نمایند.

چنانچه واقعیت های اجتماعی و پدیده های شوم آنرا در کنار یکدیگر قرار دهیم فاکت ها به تحلیلی قابل تعمق و در خور شأن

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی می باشد و در این شرایط است که مفهوم واقعی خودشان را خواهند یافت، باید منتظر ماند و تحولات آینده را بر اساس معیارهای فوق و ماهیت آنرا بر شرایط عینی جامعه تطبیق نمود. به انتظار نشستن نه بمعنای در انتظار فرج آسمانی ست بلکه هر انتفاضه تحولات سلبی و ایجابی خاص خودش را بر اساس شرایط موجود و تطبیق شعار و عمل (تئوری و پراتیک) حاصل می گردد و باید ببینیم چه نیازی و چه عواملی در انتفاضه نقش تعیین کننده داشته و آنرا به فعل وادار نموده است تا این نیروها را با این شعارها به میدان کشاند و عواقب سنگین آنرا با جان و دل پذیرا شدند.

انتفاضه در صورت امکان و توان و حجم خود در برابر توطئه ها و اهداف پلید و شوم دولت ایران و ولی فقیه و ولایت فقیه به هر ارزش و بهائی ایستادگی و مقاومت کند. چنین مقاومتی به عزم راسخ و هوشیاری و درایت ملت عرب نیازمند است. چنانچه انتفاضه از این کارزار موفق و سربلند بیرون آید، مرحله نوینی از پروسه مبارزات تاریخی را آغاز خواهد نمود و با استفاده از تجربیات چند دهه گذشته در راستای اهداف آینده و حفظ و تثبیت دست آوردهای آن که در مرکز ثقل آن قرار خواهند گرفت. در تدارک این مرحله از مقابله و رو در روئی انتفاضه با ضد انتفاضه و آنتی تز آن مواجه گردد که جمهوری اسلامی با زمینه سازی و تحریک نمودن فضای منطقه را نظامی کرده و فرهنگ توسعه سیاسی و رشد آنرا متوقف و سرکوب نماید. درسهایی که از گذشته و حال برای آینده آموخت و پند گرفت، بدون شک انتفاضه تحولات خودش را به همراه خواهد داشت. باید به عمق این تحول که ریشه تحولات بعدی ست، توجه نمود و راهکار مناسب را به کار بست و انتفاضه را

بر اساس تحولات نوین و گام به گام به پیش برد. طیف سیاسی
جامعه بر این امر کاملاً آگاه و واقفند.

درس هائی از انتفاضه محمره

نسل انتفاضه محمره (۱۹۷۹ میلادی) با همان شعار - هدف و خواست مشترک به میدان آمد. انتفاضه هویت (الاهواز - ح) استمرار و ادمه دهنده انتفاضه محمره و تکاملی از هدف و خواست ملت عرب بشمار می رود. هدف و خواست مشترک ویژگی انتفاضه کنونی ست و از سوی دیگر تاکتیک های دو زمانه و اهداف ملی و محور تنش های کنونی را از زاویه به مخاطره افتادن امنیت ملی و دخالت نیروی خارجی از جمله اهداف رهبران جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه بدان متوسل می گردند. وقائع و رویدادها تحول خاص خود را به همراه خواهند داشت و بستگی به موقعیت و شرایط محیطی بوقوع پیوسته داشته که مسئله اساسی بشمار نیآمده، ولی تأثیر پذیری آن بر عوامل فوق و پیش رو و حجم و ارزش آن بر تحولات پیش آمده قابل تعمق و درنگ می باشد. سمت و سوی چنین پدیده هائی بستگی به روند انتفاضه خواهد داشت.

نه جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه تعبیر درستی از امپریالیسم و شیوخ الاهواز - ح داشته و نه چپ (ایدئولوژی) ایران حاضر به درک درستی از طبقات اجتماعی و بافت جمعیتی ملت عرب داشته و کپی وار استناد به متون و ایده های اندیشمندان شرق و اروپا و تطبیق و باورهای خویش را کلاسیک وار بر فرمول بندی آنها بکار می برند با توجه به اینکه هیچگونه وجه تشابه و سنخیتی بین بافت های اجتماعی و مجموعه قوانین حاکم بر آن می باشد که سلسله وار در برگیرنده

روابط اجتماعی و قوانین اجتماعی آن است و تغییر و تحولات جوامع کنونی را ناشی از کاستی‌ها و محرومیت پنداشته و ملت‌های جغرافیای ایران را با پشتوانه و حمایت شیوخ خود و امپریالیسم و شرایط حساس و موقعیت خطیر که تهدیدکننده امنیت ملی بشمار می‌رود مورد استفاده هر دو طیف دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و طیف چپ و سلطنت‌طلبان و مشروطه‌خواهان و پان‌ایرانیست، چنین القابی را متوجه انتفاضه نموده و حملات تبلیغاتی خویش را بر علیه ملت ما بکار بسته‌اند.

شرایط عینی جوامع کنونی و ضرورت بخشیدن به تغییر و تحولات کنونی و انفجار جوامع ملت‌های جغرافیای ایران و بدلیل خصلت‌های شوونیستی و آپارتایدی حاکم بر آنها از درک واقعیت‌های موجود عاجز مانده و ریشه تحولات اجتماعی کنونی را نسبت به شیوخ و امپریالیسم داده و ضعف جامعه‌شناسی و عدم تحلیل علمی و دقیق از جوامع سنتی و بافت اجتماعی آن و از سوی دیگر ضرورت تحولات و شرایط عینی ملت‌ها را با هاله‌ای از ابهام و گمراه‌کننده برای ملت فارس که خود نیز باعث و بانی فتنه و دشمنی فی‌مابین ملت‌های جغرافیای ایران را خلق می‌نمایند. می‌بایست بهر شکل ممکن با فرهنگ ستیز برخورد قاطع نمود و نسبت دادن نیروی سوم در امور داخلی و حق مشروع مبارزه و خواست ملت‌ها را با موضعی شفاف و قاطع در برابر آنان ایستاد و افشاء نمود.

شرایط عینی و واقع‌بینی و درک اوضاع و شرایط کنونی را پیشه‌هدف خود نمود و کاشتن بذر کینه و نفرت در میان ملت‌ها را به دوستی و اخوت (برادری) فی‌مابین تبدیل نمود و از میان ملیت مورد نظر شخصیتی را در برابر شخصیت دیگر قرار داده و سیاست تقویت جناحی در برابر جناح دیگر و نفی

خواست ملتی را پیشه خود نمودن و تمرکز و تاکید بر این موقعیت اجتماعی و خلق تشنج در بافت اجتماعی منطقه و عدم درک و هضم نظام اجتماعی ملت عرب و تحولات آن و تغییرات پیش رو و از سوی دیگر در جهت ایجاد شکاف و دو دستی در جهت همسوئی و رفع تنش های چنین جوامعی گام برداشت.

بطور مثال در انتفاضه محمره (۱۹۷۹ میلادی) جمهوری اسلامی ایران در پی یافتن آلترناتیوی در برابر عالم ربانی شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی صف آرائی نمود و بدنبال نیروی مخالف وی شیخ عیسی طرفی و علامه شیخ محمد کرمی آنان را نمایندگان دولت ایران در منطقه و برخی امور شرعی معرفی نمود و حزب پان ایرانیست که از زمان محمد رضا پهلوی در محمره تأسیس گردید که دارای دو جناح ۱ - محسن پزشکیور و ۲ - داریوش فروهر. هر دو دارای دیدگاه مشترک بوده ولی برداشت هایشان متفاوت بوده (نسبت به مسائل برداشت ها مقارن یکدیگر نبوده) و در شرایط کنونی منطقه و در نظام جمهوری اسلامی دفتر حزب پان ایرانیست دائر می باشد.

وجود چنین حزبی در منطقه بر دامنه اختلافات و رشد و ترویج افکار شوونیستی که پایه و اساس و براه انداختن فتنه و دسیسه بر تنش ها و تشنج های موجود افزوده و وجود این حزب در سرزمین عربی هیچگونه ضرورتی ندارد و می بایست برچیده شود.

محمره به لحاظ دارا بودن ویژگیهای مناسب مرکز ثقل و هرم انتفاضه ای گردید که به زعامت عالم ربانی شیخ محمد طاهر آل شبیر الخاقانی و طیف سیاسی آن گزینه و انتخابی که همواره ویژگیهای زعیم و رهبر قیادی مورد قبول نسل ۱۹۷۹ و بعنوان رهبر و سخنگو در سطح منطقه مورد قبول عام و خاص قرار

گرفت و در محمره تجمع و وحدت طیف سیاسی مزید بر این علت گشت. در الاهواز - ح وضع به گونه ای دگر بود. پراکندگی طیف سیاسی و از سوی دیگر زعامت علامه شیخ محمد کرمی پذیرش چنین خواست و بار سیاسی و تبعات آنرا نداشت و اوضاع را آنگونه که هست و سیر آن در مجرای طبیعی و تسلیم اراده طبیعت را پذیرا بوده تا تحمیل آن و تغییر شرایط بر اساس نیاز و درک و ضرورت وقت و مهیا بودن شرایط ذهنی و عینی جامعه. عامل تعدد آراء و برداشت گوناگون از تحولات مابین دو عالم ربانی و فقید و راحل برنامه گرفتن از یکدیگر و سئو استفاده و بهره برداری دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت اهداف خویش باعث تضعیف قدرت و دو پارچه نمودن آن منجر گردید. اختلاف در برداشت ذهنی دو عالم ربانی بود نه در جوهره و هدف. عدم شناخت کافی ملت عرب از طیف سیاسی خویش بدلیل فضای بسته سیاسی و حساس بودن دولت جمهوری اسلامی ایران از تغییر و تحول سیاسی ملت ها و عدم انسجام و تشکل و یافتن یکدیگر حول یک هدف و یک شعار بهترین جایگزین رهبران دینی جامعه در شرایط وقت بشمار می رفتند. عالم ربانی شیخ خاقانی از موضع انقلابی و رهبری سیاسی متناسب با شرایط جامعه و خواست ملت عرب از جایگاه والائی برخوردار بوده، هرگز از اذهان تاریخی منطقه و اهداف و عملکردهای مثبت محو نخواهد شد. استاندار منطقه (سید احمد مدنی) و خوی نظامی گری، خشونت را بهترین جایگزین اوضاع و احوال وقت بشمار آورده و با سرکوب و بستن مراکز و کانون های فرهنگی و سازمان سیاسی در سرتا سر منطقه و ریختن خون سیصد شهید و پانصد نفر دستگیر و مجروحین غیر قابل آمار بمدت سه روز چهارشنبه - پنج شنبه و جمعه که معروف به چهارشنبه سیاه و

ساعت چهار بامداد ۳۰.۵. ۱۹۷۹ و اعدام های مخفیانه و سری و بدون محاکمه (خاطرات شیخ صادق خلخالی در این مورد خواندنی ست). انتفاضه محمره تنها در این چند سطر خلاصه نمی گردد.

تطبیق تئوری بر واقعیت انتفاضه بمعنای اخص کلمه زمان و مکان مناسب و تصویر نزدیک به واقعیت و اوضاع بغرنج منطقه که لحظه به لحظه حوادث و رویدادها شتاب گرفته و بر یکدیگر پیشی نموده، دقت عمل و تمرکز بر مسائل را پیگیری می نماید.

در جائیکه دولت جمهوری اسلامی ایران خود را در محاصره و حلقه تنگ میدان مبارزه سیاسی در چارچوب انتفاضه می بیند، تاثیر پذیری و انسجام می تواند مهر خودش را بر پیشانی تحولات و دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه بزند.

حل معضل سیاسی و ایجاد (خلق) زیر بنای اقتصادی - اجتماعی که در بر گیرنده منافع و مصالح وسیع ترین اقشار و طبقات محروم اجتماعی را تامین کند و وظیفه مبرم انتفاضه را تشکیل می دهد. دکترین دولت ایران که بر پایه و اساس جغرافیای واحد و نظام واحد و وحدت کلمه خلاصه و مبتنی می گردد با پشت سر گذاشتن سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی و بکار گیری اسلوب و منش های سرکوب گذشته و عدم پذیرش شرایط کنونی و تغییر و تحول و رشد آگاهی سیاسی ملت عرب بدنبال تحقق دکترین خود در منطقه می باشد.

در دناک بودن این روند در شرایط کنونی در این نکته نهفته است توقف و ایستائی زمان و شیوه برداشت فکری و تطبیق آن با سه دهه گذشته است. تاکید و ضرورت یاد آوری انتفاضه محمره به قیاس گذاشتن و انطباق آن با انتفاضه کنونی بلحاظ وجوه مشترک و دکترین آن می باشد.

انتفاضه کنونی محصول هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی منطقه است و در شرایط کنونی دوران رشد و بلوغ فرهنگ سیاسی و گسترش آن در سطح منطقه می باشد.

تعدد توطئه ها و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران دلالت بر انتفاضه و هدف آن بشمار می رود و ادامه دهنده و استمرار و تلفیقی از انتفاضه های گذشته است.

استراتژی دولت جمهوری اسلامی ایران بزرگترین تهدید کننده تمامیت ارضی منطقه بشمار می رود و بغرنج بودن اوضاع و شرایط حساس را نمی توان با سطحی نگری و نپرداختن به عمق و ریشه اوضاع و شرایط موجود و خود را اسیر حوادث و وقائع و رویدادها و تسلیم شرایط و حفظ وضع موجود (پوزیتیویستی) بنمائیم. اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک منطقه و معادلات استراتژیک دکترین دولت جمهوری اسلامی ایران و متنوع بودن دیدگاهها، ما را در رسیدن به هدف و شناخت شفاف دشمن غدار قدم به قدم نزدیک می نماید. خواست سیاسی انتفاضه فراتر از تنش های موجود با حاکمیت جمهوری اسلامی است. عمق انتفاضه - آگاهی سیاسی - انسجام و پرهیز از به انحراف کشاندن آن توسط دشمنان ملت عرب و استمرار آن اندیشید و چاره جوئید و آرایش پروسه مبارزه را تکمیل کرد و در اتحاد با یکدیگر عمل نمود و با پشت سر گذاشتن مراحل دشوار و صعب العبور ورود به مرحله نوین را پایه گذاری بنمائیم. مرحله نوین که رسیدن به آن مسیر طولانی و دشواری را می طلبد. منطقه از اهمیت استراتژی بالائی برخوردار است و اکتفا نمودن به شعار خلاصه نمی گردد. با انتخاب و جایگزین نمودن گزینه های دیگر بر وزن و حجم انتفاضه افزوده و دشمن را و انمود به تغییر مواضع و اهداف توسعه طلبانه و آپارتایدی خود بنمائیم.

خواست و اراده انتفاضه که نمودی آشکار از قدرت ملت عرب در منطقه ست آنرا تبدیل به تحمیل اراده و خواست خویش بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و افشای ماهیت و عملکردهای سه دهه گذشته بنمائیم.

در شرایط کنونی برجسته نمودن دست آوردهای انتفاضه در برابر استراتژی و دکترین اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه که همانا محو و نابودی بافت اجتماعی و ساختار کنونی منطقه و تغییر دیموگرافی آن - غصب زمینهای کشاورزی - تخریب و غارت میراث فرهنگی و انتقال آن به طهران - تخریب اماکن فرهنگی که میراث منطقه بشمار رفته - طرحهای استعماری نیشکر - شهرک هائی که جهت تغییر بافت اجتماعی و ساختار سیاسی منطقه ساخته شده و اسکان داده شده اند.

جمهوری اسلامی ایران تلاش می کند رقبیش را که از توانائی چندانی برخوردار نبوده و قدرت به چالش کشاندن را نداشته حداکثر نفوذش را در منطقه تدارک دیده و قدرت و تسلط خویش را به اثبات برساند.

مناطق ژئوپولیتیکی در معادلات و دکترین دولت جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند. در شرایطی کنونی و نظر به اینکه عدم تناسب نیرو در منطقه، ملت عرب، دولت جمهوری اسلامی ایران و نیروهای حامی و سرکوبگرش را به چالش کشانده و خواهان تغییر مشی سیاسی در منطقه و مصالح آن که به غارت و چپاول منابع طبیعی منجر گردیده دست شان را کوتاه نموده و به وضعیت کنونی خاتمه دهد.

استراتژی دولت ایران دست یابی به مصالح استراتژی و حضور قدرتمند نظامی در منطقه است. (وجود پادگان های متعدد و حضور مستمر نیروی وسیع نظامی در منطقه).

تقویت و گسترش حضور نظامی معنا و مفهوم خاص خودش را جستجو می کند. طی هشت دهه دکتترین نظامی و اهداف آن که پیش تر اشاره رفت حکایت از توسعه طلبی و اهداف بلند پروازانه دولت ایران و جمهوری اسلامی در منطقه می باشد. مضافاً تغییر بافت اجتماعی و ساختار سیاسی منطقه و بطور طبیعی و حتم تغییر ساختار اقتصادی را به همراه خواهد داشت. تغییر ناخواسته و اجباری دیموگرافی منطقه تکمیل کننده ساختارهای فوق بوده، تغییرات ریشتری و آرام بر اساس دکتترین دولت جمهوری اسلامی ایران و فلسفه محو هویت و پاکسازی ملت عرب و اهداف آپارتایدی سر منشاء یکسان سازی آنان است و بر این منوال است که جمهوری اسلامی با هرگونه انسجام که هدف و خواست و از حمایت و پشتوانه مردمی بر خوردار باشد به حذف فیزیکی آن اقدام نموده و بشدت سرکوب می نماید. جزئیات (جزء به جزء) تحولات بدست آمده و حفظ آنها از اهمیت دو چندان برخوردار میباشند.

استمرار تحولات سیاسی بر مبنای نتایج حاصله از چنین تحولاتی است که زیر بنا و چارچوب و استخوانبندی محکم انتفاضه را تشکیل می دهد. موضع گیری های بجا نشان از شناخت عمیق رویدادها و تاثیر بجا از رخدادهای بوقوع پیوسته است. طیف های سیاسی درون و برون منطقه در مقاطع گوناگون پروسه مبارزات خویش و از سوی دیگر دشمن انتفاضه با در اختیار داشتن کلیه امکانات و قدرت مانور، استراتژی خود را بر مبنای مسائل روز انتفاضه تنظیم و تعقیب می نماید و بعنوان حاکم سیاسی و نظامی منطقه به اثبات برساند. پدیده های اجتماعی نقش حائز اهمیتی در مقاطع مختلف و کنونی ایفاء می نمایند.

طیف های سیاسی با آرایش سیاسی و تشکیلاتی خود (تغییر و تحول ضامن حیات سیاسی و مقطعی بودن اوضاع و شرایط وقت بشمار می رود). هر آنچه در مجرای استراتژی خلاصه گردد و تحقق اهداف و توطئه های دولت جمهوری اسلامی ایران را بدنبال داشته باشد، باید در پروسه انتفاضه عقیم و کیش نمود. بنا بر این می بایست به وظیفه خودمان عمل نموده و از افشاگری بعنوان ابزاری برای تعمیق آگاهی انتفاضه و رشد سیاسی آن استفاده و بهره برداری نمود. چنانچه افشاگری محدود باشد جهت دادن به تحولات از چنان اهمیت و ظرفیتی برخوردار است که معیار و ارزش و میزان درک و شناخت هر طیف و جریان سیاسی بر اساس آنها و شرایط موجود و تحولات پیش آمده هویت و معیار دانش سیاسی آنان را به ترازوی عدالت انتفاضه و محک نمودن آنها در شرایط سخت از اهم مراحل و شناخت و اتخاذ مواضع و تصمیم گیری بر حیات سیاسی آن طیف تاثیر بسزا و سرنوشت سازی خواهد داشت. بخشی از حیات سیاسی دشمن بر اساس میزان و توازن حجم انتفاضه و بستگی به اتخاذ مواضع طیف های موجود در صحنه و بر عرصه سیاسی می باشد. زیرا جهت گیری (سمت و سو) حوادث و رویدادهای آینده و اتخاذ مواضع جدید، در این مقطع خودش را نمایان می سازد، نه فردیت جریان سیاسی که نفوذ دشمن به انتفاضه را سهل و آسان می کند. تاریخ جای هیچگونه تسامح و مماشات را نخواهد پذیرفت و رسوبات اجتماعی و سیاسی را به حاشیه خواهد راند (در هر مقطع و هر جایگاهی که باشد). هرگونه حذف و یا نادیده گرفتن هر طیف از طیف های سیاسی منطقه و برچسب زدن، معیار و ارزش سیاسی و به زیر سؤال بردن طیف مذکور بمعنای حذف و پاسیو نمودن خویش و همسو با اهداف دشمن و آب به آسیاب دشمن ریختن

است. هر کس باید ببیند خود برای انتفاضه چه کرده است و جایگاه خویش را در معادلات انتفاضه و معیار آن سبک و سنگین نمود و بر اساس چنین معیار و برداشتی گام برداشت. انتفاضه داری هویتی است و هویت انتفاضه ملت عرب که معیار و ارزش انتفاضه ست و انتفاضه با تعیین استراتژی خود شکل نهائی و مطلوب خود را یافته است.

ابراز تنفر و انزجار ملت عرب از عملکردها و اهداف جمهوری اسلامی- ولی فقیه و ولایت فقیه و بر اساس شرایط موجود می کوشد از طریق عناصر فریب خورده در منطقه هویت از دست رفته خویش را مجددا با ترفندهای همیشگی و شناخته شده اش چهره و ماهیت عریان خویش را در پس چنین عناصری باز یابد و مقابله و حذف جریانات سیاسی از صحنه و مقابله و برخورد با دیگر جریانات را در رؤس برنامه خود عملی نموده است.

جلب حمایت و نظارت بین المللی در آدم ربائی های جمهوری اسلامی، شکنجه و اعدام های کور جمهوری اسلامی و ایجاد مانع و سد در برابر آن، باید با کلیه سعی و کوشش تلاش نمود تا زمینه دخالت سازمان ملل متحد را در منطقه فراهم نمایم.

اینگونه تحولات فقط مختص اینگونه شرایط است. تحولاتی که در دیگر مناطق تحقق یافته و مدیون و مرهون شرایطی است که خود عامل و خالق چنین شرایطی می باشد.

پس از طی هشت دهه جامعه ما دستخوش نابرابری ها و نوسانات در عرصه های گوناگون دچار بحران و فروپاشی اقتصادی که تهدیدی جدی بشمار رفته و عمدتا زیربنای جامعه را در بر گرفته مجموعه اهداف و عواملی ست که دکترین دولت ایران و عمدتا جمهوری اسلامی را شامل می گردد. غارت منابع طبیعی و برکات منطقه و تنگنای معیشتی و اقتصادی در جهت سیاست همانند سازی و ترمینولوژی ملت عرب و به

حاشیه راندن جوانان عرب منجر به پاسیو شدن آن در جامعه خواهد گرائید و بخشی از اهداف استراتژیک رهبران ایران و جمهوری اسلامی. بر غم کلیه طرفین و حیل‌های مردم فریب، قادر به حل هیچ یک از مسائل بنیانی (فقر - گرسنگی - بیکاری - فحشاء - اعتیاد - سرقت - فساد) نیستند و ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی (رشد جمعیت - عدم امکانات - تخریب محیط زیست - ازدیاد خودکشی‌ها - بیماری‌های روانی - گسترش فرهنگ تحمیلی و تخریبی) توسط اشغالگران نظامی - سیاسی در منطقه ست.

نقطه عطف تحولات سیاسی در انتفاضه خلاصه گردیده و مهمترین دست آوردهای آن (ارتقاء آگاهی سیاسی - نسبت بالای مشارکت در انتفاضه - عریان نمودن ماهیت جمهوری اسلامی - به چالش کشاندن حکام طهران - وسعت عمل طیف سیاسی در تئوری و پراتیک - بازدید هیات تحقیقات سازمان ملل و ارائه گزارش رسمی و محکوم نمودن غصب اراضی منطقه - افزودن یک روز به تعطیلات عید فطر - یک و نیم در صد از عایدات سالیانه فروش نفت و اختصاص آن به منطقه). دست آوردهای انتفاضه حاصل مشارکت و حضور ملت عرب در صحنه سیاسی، بازتاب و مانور سیاسی بالائی برخوردار بوده که نشان از خواست و اراده و عزم راسخ ملت عرب در راستای آماج‌های فوق بشمار می‌رود. توسعه برنامه سیاسی و اشتراک عمل سیاسی موحد، قدرت مانور در میدان مبارزه را وسعت بخشیده و نیاز و ضرورت انتفاضه در مقطع کنونی بشمار می‌رود. عدم امکان فعالیت نیروهای مترقی و مستقل در چنین جوامعی، نتیجه سرکوب و پراکندگی نیروهای سیاسی می‌باشد. حفظ و تثبیت دست آوردهای انتفاضه بستگی به عوامل و شرایط درونی منطقه و اوضاع و احوال آن و تاثیر وقائع و

رویدادها و حوادث آن و برداشت های طیف سیاسی و قدرت مانور و در برابر خویش دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه که ماهیت و جوهره نظام (در حکومت جمهوری ایران، ولایت فقیه اصل و جمهوری فرع بر ولایت است. ولی فقیه مافوق قانون است و برنامه و سیاست های اصلی نظام را تعیین می کند و نقش بسزائی در امور مملکت داری را ایفاء می نماید و حاکمیت مطلق تئوکراتیسم را به اثبات رسانده است). در پرتو برنامه سیاسی و اشتراک عمل سیاسی، از عدم اتحاد و پراکندگی به دور بوده و عرصه یکه تازی را بر حکومت کنونی و رهبران ایران بست و ضربات جبران نا پذیری بر نظام وارد آورد.

جهت پیشگیری و تکرار آنچه در محمره و عدم تکرار اشتباهات تاکتیکی ضرورت برنامه سیاسی و اشتراک عمل سیاسی موحد و اتحاد طیف های سیاسی با بیرق مستقل خود حول استراتژی حق تقریر مسیر می تواند گزینه ای مناسب و بجا باشد. امری که اجتناب ناپذیر بودنش به اثبات رسیده است. مشترکات زیادی می تواند حول پلاتفرم واحدی طیف های الاهواز - ح را گرد یکدیگر و بر اساس برنامه مدون سیاسی (تئوری و پراتیک) پرچم و استراتژی واحدی اتخاذ نمود و وحدت و یک پارچگی نقش مهم و حائز اهمیت در جهت اهداف استراتژی و حفظ انتفاضه بمثابه رمزی از رموز منطقه پا بر جا بماند. توسعه سیاسی و انتفاضه مسالمت آمیز، شق دیگر انتفاضه در شرایط سرکوب را نفی ننموده و لازم و ملزوم بودن این دو و غیرقابل تفکیک و مجزای از یکدیگر نمی باشند.

انتفاضه در چنین جوامعی که بنای آنرا بحران های اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و فرهنگی تشکیل داده امری طبیعی و اجتناب ناپذیر بوده و بطرق مختلف نمایان می گردد حاکمیت

جمهوری اسلامی با انتفاضه محمره آغاز گردید و به شیوه های غیر انسانی سرکوب گردید. توسعه و آگاهی سیاسی با پشت سر گذاشتن مرحله فوق آغاز گردید و خلاء و ضعف خویش را در عدم انسجام و سازماندهی متوجه طیف سیاسی الاهواز - ح نمود.

فروپاشی اقتصاد منطقه در راستای دکتترین دولت جمهوری اسلامی ایران عمدتاً متوجه محرومان و تهیدستان جامعه گردید. خلق جامعه ای عقب مانده و سیاست عقیم نمودن فرهنگ سیاسی تا بدانجا پیش رفته که هیچ ندای حق طلبانه ای را تحمل ننموده و سرکوب و کنترل شدید حیات روزمره اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه شد. هر ندائی را با اصرار بر ادامه سرکوب خشن با هدف از صحنه حذف نمودن منجر گردید.

با توجه به ابعاد مختلف انتفاضه و عوامل چهارگانه (سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) سلسله وار و در فصول مختلف و مجزا شرح آن آمده بر ضرورت های جامعه و تحولات تاریخی قریب به هشت دهه وقائع و رویدادهای گوناگون منطقه به گونه ای از سوی نخبگان و طیف سیاسی الاهواز - ح مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است برای تعیین شرایط کنونی جامعه و جایگاه انتفاضه در ابعاد شهری و روستائی آن بمتابجه حجم و وسعت عمل جغرافیائی انتفاضه را در شرایط کنونی جامعه مشخص می سازد. ساختار جامعه ای که بر مبنای صنعتی و کشاورزی استوار گردیده معرف جامعه امروزمین در دوره معاصر بشمار می رود و بر پایه دو محور اساسی بنا گردیده است. هر دو محور در راه پویائی و شکوفائی و سعادت و بهروزی انسانها می باشد. محور هائیکه هیچگاه بر بستر عنف و خون ریزی بنا نگردیده است. منطقه ای که از

ویژگیها و شرایط و موقعیت استراتژیک و ژئوپولتیک بر خوردار می باشد متعلق به ملت عرب.

نا امنی و ایجاد امنیت، شعارهای فریب کارانه و دور از واقع جامعه کنونی ست. مطرح نمودن فاکت های امنیتی در پی تجارت از راه دور و ضرورت امنیت راههای تجارت و غارت منابع طبیعی (رانت خواری نیازمند چنین ضرورتی ست) حذف فیزیکی از جمله اهداف امنیت و ثبات در جهت اجرای سیاست آپارتایدی و ترمینولوژی حکام طهران در منطقه است.

کشوری که بدنبال امن نمودن راههای تجاری و گسترش کنترل خود بر این راهها را سر لوحه خود نموده است در پی اجرای گام به گام و استثمار ملت عرب است.

امنیت در جهت مصالح خود و تغییرات دیموگرافی مزیدی بر عوامل فوق و جویندگان و رهروان استراتژی ثبات و امنیت و تمرکز بر استثمار و انتقال سرمایه به طهران و دیگر مناطق مورد نظر دولت جمهوری اسلامی ایران.

ظهور و تکامل انتفاضه محمره در سال ۱۹۷۹ میلادی و انتفاضه الاهواز - ح در سال ۲۰۰۵ در عصر معاصر دال بر پویائی اندیشه و توسعه سیاسی نخبگان عرب تلقی نمود. انتفاضه در عرصه های گوناگون با آگاهی و شناخت ترکیب و بافت اجتماعی - سیاسی لاجرم اقتصادی و بافت فرهنگی را در پی داشته است.

کالبد شکافی زمان و مکان در مقوله انتفاضه، امکان پذیر نمودن تحلیل جامع این دو با استراتژی مشترک و هدفمند بودن آنها می باشد. نباید نقاط ضعف عوامل دخیل در آن را کتمان نمود. نباید چنین ضعف هائی (تئوری و پراتیک) در پروسه انتفاضه مورد غفلت قرار گیرد و بهای کمتری به آنها داد.

پروژه مبارزه ای که در طول سالیان متوالی دو انتفاضه را بهم پیوند داد (محمدره - الاهواز) فراز و نشیب‌ها و فعل و انفعالات در عرصه سیاسی و جغرافیائی منطقه بوقوع پیوست هر کدام می‌توانست مسیر ملت عرب را تغییر داده و به انحراف بکشاند. هوشیاری و درایت نخبگان و طیف سیاسی عرب مانع و رادعی در برابر سیل توطئه‌ها و عوام‌فریبی‌های دولت ایران خود را مطرح و ماهیت تئوکراتیسم‌ها را افشاء نماید. شتاب رویدادها وسیع‌تر از جهش‌هائی ست که برداشته می‌شود. رویدادی حائز اهمیت است که در حال شکل‌گیری و تکامل باشد. با توجه به حجم جغرافیائی آن می‌تواند تغییر و تحولی را در دیدگاه‌های سیاسی - فرهنگی خلق نماید و خالق تشکل‌های جدیدی باشد (گسترش و وسعت بخشیدن به جبهه‌های انتفاضه بر علیه اشغالگران نظامی - سیاسی و تحلیل بردن نیروی آنان قدرت مانور و تاکتیک ملت عرب را افزایش می‌دهد). فعل و انفعالات کنونی در عرصه سیاسی مراحل جنینی خودش را پشت سر گذاشته است و در حال تکوین و شکل‌گیری است. نکته بسیار مهمی که در ارتباط با رویدادهای منطقه و با دقت آنرا پیگیری کرد جوهره و طریقه تشکیل انتفاضه و عناصر آن و تشکل‌های همسو عامل موثر در ادامه پروژه کنونی و خط‌مشی آن بر اساس وحدت صفوف و شعار و هدف واحد و پرهیز از تک‌روی و شعارهای غوغائی و بدور از واقعیت جامعه.

طرفداران انتفاضه بطور فزاینده و نامتجانس و بدور از هرگونه تشکل و انسجام و با درک و شناخت ماهیت و هدف انتفاضه و نیروی دافعه ای که آنرا بسوی انتفاضه‌کشانده عامل بالفعل حق تقریر مسیر و ایمان راسخ به تغییر سرنوشت کنونی و اهداف پیش‌رو که نشان از تحول و توسعه سیاسی درک و ضرورت

انتفاضه کنونی ست. آنچه تا کنون بوقوع پیوست نمودی از پروسه گذشته و مراحل تکاملی آن در برابر وقائع و رویدادها و حوادث سر راه خود که هر کدام انتفاضه جداگانه ای را می طلبید. اهمیت موضوع و شرایط عینی جامعه اولویت را بر ادامه انتفاضه در مسیر کنونی و روند طبیعی و با اسلوب مسالمت آمیز و استمرار راه دشوار و طولانی سرنوشت ساز بر اساس راهکارهای مناسب و منطقی و اصولی و پرهیز از حاشیه نگری رویدادها و عواملی که بنوعی سعی در ضربه زدن و منحرف نمودن مسیر انتفاضه و هدف و خواست ملت عرب، افشای ماهیت و شیوه و ابزار بکارگیری آنرا بر علیه خودش و در جهت انتفاضه و مصالح و تمامیت ارضی ملت عرب بکار گرفت.

عامل بالقوه ای که انتفاضه را برجسته نموده است، خنثی نمودن و افشای ماهیت اشغالگران نظامی - سیاسی و افشای توطئه های پیش رو (رساله ابطحی و بندهائیکه در این رساله منظور گردیده است). جوهره و لایه های تشکیل دهنده انتفاضه نیروی جوان و تحصیل کرده و حاشیه نشینان و قشر تهیدست و فقیر که با گوشت و پوست تن خود انتفاضه را لمس و درک نموده است و رکن و ستون و پیکره انتفاضه بشمار می رود. طیف وسیع و گسترده ای که در طی سنوات گذشته توانست با سنت شکنی و شکستن حلقه حصار محدودیت ها و سیاست های شوونیستی که بدون وقفه با هر نوع تشکلی در منطقه به مقابله بر می خواستند و با شیوه حذف نمودن که از اهم مراحل برخورد تقابل ایرانیان بشمار می آید، وارد مرحله عریان و علنی نموده است. احزاب وفاق - آفاق - تقلین طیف گسترده تری را نسبت به شیوه های فیزیکی و حذفی نظام را متوجه احزاب نمود.

تنوع دیدگاه و خط مشی سیاسی آنان در جریان تداوم و تعمیق دیدگاهها بنای مبارزات آینده اجتماعی - سیاسی اگر چه در حد قیاس با جبهه مقابل بعلت عدم تناسب نیرو و دارای دیسیپلین و انسجام و امکانات وافر در طیف های مختلف برخوردار بوده و از سوی دیگر نیروی مقابل از چنین امکانات و ویژگیهایی در این حد و قیاس برخوردار نبوده و حمایت و همسو بودن توانست افکار درون و برون مرز را متوجه مبارزات و خواست خویش نموده و به تجزیه و تحلیل موضوع پردازند. (اعزام وزیر دفاع - هیاتی از وزارت اطلاعات - هیاتی از جانب رئیس جمهور ایران - تحرک در پارلمان و به مناقشه گذاشتن انتفاضه - اعزام نمایندگان به منطقه).

انتفاضه شاهد تحولاتی در طیف های اجتماعی و سیاسی منطقه گردید که با عمق بخشیدن به مبارزه اجتماعی و خواست سیاسی ادامه روند کنونی و پروسه انتفاضه ست. چالش طیف های اجتماعی با نیروی مقابل بدلیل ناهمگون و ناموزون بودن چنین پدیده ها و کاستی های آن و به مبارزه کشاندن یکدیگر در جهت بقاء و نفی، ماندن در صحنه پیکار و به حاشیه راندن و سرنوشت محتوم و تضاد دو پروسه در برابر یکدیگر. در چنین شرایط و مقطع کنونی دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه با اتخاذ تاکتیک تمایل خویش را متوجه حلفاء در منطقه جهت انحراف و اخماد انتفاضه دست یاری و مساعدت را بیاری به طلبند.

اشغال نظامی به دو حالت بستگی دارد: اشغال نظامی در کوتاه مدت و دراز مدت آن به سبب مخالفت مردم محکوم به فناست. توسل به حلفاء در منطقه و بکارگیری چنین شیوه هائی نشان از عجز و درماندگی اشغال نظامی و بن بست سیاسی می باشد.

اپوزیسیون داخل و خارج برای ابراز وجود در صحنه سیاسی همصدا با ولی فقیه و ولایت فقیه در صف جداگانه و شعار واحد بر علیه انتفاضه ملت عرب همصدا شدند. عیان شدن ماهیت طیف چپ (به استثناء دو مورد) ایدئولوژی که مبتنی بر حقوق مشروع و استقلال ملت ها تاکید می نماید با علم نمودن پرچم پان آریائیسیم و ایران ای مرز پر گهر به هنگام سرکوب و بازداشت جوانان عرب و انتفاضه سر می دهند.

در مقطع کنونی انتفاضه با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب ها و افت و خیزها حامل تجارب - جناح بندی - نقطه نظرات متنوع - صف بندی نیروها و بدنبال تحقق رایج ترین شعار خود (حق تعیین سرنوشت) استراتژی انتفاضه بشمار می رود در بر گیرنده کلیه طیف های الاهواز - ح و نقش کلیدی دفاع از دست آوردهای مقطعی خود و عمق بخشیدن مرحله به مرحله آن عملا شکل گرفته است.

انتفاضه محمره ۱۹۷۹ و انتفاضه الاهواز ۲۰۰۵ حوادث و رویدادهائی بوقوع پیوست و هر کدام بنا به طبیعت خاص خودش شکل و ماهیت و نحوه بر خورد با اینگونه پدیده های سیاسی - اجتماعی - تاریخی نگرش و شیوه برخورد و شعار مرحله ای (تاکتیک) بیان هویت انتفاضه ای ست که در مقطع و چارچوب خودش هویدا گشته است. به بیان دیگر انتفاضه کنونی کدام عنصر از عناصر اجتماعی و کدام لایه از طبقات اجتماعی را با خود یدک کشیده است که هویت - استمرار و ایستائی انتفاضه و شعار مطرح شده تا چه حد گویای درد و رنج و واقعیت مجتمع و گسترش آن و نیاز مبرم توده های شرکت کننده و تشریح شرایط جامعه و دگرگونی ساختار سیاسی و احزاب و عناصر مستقل شرکت کننده منجر گردید؟ بهمین دلیل است که فاصله زمانی انتفاضه ها پیوسته از سوی مخالفان

انتفاضه در مجامع مختلف و به اشکال گوناگون، نارضایتی خود را بروز می‌دادند و در شرایطی میسر گردید که انتفاضه نتیجه عکس‌العمل اشغال نظامی - سیاسی سرزمین و ملتی ست. این در شرایطی ست که توطئه‌ها بویژه سنوات گذشته عملی گردیده و روز به روز بر موبدین آن با آگاهی و درایت افزوده می‌گردد و شواهد حاکی از حضور گسترده و نقش تعیین‌کننده ملت عرب بر سرنوشت خویش می‌باشد. افشای چنین جنایاتی موفقیت زیادی را نصیب انتفاضه نموده است. در این بحبوحه و اوضاع و احوال کنونی وزارت اطلاعات با دسیسه‌چینی و مخدوش نمودن صفوف انتفاضه توسط عوامل امنیتی در منطقه با هوشیاری و درایت جوانان عرب این توطئه خنثی گردید. بر یکایک ما این فریضه ضروری ست از هر گونه انتقام‌جویی و آتش زدن خانه‌هائیکه عوامل فریب‌خورده و نا آگاه جدا پر هیز نموده و استمرار انتفاضه و هدف مقدس و والای آنرا طمع‌چنین اعمال و اهداف وزارت اطلاعات تنوکر اتیسم‌ها ننمائیم. توطئه‌های دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را به یأس تبدیل نموده و مهمترین دست‌آوردیست که در شرایط کنونی حاکی از تضاد آشکار سلطه نظامی و سیاسی منطقه می‌باشد. در کنار این دلایل متعدد دیگری نیز وجود دارد. این مسئله خود گویای اهمیتی ست که پاک‌سازی قومی و ساختار آینده منطقه در استراتژی طهران به مرحله اجرا گذاشته‌اند. طرفداران انتفاضه، بدلیل اهمیت سرنوشت و مبارزه ملت عرب در جهت تحقق چنین اهدافی می‌باشد. کلیه سعی و کوشش خود را صرف خنثی نمودن توطئه‌ها و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران بکار گیریم. نباید درنگ و غفلت نمود و مطرح نمودن مسئله شیعه و سنی در جهت تحریف حقایق منطقه و فروپاشی انتفاضه و بهره‌گیری از تجارب قریب به هشت دهه

اشغال نظامی - سیاسی منطقه و مبارزه سیاسی با بهره گرفتن از نخبگان عرب به مقابله و افشاگری قدم به قدم همگام با انتفاضه و در کنار آن به رسالت وطن خویش و وظائف خود عمل نموده و خواهند نمود.

اتحادی که هم اینک طیف های انتفاضه برای پیشبرد آن مبارزه می نمایند در آینده نقش گسترده تری بخود خواهد گرفت و از پتانسیل و ظرفیت تشکیل جبهه موحدی که در برگیرنده طیف های منطقه ست عمل خواهد نمود و گشودن فضای سیاسی وسیعی در منطق و دیدگاههای متنوعی که در بر گیرنده مستقبل (آینده) جبهه خواهد بود. حضور و مشارکت کلیه نیروها و طیف ها در انتفاضه تعیین کننده می باشد.

انسجام و تحرک در مقطع کنونی به لحاظ ویژگی خاص منطقه ای و جغرافیائی، پذیرش ضروری هر دو عامل به نسبت دوران های گذشته، حائز اهمیت و ضامن طیف هائی ست که در پرتو بیرق انتفاضه خواست خود و حق تقریر مسیر استراتژی آن بشمار می رود.

درک و شناخت مقطعی که در آن بسر می بریم، بسیار گران قدر و گران بها می باشد. عدم درک و شناخت چنین دورانی موجب خطاهائی خواهد گردید که غفلت از آن موجب پس روی و ضعف انتفاضه و از سوی دیگر موجب تسلط و سرکوب آن توسط دشمنان انتفاضه خواهد گردید.

مبارزه با دشمنان انتفاضه و ملت عرب اجتناب ناپذیر می باشد و بستگی به رشد فکری و توسعه سیاسی ملت عرب دارد. جمهوری اسلامی در گیر گرفتاری ها و مشکلات فراوانی ست. پروژه اتمی شدن - اعدام - سنگسار نمودن - عدم رعایت حقوق بشر و حقوق ملت های جغرافیای ایران - اقلیت های دینی - قطع اعضاء بدن - سرکوب نمودن جنبش دانشجویی -

بالا رفتن میزان تورم - بیکاری - اعتیاد - سرقت - فحشاء - خود سوزی - خود کشی، همه و همه در نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه واقعیت های عینی جوامع جغرافیای ایران را ترسیم می نماید. با افشاء نمودن و رشد فکری و با تمسک به چنین سلاحی - بسوی توسعه سیاسی گام برداشت. اینست ماهیت چنین دورانی که دولت جمهوری اسلامی ایران عامل و مسئول بوده. بهره برداری از دین بعنوان سلاح سیاسی و ابزار سرکوب در برابر ناملایمات اجتماعی - سیاسی بر علیه نیروهای مقابل بکار می گیرد که می بایست بر علیه خودش بکار گرفت. بهترین سلاحی ست که برای مبارزه بر علیه ولی فقیه و ولایت فقیه بکار گیریم. توسعه سیاسی جهت مقابله با دشمنان ملت عرب و کشف حقایق و زدودن اوهام در این مقطع از اهمیتی دو چندان بر خوردار می باشد. در جهت رفع و پیشبرد اهداف و مصالح شوونیسم فارس اینست میدان مبارزه ای که انتفاضه می بایست با شکافتن یکایک مولکولهای سنتی و پس مانده های نئوفاشیست فارس با سلاح فرهنگی و سیاسی به جنگ با اهداف آپارتایدی آنها باید بشتابیم و درنگ ننمائیم.

واقعیت مربوط به حس ناسیونالیستی و ملی گرایی در الاهواز و رشد روز افزون این احساس طلیعه شرایط فعلی نبوده بلکه در وجود هر انسانی ست. چنین درک دقیق و بجا را می بایست با مصالح سرزمین و وطن خویش الاهواز - ح در آمیخته و ادغام نمود. ناسیونالیسم ملت تحت ستم با ناسیونالیسم سلطه گر که از حمایت دولت و مؤسسات آن و پشتوانه تجار و بازار بر اساس استثمار مصالح دیگر ملت های جغرافیای ایران بنا گردیده و بر مبنای پان آریانیسم استوار می باشد. شناخت و اصول درک دقیق مصالح وطن الاهواز - ح بر مبنای ضرورت شناخت دو عامل حیاتی و استراتژیک استوار است.

احیاء و حفظ وطن و منافع و مصالح آن

هر دو راهبرد فوق دارای وجوه مشترک و مصالح مشترک می باشند. ماهیت و استمرار انتفاضه و ارتقای سطح دانش سیاسی ملت عرب و سمت و سو دادن به آن تلاش و کوشش بسیار نمود و در جهت رفع محدودیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی در چارچوب جغرافیای منطقه گام های اساسی و مثبت برداشت. دولت جمهوری اسلامی ایران با کاستن از اهمیت و گسترش انتفاضه به برون مرز توطئه ای که جامه عمل نپوشید. جنجال پیرامون ناسیونالیسم عرب و نسبت دادن آن به کشورهای همجوار ریشه در پان ایرانیست های چپ و دولت جمهوری اسلامی ایران دارد به کرات ثابت شده که نشان از عجز آنان در برخورد به چنین پدیده هائی است.

براه انداختن جنجال و مهیا نمودن زمینه ای جهت سرکوب و ناسیونالیسم ملت عرب با سلاح دین (شیعه - سنی) به جنگ با انتفاضه بر خواستند. دقت در این مورد از اهمیت موضوعی که ریشه در شوونیسم فارس دارد، نخواهد کاست. قومیت و اهداف فرهنگی:

ممکن است جریان قومی برای خویش صرفاً تنقش فرهنگی قائل باشد در این صورت بر پایه مباحث گذشته دو نوع موضع یا استراتژی قابل تبیین است.

۱ - استراتژی قانون ایران.

۲ - استراتژی حقوق بشر ایران.

۱ - استراتژی قانون صرفاً بر پایه تقویت و آموزش زبان متمرکز است و بر پایه این استراتژی زبان خاص هر قوم حق دارد و از حقوق قانونی برای رشد و بالندگی و آموزش بهره مند

شود و از حقوق برابر برخوردار باشد. لیکن این حق را بر پایه قانون اساسی در قیاس با زبان فارسی ندارد زیرا زبان فارسی و خط رسمی و مشترک مردم ایران است. بعبارت دیگر زبان فارسی، زبان ملی و فرا قومی می باشد. علی هذا هیچ قومی نمی تواند بر پایه قانون اساسی بخواهد از موقعیت برابر با آن برخوردار باشد. استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است، هیچ زبان ملتی بدون اینکه در کنار زبان فارسی چه در مطبوعات و یا صدا و سیما و یا تدریس در مدارس باشد قابل استفاده نیست اگر این هدف قومی و زبانی چنانکه در قانون اساسی دولت ایران تصریح شده مقصد و هدف فعالیت عناصر قومی باشد در این صورت تحصیل حاصل است.

۲ - استراتژی حقوق بشر ایران.

در صورتی می توان اقدامات فرهنگی - سیاسی یا فرهنگی صرف را نشانه پیدایش یک حرکت جدید قومی بشمار آورد که عوامل فرهنگی ادغام یا آسمیله را ملاحظه نمایند. (منظور مهاجرت ایرانیان به منطقه - شهرک ها و مجتمع های استعماری ست.) در غیر این صورت دیگران حق خواهند داشت که به آن حرکت اتهام بزنند (ایرانیان) برای روشن تر شدن موضوع بایستی تاکید نمود که وجود مرزهای سیاسی و پاسداری نظامی (اشغال نظامی - سیاسی) از سرحدات گر چه برای حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی لازم است، لیکن کافی نیست. (از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و استراتژی آنان). در این ارتباط برای حفظ وحدت ملی و به طبع تمامیت ارضی علل و عوامل گوناگونی دست اندر کار است. یکی از این عوامل در هم تنیده شدن روابط اجتماعی بر پایه اشتراکات فرهنگی + اجتماعی ست. این در هم تنیده شدن موجب ادغام و

آسیمیلزاسیون در یکدیگر است که یکی از این عوامل زبان ملی ملت‌هاست. بنا بر این بزعم ایرانیان خود را از اتهامات آنان تبرئه نمود. در حالیکه کوشش بر تقویت زبان ملی ملت‌ها به گونه ای می باشد که ثمره آن ثانوی شدن زبان غیر بومی است. علی هذا عناصر فعال قومی می بایستی بدانند که تضعیف زبان ملی منجر به تضعیف ادغام اجتماعی و حرکتی علیه فروپاشی و آسیمیلزاسیون است که البته نهایتاً منجر به حفظ هویت ملت‌ها خواهد شد.

هوشیاری و درایت نخبه گان و احزاب درون در برابر رشد ناسیونالیسم افراطی در میان ایرانیان و گرایش آن بسوی شوونیسم و نفی هر گونه تغییر و تحول فکری - سیاسی و ناسیونالیستی ملت های جغرافیای ایران با حمایت مادی - معنوی حکومت و رشد قارچ گونه احزاب دست راستی افراطی در طهران و دائر نمودن مجدد حزب پان ایرانیست در آلاهواز - ح و حاکمیت فرهنگ سیاسی منطقه در برابر ترفندها و توطئه های دولت ایران و توسعه و رشد احساسات ناسیونالیستی ملت عرب همگام با توسعه سیاسی منطقه همراه است. حفظ و موقعیت و قدرت دولت ایران در منطقه و بدنبال سعی و کوشش نموده تا تثبیت و اعاده حیثیت خویش بر منطقه را مجدداً باز گردانند و دگر بار با ترفند جدیدی وارد میدان گشتند (ناسیونالیسم و مذهب را در برابر یکدیگر قرار داده یکی را در جهت نفی دیگری بکار گیرند) و بزعم ایرانیان برون مرز و درون مرز که با انگیزه و ایده های نوین ورای آنچه در شرایط کنونی حاکم بر کشور است معتقدند سنت گرائی حاکم بر جامعه کنونی مانع و رادعی در برابر مدرنیته و پیشرفت کشور و با نفی و طرد آن به حاشیه جامعه و پس زدن آن و خلع قانونی آن در مراجع ذی نفوذ دولتی و تصمیم گیرنده، جامعه را می توان

بسوی پیشرفت و تحولات نوین سوق داد که ضامن انتقال و بریده شدن ایران از فاز کنونی و سنت گرائی حاکم بر آن و ورود به عصر جدید یا مدرنیته را با پشت سر گذاشتن مرحله کنونی و سنت های موجود و نظام کنونی و با استناد و تاکید بر ترکیه آتاتورک به قیاس گذاشته اند و شعار ایران جدید و ابزار نوین برای مبارزه و فعالیت سیاسی در برابرمان و عدم درک شرایط و محدودیت اتصال با شرایط کنونی و مطرح نمودن چنین شعاری نتوانیم خود را مطرح نمائیم و بازنده درک جدید از اوضاع و احوال و شرایط کنونی جامعه ایران که مجموعه ای از ملت ها را شامل می گردد و نتایج معکوس و غیر قابل جبران و بر علیه موجودیت ملت ها اوضاع رقم خورده و به احساسات ملی و ناسیونالیستی صدمه بزند. برای درک چنین شرایطی که پیش روی انتفاضه ست، خنثی نمودن توطئه هائی که برای انتفاضه تدارک نموده اند با شفافیت و شیوائی مانع و رادعی در برابر حوادث و فجایع جدید شوون نیست های فارس به گونه ای عمل نمائیم که شایسته و بایسته انتفاضه باشد نه تابع احساسات بود و نه شرایطی که دولت جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه و ولایت فقیه خلق نموده اند تابع و مطیع شرایط آنان شد.

محورهای انتفاضه

تاکید بر دو وجه شرایط بدان لحاظ حائز اهمیت است که شتاب تحولات به گونه ایست که بررسی و دنبال نمودن موضوع و وقایع تابع زمان و شرایط محیطی و احاطه شدن در آن است. جنبه تاکتیکی موضوع در لحظه خاص وقوع پدیده اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادی بر پویائی و استمرار آن عمل می نماید (برای اجرای تکمیل ستون (پایه) پل پس از پشت سر گذاشتن مراحل فنی می بایست عملیات بتن ریزی بطور مرتب و مستمر طی شبانه روز انجام گیرد. چه بسا ساخت نیروگاهها بدین منوال باشد تا وقفه ای در تکمیل عملیات بتن ریزی پیش نیاید.) انتفاضه نیز دارای چنین ویژگی ظریفی ست.

انتفاضه بر دو محور بنا گردیده است:

۱ - عنصر اول: شناخت.

۲ - عنصر دوم: درمان.

(شناخت درد، درمان را سهل می نماید.)

محوریت شناخت: هویت انتفاضه معرف شناخت کاستی ها و پدیده های جامعه بر اساس عناصر و طبقات تشکیل دهنده آن می باشد و استمرار انتفاضه بستگی به انسجام و سازمندی و نیروی شرکت کننده و شرایط و عوامل محیطی آن می باشد. در مقطع کنونی کالبد مسئله تاریخ مد نظر نمی باشد، بدلیل اهمیت انتفاضه مسائل روز جامعه ست که تابعی از وقایع و رویدادها و عمل کردهای ریز و درشت دولت ایران شکل پذیر گشته است و پشتوانه آن انتفاضه هائی ست که در گذشته با حمایت و پشتیبانی

مردم برخوردار بوده و پیوسته و در قالب امروزمین و هدف و خواست کنونی در سطح منطقه مطرح می باشد.

محوریت درمان:

هر دو محور لازم و ملزوم یکدیگر بوده بعبارتی یکی بدون دیگری معنا و مفهوم خودش را از دست می دهد. در این شرایط چه می توان و چه باید کرد؟ مبارزات دهه های گذشته بما آموخته است که افشاگری و سازماندهی و جلب حمایت ملت عرب و حضور در صحنه مبارزه و تشکل نیروهای مردمی در برابر اشغالگران نظامی - سیاسی و تسلط بر اوضاع سیاسی و صف آرائی و آرایش طیف سیاسی در برابر فضای بسته سیاسی که از حمایت و پشتیبانی قدرت نظامی و سرکوب جمهوری اسلامی همراه بوده بپا خواست و حلقه محاصره کنونی را از بین برد و قدرت مانور سیاسی را در سطح جامعه گسترش داده و نگذاشت مردم دچار حالت یأس و ناامیدی و تسلیم شرایط تحمیلی توسط نیروهای نظامی و انتظامی و میلیشای دولت ایران و دیگر عناصر سرکوبگر شبه نظامی ولی فقیه و ولایت فقیه شد. آنچه در شرایط کنونی در منطقه شاهد تحولات و جابجائی و تحرک عناصر جمهوری اسلامی هستیم رویدادی بس عظیم و سرنوشت ساز را به همراه داشته که آینده تحولات پیش روی آن مبنای نتایج حاصله از دست آوردهای آن و شیوه های برخورد با انتفاضه رقم خواهد خورد. در سخت ترین و دشوارترین دوران ها و در محاصره انواع قوانین و سنت های ریشه دار جامعه و تغییر شرایط سیاسی جامعه و فراهم نمودن شرایط و فضای مناسب برای نسلی که با ریشه های خود آشنائی و پیوند برقرار کند و در برابر شرایط بسیار دشواری که در مقطعی از این پروسه در برابرشان قد علم نموده، با در نظر

گرفتن کلیه جوانب و ملاحظات سیاسی اجتناب ناپذیر در برابر اشغالگران نظامی - سیاسی که به اپیدمی تبدیل شده است. جغرافیای ایران و مسائل آن در واکنش و عکس العمل سیاسی خلاصه گردیده گرچه بخش مهمی به امور سیاسی می پرداختند و فضای جامعه را منعکس می نمودند. دوران بسیار مهمی که با تحولاتی همگام بوده و عمق جامعه را هدف نموده بدنبال تغییرات بنیادین جامعه است. اشغال و غارت منابع زیرزمینی نیروی محرکه انتفاضه و مهمترین رویداد و بزرگترین تحول در تاریخ انتفاضه و سرکوب آن و تلاش در تغییر روند و پروسه بر اساس خلق مسائل حاشیه ای و به دور از اذهان و واقعیت عینی جامعه و مسائل حاد اجتماعی و سیاسی کنونی را به مسئله خارج از چارچوب تنش های اجتماعی کنونی نسبت داده و با تحریف حقایق موجود انتفاضه را به بیراهه و به حاشیه وقائع و رویدادها سوق دهند.

تئوریسین ها و مهندسان جمهوری اسلامی ولی فقیه و ولایت فقیه در شرایط کنونی چه هدفی را دنبال می کنند و با عمل کردهای مخرب و تحریک آمیز جویای چه چیزی هستند- توجیه کننده کدام استراتژی و مصالح حکومتی ست؟ به جز در پی ایجاد فتنه و نفاق و شکاف و جلب حمایت عناصر متزلزل و کم تجربه بسوی خویش و سرکوب نمودن فرهنگ - آداب - سنن - اخلاق و ... بیانگر چیست؟ آیا توسعه تنش و خون ریزی کمکی به حل قضیه و نزدیک شدن به واقعیت های موجود جامعه خواهد نمود؟ یا بر پیچیدگی اوضاع می افزاید؟ با مقایسه نمودن وجه تناسب اشغالگران نظامی و انتفاضه عدم تناسب در جامعه مشهود می باشد و این توازن نامتناسب جمهوری اسلامی را بسوی برداشت های غلط و اهداف پلیدش تشویق نموده و تغییر این معادله بنوعی و یا بشکلی تهدیدی جدی برای انتفاضه بشمار

می رود. تغییر تاکتیک و تنظیم عملکردهای فاشیستی دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و بکارگیری راهکار جدید که ریشه در تناسب قوا و تحکیم و توسعه قدرت و بحران حاکم بر جامعه اهداف خویش را در پس عوامل فوق دنبال خواهند نمود. دنبال اپیدمیک شدن بحران های سیاسی - فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی ست که در مقطع کنونی خواست انتفاضه شکل عینی تر و ملموس تری بخود خواهد گرفت. تاکید بر این موضوع که موضوع حاد و روز بشمار می رود، بی مورد و خالی از لطف نیست. بحران کنونی، بحرانی ست که طبقات اجتماعی و هویت ملت عرب را تهدید می نماید. این در شرایطی ست که بر تعداد مجتمع های مسکونی و شهرک سازی (مهاجرین فارس) در منطقه افزوده می گردد و با غصب زمینهای حاصل خیز و تخریب آنها در جهت مصالح و اهداف استعماری و تکمیل و راه اندازی پروژه های خود، وسعت و گسترش می دهند.

اشغالگران نظامی - سیاسی هیچگاه در جهت خواست- نیاز و رفاه و آسایش و توسعه مستعمرات خود گام بر نخواهند داشت چرا که حکم مرگ و فروپاشی خویش را صادر می کنند و این با ماهیت - روش و اهداف آنان مغایرت دارد. ساکنان شهرک ها و مجتمع های مسکونی باید بخاطر بسپارند آنچه بر باطل و غصبا بنا گردیده و اسکان نموده اند فردائی نخواهد داشت و ولی فقیه و ولایت فقیه در برابر جان انسان ها و در قبال چنین مناطقی مسئولیت داشته چنانچه خواهان درک مطلب و مشکلات آن باشند، این میسر نمی گردد که به دلخواه دولت جمهوری اسلامی ایران و استراتژی خود تغییرات دیموگرافی و آسیمیلزاسیون سرزمین و ملتی و تغییر هویت و ساختار سیاسی و بافت اجتماعی آنرا عملی نمایند. تحقق اهداف و دکترین

جمهوری اسلامی در منطقه در کوتاه مدت بنا به طبیعت و دیسپلین نظامی و دارای تشکل و انسجام و آرایش موفقیت از آن نظامیان خواهد بود، در دراز مدت هرگز مسیر پر پیچ و خم و طولانی انتفاضه نیاز به راهکارهای مناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیائی و تشکل و انسجام خاص خود را دارد.

جمهوری اسلامی ایران با مطرح نمودن عامل ناسیونالیسم عرب در تنش ها و انتفاضه کنونی و سمت و سوی تحولات آن سعی در تحریک عرق ملی ایرانیان بر علیه انتفاضه ملت عرب و دست آویزی برای سرکوب خشن در برابر ملت بی دفاع و محصور در میان اشغالگران نظامی ست. ترس و واهمه نه بدلیل رشد ناسیونالیسم منطقه ست. بدلیل گرایش و وحدت منطقه با سرزمین مادر (جهان عرب) می باشد و با این دید و نگرش به مسئله روز جامعه و بحران منطقه سخت نگران شدند.

ناکار آمدی و عدم موفقیت استراتژی و دکترین دولت ایران و جمهوری اسلامی در هشت دهه گذشته دلیل واضح و آشکاری ست که بی نتیجه بودن چنین راهکارهایی که از حمایت مؤسسات دولتی و حکومتی در کلیه زمینه ها برخوردار بوده در برابر ملتی که متمسک به تاریخ - فرهنگ - سرزمین - هویت در برابر آنان مقاومت و ایستادگی نموده است. دشمن غدار و رژیم آپارتایدی جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه اتخاذ استراتژی مشترک در برابر استراتژی دولت ایران ضرورت تنظیم زمینه های تحلیلی دقیق و ویژگی اهداف اشغالگران نظامی - سیاسی در شرایط کنونی و دوران کنونی ست. دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه مسئول بحران ها و کاستی ها و عقب ماندگی طبقات اجتماعی کنونی منطقه بشمار می روند و عواقب وخیم منطقه متوجه دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه می باشد.

جمهوری اسلامی در ادامه همان سیاست زیر بار نرفتن و عدم پذیرش جناح یا نیروی مخالف - ادامه همان تفکر و شیوه برداشت ذهنی سه دهه گذشته می باشد. همان گونه که ماهیت واقعی انتفاضه کنونی با انتفاضه محمره ۱۹۷۹ تفاوت ماهوی داشته و تحول فکری و رشد آگاهی سیاسی و شناخت اهداف و ماهیت دشمن خویش (ملت عرب) و ماهیت جمهوری اسلامی. در پس عقاید سنتی جامعه می توان به گسترش انتفاضه - تنوع شعار و خواست کنونی - تبلیغات وسیع در حجم و بعد جغرافیای منطقه رسوا و افشاء نمودن ماهیت و جنایات جمهوری اسلامی در قیاس با انتفاضه محمره نقاط محوری انتفاضه کنونی ست.

وقایعی که در خلال دو انتفاضه و در سنوات گذشته و با توجه به تغییرات و رشد کمی و کیفی نیروهای شرکت کننده و رشد و گسترش و وسعت عمل طیف سیاسی و عملکردها و تحقق اهداف فرهنگی - سیاسی (تجمع و احتفال به مناسبت های رسمی - اعیاد و ولادت ها (انبیاء و غیره) مراسم سنتی عروسی و فاتحه - موفقیت در انتخابات شوراها و شب شعر...) . ابتکار عمل نخبگان عرب و از سوی دیگر بررسی عملکردهای دولت جمهوری اسلامی ایران:

۱ - تاسیس و اسکان شهرک های استعماری شیرین یک - شیرین دو - پردیس - مجتمع ها و واحدهای مسکونی در کلیه شهرها و حاشیه آنها.

۲ - تغییر دیموگرافی و آسمیله نمودن بافت منطقه.

۳ - تخریب مناطق سپیدار - کشتارگاه عبادان و اسکان مهاجرین ایرانی با تسهیلات انحراف مسیر آب رودخانه کارون.

۴ - گسترش اعتیاد - فحشاء فقر - بیکاری - سرقت - قتل - با توجه به شرایط و ویژگی های صنعتی منطقه.

۵ - طرح استعماری توسعه نیشکر - غصب زمینهای کشاورزان عرب.

پیوند دادن عوامل فوق و بیشمار دیگر به استراتژی و اهداف و توطئه های استعماری و اشغالگران نظامی - سیاسی و نتایج و ماهیت عملکردهای آنان و دلائل بیشمار دیگری را می توان اشاره نموده و به بحران های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی منطقه و عامل حیاتی نفت و گاز علامت استفهام گذاشت و ثروت های طبیعی منطقه در اختیار رانت خواران جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه.

با اعزام هیئت بین المللی و نظارت بر اوضاع فعلی منطقه و ساکنانش ناگفته های بیشماری را عریان و آشکار می نماید و جهت بررسی و تشخیص مسببین اصلی، سیاست های فروپاشی منطقه و اهداف استعماری آن به منطقه اعزام تا چنین جنایات و حوادث در آینده در منطقه تکرار نگردد و مانعی در برابر اهداف آپارتایدی دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه نیازمند حفاظت بین المللی ست.

با توجه به شرایط عینی و ذهنی جامعه ظهور و تبلور انتفاضه امری طبیعی و حاصل و محصول عوامل فوق و بستری که جامعه کنونی در آن بسر می برد و سپری نمودن هشت دهه از عمر آن می گذرد مدیون گذشته ای بود که انتفاضه کنونی و تحولات آن مرهون چنین گذشته گران بهائی می باشد. تحلیل وقایع کنونی برای نسل و نیروئی که خواهان درک واقعیت های جامعه و پند گرفتن از آن در جهت آینده و حل معضلات کنونی ست می تواند نکات با ارزش و قابل تعمقی در خود نهفته باشد همان نکات محوری است که می بایست بدنبال آنها رفت و ارزیابی نمود. آیا خواست انتفاضه و نیاز جامعه در این بخش که جزء لاینفک اعتقادات ملت عرب بشمار می رود، مطرح نبوده

و ساخته و پرداخته تفکرات و عرق ملی ایرانیان و ایدئولوگ ها و استراتژیست های آنها نبوده و هدفی جز به انحراف کشاندن و تغییر مسیر انتفاضه و تحولات آن نمی باشد، باید بر اوضاع مسلط بود و نگذاشت امواج حوادث و وقایع و رویدادها ملت عرب را اسیر امواج خود نماید و سرنوشتی که دولت جمهوری اسلامی ایران بر ایمان تدارک دیده به مقابله و مبارزه با آن برخاسته و ملت عرب را اسیر خواست و اراده دولت ایران نخواهیم کرد و اراده و خواست ملت عرب را بر آنان در راه تحقق آمال و اهداف خویش در چارچوب انتفاضه ادامه خواهیم داد.

استراتژی شوونیسم فارس

تحمیل شرایط و اهداف از پیش تعیین شده در دراز مدت در چارچوب استثمار و غارت منابع طبیعی و تمرکز بر حفظ ساختار نظامی و سیاسی و تغییر دیموگرافی منطقه و تحمیل سرنوشتی خارج از اراده و خواست ملتی و تغییر روند طبیعی و اجتماعی و سیاسی و تسلط بر هرگونه منبع خبری و رسانه‌های گروهی و سایت‌های اینترنتی - تفسیرهای گمراه‌کننده و تغییر اذهان عمومی به دور از واقعیت‌های موجود و شرایط کنونی و حاکم بر آن بدنبال تحقق اهداف خویش و جنایاتی که مرتکب شده‌اند سعی در تشویش و برهم زدن اوضاع فعلی و بافت و ساختار کنونی جامعه و تغییر آن در جهت منافع و مصالح و اهداف دراز مدت در جهت خواست و اراده خویش عملی نمایند و بر اوضاع و تحولات و رویدادهای آن تسلط کامل و تام داشته باشند.

تحریرات سالهای گذشته درس‌های آموزنده بیشماری را به ما (ملت عرب) آموخته است. درس‌هایی که هر کدام حامل تراژدی دردناک و سرنوشت غم‌انگیز ملتی است که مورد استثمار و غارت و اهداف آپارتایدی دولت ایران - اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه است، هر کدام دارای سناریویی است که می‌توانست سرنوشت ملتی را تغییر و به نابودی بکشاند. هوشیاری و درایت طیف سیاسی درون و برون وطن (الاهواز - ح) سد و مانعی در برابر اهداف و بلند پروازی‌های جمهوری اسلامی، ولی فقیه و ولایت فقیه و مانعی در برابر

فروپاشی ملت عرب و نفی هویت آن کردند. سرنوشتی که مبتنی بر دکترین و استراتژی کهنه ژنرالهای ارتش سابق (محمد رضا پهلوی) و مؤسسات آنها می باشد.

کاهش جمعیت و نفوس منطقه از مهمترین و اولین گام های استعماری بشمار می رود. ضرورت کاهش و تغییر تناسب جمعیتی و ادغام دو ملت عرب و فارس در یکدیگر و مطبوعات با بیان دیپلوماسی بند بند این بخشنامه را صادر و به اجرا در آورده بر جسته نمودن مسائل حاشیه ای و دامن زدن به اختلافات - بروز و ایجاد تنش فی مابین ملت های کاملاً متفاوت و نامتجانس در جغرافیای واحد جهت تسهیل امر آسیمیلزاسیون و تغییر ترکیب اتننیک در مناطق ملی و تشدید تنشهای ملی و کاشتن بذر کینه و دشمنی از طریق اسکان مستقیم و غیر مستقیم و سرکوب نمودن ملت عرب در مغایرت و نفی الزامات پان ایرانیسم. ایدئولوژی رسمی دولت ایران طی هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی منطقه (الاهواز - ح) سرنگون نمودن حاکم منطقه (شیخ خزعل) سنتز ایران یا سنتز فارس توسط بریتانیا ترسیم گردید. چکیده این ایدئولوژی نابودی ملل غیر فارس جغرافیای ایران به هر طریق ممکن و تشکیل ملت واحد و هوموژن فارس زبان واحد در جغرافیای ایران بنام ملت فارس است. این ایدئولوژی، ایدئولوژی رسمی دولت ایران گردیده است. سنتز فارس صرف نظر از تأکید رژیم پهلوی بر عنصر فارس و تأکید جمهوری اسلامی بر ایدئولوژی سنتی (صفویه) ایدئولوژی رسمی هر دو دولت فارس بوده است.

پس از اشغال نظامی - سیاسی الاهواز - ح رابطه و عمل کرد دولت ایران با ملل غیر فارس جغرافیای ایران رابطه استعمارگر با مستعمرات می باشد. عوامل و موارد ذیل بیان کننده استراتژی و دکترین دولت جمهوری اسلامی بشمار می رود.

- ۱ - محو هویت و تاریخ ملل.
- ۲ - زبان فارسی - زبان رسمی کشور.
- ۳ - جعل تاریخ و واقعیت های کنونی این کشور (تاریخ جعلی شش هزار ساله).
- ۴ - تغییر حدود جغرافیائی ملل غیر فارس.
- ۵ - برقرار ساختن نظام نئوکولونیال و اشغالگر نظامی - سیاسی ملل غیر فارس.
- ۶ - عقیم نمودن راه رشد و شکوفائی سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی.
- ۷ - اشغال و چپاول منابع طبیعی.
- ۸ - زبان فارسی عامل وحدت ملت.
- ۹ - تغییر زبان ملی ملل غیر فارس به فارسی.
- ۱۰ - ثبت و عرضه نمودن میراث تاریخی - فرهنگی ملل بنام ملت فارس در موزه های بین المللی دنیا.
- ۱۱ - ادعای وجود نژاد موهوم و ضد علمی آریائی - ایرانی و آرائی شمردن ملل جغرافیای ایران.
- ۱۲ - جلوگیری از تشکل و رشد شعور سیاسی - اجتماعی ملت ها.
- ۱۳ - ممنوعیت استفاده از زبان های ملل در سرزمین خویش.
- ۱۴ - ممنوعیت نام گذاری در کلیه زمینه ها.
- ۱۵ - سرکوب نمودن ناسیونالیسم و اعتقادات مذهبی ملل (سنی ها).
- ۱۶ - تسهیل امر آسیمیلزاسیون .
- ۱۷ - تحقیر مستمر فرهنگ و زبان ملل.
- ۱۸ - حاکم شدن ایدئولوژی فاشیستی - شوونیستی فارس بر مشی و اندیشه سیاسی نیروهای چپ و مذهبی.
- ۱۹ - سرکوب سیاسی - فرهنگی ملل.

۲۰ - پان آریائیسیم, ایدئولوژی استعماری در خدمت مصالح استعماری.

۲۱ - پان آریائیسیم ضد استعماری و مدرن نبوده و دارای عملکرد ارتجاعی و استعماری ست.

۲۲ - جهل و نا آگاهی شوونیسم چپ فارس از سیاست نئوکولونیالیسم و عدم درک ستم ملی و ابعاد مبارزه ملی, ملل غیر فارس.

وقایع اجتناب ناپذیر انتفاضه متأثر از تحولات بزرگی ست که در بطن جامعه و بر بستر روندهای فرهنگی - اقتصادی شکل پذیرفته و متأثر از رویدادهای منطقه ای اقلیمی ست. طرد و نفی مناسبات فرهنگی - سیاسی - اقتصادی که بر بستری از توطئه ها و اهداف شوم دولت جمهوری اسلامی ایران و ضرورت تاریخی انتفاضه و غلبه بر اهداف و نظام برنامه ریزی و مؤسسات اجراء کننده که بدون شک به سازمان برنامه و بودجه اشاره نمود. روشنگری و رشد آگاهی ذهنی و ارتقاء سطح دانش سیاسی و تشریح اهداف سیاسی و ماهیت اهداف استعماری و استراتژی دراز مدت گام به گام مردم را در جریان امور قرار داد. جامعه بر اساس شاخص های عینی و ذهنی شکل پذیری انتفاضه که لازم و ملزوم یکدیگرست و پشت سر گذاشتن مرحله کنونی و حضور گسترده نیروهای شرکت کننده در انتفاضه و طیف خارج وطن (الاهواز - ح) عامل تعیین کننده ای در انتفاضه و پی گیری اهداف استعماری دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و افشاگری آن و انعکاس در سطح وسیع خارج از وطن می باشد که فلسفه انتفاضه هویت بشمار می رود و نقش عوامل سیاسی - فرهنگی - اقتصادی خالق تضاد عمیق حکام جمهوری اسلامی ایران با ملت عرب که به لحاظ ماهیت استعماری عوامل سیاسی فوق تضاد اجتناب ناپذیر می باشد و

مانعی در برابر رشد و شکوفائی منطقه ست. بقاء و استمرار چنین عواملی در منطقه، جامعه را بسوی سیر نزولی و فروپاشی نظام اجتماعی آنرا بهمراه خواهد داشت.

انتفاضه بر اساس طبیعت و تنوع پروسه مبارزه تاکتیک لازم را بر اساس شیوه و استراتژی دشمن دنبال نموده، انتخاب شکل انتفاضه و شیوه برخورد راههای برون رفت بستگی به نیروهای شرکت کننده و ابزار انتفاضه و شعار آن چنین عوامل حیاتی بوده و از اهمیت بالائی برخوردار است. استمرار و موفقیت انتفاضه بستگی به عوامل اجتماعی ست، هر کدام از آنها ابزاری ست در دست انتفاضه و سلاحی بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و محور آن بستگی به شرایط و شکل آن دارد.

شناخت موقعیت انتفاضه و درک شرایط موجود از قوه به بالفعل در آوردن آن می باشد. افشای ماهیت و اهداف نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی و طرح شعار مرحله ای و مقطعی پاسخگوی نیاز و ضرورت انتفاضه خواهد بود.

برجسته نمودن خواست و تحولات انتفاضه، تغییر و تحولات خانه به خانه شهر و روستا را در بر گرفته نشان از عمق انتفاضه ست. کالبد شکافی جامعه شناسی انتفاضه و روابط زیربنائی و روبنائی جامعه و هدایت انرژی ملت عرب و تحلیل بردن آن در مسیر انتفاضه بمثابة دژ مستحکم در برابر اپورتو نیست و عقیم نمودن توطئه های جمهوری اسلامی توسط فریب خوردگان در جهت تشویش و منحرف نمودن اذهان سیاسی ملت عرب و تغییر مسیر انتفاضه را ایفاء نمایند.

استراتژی انتفاضه بر مبنای تغییر ساختار سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی شکل پذیرفته و در مقطع کنونی شناخت واقعیات - تعادل نیروها و خیزش آنها در راستای هدف مشخص و خواست مشخص در مقطع کنونی و سرنوشتی که نیاز به

کارگروهی نقطه نظرات مشترک دارد. فردگرایی و تحمیل آراء و نظرات جریانی خود، در جهت تضعیف و تخریب انتفاضه ست. روشنگری و شناخت ماهیت و عملکرد دشمن اشغالگر نظامی - سیاسی منطقه جمهوری اسلامی ملت عرب را مصمم تر و با ایمانی راسخ تر بسوی انتفاضه هویت و تحقق هدفمان سوق داده. شناخت - درک و افشای ماهیت و عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران و حضور ملت عرب در صحنه و همگام با انتفاضه بودن - نشان از توان - قدرت - اراده و خواست ملت عرب می باشد.

انتفاضه حوادث اجتناب ناپذیر متأثر از تحولات بزرگی که در بطن جامعه و رویدادهای منطقه مستمر و سیر تکامل آنرا میتوان دنبال نمود. شناخت و درک ماهیت اشغال و اهداف دراز مدت که بر مبنای استراتژی بنا گردیده بیان حقایق و واقعیت های بیشماری ست که نشان از عمق اهداف و برنامه ریزی منظم و سازمان یافته تشکل مؤسسات دولتی و حکومتی ست که طی سالیان دراز در منطقه در پی تحقق اهداف خویش بر مبنای اصول مطرح شده و راهکارهای منطقه ای آن که در بطن جامعه نهفته عملی و به واقعیت موجود تبدیل نمود، واقعیتی که با پس زدن و به حاشیه راندن ملتی بیان آمال و آرزوهای اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه را عملی نمایند. جنایتی که با اهداف و زیر بنای نظام آپارتایدی کنونی جمهوری اسلامی شکل گرفت و ضرورت افشاگری را به ضرورتی تاریخی تبدیل نموده است.

آثار جنایات و عمکردهای ددمنشانه و شوونیستی رهبران ایران و جمهوری اسلامی بر جغرافیای منطقه حک شده آثار بجای مانده عواقب شومی بدنبال داشته که هر از گاهی خود را بشکلی

نمایان می سازد نتایج جنایات خیزش هائی ست که بشکلی خود را نمایان می سازد.

عملکردهای رژیم آپارتایدی جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن ولی فقیه و ولایت فقیه - فروپاشی ساختار اقتصادی و بافت اجتماعی فضای بسته سیاسی عدم رشد و احیاء روبنای فرهنگی جامعه - سنت - حقوق سیاسی و دیگر عوامل آن این نکات محوری ست که ملت عرب را در برابر شرایط و واقعیت های عینی جامعه قرار داده و قدرت اجرائی و تصمیم گیرنده تحولات منطقه ملتی ست که بار سنگین فقر و خرابی ها و کاستی های جامعه - اعتیاد و بیکاری که نتایج اهداف شوونیستی نظام آپارتایدی جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه می باشد حجم و وسعت و عملکردهای اشغالگران نشان از حقد و کینه ای ست که نسبت به تاریخ - هویت و سرزمین ملت عرب و رشد و شکوفائی آن در هشت دهه گذشته ست که اینچنین مورد غضب و غارت و چپاول حکام طهران گردیده است.

ضرورت حضور در صحنه و همگامی با انتفاضه و اهداف آن به منظور فراهم نمودن زمینه عملی اعلام حالت فوق العاده مانعی در برابر بستن فضای سیاسی و کشت و کشتار ملت بیدفاع عرب و دیگر جنایات جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه باشیم که بدنبال تحقق اهداف استراتژیک و دکترین و ایجاد جو رعب و وحشت و هجرت و فجایعی که ریشه در واقعیات کنونی جامعه داشته و چهره عریان ماهیت و عملکردهای جمهوری اسلامی و دولت آنان بشمار میرود.

هر پدیده ای دارای علت و معلولی ست و با درک و شناخت قوانین موجود حاکم بر منطقه و با شناخت شرایط عینی و روند کنونی جامعه اهداف خویش را دنبال نموده و بر اساس واقعیت های موجود و درک ضرورت ها و تحولات پیش رو به نتایج

مطلوب و قابل قبول دسترسی پیدا کنیم و خود را به اهدافمان نزدیک نماییم.

با مشاهده و بررسی و تجزیه و تحلیل رویدادها و حوادث و فجایعی که خشم و نفرت و کینه را به همراه داشته و جامعه ای که با جزئیات و دلایل و نشانه های اجتماعی آن مطرح است به گونه ایست که همگی از انفجار جامعه و ورود به مرحله نوینی که خواست و اراده ملت عرب بشمار میرود. هر تغییر و تحولی در ساختار منطقه با رویدادهائی که وقوع آنها در منطقه محتمل است تحولاتی را به همراه خواهد داشت با تقویت و حمایت هویت انتفاضه و حضور گسترده آن در سطح جامعه وقوع هر پدیده ای در جامعه و پیگیر نمودن آن در تحولات آینده بسیار تاثیر گذار می باشد انتفاضه را میتوان در نبردی سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی به اهرم فشار برای رهائی جامعه از قید و بندهای تحمیلی و گسستن آنها حمایت نمود و در قالب مبارزه و شعار استراتژی خود را نشان می دهد.

انتفاضه در چنین جوامعی متاثر از شوونیسم و رانت خواری و تئوکراتیسم حاکم بر منطقه و روابط استعماری حاکم بر ادارات دولتی و مناسبات اقتصادی حاکم بر آن می باشد و در ادامه ناهنجاری های سیاسی - اجتماعی نمود عینی و واقعی خویش را در سطح منطقه آشکار نموده و بر بستر چنین پدیده هائی و در دل جامعه انتفاضه شکل گرفته و جامعه را بار دیگر بسوی انفجار اجتماعی سوق می دهد. بنا بر این مهمترین اصل درک ضرورت انتفاضه و انعکاس آن در حاکمیت و خواست ملت عرب می باشد.

اهمیت و حساس بودن انتفاضه کنونی نسبت به انتفاضه محمره، زمان و جایگاه آن در معادلات کنونی کشور و منطقه ست، اهمیت آن به لحاظ اپیدمیک شدن در سرتاسر منطقه بصورت

خاص و شکستن تابوی نظام جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و انتفاضه کردستان بصورت عام آن می باشد.

حساس بودن به لحاظ شرایط محیطی و طبیعی منطقه و ویژگیهای خاص آن می باشد هر گونه عمل و واکنش که از بستر عنف و نظامی گری نشأت گیرد، سرنوشت و معادلات جدیدی به همراه خواهد داشت که نشان از محدودیت مانور جمهوری اسلامی در مناطق فوق بوده و از جهت دیگر قدرت اراده و مانور ملت های جغرافیای ایران را در برابر نظام آپارتایدی جمهوری اسلامی و در رأس آن ولی فقیه و ولایت فقیه ست. درک چنین ضرورتی به لحاظ تئوری و ساختمان انتفاضه که در ساعت تنظیم و تاریخ آن و یا به تعبیر دیگری، شکل گیری و انسجام نیروهای تشکیل دهنده که اسکلت و ساختمان انتفاضه بشمار میروند فاقد ساختار فیزیکی بوده و شتابزدگی انتفاضه حکایت سطحی نگری و اعتماد پذیرش شرایط وقت بوده و نه ماهیت درنده خوئی حکام جمهوری اسلامی ایران که با اندک روزنه ای فضا و شرایطی که مردم به حکام جمهوری اسلامی ایران تحمیل و از زاویه جراید - احزاب - روشنفکران و نخبگان هویدا نموده اند. شکل گیری پروسه عظیمی که ملت عرب را در نوردید با توجه به حجم و وسعت جغرافیائی و کشش بار سیاسی بمراتب نسبت به قیاس آن بسیار بیشتر از ظرفیت اجتماعی - سیاسی آن بوده که تعمق در این باب نیازمند درک و شناخت جامعه شناسی و روان شناسی و سیر تحولات کنونی پدیده های اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادی جامعه که زیر بنا و رو بنای تحولات کنونی و هویت انتفاضه ست. ساختار فیزیکی انتفاضه ست که جهت دار بودن آن - استمرار آن و نیروی آن ملت عرب می باشد. چنانچه نیروی موجود در صحنه اجتماعی - سیاسی پتانسیل یا دیسپیلین مرحله

ای یا گام به گام خود را از دست بدهد، بطور حتم و یقین فجایعی
ببار آورده که ناشی از حرکت خود بخودی ست و ضعف و
انسجام و تشکل در آن مشهود می باشد که نشان از تقدم و پیش
گرفتن مردم در برابر طیف سیاسی ملت عرب است.
عدم انسجام در شعار و راهپیمائی ها و تجمع ها در بسیاری از
شهرها و مناطق دلیلی بر این ادعاست. در مناطقی درگیری ها
رو در رو بوده و در برخی مناطق به شیوه تجمع و گریز و در
جاهای دیگری بر اساس نوسانات محیط و شرایط آن متفاوت می
باشد. ظهور مشکلات و دستگیری ها و عدم کارائی منظم
گروهی و تقسیم کار بر اساس شعار نویسی- پخش اعلامیه -
تراکت - در مقابل یورش های منظم و سازمان دهی نیروهای
دولتی (نظامی و انتظامی) تسلط دیسیپلین نظامی میلشیا و
نفس تعیین کننده و مؤثر در تناسب نیرو و تسلط بر یکدیگر در
جهت پیشبرد اهداف خویش است. طبیعتاً دشمنان انتفاضه، دولت
جمهوری اسلامی ایران با خلق موانعی موفق شدند از سرعت
انتفاضه بکاهند. ولی بدلیل ماهیت و نیروی حمایت کننده و
پشتوانه آن نتوانستند آنرا متوقف نمایند. ریشه یابی علل و عوامل
و موفقیت و عدم دسترسی به اهداف خود در کوتاه مدت بشرح
ذیل می باشد:

- ۱ - عدم محوریت سیاسی.
- ۲ - عدم استراتژی مشترک.
- ۳ - عدم سازمان دهی.
- ۴ - عدم هماهنگی و انسجام و دیدگاههای واحد و مشترک و
توافق هائیکه در چارچوب انتفاضه و یا تشکلی که در برگیرنده
کلیه طیف های سیاسی باشد.
- ۵ - عدم تاکتیک مشخص بر اساس شرایط مشخص.

۶ - شعاری که بر واقعیات و شرایط عینی جامعه مبتنی و به دور از هرگونه ذهنی‌گرایی باشد.

۷ - عدم فضای باز سیاسی و فقدان طیف‌های سیاسی در میان ملت عرب.

۸ - عدم درک وضعیت جامعه و طبقات اجتماعی و روند تحولات کنونی و سمت و سوی آن و جهت‌گیری در برابر توطئه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران.

انتفاضه حاوی و در برگیرنده درس‌های آموزنده بیشماری است که قریب به سه دهه پای به عرصه صحنه سیاسی منطقه با کلیه فراز و نشیب‌های آن قد علم نمود. اما در مقطع کنونی با حجمی خارج از ظرفیت و گنجایش خودش و دارا بودن ویژگی خاص در مقطع و شرایط کنونی با این تعبیر که تحولات جامعه گویای دگرگونی عمیقی است. عبارتی انتفاضه محرک خروج از قوه به بالفعل ملت عرب بشمار می‌رود. بررسی و تحلیل درست و عکس‌العمل بجاست که ما را به هدفمان میرساند. دشمنان ملت عرب در مرحله تنش و برخورد با یکدیگر مبنی را بر نابودی و حذف فیزیکی نیروی مقابل تن می‌دهند و به دلیل روان‌شناسی جمعی خاص (ایرانیان) و برخورد با رویدادها و جریان‌های سیاسی ملت‌ها از روان‌شناسی قدرت به حذف مسئله و هزینه سنگین سیاسی آن می‌پردازند.

اشغال نظامی - سیاسی و پشت سر گذاشتن هشت دهه بیشترین و بزرگترین ستم‌ها را در حق ملت عرب روا داشته و از ابتدائی‌ترین و کمترین حقوق انسانی و عرف بین‌المللی محروم بوده سرنوشتی که در فضای بسته و آلوده به اختناق و توطئه خالق انتفاضه ای شد که نشان از عمق ناهنجاری‌های اجتماعی و فروپاشی طبقات آن از سوی رژیم آپارتایدی جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و دولت ایران در پروسه ای که هشت

دهه از عمر خویش را سپری نمود. تراژدی شومی که دارای زوایا و ابعاد گوناگونی ست که واقعیت های تلخ لابلای طبقات اجتماعی هویدا می باشد و دارای تبعات تعیین کننده ای ست که در آینده شاهدش خواهیم بود که تعلقات دینی و کشوری مانعی بر سر راه و جلودارش نمی باشد، هرگز نباید از پتانسیل توده های میلیونی محروم و ستم دیده که قربانی قتل گاه رهبران ایران و جمهوری اسلامی بوده نباید از روز محشر آن غافل ماند. هرگز از تاریخ و بیداری ملت ها و تحولات عظیم چیزی نیاموخته و یا به تعبیر دیگری رهبران جمهوری اسلامی ایران خشم را بدیل اندیشه و اختیار خود نموده اند.

علائم تشخیص جامعه گویای تحولات جدی ست. انتفاضه مسالمت آمیز بر اساس شرایط عینی جامعه و واکنش و عکس العمل ملت عرب نسبت به اهداف و توطئه های شوم دولت ایران و جمهوری اسلامی در شرایطی ست که فعال بودن نیروی محرکه جامعه و انرژی مهار نشدنی و قدرت انفجاری آن از ویژگی جوان بودن رشد جمعیتی جامعه ست که حضوری بالنده در انتفاضه دارد، نیروی که آماده انفجار و تغییر و تحول اوضاع و حق تعیین سرنوشت خویش است و در برابر آن دشمن غدار، جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و مؤسسات رژیم آپارتایدی و اشغالگر جمهوری اسلامی است که با فتنه انگیزی و برجسته نمودن عوامل تشویش و انحراف که بخشی از استراتژی کنونی آنان است. انتفاضه و عوامل اجتماعی و سیاسی در شرایطی که به خواسته های مشروع خود دسترسی نیابد به مراتب به عامل خطرناک و مهار نشدنی تبدیل گشته و نتایج و عواقب آن خروج از وضع فلاکت بار و گشودن دریچه نوینی از وضعیت موجود که با فقدان زمین - آب - ذخائر و حفظ تمامیت ارضی الاهواز - ح احياء و گسترش عوامل زیر

بنائی و روبنائی جامعه و برون رفت از وضعیت و شرایط موجود می باشد. ملتی که با کلیه ویژگیهایش بدنبال یافته های خویش و تحقق آنها می باشد.

وقائع و رویدادها ثابت نمودند که انتفاضه بدون تشکیلات سیاسی و عناصر رهبریت کننده، قادر است به مبارزه ادامه دهد و دارای نوساناتی گردد که با کوچکترین جرقه شعله ور گشته و به تناسب و نسبت دوره ماقبل از انسجام و قدرت عمل بالائی برخوردار خواهد بود و کسب تجارب در مراحل و گام های دو زمانه خویش که در کوتاه مدت و دراز مدت ابعاد و تاثیر پذیری خود را (سلبی و ایجابی بودن) بر جای خواهد نهاد.

در طی پروسه مبارزه و تئوری و عواملی که بر سر راه و در جهت تغییر مسیر با ایجاد موانعی و تلاش و کوشش در راه ایجاد پارازیت و اخلال در پروسه انتفاضه می نمایند و خود را عاجز و در مانده و ناتوان در برابر انتفاضه می بینند به حاشیه رانده شده و خلع سلاح شدن از قدرت تصمیم گیری و تجزیه و تحلیل اوضاع به مسائل حاشیه ای روی آورده و سعی در بزرگ نمائی و برجسته آنها می باشند چه بسا اینگونه مسائل مطرح نبوده و میراث عظیم فرهنگی و ایدئولوژی سنتی ملت عرب بشمار میرود و نیازی به طرح آن نمی باشد مطرح شدن (نمودن) چنین قضایائی در طی پروسه انتفاضه ظرافت خاص خود را می طلبد و با موشکافی و تحلیل عناصری که از زاویه و توسل به دموکراسی در پی ابراز اندیشه و تفکر خویش می باشند. انتفاضه با پشتوانه عظیم مردمی و حقانیت خود، پروسه مبارزه را در مسیر خواست و هدف ملت عرب طی نموده و پرهیز از هر گونه حاشیه نگری و تمسک به مسائل غیر اصولی بنا به ضرورت انتفاضه و وحدت عمل سیاسی و مطرح نمودن و دامن زدن به چنین مسائلی پرهیز نموده و جانب اصل بر فرع

را رعایت نموده است تنش های موجود حاکمیت اشغالگران نظامی - سیاسی و ملت عرب که سبب تضاد دیرینه و تاریخی بوده و برخورد اینچنین با پدیده های موجود و واقعیت عینی جامعه هدایت روشنائی ها به اندرون تاریکی هاست و مسئله فردیت موضوع و طرح اندیشه و تفکر قابل تعمق و بررسی ست و مسائل حاشیه ای و غیر اصولی در مکان و فضای خاص خود قابل بررسی ست چنانچه با دیدی وسیع و شمولی به مسائل بنگریم. نتایج مطلوبتری در باب اینگونه مسائل و تبادل آراء عایدمان می شود. طرح مسائل جوهری و راهکارهای متناسب با شرایط عینی جامعه و افشای ماهیت رهبران جمهوری اسلامی و در رأس آن ها ولی فقیه و ولایت فقیه بیان و شیوه تفکری که در خدمت انتفاضه ملت عرب بشمار میرود و نه مخدوش نمودن آن. در نظامها و سیستم های حکومتی جهان سومی دو رکن از ارکان مهم حکومتی و تصمیم گیرنده آن بشمار می روند.

۱ - وزارت اطلاعات.

۲ - وزارت کشور.

که سعی در بهره برداری و به انحراف کشاندن و تسلط بر امور به اعمال غیر انسانی و شیوه های خاص خود دست میزنند و نباید در مسیر و هدفی که آنان در پی آن هستند گام برداشت و درایت و ذکاوت خویش را بکار گرفت و ندانسته در چنین سرآشویی سقوط نمائیم. انتفاضه بر پایه افراد شکل نمی گیرد. درک - نیاز و ضرورت جامعه ست که انتفاضه را با حمایت ملتی و نیروی بالفعل آن در منطقه و در صحنه سیاسی کشور مطرح نموده است.

انتفاضه و دو دیدگاه

از دست آوردهای انتفاضه می توان به برخوردهای دو شیوه و طرز تفکر که نتیجه و حاصل هر انتفاضه و نیروی شرکت کننده در آنست. نیروهائیکه بنا به خصلت های اجتماعی شان همگام و همقدم با آن گام برداشته و شفافیت ساختار انتفاضه در جامعه حریصانه و مصرانه گام بر میدارند و بر ماهیت و عملکردها و اهداف جمهوری اسلامی تاکید می ورزند نسلی از نو اندیشان و متفکران و تجدد خواه مذهبی که در احزاب و فاق – آفاق – تقلین خلاصه گردیده اند بیانگر واقعیت های عینی جامعه و شیوه های برداشت فکری حکومت جمهوری اسلامی و راه حل مناسب با توجه به معضلات کنونی اجتماعی – سیاسی منطقه و زیر و بم جامعه و کاستی های اصولی و اساسی اش واقفند ایدئولوژی – خواست ها و اهداف مشترک، نقطه عطف و اشتراک و عامل وحدت تحرک و تحقق خواست ها و کاستی های جامعه در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و بر اساس اسلوب و مشی مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت را امری ضروری و حفظ خویش و قدرت مانور سیاسی در سطح منطقه را امری حیاتی در جهت تحقق اهداف حزبی بشمار می رود.

دیدگاه یا جریان فکری (ب):

این طرز تفکر و آن شیوه برداشت متعلق به هفتمین و هشتمین دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی (دوم خرداد) که در ایران معرف عام و خاص می باشد با ظهور و کسب سلطه و قدرت

دوم خردادی ها، دو دیدگاه با دو برداشت و جناح بندی ها و با یک استراتژی مطرح گردید. استراتژی که در بر گیرنده منافع و مصالح ملی ملت فارس را در بر گرفته و هرگونه تغییر و تحولی در این چارچوب صورت می گیرد. جناح اصلاح گران حکومتی که از حمایت و پشتوانه مردمی بیشماری برخوردار بوده و بدنبال خروج از بن بست سیاسی حاکم بر جامعه و ارزش و بهاء دادن به نسل جوان جامعه منجر به ایجاد شکاف در نظام جمهوری اسلامی گردید و با در دست داشتن قوه مجریه (دولت) و قوه مقننه (پارلمان) بوده بعبارتی دو رکن از سه رکن اساسی کشور را در اختیار داشت ایمان به ولی فقیه و ولایت فقیه عامل مهم دوری جستن مردم از دوم خردادی هاست و عدم تحقق شعارها و وعده های داده شده عامل مهم سرکوفت و خروج از صحنه رقابتی و سیاسی اصلاح گران گردید.

دیدگاه محافظه کاران:

آیت الله سید علی خامنه ای - ولی فقیه و ولایت فقیه که نهاد حقوقی و سیاسی رهبر انقلاب بشمار میرود و تسلط کامل بر قوه قضائیه و جنایات آن دارا می باشد سرکوب نمودن جنبش های مردمی و دانشجویی - قتل عام زندانیان سیاسی - شکنجه - زندان - بستن فضای سیاسی جامعه و نشریات و فیلترینگ سایت های اینترنت از عملکردهای محافظه کاران و رانت خواران حکومتی و تئوکراتیسم حاکم بر ایران می باشد.

دیدگاه یا جریان فکری (ب)

استناد و بسنده نمودن در چارچوب و هیکل فعلی با توجه به حفظ نظام و ولی فقیه و ولایت فقیه جمهوری اسلامی ایران و انتخاب نهمین رئیس جمهوری جدید احمدی نژاد و وعده های آن

و استناد به ساختار اجتماعی موجود و سنت حاکم بر جامعه بمثابه فاکت های مورد نظر خویش و ادله ساختار اجتماعی مورد پسند و نظر دیدگاه (ب) پذیرش چنین قواعد و معیارهای اجتماعی و سنت حاکم بر آنها ناشی از شرایطی است که با رنگ و لعاب دینی و فقهی همراه می باشد و مضمون کلی این دیدگاه را در بر می گیرد و برداشت ها و معیارها و عقوبت دنیوی آنرا متوجه دیدگاه الف که مسبب ریختن خون انسانهای بیگناه تعبیر می کند. استناد و توسل به چنین معیارهایی در دیدگاه ب و برجسته نمودن آنها در جهت کتمان جنایات و حقایق به منظور جلوگیری از تغییر و تحولات اجتناب ناپذیر منطقه است. این تضاد و ریشه های آنرا در نظرات دیدگاه ب مشاهده نمود. چنین قضاوت صریح و آشکاری کتمان واقعیت های عینی جامعه نیست. چنین دیدگاهی در شرایطی بر میدان سیاسی منطقه ظهور نموده که استقبال طیف وسیعی از مذهبیبون و روحانیون از انتفاضه و خواست مشروع آن و واقعیت های جامعه و مقاومت در برابر طیفی که آگاهانه در برابر انتفاضه خود را بهر شکلی مطرح می نماید. تمسک جستن به مسائل جنبی و اجتناب ناپذیر از اهم دیدگاههای آن بشمار می رود. هواداران انتفاضه استراتژی خویش را بر آگاه نمودن و تحول افکار عمومی و استمرار انتفاضه ست و حذف دشمن ملت عرب از صحنه سیاسی منطقه را ناشی از شرایط و امری ضروری و اجتناب ناپذیر می پندارند.

دو استراتژی ناهمگون و متضاد در برابر یکدیگر صف آرایی نموده اند. انتفاضه دو دیدگاه و دو نسل را با قساوت تمام در برابر یکدیگر به قضاوت جامعه گذاشت، سمبل دو اندیشه با قرائت های گوناگون و برداشت های مختلف پرده دری نمودند و بعنوان دیدگاه و جریان فکری مطرح در جامعه با آن برخورد

نمود و نه فردیت، فرد. ضرورت اجتماعی و واقعیت عینی چنین برداشتی را تضاد با تغییر شرایط عینی جامعه می‌داند که شاهد تحولاتی ست، چنین شیوه برخوردی با مسائل قطعا راه گشا و ارائه دهنده متد و متون جدیدی نیست که در مسیر تحولات انتفاضه و خواست آن بر علیه دشمن ملت عرب، دولت جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کند. نقطه نظرات و درک عمیق و زیربنای انتفاضه و رویدادهای مهم در برگیرنده تشریح پایه‌ها و عوامل اجتماعی - سیاسی منطقه ست که مهمترین عامل و مانع بر سر راه رشد و شکوفائی ملت عرب بشمار میروند.

عدم امنیت - آرامش و ثبات و توطئه‌هایی که از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد با خلق عناصری در مسیر انتفاضه بیشتر جنبه روان‌شناسی و در پی تشنج آفرینی در جامعه و نگرانی عدم ثبات و آرامش و از دست دادن سیادت منافع و مصالح و اقتصادی و سیاسی در منطقه ست. در این استراتژی و برون رفت از اوضاع کنونی و چالش‌های آینده منطقه تنش‌های سرنوشت‌سازی شکل خواهد گرفت که بدون شک معادلات و استراتژی کهنه دولت ایران و جمهوری اسلامی دستخوش و آبستن حوادثی خواهد گردید که تغییرات جوهری دکترین جمهوری اسلامی را بدنبال خواهد داشت و نظام جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه را در باتلاق حوادث و وقایع و رویدادهای جاری زمینگیر می‌نماید و سر منشاء استراتژی منطقه و تمامیت ارضی آنرا تهدید می‌نماید و مسبب کلیه عواقب وخیم و خشونت‌آمیز متوجه تئوکراتیسم‌های حاکم و ولی فقیه و ولایت فقیه می‌باشد. چنین برداشتی متوجه دیدگاه الف که دارای برآیندی است که تئوری و پراتیک آن

برنامه و راهکار آن می باشد و با تحمل مسئولیت دفاع از جان انسان ها را سر لوحه اهداف سیاسی خود می داند.

عناصری که می بایست در عمل همگام با تحولاتی که در جهت تغییر وضعیت موجود می باشد گام بردارند، در برابر آن صف آرائی نموده و مغایرت تام با اسلوب و منش انتقاد است همانگونه که انتظار می رفت ریشه ها و انگیزه های جامعه شناسی و تئوری ب را در ماهیت و عملکرد عناصر تشکیل دهنده دیدگاه الف و برجسته نمودن اهداف و شعار انتفاضه برخاسته از دیدگاه الف است و بدور از واقعیت عینی نیست در مقطع کنونی که انتفاضه هویت می رود بخش جدائی ناپذیر از ملت عرب بشمار آید بعنوان جریانی حیاتی که با افت و خیز و پستی و بلندی های وقایع و رویدادها آبدیده تر گشته و کسب جایگاه خود در معادلات سیاسی منطقه هویت خود را یافته است.

طیف سیاسی پس از پشت سر گذاشتن مراحل کنونی پروسه انتفاضه، جایگاه و معیار خود را بر اساس واقع بینی درک و شناخت مواضع اصولی و بینش های نشأت گرفته از اوضاع اجتماعی - سیاسی منطقه و انطباق تئوری و عمل در عرصه های گوناگون رشد محسوسی داشته است که همگام با توسعه سیاسی در جامعه رشد و نمو نموده است. جو حاکم بر جامعه بعبارتی فرهنگ سیاسی و تلاش ذهنی طیفی که با تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر حریصانه در عرصه فرهنگی جامعه - سنت - آداب و دسترسی به معیارهای واقعی و خلاقیت های جامعه ایفای نقش می کنند. جامعه در معرض تهاجم همه جانبه و گسترده فرهنگی سیاسی و در برگیرنده شهرها و روستاهای منطقه ست و مسببان اصلی تدارک فجیع ترین حوادث انسانی را تئوریزه می کنند. (تهاجم نشان از ضعف پدیده های اجتماعی مورد تهاجم نیروی برتر با امکانات و تدارکات در زمینه های

فوق می باشد و آسیب پذیری آن در کوتاه مدت). ریشه های یورش به انتفاضه و مناطق محروم را تحلیل و ارزیابی نمود و حکایت از درک تامل و مقایسه این تحلیل ها و ارزیابی ها با آنچه که در منطقه بوقوع پیوست و پیرامون همین رویداد ها و تحولات آن منتشر شد و مورد صدق مسئولین قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی واقع گردید.

وقایع و رویدادهای تکان دهنده ای که هرکدام ضربه ای جهت هوشیاری و آگاه شدن نسلی که چشم و گوششان بتدریج بسوی واقعیات گشوده شد و با آگاهی از واقعیات زیربنائی حاکم بر جامعه در برابر ستمی که مناسبات و ویژگیهای سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی بر این ملت تحمیل نموده به مبارزه برخاسته است.

نسلی که از سال ۱۹۷۹ بدینسوی ذهن خود را گشود و با الف باء محیط و مردم آشنا گردید، خود خالق و مهندس انتفاضه شد و در کوران محرومیت ها پرورش یافت، قلم بدست گرفت - زخم عمیق و درد جامعه را یافت و بدنبال درمانش رفت اینک خود سکان دار و رهبر انتفاضه ست. تجربه گذشته و شرایط عینی جامعه خالق چنین پروسه ایست. جویای نام و نشان نیست، پر واضح و آشکار است، انتفاضه سیاسی - اجتماعی نیازمند نیروست، نیروی پخته و کارگشته تئوری و عمل است که در پروسه اجتماعی - سیاسی بدنبال مصالح ملی خویش ست، طبیعت جامعه ست، با داشتن ابزار قدرت و پشتوانه اجتماعی نیروی محرکه انتفاضه را یافته ست، امریست ضروری که ضرورت جامعه پشتوانه عینی آنست و حرکت رو به جلو را می طلبد و بدنبال تحولات ساختاری ست و با پشتوانه عظیم اجتماعی که خالق چنین تحویلیست.

نیروهای اجتماعی - سیاسی با بیان عقاید و حضور ایجابی خویش می‌توانند عامل مهمی در هدایت انتفاضه و تحولات آن باشند. حیات جامعه ست که ارتباط بین نیروهای سیاسی - اجتماعی را مصون داشته، چنانچه جامعه حذف یا پاسیو شود، نیروی سیاسی هویتی نداشته و با حفظ کلیه نیروهای اجتماعی، آینده جامعه و سلامت آنرا تضمین نمود با سلاح منطق و ادله در جهت اصلاح گام برداریم نه تخریب یکدیگر و تشویش اذهان مردم. مصالح سرزمین مان با ارزشتر و حیاتی تر از چنین برخورد هائی ست که در صحنه سیاسی و جامعه نوپای کنونی ست، برخورد سیاسی ضامن و عامل پویائی جوامع و ملت هاست و ضامن سلامتی دیدگاههای سیاسی ست. درک ضرورت تحولات در جامعه و تمایز غیر منطقی مباحث سیاسی - اجتماعی باعث شد ذهن جوان و نوپای ملت عرب و بلوغ سیاسی آنرا با علامت تعجب و سؤال برانگیز چنین عملکرد و ماهیتی و نظام کنونی جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه کدام معضل از معضلات جامعه را حل و بر طرف نموده و کدام خرابه را آباد و عمران نموده و ما در کجای این معادله قرار گرفته ایم. تفکر و برداشت های غیر واقعی از کجا نشأت می گیرد و حمایت کدام یک از طبقات اجتماعی را به همراه داشته، اهداف و سیاست های استعماری و آپارتایدی تئوکراتیسم های حاکم و اشغالگر در پی فروپاشی نظام اجتماعی و بافت جمعیتی منطقه و تغییر ساختاری هستند. دکترین و استراتژی پیش روی دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و از سوی دیگر سنگینی بار سیاسی و مبارزاتی را بر دوش طیف سیاسی و نخبگان و ملت عرب که پشتوانه و جوهره تحولات و تغییرات منطقه بشمار میرود و کشف و افشاء عملکرد و ماهیت اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه، رسالت

خطیری را متوجه همه ما نموده است. خلق و ایجاد شکاف در روابط سیاسی - اجتماعی در هر جامعه ای بمعنای حذف نیروی مقابل خواهد انجامید و خلائی در جامعه بوجود خواهد آورد. در شرایط کنونی و مقطع نوین انتفاضه هویت نیازمند مبرم تغییر تناسب قدرت و متعادل نمودن قوای تشکیل دهنده انتفاضه در برابر دولت ایران می باشد. دیدگاههای متنوع در منطقه، فضای رشد فکری - سیاسی را بهمراه آورده و با موشکافی ها و تحلیل و ارزیابی اوضاع، دیدگاهها و برنامه های خاص منطقه آنرا در جهت پیشرفت فرهنگی سیاسی منطقه مثبت ارزیابی می نماید و پیش گیری و مانع هرگونه شکاف و دو دستی در حیطه طیف سیاسی و نخبگان و معالجه تحقیقی آن بر اساس شرایط عینی جامعه و واقعیات آن می باشد، رسالتی دشوار و با هزینه که در جهت حفظ بافت اجتماعی - سیاسی منطقه پروژه ای عظیم و بس خطیر در شرایط بسته سیاسی و نظامی کنونی ست و واقعیتی که کتمان ناپذیر بوده و نباید بسادگی از کنار آن گذشت، از اتحاد سیاسی و وحدت عمل مبارزه ای حمایت نموده که تابع تحولات و اهداف ملت عرب و بر اساس واقعیت های آن عمل نموده و در بر گیرنده طیف های سیاسی منطقه (درون و برون) و کلیه اقشار جامعه و طبقات اجتماعی باشد و در چارچوب جبهه ای واحد و با پرچم وحدت - هدف و شعار واحد در برابر دشمن غدار صفوف خود را متشکل و منسجم نموده تا از هرگونه نفوذ دشمن غدار و ایجاد شکاف در صفوف واحد و تغییر موازنه سیاسی در جهت تحقق اهداف خواست ملت عرب و منجر به یأس و ناامیدی دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آنها ولی فقیه و ولایت فقیه گردد. فروپاشی بافت اجتماعی بهر شکل ممکن در استراتژی ملی مطرح و مورد اجرا و رسالت تاریخی ملت فارس می باشد.

تمسک و مستمسک قرار دادن عمران و آبادانی روزنه ای ست در جهت تحقق استراتژی کهنه و موعود و تغییر تناسب جمعیتی و سنت های حاکم بر آن را در رأس امور و سرمشق خود نموده اند. شتاب وقایع و رویدادها و فعالیت همه جانبه و گسترده طیف سیاسی منطقه در بحرانی ترین اوضاع کنونی و تاریخی ترین دوران انتفاضه، کشف توطئه ها و اهداف اشغالگران نظامی - سیاسی فرصت پرداختن و عمل نمودن جنایات را از آنان سلب نموده است. عجز و ناتوانی در درک واقعیت ها و بحران های اجتماعی - سیاسی کاهش نخواهد یافت، کاوش در چنین بحران هایی باید پدیده های وجودی آنها را دنبال نمود که از اهمیت بسزائی برخوردار است نه وجود آنها که در هر جامعه ای طبیعی بوده، اینگونه بحران ها وجود داشته، دارد و خواهد داشت. این مشکلی از روند انتفاضه بشمار نمی رود، بلکه جوهره آن اشغال نظامی - سیاسی منطقه ست که در شکل گیری و تغییر و تحولات آن موثر و پویاست. هر پدیده ای در منطقه و جامعه کنونی دارای هدف و دنبال تحقق عامل بوجود آورنده و اهداف مورد نظر آن بوده و تابعی از استراتژی کهنه و تغییر دیموگرافی و آسیمیلزاسیون منطقه بشمار می رود. باید سرعت بر آگاهی عمومی و سیاسی خودمان در باره همه مسائل بیافزائیم و آنها را به ملت عرب منتقل نمائیم و در این امر مصمم همت نمائیم. البته توطئه و بحران سازی ادامه خواهد یافت که با آگاهی و قدرت می توان در برابر آن ایستادگی نمود و مبارزه کرد. پدیده ها و رویدادهای منطقه را با دقت بیشتری پیگیری نموده و قبل از هر نوع موضع گیری، اطلاعات و دانسته های خود را تقویت و هر توطئه ای از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را به ضد خودش تبدیل کنیم. تعیین حد و حدود اینگونه مسائل، نه ممکن

است و نه در حوزه حریت تعبیر جایگاهی نخواهد داشت و به دور از معنا و مفهوم حوزه خود می باشد و نه راه گشای تحلیل اوضاع کنونی منطقه ست.

آنچه اکنون و در این برهه از انتفاضه قابل تعمق و کنکاش است، خواست مهم و اساسی ست که مسیر انتفاضه را در این جهت خلاصه می نماید نه مطرح نمودن موضوعات غیر اساسی و فرعی و غیر مطرح در شرایط کنونی ست تاکید بر نکات ضروری در شرایط فعلی جامعه که بسوی دگرگونی و تغییر اوضاع و تحولات سیاسی گام بر می دارد. طرح مسائل غیر ضروری معنائی جز تشویش آراء و منحرف نمودن مسائل مهم کنونی منطقه ست. فرهنگ نقد و انتقاد بدون ارائه راه حل صحیح و مثبت بر اساس شرایط دشوار سیاسی - اجتماعی که نیازمند آرامش و تسلط بر اوضاع پس از یک دوره چهارده روزه تنش و انتفاضه که حاصل آن تغییر و تحولات ذهنی جامعه و رشد سیاسی آن و انعکاس رویدادهای آن در میان دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن ولی فقیه و ولایت فقیه می باشد. توسل به تاکتیک حمله و موضعی عملا پوزیتیویستی (حفظ وضع موجود) رسیدن به بن ست سیاسی و به عبارتی دیگر به صراحت تعبیر استناد می کند، تاکید بر سنت های جامعه (شیعه و سنی) و بی اعتقادی به شناخت تئوری روندها و آینده آنها می باشد، استناد به واقعیت کوچک که عدم واقع بینی را بدنبال دارد و برخورد غیر تاریخی و حفظ وضعیت موجود و نفی وقایع مبارزه اجتماعی ست.

انتفاضه و بدنبال آن تحولات عظیم و رشد آگاهی سیاسی، منطقه را بسوی گذار از مرحله ای به مرحله ای دیگر از رشد آگاهی سیاسی سوق داده است. مسیر تحولات مسالمت آمیز دفاع از آرمان انتفاضه و تصویر کلی آنچه که در منطقه بوقوع پیوسته و

در حال تکامل پروسه کنونی خویش و ورود به مرحله نوین و پشت سر گذاشتن پستی و بلندی‌ها و به دور از هر گونه وابستگی به سنت‌های دست و پا گیر و منطبق بر واقعیت‌های جامعه رشد و تکامل یافته، نه سنت‌هایی که با گذر زمان بدنبال تنش‌های کهنه و بی‌موضوع دیرینه که به جز خود محوری، هر گونه تحول شگرف و دگرگونی در جامعه را نفی می‌کنند اوضاع و احوال و شرایط را آنگونه که هست پذیرا بوده و تابع حفظ شرایط موجود (پوزیتیویست) و نه تغییر آن می‌باشند. گام نهادن انتفاضه در شرایط دشوار و اوضاع بغرنج جامعه و خوی غارتگری و توسعه طلبی ایرانیان، جمهوری اسلامی و شرایط سختی که پیش روی انتفاضه ست و در برگیرنده طیف سیاسی منطقه بوده طبیعی ست که در کشاکش تنش‌های اجتماعی و وقایع و رویدادهای آن با تغییر مسیر بخشی از نیروها و با برجسته نمودن مسائل و سنت‌های اجتماعی راه بی‌دردسر را بر مبارزه طولانی و طبیعت پر از فراز و نشیب آن خلاصی یافته و توجیه مسائل و همه سعی در ارضای فکری و اجتماعی چنین تفکر و برداشت ذهنی آن و نفی معیارهای عینی جامعه را به همراه داشته است و در برابر آن پیوستن عناصر یا نیروهائی که اولویت مصالح وطنی بر مصالح فردی را جایز شمرده با دید واقع بینانه ای نسبت به برداشت‌ها و واقعیات جامعه می‌نگرد و زیر بار مسائل حاشیه ای و انعکاس آنها بعنوان مسائل روز جامعه با توجه به اهمیت دادن به مسائل حساس و مهم و تاکید بر چنین مواردی است و بمعنای نفی آنها نمی‌باشد.

واقعیت‌های عینی جامعه (منطقه) را به دور از معیارهای عینی آن بررسی و جلوه داده و خود را بخشی از واقعیات روز قلمداد نمودن و تدوین خطوط فکری متناسب بر پایه ضرورت‌های

عینی جامعه و برداشت های مبتنی بر چنین واقعیتی و تمرکز بر گفته ها - تحلیل و صحت و سقم آن ایمان داشت. نه این چتر حمایتی داروی جامعه ست نه محدودیت های فکری - سیاسی راه گشای آن. انتفاضه با دیدگاه جدید و برداشت اقماری مهاجرین دور از وطن مواجه است. دیدگاههایی که حاکی از برداشت ها و نگرش طیف های خارج از کشور و ترسیم آینده ایران بر اساس ظرفیت های سیاسی و اوضاع بغرنج کشورهای همجوار و وحدت و همبستگی صفوف ملت ها و اتخاذ مشی مشترک در کنفرانس ها و میزگردهای سیاسی و انتخاب خط مشی در باب فدرالیسم از سوی بخشی از طیف های سیاسی خارج و اعتقاد به حق تعیین سرنوشت از سوی طیف دوم احزاب - سازمان ها و جبهه که در بر گیرنده ملت های جغرافیای ایران است. آنچه که حائز اهمیت و در این مجرا سیر می نماید دیدگاهی ست که با واقعیات جامعه همخوانی داشته و دارویی بر زخم جامعه ست و در جهت تقویت تحولات و انتفاضه طی می شود خواست و اراده ملت ها و شعارهای سر داده شده در طول انتفاضه ست.

تغییر اوضاع و شرایط و انعکاس تحولات آن در طهران مرکز دولت ایران اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه و اتخاذ تصمیماتی که متأثر از انتفاضه و رشد فکری و سیاسی و گسترش آن به سایر جغرافیای ایران است.

استناد به اوضاع عینی جامعه - رویداد ها و وقایع آن - بررسی و تحلیل و به نقد در آوردن انتفاضه نه بر اساس برداشت های ذهنی و نفی معیارهای عینی جامعه که سرنوشت ساز تحولات و وقایع و رویدادهای چهارده روزه ای که دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را به اتخاذ تصمیمات عاجل که

با پشتوانه ملت عرب و اهرم فشار انتفاضه دولت ایران را در برابر اتخاذ چنین تصمیماتی وادار نمود.

اتخاذ سیاستی نسبت به وقایع و رویدادهای سرنوشت ساز انتفاضه و ارزیابی دقیق و واقع بینانه گویای درک جامع و کامل رویدادها و تحولات منطقه ست. با تغییر شرایط موجود و بها دادن به شیوه تفکر ذهنی و استناد و برجسته نمودن واقعیات جامعه و تمسک به گذشته و عدم تئوری در جهت حل و رفع معضلات کنونی انتفاضه خلاصه گردیده، درک خصلت ها - موانع و دشواری های آن عامل مهم در مصونیت و حفظ و استمرار انتفاضه و تحقق اهداف و ارزیابی و شناخت نیروهای آن و بکارگیری تحلیل علمی و شیوه ها و اسلوب آن، از اوضاع و شرایط و جایگاه اجتماعی - سیاسی طیف سیاسی و روند انتفاضه و دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و ارزیابی و تحلیل دقیق اوضاع سیاسی کشورهای همجوار و ماهیت و نقش دولت جمهوری اسلامی ایران در روند تحولات برون مرز و معادلات منطقه ای و استراتژیکی و اهداف جمهوری اسلامی ایران از اوضاع کنونی عدم درک و پذیرش واقعیات و شرایط رقت بار منطقه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن ولی فقیه و ولایت فقیه چرخیدن در دایره اوهام قدرت و سلاح و سرکوب نتایج و عواقب مثبت و روشنی نخواهد داشت و بر عمق تنش ها و کاستی های جامعه می افزاید نه رفع آنها و رسیدن به نتایج مطلوب ضرورت حفظ تحولات انتفاضه در هر اندازه و بعدی و استحکام آن، برای تحولات مرحله بعد با حفظ نیروهای حاضر در صحنه و بکارگیری شعاری که منطبق بر خاست و نیاز کنونی جامعه و تجمع نیروها و عدم خروج از صحنه مبارزه و ایمان به استمرار و نتایج انتفاضه و اهداف پیش روی آن و بررسی و ریشه یابی

مسائل و کاستی های جامعه و برجسته نمودن آنها و افشای ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و پی گیری مسائل ریشه ای جامعه، هر پدیده ای عمق نداشته باشد، ریشه نداشته باشد، معنی و مفهوم ندارد.

هدف و خواست انتفاضه عمق و ریشه آنست. رشد و گسترش آگاهی سیاسی و تشکل و انسجام بهترین ابزار و سلاح در برابر دشمنان ملت عرب و انتفاضه ست. رویدادهائی که امکان هرگونه بهره برداری جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه در جهت حفظ و تسلط بر اوضاع و مصالح نظام را در برداشته باشد، در برابر آنها مقاومت و مبارزه نمود. ولی فقیه و ولایت فقیه و قوه قضائیه به هر جنایت و توطئه ای بر علیه انتفاضه متوسل شده تا روند تحولات را متوقف نموده و عقربه زمان را به عقب برگردانند. بحران های اقتصادی و فشارهای اجتماعی و تحولات سیاسی، دگرگونی و تحولات تاریخی را به همراه خواهد داشت. منطقه آبستن چنین وقایع و رویدادهائی ست که بطور کلی سرنوشت منطقه تابع و اجتناب ناپذیر از تحولات و تغییرات آن ها می باشد. هرکدام از اینها حکم انتفاضه را داشته و تغییرات اساسی و ریشه ای را به همراه خواهد داشت. پیش گیری از انحراف و سقوط ارزش های نوپا و امروزین جامعه لازم و ضروری ست و رعایت نمودن و پرهیز نمودن مواردی می تواند ما را به جامعه ای متعادل با پیشینه تاریخی به جهانیان معرفی نماید. ملتی که در گذشته دارای سیادت بر منطقه و قدرت تصمیم گیری بر سرنوشت خویش را داشته و با نظام اجتماعی و ساختار سیاسی بر غیر ممکن ها فائق آید و در پیمان های منطقه ای (کشورهای حوزه خلیج) مطرح و صاحب نفوذ در معاهدات سیاسی را داشته. از مسائل ضروری شرایط فعلی تجربه نوینی ست که در جامعه در حال

شکل‌گیری ست و موجب سازمان‌دهی بخش‌هایی از جامعه گردیده تجربه موفقی که به آینده منطقه و سرنوشت ملت عرب می‌نگرد، بدون تعمق و درنگ نمودن این تجربه مهم و حیاتی را حریصانه حفظ و استوار نگهداشت. اوضاع و پدیده‌های کنونی منطقه با توجه به تفاوت دیدگاهها و نظرات و اندیشه‌های طیف سیاسی تلاش در جهت وحدت عمل سیاسی در پروسه مبارزه سیاسی بهترین راهکار و خط‌مشی در شرایط کنونی که خواست انتفاضه و تحمیل چنین وحدت عمل و شعار و هدف واحد را بر طیف خارج از وطن‌الاهواز به هر شکل آن ضروری و در سرنوشت انتفاضه از اهمیت به‌سزائی برخوردار است.

انتفاضه با پشت سر گذاشتن مسیر پر از فراز و نشیب و توطئه‌ها و خنثی نمودن آنها و تحولات در جامعه و از سوی دیگر جمهوری اسلامی با ایجاد جو رعب و وحشت و دستگیری‌های بی‌وقفه در پی در هم شکستن عزم و اراده انتفاضه ملت عرب و تغییر مسیر آنست.

آگاهی و روشننگری وسیع مردم از دولت جمهوری اسلامی ایران و مسائل اجتماعی - سیاسی در خور تعمق بوده اپیدمیک شدن بحران‌های جامعه نشان از روشننگری و افشای ماهیت و عمل کردهای آنست که در سطح منطقه بوضوح و آشکاری می‌باشد. خواست انتفاضه مبتنی بر حمایت مردم و در تضاد کامل با اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی و بستن فضای سیاسی جامعه و گریز از وضعیت موجود و افشای ماهیت جنایتکارانه و فاشیستی دولت جمهوری اسلامی ایران و تسلط نظامی بر اوضاع و انتفاضه در منطقه و عمیق شدن تضاد دو قطب ملت عرب و اشغالگران نظامی - سیاسی و درماندگی‌شان در برابر انتفاضه مسالمت‌آمیز و پیروز میدان سیاسی در

برابر نیروهای سرکوبگر ولی فقیه و انفجار اجتماعی توده های میلیونی و یأس و ناامیدی در برابر اراده و خواست آنان، دستگاه اطلاعاتی و شکنجه گران شروع به اعدام های کور و بدون محاکمه و رها نمودن اجساد شکنجه شده شهداء در رودخانه کارون نمودند.

انتفاضه با کسب مشروعیت مردمی بدنبال سازمان دهی نیروها در حد امکان و توانائی و افزایش قدرت و تقویت انتفاضه مرحله نوینی را پشت سر می گذارد. در فضای بسته سیاسی، جامعه نیازمند روزه ایست و این میسر نمی گردد مگر با تشکل و انسجام که نشان از درک و شناخت شرایط عینی جامعه ست. استمرار چنین روندی در شرایط معین پلیسی و سرکوب ضروری بوده و خلق موقعیت از اهم وظائف در شکستن و فروپاشی فضای بسته و نظامی منطقه در جهت تثبیت موقعیت و تسلط بر اوضاع و آمادگی کامل و جامع در جهت دفاع از انتفاضه و هدف و خواست ملت عرب در شرایط قابل قبول برای مقابله و کشف توطئه های جمهوری اسلامی با آنها و پیش برد اهداف مان بر اشغالگران پیشی گرفته و با تقسیم وظائف و عناصر مسئول تحولات اجتماعی را گام به گام پیش برد و با پشت سر گذاشتن وقایع و رویدادها بر تجارب و قدرت خویش افزوده و بر اوضاع مسلط بود و نه تابع و دنباله رو آنها باشیم. بلکه سکان دار و هدایت کننده روند و اوضاع جاری باشیم. اشتباهات بزرگ در ارزیابی و تحلیل اوضاع منطقه و عدم درک انتفاضه و استمرار سیاست های شوونیستی و آپارتایدی تنوکرانیسم های حاکم بر منطقه تغییر و تحولات جاری و اعتراف به واقعیات تاسف آور و تلخ (اعتراف ناشی از فشار و تحولات انتفاضه ست) اعتراف در شرایطی ست که اوضاع سیاسی به صلاح حکام باشد هیچگاه شکل نمی گیرد چرا که

روند شرایط بر اساس خواست خودشان می باشد. چنانچه این شرایط تغییر کرده و شمارش معکوس بخود گیرد، اعتراف و اعتراض و حتی استعفاى برخی از مسئولین را بهمراه خواهد داشت. این از ثمرات انتفاضه مردمی بعبارتی تغییرات کمی و کیفی انتفاضه و وقایع و رویدادهای آن و اجتناب ناپذیر بودن چنین تحولات ناشی می شود، از برجسته ترین نمونه های انتفاضه در این زمینه ست.

از وقایع مهمی که در انتفاضه بشمار می رود سمت و سو دادن به آن در جهت طیف سیاسی خاصی می باشد، انتفاضه متشکل از کلیه طبقات اجتماعی ملت عرب می باشد. روند تکاملی انتفاضه و استمرار آن به مراتب مهم و حیاتی تر از وقایع و رویدادهای ماقبل خود می باشد دو محور تکامل و استمرار تکامل از گذشته ست (هشت دهه) گام به گام و مرحله به مرحله راه دشوار را طی نموده و با مسائل واقع بینانه تری آشنا و ذوب در آنها خواهیم شد. وقایع شکل و جوهره انتفاضه را ترسیم می نمودند، اگر چه سنگینی بار انتفاضه و تکامل آن از مرحله ای به مرحله دیگر چنین وجه تمایزی برای انتفاضه ترسیم نموده و اهمیت رسالت تاریخی و سنگینی بار علمی آنست که نسبت به مراحل پیشین (مقدمه و شناخت) و مراحل کنونی انتفاضه (تکامل و استمرار) که با تحلیل علمی همراه است اهداف دراز مدت (استراتژی) و روند تحولات کنونی که بر پایه و اساس اهداف تاریخی منطقه و ملت عرب حول تعلقات و وابستگی های دیرینه تاریخی - فرهنگی - سیاسی که با سیادت کامل بر منطقه در ابعاد (سیاسی - نظامی - اقتصادی - فرهنگی) همراه و همگام بوده و و همسانان تاریخی ملت عرب و دشمنان آن - استراتژی و تاکتیک دولت جمهوری اسلامی ایران - اتحاد و همبستگی نیروها - منسجم نمودن ملت عرب -

انعکاس تضاد با اشغالگران نظامی - سیاسی - نتایج ایجابی و سلبی وقایع - بررسی موارد فوق با دیدگاه علمی و روز جامعه در ابعاد (شرایط طبیعی) و (مناسبات اجتماعی) و (تأثیرات تاریخی) ساختمان و نظام کنونی بشر متأثر و تابعی از تغییر و تحولات کیفیات فوق می باشد انتفاضه محمره به لحاظ دارا بودن ویژگیهای فوق و تغییر و تحولات جامعه در فضائی باز و متأثر از تحولات انقلاب و شرایط داخلی، نسل یا بعبارتی دگر ملتی را نسبت به موقعیت و شرایط خاص و ویژگیهای متنوعش آگاه ساخت و پیش زمینه ای برای تحولات بعدی گردید و انگیزه ای برای بکار گیری تجربیات گذشته (انتفاضه محمره) و انتفاضه کنونی گردید. آنچه در پرده ابهام سه دهه گذشته و در صحنه سیاسی منطقه می رفت تا مرور زمان شامل آن گردد تبدیل به مسئله روز و کسب نتایج عظیم درون و برون مرز گردید. اگر چه انتفاضه محمره بدلائل گوناگون - ضعف و عدم انسجام طیف سیاسی - عدم تناسب نیروها به اهدافش دست نیافت اما عاملی در تحولات بعدی فرهنگی سیاسی منطقه گردید و از سوی دیگر انسجام سازمانی و تحکیم قدرت - تسلط بر اوضاع منطقه از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران دلالت بر عدم تحقق و دستیابی به خواست ها و اهداف انتفاضه محمره می باشد و عامل مهم و اساسی جنگ نقش بسزائی در پراکندگی جمعیتی منطقه و تحلیل رفتن طیف سیاسی به لحاظ شرایط حاد و حساس دولت جمهوری اسلامی به منطقه و تسلط نظامی بر اوضاع بستن فضای سیاسی را بهمراه داشت و دلیلی بر عدم تحقق اهداف و خواست های انتفاضه محمره گردید ولی به معنای شکست و ناکامی اهداف ایجابی آن نبوده و ضرورت یافتن اهداف ایجابی انتفاضه محمره در پروسه کنونی انتفاضه هویت خود را نمایان ساخت. تبلیغات وسیعی علیه انتفاضه براه

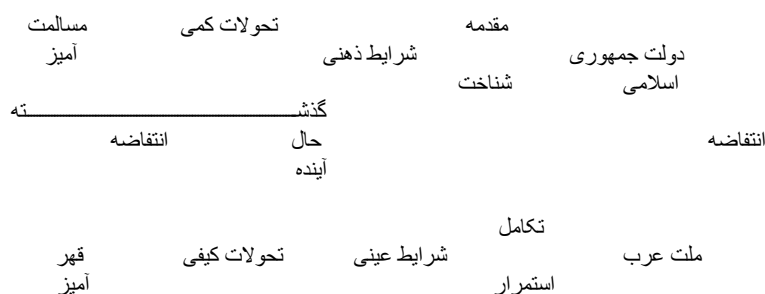
انداختن تا یورش وسیع و سرکوب سنگینی را بر علیه آن بکار گیرند. هدف تکرار وقایع سالهای پیشین انتفاضه محمره ست برای تدارک چنین پروژه ای نیازمند سرکوب وسیع و خلق تشنج و ترندهای تئوکراتیسم های حاکم و جهت دادن اوضاع بسوی عنف و خونریزی که با درایت و آگاهی سیاسی ملت عرب توطئه ها و سرکوب خشن به دفعات مکرر جمهوری اسلامی و عوامل دست اندر کار آن گردید و توطئه فریب کارانه ولی فقیه و ولایت فقیه را نقش بر آب نمودند خنثی شدن آنها امریست که بستگی به نیروهای شرکت کننده و هواداران انتفاضه و شرایط حاکم بر آن می باشد. ظهور چنین مرحله ای در انتفاضه دلالت بر عمق و نفوذ و تاثیر پذیری آن می باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران مایل نبودند که انتفاضه به مسئله روز و در سطح کشور برجسته گردد. آنان بدنبال بهره برداری های خویش و تسلط بر اوضاع هستند نه تبلیغ و ترویج انتفاضه. آنچه امروز و در شرایط فعلی برای انتفاضه حائز اهمیت است رسوا نمودن و افشای ماهیت جمهوری اسلامی- ولی فقیه و ولایت فقیه که در رأس امور و تصمیم گیرنده و مروج اهداف پلید و فتنه انگیز می باشد و از سوی دیگر ارتقای سطح دانش سیاسی و دلائل و انگیزه های واقعی یورش بر علیه انتفاضه هدف و خواست آن می باشد و تنها راه حل سیاسی قبول واقعیات و انتخاب سیاستی که حضور خویش را در جامعه و تاثیر گذاری خویش بر تحولات را به همراه داشته باشد و بستگی به شیوه عمل سیاسی و سمت و سوی تحولات روزمره منطقه و نیروهائی که در بطن جامعه و با زیر و بم آن پرورش یافته و با روحیات و کلام آنها آشنا شد و با تحولات اجتماعی - سیاسی تطبیق نمود راهکارهای صحیح انتفاضه را یک به یک در لابلای طبقات

اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی جستجو نمود و به دریای عمیق
انتفاضه بسپاریم.

رشد روز افزون آگاهی سیاسی و گسترش آن در سطح منطقه و
اوج گیری و ورود به صحنه سیاسی - اسکلت و چتر حمایتی و
راهبردی انتفاضه بشمار می رود. عمیق شدن انتفاضه و آگاهی
سیاسی در استمرار و پویائی آن و فشار آوردن بر دولت
جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و بدنبال آن
اعتراف و تحرکات سیاسی و اعزام مسئولین بلند پایه جمهوری
اسلامی به منطقه را به همراه خواهد داشت در مقطع کنونی
واکنش های دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت
فقیه بیشتر در زمینه های فرهنگی و اقتصادی خواهد بود تا ابعاد
مهم و حساس اجتماعی - سیاسی که نقش تعیین کننده ای در
سرنوشت و آینده منطقه و کشور خواهد داشت اگر چه پیش
زمینه های چنین تحولاتی نقش تعیین کننده ای در زیر بنای
جامعه و مصونیت بافت و ساختار اجتماعی که لطامات و زیان
های بیشماری به ملت عرب وارد آورده و بورژوازی عرب را
با چکمه های نظامی و شوونیستی خویش و اهداف توسعه طلبانه
اشغالگران لگد مال نموده و مجال هر گونه رشد و ایفای نقش
اقتصادی در منطقه را از سلب نمود و برعکس رشد بورژوازی
فارس و توسعه قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی آنرا در منطقه
گسترش داده و میدان دار و یکه تاز تحولات اقتصادی - سیاسی
بشمار می رود. تئوکراتیسم ها و رانت خواران حکومتی همانند
اختاپوسی بر کلیه امور و برکات منطقه چنگ انداخته و به
غارت و چپاول ثروات و منابع طبیعی ادامه می دهند رشد
بورژوازی ملی عرب یک ضرورت است - ضرورت تاریخی
ست و با کشاندن طبقات اجتماعی بسوی خود و اعتلاء و رشد
عوامل زیر ساخت و تحول و تحرک در ابعاد گوناگون و تکوین

بورژوازی ملی عرب در جهت منافع و مصالح ملت عرب و منطقه و مشارکت آن در احیاء رشد و توسعه عوامل زیربنائی و روبنائی جامعه و عوامل دیگری که در پویائی و گسترش منطقه نقش و جایگاه تعیین کننده ای ایفاء و ابزار قدرت اقتصاد و داشتن حمایت اجتماعی است.

پروسه انتفاضه



انتفاضه از پر اهمیت ترین دوران تاریخ سیاسی – اجتماعی منطقه بشمار میرود و برای احیای دست آوردها و خواست اساسی ملت عرب با تعمیق و آگاهی وسیع نسبت به آنها در مقایسه با انتفاضه محمره که با کنار زدن و زدودن رسوبات کهنه و دست و پا گیر و فراگیری درس های گذشته سه دهه قبل و تحقق خواست و هدف انتفاضه با بهره گیری از انتخاب مبارزه مسالمت آمیز را سر لوحه خود قرار داده. جمهوری اسلامی – ولی فقیه و ولایت فقیه برای پیش گیری از خطر سقوط منطقه و غلبه بر بحران های اجتماعی – سیاسی و روند تحولات انتفاضه، قدرت و توان خویش را متاثر از اپیدمیک شدن انتفاضه به سرتاسر جغرافیای ایران و با ارسال نیروی کثیری و ادوات سرکوب سعی در اخماد انتفاضه ملت عرب

بنمایند. انسداد و شکست اهداف سیاسی در منطقه توسط اشغالگران و عجز و ناتوانی آنها در برابر اراده و خواست ملت عرب با پیگیری تحولات گام به گام و مستمر دولت جمهوری اسلامی ایران را کلافه نموده است. عکس العمل انتفاضه با کیفیات (شرایط طبیعی) و (مناسبات اجتماعی) و (تأثیرات تاریخی) رابطه ای لازم و ملزوم دارد، مادامیکه تضاد عمیق دو قطب متضاد ملت عرب و دولت جمهوری اسلامی ایران به قوت خود باقی ست هر واقعه ای در هر نقطه از منطقه بپیوندد تبدیل به انتفاضه می گردد و دلالت بر حضور مردم در صحنه سیاسی و سرنوشت آینده منطقه می باشد.

اتخاذ تاکتیک و تغییر شکل و شیوه انتفاضه بر اساس شرایط موجود و روش های نوین ضمانت استمرار و بالندگی آنست در غیر اینصورت دچار افت و فروپاشی می گردد و مادامی که بحران های اجتماعی - سیاسی در جامعه بقوت خود باقی باشد - انسجام و سازمان دهی انتفاضه امری ضروری و حیاتی در جهت حفظ و پیکره آن بشمار می رود. شناخت روحیات مردم و حضور در صحنه و عکس العمل به موقع و استفاده از امکاناتی که در اختیارمان می باشد و حرکت قدم به قدم بر اساس شعار واحد و هدف مشترک اتحاد عمل سیاسی کلیه طیف ها را در بر می گیرد. در این مقطع ظاهر و شکل قضیه مطرح نبوده بلکه جوهره و محتوای عمل سیاسی قابل تعمق است و با هر عنوان که باشد مهم و مطرح نمی باشد بلکه ضروری ترین خواست و نیاز انتفاضه و جامعه و اشتراک عمل موحد در مقاطع حساس و سرنوشت ساز را پذیرفته ایم. بینش وسیع و عمیق سیاسی و واقع بینی و شرایط عینی ارکان و ستون انتفاضه و طیف سیاسی منطقه ست که بدنبال یک پارچگی و اتحاد با هر شکل و شمایل و هر اسمی که باشد مهم وحدت و اشتراک عمل و پیش نویس و

مواد مورد توافق و شعار و بند بند چنین توافق و اصول اساسی و ابعاد آن در کوتاه مدت و دراز مدت و تشکیل جبهه ای مشترک با برنامه ای مشترک در ابعاد سیاسی - اقتصادی و فرهنگی و دیدگاههای نوین و شرایط نوین دنیا و موقعیت کنونی منطقه و دفاع از ملت عرب و پیشینه تاریخی و هویت آن در برابر توطئه ها و اهداف جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و نفی معیار های گذشته که مانع وحدت و انسجام طیف سیاسی ست و جایگاه و نقش و اهمیت احزاب درون با توجه به درک شرایط و موقعیت آنها، مشارکت و کسب نقطه نظرات و پیشنهادات و ارائه راهکارهای مناسب با اوضاع و احوال کنونی و واقعیات منطقه و برجسته نمودن آنها در میان مردم و در سطح منطقه با معیارها و اسلوب خاص خود که ناشی از شرایط بسته سیاسی و امنیتی نیروهای وابسته به ولی فقیه و ولایت فقیه است اتحاد عمل بیشتر و در اکثر موارد جنبه مقطعی داشته است و می رود تا به اشکال مختلف و در مقاطع مختلف و با خواست و هدف مشترک عملی گردد، تحولات آن واحد و یک جا تحقق نمی پذیرد. گام به گام و مرحله به مرحله و در مقاطع مختلف شکل پذیر و تحقق می یابد. اتحاد عمل در پشت میز مذاکره و میز گرد ها و جلسات کوچک و بزرگ عملی نمی گردد مگر در میدان مبارزه و در کوران وقایع و رویدادهاست که تحقق پذیرفته و شکل عینی تری بخود خواهد گرفت اتحاد عملی که بر علیه فجایع و جنایات ضرورت داشته تحقق شعارها و خواست و اهداف انتفاضه ملت عرب و درک روند تکاملی و تطبیق و همسوئی با این روند بقای حیات طیف سیاسی و تاثیرگذاری بر انتفاضه را به همراه داشته و عدم درک شرایط موجود و تحلیل دقیق اوضاع به حاشیه راندن طیف سیاسی می باشد ارزیابی پشتوانه و پتانسیل انتفاضه در مرحله ای که گذشت و شرکت

نیروهائی که با عوامل حرکت و ظرفیت موجود آنرا همراهی نموده و به حاشیه رفتن نیروئی که توان پذیرش شرایط سخت و هزینه سیاسی آنرا نداشته هر نیروئی در هر شرایطی که بتواند در جهت هدف و خواست انتفاضه حرکت نموده و همسو با اهداف و وظائف خویش عمل نموده است. شرایط سخت - بستن فضای سیاسی و سرکوب خشن مقاومت ننموده و میدان را واگذار نماید هیچگونه خللی و تغییری در هدف و خواست و اراده انتفاضه ملت عرب نخواهد داشت.

در جامعه ای با چنین شرایطی و بستری از محرومیت ها و کاستی های بیشماری که به عمق جامعه و در بر گیرنده کلیه طبقات و اقشار جامعه است بستن انتفاضه های مختلف و دارای ویژگی خاص محیطی و در مقاطع کوناگون سر بر خواهند آورد و با پشت سر گذاشتن مراحل که به لحاظ کمی و کیفی با مرحله پیشین تفاوت داشته و با کسب تجارب جایگاه و نقش مهم خویش را ایفاء می نماید. توان و ظرفیت و تثبیت دست آوردهای میسر نگشته مگر در چارچوب انسجام و تشکل و در برگیرنده استمرار و نتایج مثمر ثمری خواهد داشت و تحقق اهداف بیشماری ست. هر طیف سیاسی و هر نیروئی که با غلبه بر چنین شرایطی و عدم انحراف از مسیر و پروسه انتفاضه و تحلیل روشن و دقیقی از اوضاع و شرایط و جمع بندی نیروهای حاضر در صحنه و ارزیابی دقیق از جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه را ارائه نماید و در کوران رویدادها و وقایع انتفاضه از آسیب های سیاسی در امان مانده و با جذب نیرو و کسب جایگاه مبارزه و مردمی و توان حفظ و تثبیت و قدرت مانور در برابر جمهوری اسلامی و با اهرم فشار خویش توازن و تناسب نیروی لازمه را کسب نماید و در معادلات منطقه واقع بین تر و با دید علمی و همه جانبه نگر بسته موفقیت و پیروز

میدان نبردی ست که با تطبیق تئوری و پراتیک بر اساس درک شرایط عینی جامعه و با پشت کاری نیروهای مردمی درون و شناخت و درک ضرورت پروسه ها در تحولات کنونی آنست. شروع انتفاضه که در پرتو حرکت خود بخودی و خود جوش مردمی سر بر آورد از آسیب ها و دشواری و لطمات و آسیب های اجتماعی نیروهای شرکت کننده، برخوردار بوده و در مراحل بعد، دوران آموزش سیاسی و پرورش اذهان و فکر و احیای روینای جامعه در پروسه و مرحله کنونی و شکستن و فروپاشی شرایطی که دولت جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه خلق نموده و بر آن فائق آمد و مانع تسلط سیاسی آنان بر منطقه و شکست حصار امنیتی منطقه و فضای نظامی حاکم بر آن تلاش نمائیم. انتفاضه بمعنای خواست و هدف واحد و مشترک ملت عرب بشمار می رود و عواملی که در طی دوران انتفاضه بوقوع می پیوندد مانند وقایع و رویدادها تکمیل و بخشی از این پروسه بوده نه عامل تعیین کننده و سرنوشت ساز آن، انتفاضه دنباله رو و تابع رویدادها و وقایع نیست، ادامه دهنده و استمرار پروسه پروسه ای ست که از مجموع عوامل زیربنایی و روینایی جامعه تشکیل گردیده و عوامل و روندهای جوامع کنونی بر اساس چنین روندی ست که تغییر و تحولات خود را دنبال نموده اند و به نتایج قطعی و به هدف غائی شان دست یافته اند. روندهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی از آن جمله اند. این گونه روندها هر کدام حامل پیام و تغییر جدی و اساسی انتفاضه و نقش تعیین کننده و انتخاب مسیر آنرا رقم خواهند زد و در پیش برد و تحقق اهداف و تغییر شرایط ایفای نقش می نمایند و در مقطعی از انتفاضه و در شرایطی عوامل وقایع و رویدادها خود محرک و عامل پیستون جامعه بشمار رفته و مجموعه روند تکاملی دو عامل فوق (وقایع و

رویدادها) در انتفاضه تحلیل رفته و تابعی از انتفاضه ست و انتفاضه دنباله رو و تابع عوامل فوق نخواهد بود و حامل رساله و پیام سیاسی و برنامه سیاسی می باشد و به افق می نگرد. انتفاضه هرگز مسیر و هدف خود را متأثر از دستگیری ها - شکنجه و اعدام تغییر نداده و مسیر و دنبال اهداف خویش است چنین عواملی رمز انتفاضه و بخشی از پروسه آن می باشد. اهمیت و عمق و خواست و هدف انتفاضه و شیوه و راهکار مناسب پروسه مبارزه ست که تعیین کننده مسیر و عامل دگرگونی ست چنانچه انتفاضه به چنین مواردی اکتفا و بسنده نماید به حاشیه رانده شده و دیگر کلامی از آن در پروسه انتفاضه نخواهد بود. رساله شهدای بیشمار عرب که انتفاضه را طی هشت دهه پایدار و مستمر نگه داشته ملتی را زنده و احیاء نمود و دلیل آنرا رساله - هدف و خواست آنانست نه جسم و پیکر نحیف شان. رشد آگاهی سیاسی مردم و افشاء و شناخت ماهیت نظام جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه - مصالح خویش و گذشته و حال انسان عرب در معادلات منطقه ای - شناخت آراء و افکار و عقاید و اندیشه های امروزین جامعه متمدن - تحول علمی و فکری قابل درک و احساس در نسل جوان و تحصیل کرده امروزین ست. انتفاضه با برنامه عمل سیاسی و مدون آینده و شفافیت مواضع سیاسی و تغییر و تحول در مناسبات و حفظ دست آوردها و تثبیت آنهاست. تهاجم و سرکوب نظامی - سیاسی بخش عمده اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را در بر می گیرد و نه کلیه اهداف نظام که دارای اهداف دراز مدت (استراتژی) و دارای مؤسسات ترسیم و تصمیم گیرنده اهداف و تحقق آنها در منطقه در جهت تغییر دیموگرافی منطقه و آسیمیلزاسیون منطقه از اهم وظائف چنین مؤسساتی ست.

جایگاه تحلیل علمی انتفاضه در معادلات منطقه و دنیا و طیف های سیاسی و ملت های جغرافیای ایران ضرورت علمی و راهگشا معضلات سیاسی - اجتماعی است. تحلیل های امروزه واقع بینانه تر و عمیق تر از گذشته ست و نشان از رشد آگاهی سیاسی و درک شرایط عینی جامعه - ایران و جهان است.

اتحاد مشترک طیف سیاسی

هدف مشترک

درک مشترک وحدت عمل مشترک سیاست مشترک

اتحاد سیاسی

انتفاضه

وقایع و رویدادهای منطقه

شعاری مورد پذیرش مردم است که با واقعیات روز جامعه منطبق و همخوانی داشته و کمکی در جهت تحولات جامعه بشمار آید. شعار میزان درک و آگاهی مردم ست در هر مرحله از وقایع و رویدادها و درک و تجربه آنهاست که آگاهی و تجربیات مردم در جهت تحولات پیش رو که ناشی از انتفاضه و خواست و اراده آنهاست که در میدان مبارزه تحقق خواهد پذیرفت و بررسی زوایای مختلف و فراگیری آنها در جهت تدوین شعارها و سیاست و خط مشی انتفاضه می باشد.

آنچه در این مقطع دارای اهمیت خاص خودش می باشد آگاه نمودن و حضور در صحنه در برابر توطئه های اشغالگران بر علیه انتفاضه ست هر واقعه و رویدادی تاثیر ایجابی و سلبی خودش را خواهد داشت. باید به گونه ای عمل نمائیم سلبیات وقایع و رویدادها را به ضد خودش تبدیل کنیم. انسجام - آگاهی

و اتحاد و ارزیابی آنها جنبه مثبت داشته و در جهت مصالح جامعه و آموزش الف - با و درس های متنوعی ست که دخول در باب جامعه شناسی و روان شناسی آسیب پذیری جامعه را در بر می گیرد و متاثر از رشد سیاسی و آگاهی ملت عرب با پشتوانه و پیشینه تاریخی ست.

تحقیر - مبارزه با ریشه های روانکاوی و فروپاشی پایه های اخلاقی جامعه و وابستگی اجتماعی - محور هویت تاریخی - فرهنگی - اجتماعی - سیاسی. تمرکز بر جوانان عرب (اکثریت جمعیت منطقه را تشکیل می دهند) پوچ گرا - فاسد - بی تفکر - تجزیه از درون و بدون تعلقات انسانی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - استهزاء پروسه های اجتماعی - منطقه - انهدام روابط اجتماعی - سقوط ارزش های انسانی جامعه و کرامت آن. انتفاضه تحول عظیمی در ساختار فکری - سیاسی ملت عرب ایفا نمود. تحول عظیم و ساختار جدید - عمق و وسعت چنین تحولی را در میان نسل جوان و طیف های آن (بر داشت فکری متنوع با ایده های مختلف) مقطعی که انتفاضه دوران کمی و کیفی و نقاط قوت و ضعف و راهکارهای مناسب و شناخت ارزیابی های اشغالگران و معرفت و میزان درک آنان از انتفاضه در ابعاد سیاسی - نظامی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی و طبقه بندی شهرها و روستاها و حاشیه آنها - میزان مشارکت در انتفاضه - طبقه بندی نیروهای شرکت کننده - تاثیر مهاجرین فارس بر محیط ساکن و مناطق درگیر - نوع شعار و تاثیر آن در مناطق حاشیه ای - روستائی - شهری - در این ابعاد اهمیت انتفاضه و درس های آموزنده آن بر استراتژی و تاکتیک اشغالگران نظامی - سیاسی . ملت عرب در خور تعمق ست. دو قطب متضاد، با دو سرنوشت و جغرافیای واحد، یکی اشغالگر و در جهت استثمار و غارتگر

منابع و منافع ملت‌ها و بدنبال اهداف سیاسی - نظامی - فرهنگی جنگ انداخته، دیگری در جهت خلاصی و گریز از سرنوشت و وضعیت تحمیلی و سیاسی منطقه است.

با مشاهده علائم و نشانه‌ها و عمل کردها و شرایط نا بهنجار سیاسی - اجتماعی جامعه بروز و تشدید تحولات در منطقه به قوت خود باقی است. تغییر و تحولاتی که در جامعه شکل پذیرفته و مراحل ایجابی (مثبت) را پشت سر گذاشته است بستن فضای سیاسی و تسلط بر عوامل فرهنگی - سیاسی کار ساز نبوده و نخواهد بود و دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آنها ولی فقیه و ولایت فقیه را بسوی بن بست کامل عوامل فرهنگی - سیاسی سوق خواهد داد. تصور و برداشت باطل و وهم انگیز و خوش بینانه دولت ایران نسبت به اوضاع منطقه - عدم درک ظرفیت‌های جامعه و شرایط عینی آنست و اتکاء به نیروی سرکوب‌گر نظامی و دستگاه امنیتی منطقه و قوه قضائیه است و نه واقعیت‌های اجتماعی و زیرساخت‌های جامعه و باورهای منطقه. شفافیت در ادراک و واقعیات جامعه‌ای که تغییر و تحول و حضور فعال در میدان انتفاضه و همگام با اهداف و خواست ملت عرب و اتخاذ سیاستی که روند وقایع و رویدادهای منطقه را به اثبات رسانده است.

عوامل مسئله ساز که معلول سیاست‌های استعماری است خود تاثیرات عمیق و انکارناپذیر بر تحولات جامعه را دارا بوده است. حرکت خود جوش و تحولی که امروزه در منطقه تحت انتفاضه از آن نام برده می‌شود در برگیرنده ملت عرب و جغرافیای آنست بدون تردید تحولی ریشه‌ای و نشان از حیات سیاسی جامعه و طیف‌های سیاسی آن می‌باشد که طی سالیان متمادی (هشت دهه) با تلاش و کوشش و تقبل بار مسئولیت توسط نیروهای متعهد و مسئول در زمینه‌های قصاید - اشعار

– هوسه و یزله در مناسبت های مختلف اجتماعی در زمینه های فرهنگی – هنری نقش بسزائی در انتفاضه داشته اند و این خشت عظیم فرهنگی – اجتماعی – سیاسی را پی ریزی نمودند تدوین خطوط فکری و ساختاری متناسب بر پایه و اساس ضرورت های عینی ملت عرب خواهد بود.

برنامه عمل سیاسی

انتفاضه

شرایط ذهنی شرایط عینی تشکیل سیاسی ساختار فکری
استراتژی

استقلال

حق تعیین سرنوشت

اشتراک عمل سیاسی موحد – هدف مشترک

تشکیل بزرگترین تشکل سیاسی

انتخاب شورای رهبری و اعضاء بر اساس تقسیم بندی وظائف
اشتراک آراء و افکار طیف سیاسی برون با درون منطقه بر پایه اشتراک مصالح ملی ملت عرب امکان پذیر و عینی می باشد و نا رسائی ها و کاستی های سیاسی – اجتماعی با تبادل آراء و افکار و راههای رشد اولویت های ضروری تئوری و پراتیک را بر پایه واقعیت های منطقه سیاسی – اجتماعی – فرهنگی – اقتصادی جستجو نموده و راههای مناسب را دنبال نمود. با کنار زدن اختلافات و رفع تنش های ایدئولوژی با درک شرایط فعلی و ضرورت پیش برد هدف و خواست انتفاضه حول یک محور در برابر دشمن واحد ملت عرب با آرمان مشترک – صفوف واحد – شعار واحد را تحقق و عملی نمائیم.

تلاش در جهت عبور مسالمت آمیز انتفاضه و پرهیز از عوامل فتنه انگیز جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه را خنثی و افشاگری نمائیم و مانع و سدی در برابر اخلال در صفوف انتفاضه و تحولات نوین منطقه باشیم.

استراتژی ملت عرب

امتداد رویدادها و وقایع مهم سیاسی - اجتماعی هشت دهه گذشته و تحمل آسیب های اجتماعی و افت شدید اقتصادی و سرکوب و اختناق مردم منطقه همراه بوده است. تضادهای درونی و تاثیر عوامل برون مرز و درگیری و منازعات و چالش های مختلف که در نهایت به تغییر اوضاع سیاسی و تسلط نیروی اشغالگر نظامی رضا شاه پهلوی زیر چتر حمایتی بریتانیا مسیر روند سیاسی - اقتصادی منطقه بطور کلی تحت تاثیر عوامل فوق دگرگون گشت. هشت دهه تسلط نظامی - سیاسی و عوامل متاثر از آن محورهای اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی و فروپاشی زیربنا و روبنای جامعه و حذف فیزیکی تاریخ منطقه و دست یابی و تحقق اهداف در لوای اسلام - استراتژی کهنه ای که هرگز جامه عمل نپوشید ولی تاثیرات سلبی خاص طبیعت خویش را بر عوامل چهارگانه جامعه تا حدودی گذاشته است و بی تاثیر نبوده. مهمترین و بغایت حیاتی ترین بخش استراتژی دولت ایران و جمهوری اسلامی محو موجودیت و هویت تاریخی - سیاسی منطقه و به فراموشی سپردن حافظه تاریخی ملت عرب در میان نسل جوان و در پیش گرفتن چنین استراتژی و اهدافی بیانگر و نشان گر کدام واژه

فرهنگ بشری ست که در پی تغییر دیموگرافی و امر آسیمیلزاسیون منطقه - استراتژی خویش را عملی و پیش ببرند؟ آگاهی سیاسی در برابر پی آمدهای اهداف و حضور در صحنه در انتفاضه به اثبات رسیده است. پیام ها و تحولات بزرگ و رویدادها حاصل آنست و توجه همسایگان و جهانیان را معطوف تحولات شگرف انتفاضه و ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه را افشاء و رسوا نمود. در مقطع کنونی انتفاضه در میدان سیاسی ابعاد نوینی کسب نمود، واقعیتی ست که منطقه دستخوش تغییر و تحول است. تحول فکری و رشد آگاهی سیاسی و ضرورت درک شرایط عینی جامعه تحقق انتفاضه را پایه گذاری کرد. تدوین خطوط فکری متناسب با انتفاضه (طیف های شرکت کننده با دیدگاهها و برداشت های مختلف) و تغییرات بوجود آمده و ساختار فکری می بایست متاثر از رویدادها و وقایع و اهداف و خواست انتفاضه و در بر گیرنده و سخنگوی ملت عرب بشمار رود. درک و شناخت به موقع و به جاست که تحلیل سیاسی درستی از اوضاع و تغییر و تحولات بوقوع پیوسته مکمل چنین ساختاری ست. رهائی از قیود و اسارت نظامی سیاسی اشغالگر منطقه ضرورت شرکت طیف وسیع نیروهای سیاسی و مستقل و اتخاذ خط مشی و تصمیم گیری ها و تدوین ساختار فکری نقش اساسی و رکن و ستون اصلی خطوط فکری این ساختار بشمار می روند با توجه به فرهنگ سیاسی حاکم بر منطقه و شرایط کنونی - درک شرایط و خطوط فکری (ساختاری) و اهداف سیاسی در جهت تحقق بخشیدن به ضرورت حق تعیین سرنوشت شرکت کلیه طبقات اجتماعی تعیین کننده سرنوشت منطقه و ضرورت استمرار و پیگیری و تحقق اهداف انتفاضه را رقم خواهد زد. طیف سیاسی با درک ضرورت های سیاسی جدید و شناخت کامل

این روند در منطقه و ابعاد وسیع اقلیمی و جغرافیائی و اشتراک عمل سیاسی نشان از عمق شناخت و درک جامع کلیه جوانب امر و پدید آورنده و مرکز ثقل واحد حول یک استراتژی و یک هدف و دیدگاهها و نظرات متنوع سیاسی طیف مزبور و یکی شدن و بعبارت دیگری اندماج فکری و عمل سیاسی واحد که در پروسه مبارزه تحقق خواهد یافت، یکدیگر را پیدا نمود و دریابیم و ضرورت انتفاضه کلیه طیف های برون و درون کشور را به یکدیگر وصل می نماید و هدف انتفاضه شکل و مضمون عینی تری یافته و در پی تحولات شرایط ذهنی و پیوند گذشته و حال و تطبیق با اوضاع و احوال در مرحله کنونی و جهت دادن پیوندی که بر اساس تجربیات گذشته و مواضع کنونی طیف سیاسی - اهمیت سیاسی - تاریخی استراتژی ملت عرب و نیل به هدف مشخص انتفاضه را تحقق بخشید. اهمیت تئوری و پراتیک طیف سیاسی در شرایط کنونی بر اساس انتفاضه مسالمت آمیز و تحقق هدف مشترک است. سابقه مبارزه و عملکرد سیاسی هر طیف مبین واقع بینی - جوهره - ماهیت و نزدیک بودن به اوضاع و احوال و درک شرایط منطقه و خواست ملت عرب - جایگاه و عمق سیاسی - اجتماعی و همگامی و همراهی با عناصر پیشرو و آگاه جامعه و اتخاذ استراتژی دراز مدت و مشترک و راهنمای عمل سیاسی و انتخاب مسیر آینده شکل ظاهری مطرح نبوده - جوهره و اصل هدف قابل تعمق و مطرح می باشد و نیازمند داشتن استراتژی دراز مدت است که تمام اصول جامعه را دارا باشد و انسجام و تشکل است که استراتژی معنا و مفهوم خواهد داشت. ملت عرب و رشد کمی و کیفی انتفاضه و مهیا شدن شرایط نوین ست که باعث تغییر در ساختار انتفاضه و شیوه آن می باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه بر اساس شرایط تحمیلی انتفاضه و خواست ملت

عرب که قوه دافعه و اهرم فشار را تشکیل می دهد آنها را وادار به اعتراف و طرح مسائل و کاستی های منطقه و اختصاص اولویت های اقتصادی و نرمش در برابر خواست مناسبات فرهنگی منطقه نموده است. ماهیت و استراتژی آنان هیچگونه تغییری ننموده بلکه اتخاذ تاکتیک است و نه تغییر استراتژی و ماهیت خویش.

شرایط جامعه و انتفاضه نقش ولی فقیه را در حاکمیت بر نیروی سرکوب گر ایفا نموده و مشخص می کند و ماهیت او را در برابر چنین تحولات و رویدادهای منطقه برملا و آشکار می سازد.

انتفاضه

ملت عرب	دولت ایران
گذار مسالمت آمیز (تز)	برخورد قهر آمیز (آنتی تز)
الف:	ب:
۱ - وقایع و رویدادهای اجتماعی - سیاسی.	۱ - سرکوب - بستن فضای سیاسی - زندان - اعدام.
۲ - آگاهی - شناخت - سازمان دهی. تحلیل و ارزیابی اوضاع.	۲ - خفقان - اختناق.
۳ - تقسیم و تفکیک مسئولیت ها - انتفاضه.	۳ - آماده باش - هجوم.
شماره یک گروه الف در برابر شماره یک گروه ب قرار میگیرد.	
شماره دو گروه الف در برابر شماره دو گروه ب قرار میگیرد.	

شماره سه گروه الف در برابر شماره سه گروه ب فرار میگیرد.

جایگاه انتفاضه ملت عرب:

۱ - اوضاع جهان: عراق - فلسطین - افغانستان - سازمان ملل و پرونده اتمی ایران - وحدت اروپا (سیاسی - اقتصادی) - لبنان - سوریه.

۲ - اوضاع ایران: پروژه های اتمی - حقوق بشر و سرکوب نمودن ملت ها - جنبش دانشجویی - اعتصابات و اعتراضات پراکنده (کارخانجات - ادارات دولتی - خصوصی) - عدم پرداخت حقوق بموقع کارگران.

۳ - اوضاع منطقه: غصب اراضی کشاورزان - طرح استعماری نیشکر - انحراف و انتقال آب رودخانه کارون - تاسیس شهرک های مهاجرین (تغییر دیموگرافی منطقه) - انتفاضه - رشد تحولات فکری سیاسی - دستگیری و شکنجه و اعدام.

۴ - وضعیت طیف های سیاسی:

تدوین و ارائه و انعکاس وقایع و رویدادهای انتفاضه در مجامع بین المللی - تجمع در برابر سفارت ایران - پارلمان اروپا - حقوق بشر - شرکت و افشاگری در کنفرانس U.N.P.O - ملاقات با مسئولین پارلمان کانادا وزیر خارجه - ملاقات با مسئولین جامعه عرب - ارائه اسناد و مدارک جنایات دولت جمهوری اسلامی ایران - بکارگیری سایت های اینترنتی و انعکاس تصاویر و اخبار و گزارش تحلیلی - دیدگاهها.

هر یک از اجزاء چهارگانه فوق نیازمند تحلیل و درک دقیق عوامل زیربنائی و روبنائی جامعه و شرایط ذهنی و عینی موارد شماره دو - سه - چهار در تغییر و تحولات جوامع مورد نظر و نیروها و طیف های شرکت کننده و میزان درک واقع بینی

اوضاع و شرایط و عینی بودن آنها و سلبی و ایجابی بودن انتفاضه و نتایج آن و عکس العمل ملت عرب نسبت به وقایع و رویدادهای انتفاضه حائز اهمیت است. تحلیل علمی انتفاضه و اوضاع سیاسی - اجتماعی منطقه ضرورتی است که در شرایط کنونی خلاء آن محسوس و قابل درک است. نارضایتی های اجتماعی - سیاسی و اوضاع نابسامان جامعه بر اثر گسترش شکاف فقر و بیکاری منطقه بسوی انفجار عظیم اجتماعی و تحقق حقوق سیاسی اجتماعی که خواست عمومی جامعه است به معنای رشد فکری سیاسی جامعه و نیاز مردم در شرایط کنونی است. عبارتی دیگر ساختار جامعه از سوئی و ظرفیت پاسخ گویی و عکس العمل دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه در پذیرش و نفی آنها بستگی دارد. عدم تحقق چنین هدفی در گذشته در پی مبارزات نامنظم و پراکنده و شناخت دو قطب متضاد یکدیگر - اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه - ملت عرب - درک و کشش ذهنی جامعه که خاص معدود انسان های تحصیل کرده و روشنگر عمدتاً نیروهای ناسیونالیست جامعه متأثر از تحولات جهان عرب و تغییر و تحولات خاور میانه عمدتاً فلسطین - عمان، شناخت میزان رشد فکری (آگاهی سیاسی) به دلایل گوناگون در گذشته پی برد و ثمرات آنرا امروز در سطح جامعه مشاهده کنیم تلاش بودن وقفه که برای تغییر اساسی ترین نیاز و خواست انتفاضه در منطقه با حضور گسترده دو نسل گذشته و کنونی که حاصل تجربیات گذشته و برداشت علمی نسل امروزین و تطبیق آنها بر اوضاع و احوال و مردم منطقه بشمار می رود، حاصل تحولات فکری - سیاسی در کنار و دوشادوش انتفاضه و با یک شعار و یک خواست و هدف مشترک نیاز جامعه و طبقات اجتماعی در پروسه کنونی است، مبارزه، مبارزه ست شکل ظاهری و شیوه

آن بر اساس شرایط موجود رقم می خورد و مسیر و هدف آنرا تعیین می کند و مشخص می سازد. شکل ظاهری انتفاضه هیچگاه از اهمیت آن نخواهد کاست بلکه محتوای انتفاضه و هدف مشخص آن قابل تعمق و تعیین کننده جایگاه خاص آن است. همانگونه که میزان رشد و تمایلات فرهنگی - سیاسی نسل فعلی در مقایسه با گذشته اختلاف فاحشی در میانگین چنین رشدی دارا می باشد و جدال کنونی حاصل بیداری و یافتن عمق قضایاست که تهدیدات امنیتی و تمامیت ارضی ملت عرب را هدف گرفته و نشان از استراتژی کهنه دولت ایران از بدو اشغال نظامی - سیاسی منطقه تا به امروز می باشد. انتفاضه حاصل چنین محصولی ست. مقاومت و افشای ماهیت و اهداف پلید نشان دهنده اهمیتی ست که ملت عرب با انتفاضه شهر و روستا را در بر گرفت.

استمرار انتفاضه و عوامل سرنوشت ساز

- ۱ - افشای ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه.
- ۲ - افشای توطئه ها و اهداف استعماری اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه.
- ۳ - عمق بخشیدن انتفاضه - تشکل و انسجام مردم.
- ۴ - بر جسته نمودن وقایع و حقایق و جنایات ضد بشری.
- ۵ - افشای اهداف توطئه شیعه - سنی.
- ۶ - انعکاس اخبار تحولات و رویدادها و وقایع منطقه در سایت های اینترنت - مجامع بین المللی و حکومتی.
- ۷ - وضعیت زندانیان سیاسی - مفقودین - صدور حکم بدون اثبات جرم و حق دفاع از خود.
- ۸ - گسترش فرهنگ تمییز سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - سنن - آداب - رسوم.
- ۹ - احیاء و مهیا نمودن زمینه تبادل آراء و افکار و تفاهم بر نکات مشترک.
- ۱۰ - دفاع از موجودیت و هویت تاریخی ملت عرب الاحواز - الاهواز.

- ۱۱ - وحدت عمل سیاسی و ارائه برنامه عمل مشترک سیاسی - اجتماعی - فرهنگی در برگیرنده طیف ها و دیدگاههای مختلف و شخصیت های دینی و روحانی همگام با مردم و انتفاضه.
- ۱۲ - ارائه برنامه مدون و اصولی مساله مهاجرت و مصادره اراضی منطقه و راههای پیش گیری و ممانعت با مهاجرت و عواقب منفی و سلبی بر محیط و تنشهای پیش رو به دفتر سازمان ملل - حقوق بشر و سازمانهای ذی نفوذ و ذی نفع.
- ۱۳ - تدوین خطوط فکری و اهداف سیاسی مبتنی بر ضرورت های عینی منطقه.
- ۱۴ - تطبیق تئوری و پراتیک در مرحله نوین انتفاضه و مشارکت و کسب آراء عناصر مسئول جبهه - حزب - سازمان - مستقل و آگاه.
- ۱۵ - تحلیل علمی اوضاع و احوال و شرایط فعلی منطقه - ایران - دنیا و جایگاه و وزنه انتفاضه در معادلات کنونی.
- ۱۶ - ممانعت و پرهیز از هر گونه برچسب زدن و اتهام نابجا به یکدیگر و به افراد و نیروها.
- اوضاع و احوال کنونی و شرایط فعلی حاکم بر آن گویای وضعیتی ست بر بستر انفجار اجتماعی که نتیجه و استمرار عنف و سرنوشت دردناک مردم و اهداف نژاد پرستانه و بزعم ادعای مسئولین بلند پایه جمهوری اسلامی (وزارت کشور - نظامی - انتظامی - امنیتی) مبنی بر اخماد انتفاضه و تسلط بر اوضاع فعلی منطقه عاری از درک تغییر اسلوب و شیوه های انتفاضه بر اساس شناخت موقعیت و وضعیت کمی و کیفی نیروهای انتفاضه و قدرت مانور و شناخت و ارزیابی امنیتی و نظامی قطب مخالف ابعاد و حجم و وسعت نظامی و ابزار و ادوات سرکوب هیچ گونه ضمانت و دست آوردی دال بر آرامش

و امنیت را به ارمغان نخواهد آورد و ثبات را در پی نخواهد داشت. سبک و شیوه انتفاضه شکل و مضمون شرایط عینی جامعه را دنبال نمی‌نماید و تابعی از تاکتیک‌های مبارزه و جستجوی راه‌های کم‌هزینه و حفظ نیروی خودی و آرایش و سازمان دهی در مراحل پیش رو و تثبیت دست آوردها و تحولات و تغییرات جدی و جوهری اوضاع و سرنوشت آتی منطقه است.

ریزش ترس و عادت مردم به چنین اوضاع و ارتقای شیوه برخورد و درگیری و وقایع پیش آمده به عالی ترین شکل ممکن مقابله نموده و اهداف عالی تری درپروسه انتفاضه کسب نمود و از راندمان و میزان بالائی در زمینه تجربه و شناخت و تقسیم وظائف بر خوردار می‌گردد. با اتکاء به نیروی موجود و انگیزه شناخت اهداف و توطئه های دشمن نیروهای سرشناس با جوهره و پیشینه مثبت بسوی انتفاضه گرائیده و همگام و همصدا گشته (عمده این نیروها متعلق به ملت عرب می باشند) مطالب قابل توجه و تجربیات گذشته و نحوه برخورد با گرایش های سیاسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی سابق و سرشت ایجابی برخوردار می باشند.

تجارب حاصل سالهای پیشین و شناخت ماهیت و عمل کرد و بیان حقایق و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران - جناح بندی های حکومت و افشای بند بند آنها نشان از ویژگیها و خصلت های چنین نیروهائی است که در اختیار انتفاضه و اهداف آن و تحقق خواست ملت عرب عمل می نمایند. اهمیت جغرافیائی و اقلیمی انتفاضه و نتایج حاصل از آن و نکات ضعف که بر بخشی از پیکره تنومند آن سایه انداخته است، ضعف انسجام - تشکیلات - سازمان دهی - دوره پر تحرک دو هفته ای که با تحولات فکری و ذهنی و آگاهی سیاسی همراه بوده است و آغاز

زمینه مساعدی برای تحولات و تغییرات و توسعه انتفاضه بشمار می رود. اشتراک عمل بر اساس مسائل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی توان گسترده ترین و فراگیرترین رکن اصلی و اساس جامعه را شکل داده و در بر گیرنده طیف وسیع سیاسی را فراهم نماید. اتحاد عمل در پروسه میدان انتفاضه شکل می گیرد که بر اساس استراتژی و هدف مشترک یکدیگر را یافته، خطوط فکری متنوع طیف سیاسی اتحاد عمل را در پروسه کنونی ضروری نموده و تقارب طیف خارج از کشور با انتفاضه درون نشان از درک اتحاد عمل و حضور سیاسی و راههای تاثیر گذار بر آن می باشد در مرحله کنونی انتفاضه نقش تکمیلی و پیوسته در روند واحد، روندی که در مرحله کنونی پا تک زدن هدف بزرگ را در جامعه دنبال می کند تغییر تحولات سرنوشت ساز جامعه و بدنبال هدفی استراتژیک در مرحله کنونی آنرا دنبال می کند و تابعی از متغیرهای تحولات و پروسه گذار مسالمت آمیز آنست. سیاستی که در مرحله حساسی از تحولات منطقه مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد و تحلیل همه جانبه ماهیت و اهداف انتفاضه و اتخاذ مشی سیاسی و پیوند با رویدادها و وقایع و روند عینی جامعه را دنبال نمائیم.

مبارزه اجتماعی بعنوان عامل تعیین کننده و درک سمت و سوی انتفاضه و سرعت تغییرات آنرا جمع بندی و فراگیری درس های لازم را بکار بندیم و در هر مقطع میزان و قدرت و اراده آنرا در برابر تغییرات ارزیابی و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

دست آورد انتفاضه در پروسه مبارزه را حفظ و تثبیت نموده و در راستای آنها مقاومت لازم را بکار گیریم تا چنین دست آوردهائی را از دست ندهیم. اتحاد نه تنها ضروری ست بلکه حیاتی ست و درک علمی و واقع بینی سیاسی راهکار مناسب

آنرا جستجو نموده و در جهت گسترش آن گامهای عملی برداریم. دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت حذف فیزیکی نیروی مقابل با پیش زمینه و مقدمه دو عامل اهدافش را عملی می سازد:

۱ - جلوگیری از آگاهی و رشد فکری.

۲ - سرکوب نمودن و بستن فضای سیاسی.

جامعه ما دچار تحولات وسیعی از آگاهی و شناخت ماهیت و عملکرد و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران و خواست آنان برای تحولات اساسی و ریشه ای حذف شدنی نیست چرا که جامعه یعنی مردم و تغییر و تحول و تنش های اجتماعی و حفظ بقا نکات اساسی که می بایست به آنها توجه نمود و با درک و شناخت پیش رفت.

جامعه است که در بر گیرنده طبقات اجتماعی و وقایع و رویدادهای آنست که زائیده هشت دهه است.

دولت ایران مسئول و عامل معضلات اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادیست. تکامل انتفاضه رشد آگاهی و ضرورت حفظ ارتباط و دفاع از حریت تعبیر و بهره گیری و تحلیل شرایط موجود - حفظ دست آوردهای انتفاضه و گسترش میدان مبارزه در سایر مناطق - درک موقعیت خویش و شرایط مشخص کنونی - تغییرات عینی واقعیت موجود و ظهور انتفاضه در صحنه سیاسی منطقه معانی و مفهوم فوق جایگاه خویش را یافته اند.

دولت جمهوری اسلامی ایران با کلیه توطئه ها و ترفند ها سعی در مشبوه و مشکوک جلوه دادن عناصر و نیروهای انتفاضه و تنگ نمودن حصار امنیتی و فلج نمودن انتفاضه و در نهایت فروپاشی آن می باشند. عدم درک وقایع و رویدادهای منطقه پدیده نوینی بشمار نمی رود و سابقه ای دیرینه و تاریخی داشته

است. حاکمانی که از تاریخ پند نیاموخته و درس عبرت را فرا روی خود قرار ندهند، مقهور قدرت و نیروی سرکوب و زندان می‌باشند. خشونت و عنف در برابر رویدادهای اجتماعی چاره کار و راه‌گشا نبوده و قربانیان اینگونه اعمال در صحنه و پروسه مبارزه و سیاست مجریان آن می‌باشند. هر ملتی نیاز و درک ضرورت تغییر و تحولات را در جامعه خود لمس و درک می‌نماید و استمرار و ادامه تحولات را ضرورت کنونی می‌پندارد و اصرار می‌ورزد. دیدگاهها و برداشت‌های واقع‌بینانه ست که مخالفان و دشمنان تحولات از بیم گسترش و تحولات آن بیمناک و در راستای استثمار منافع و مصالح ملی ملت عرب و منطقه اصرار ورزیده و با تقبل هزینه سنگین نظامی و امنیتی اهداف خویش را دنبال و در راستای استراتژی کهنه و دیرینه و دکترین خویش عمل می‌نمایند.

اتخاذ استراتژی مشترک برای مقابله با استراتژی دولت ایران و ضرورت تنظیم زمینه‌های تئوریک اشغالگر نظامی - سیاسی و تدوین تئوری حاکمیت دولت ایران طی هشت دهه سرنوشت شوم و عقب ماندگی آموزش‌های فرهنگی ملت عرب و افت تحصیلی را به ارمغان آورده است و با نابودی طبقات اجتماعی و وقوع این مصائب و تحولات اجتماعی ناگوار ابداً ارتباطی با مسئله جنگ و پیامدهای آن نداشته (بی‌تاثیر نبوده) و با گذشت دو دهه از پایان جنگ و افزایش سقف میزان استخراج نفت و اسمار بالای هر بشکه آن فرصت هر گونه عمران و آبادی و تغییر زیربنای اقتصادی منطقه کافی بود نه افزایش حجم دمار و فروپاشی بافت اجتماعی و ازدیاد سیل مهاجرت غیر بومیان به منطقه و تغییر بافت دیموگرافی و آسیمیلای زاسیون نمودن آن و با تصرف و فروپاشی و حاکمیت سیاسی - نظامی منطقه تحولات

در مراحل اقتصادی و اجتماعی به فروپاشی و اضمحلال گرائید و مانع تحولات اساسی و بنیادین در جامعه گردید. عقب ماندگی اقتصادی و تاثیرات سو اجتماعی محصول چنین روندی ست و ادامه و استمرار اهداف استراتژی دولت ایران طی هشت دهه حاکمیت بر منطقه ست. هرگونه تغییر و تحول در ساختار کنونی منطقه با رویدادهای اقلیمی در ارتباط می باشد.

سرکوب نمودن و بستن فضای سیاسی:

حل مسائل مهم سیاسی - اجتماعی دامنگیر ملت عرب و انتفاضه ست و همیشه بنوعی یکبار بنام ناسیونالیسم آریائی و جمهوری اسلامی. در اصل دولت ایران با آن روبروست و بطور نیرومند و قدم به قدم و رو در روئی بی وقفه با عوامل و عناصر اجرائی و اهداف آن و بحران کنونی ادامه و مکمل بحران دیرینه منطقه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران. در شرایط کنونی خالق آن بشمار می روند و اوضاع و احوال منطقه که در پروسه انتفاضه خلاصه گردیده است. سر منشاء چنین اهداف و اعمالی اخته نمودن و سرکوب فرهنگ سیاسی حاکم بر منطقه و رشد و توسعه آن می باشد. وصول و دسترسی به اهداف استراتژی دراز مدت و تحقق آنها منوط به خروج مردم از صحنه سیاست و در اختیار داشتن امکانات وسیع تبلیغات و رسانه های گروهی، رادیو - تلویزیون و دیگر عوامل اجرائی سعی در اجرای دکترین و استراتژی کهنه در کلیه زمینه ها و ابعاد گوناگون (انتقال وزارت نفت به منطقه) به همراه پرسنل و اعضای خانواده حجم وسیع و کثیری از نیروی انسانی و بافت جمعیتی را به همراه خواهد داشت و عواقب ناگوار و نامتجانس همزیستی و اهداف سیاسی اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه و رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی با قربانی نمودن مردم پیای

اهداف و سیاست های آپارتایدی خویش و کاشتن بذر کینه و نفرت میان ملت ها در رسیدن به اهداف و توسعه طلبی ها از هیچ کوششی دریغ نورزیده و بهره برداری لازم در جهت دسترسی و دست یابی به دکتترین و استراتژی عمل می نماید. و از سوی دیگر امکانات محدود و ناچیز و ضعیف ملت عرب در منطقه و برخورد شدید با عوامل دست اندر کار بومی در راستای افشاگری و روشننگری وقایع و جنایات و ماهیت دولت جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه از سوی ادارات و مؤسسات مربوطه امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در یک پذیرش واقعیت نبرد بر علیه دولت جمهوری اسلامی و جهت دار نمودن آن بسود انتفاضه می باشد. وظایف مهم سیاسی اجتماعی و به طبع تغییرات مهم ریز و درشت شهرها - روستاها و حاشیه آنها ایمان به خواست و هدف انتفاضه و وحدت صفوف و پرچم واحد و پرهیز و نفی چند دستگی و تشننت به لحاظ تنوع ترکیب جمعیت و وابستگی های اجتماعی - فرهنگی ملت عرب است. رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی در مترصد بکار گیری چنین سلاحی به عناوین و اشکال مختلف و اسلوب های خاص خودشان می باشد. انتفاضه حاصل و برآمده از پروسه ای طولانی و شرایط صعب العبور و پر از فراز و نشیب دوران های گذشته و پشت سر گذاشتن انواع ترندها و توطئه های دولت جمهوری اسلامی ایران است. انتفاضه در یک پروسه کوتاه مدت تحقق نیافته و ترکیبی از واقعیات جامعه و اقشار مختلف شهری - روستائی و پشت سر گذاشتن مراحل مختلف و شکل و شیوه آن بر اساس درک شرایط و موقعیت مناسب انتفاضه مسالمت آمیز و قهر آمیز و شناخت و ارزیابی نیروهای شرکت کننده و میزان قدرت بکارگیری ابزار لازمه بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران.

سرنوشت ما وابسته به فعالیت سیاسی ماست. آگاه ساختن ملت عرب به پدیده های حول و حوش خود و توطئه های در شرف تکوین و حفظ و استمرار فرهنگ سیاسی حاکم بر منطقه و ارتقای سطح کمی و کیفی دانش سیاسی و احساس مسئولیت در برابر وقایع و رویدادهای جاری انتفاضه و افشار مختلف جامعه به سهولت از کنار چنین مسائلی نخواهیم گذشت. جمهوری اسلامی سعی در ممانعت و پیشگیری هر گونه تشکل و انسجام و وحدت عمل طیف سیاسی ملت عرب بکار می بندد. در مقطع کنونی انتفاضه و گذار مسالمت آمیز و بدون توسل به اسلوب و راهکارهای خشونت بهترین گزینه و خط مشی و تحقق اهداف خویش را در شرایط کنونی مناسب دانسته و انتخاب شق دوم و شیوه قهر آمیز بخشی از پروسه انتفاضه بشمار می رود و انتخاب آن بستگی به شرایط و ضرورت جامعه و پتانسیل آن می باشد. در چارچوب امکانات موجود و ضرورت گسترش تحولات بر ضرورت بر خورد فعال و منسجم و افشای ماهیت و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه عمل نمائیم و خود را همسو و همگام با انتفاضه و گسترش تحولات آن در برابر اشغالگران نظامی - سیاسی مقاومت کنیم. نسبت دادن انتفاضه و تحولات آن به برون مرز و بستن چشمان خود و نفی تضاد تاریخی - سیاسی ملت عرب و اوضاع در هم پاشیده و زندگی و اوضاع زیر خط فقر مردم حضور نظامیان در منطقه دارای چنان اهمیتی ست که نیروهای اعزامی نظامی را با ریشه یابی انتفاضه و عوامل زیر بنائی آن آشنا و قابل لمس می نماید و تاثیر بسزائی بر حضور نظامیان و عملکردهای آنان می گذارد و مرحله گام های عملی و تاثیر پذیری بر آنان (فرار و سرپیچی از فرامین مافوق) شکل می پذیرد. در چنین مقطعی درک عملی این مهم آشکار می گردد. درک و پافشاری بر

واقعیت های رقت بار جامعه بر اهمیت آن می افزاید. اوضاع بغرنج سیاسی - اجتماعی و روند رویدادها و اتخاذ روش ها و شیوه های غیر انسانی و خالق چنین اوضاع اسف بار عواقب دردناک را در پی خواهد داشت. انتفاضه با در پیش گرفتن روند پر تلاطم و شرایط سخت دوران پر از فراز و نشیب را پشت سر گذاشته و با سازمان دهی و تجدید قوا و تشکیلات نوین مبارزه منسجم و با برنامه ای را آغاز می نماید و با پشتوانه نیروی مردمی به قوت خود باقی خواهد ماند. رشد آگاهی سیاسی و مسائل اجتماعی ملت عرب با چنین وسعتی قابل ستایش می باشد. انتفاضه با پشت سر گذاشتن مراحل متعدد و دشوار و پستی و بلندی واقعیت جامعه راه پر پیچ و خم و طولانی وقایع و رویدادهای بیشماری که انتفاضه را به ضرورتی تاریخی تبدیل نموده است آگاهی بیان حقایق و ضرورت افشای آنها، حکایت از عمق انتفاضه و تاثیر پذیر بودن آن بر بخش قابل توجهی از ادارات و سازمانهای دولتی و کارخانجات و شرکتهای تولیدی نفت - حفاری - گاز با همبستگی و حمایت آنان همراه بوده است. بهره برداری و برداشت واقع بینانه و ارزیابی دقیق و تقویت بنیه تئوری با تغییر فضای سیاسی منطقه و تغییرات کمی و کیفی بسود انتفاضه از پشتوانه مردمی و استواری بر خوردار خواهد بود و جهش نهائی را با آموزش درس های پیشین وقایع و تحولات و رویدادها و تجارب هشت دهه گذشته را با گام های عملی و اساسی بر خواهیم داشت. طیف سیاسی با انگیزه و هدف خود به منظور کسب حقوق سیاسی - فرهنگی و تغییر اوضاع اجتماعی سرکوب شدند. تغییر شکل و شیوه انتفاضه در شرایط دقت از اهمیت زمانی در جهت پیشبرد هدف سنین گذشته مطرح بوده نه در شرایط و اوضاع و احوال کنونی انتفاضه که خواست

انتفاضه و هدف آن به مراتب با گذشته دور (هشت دهه) متفاوت می باشد. هر کدام اهمیت خاص زمان و نه مکان آنرا داشته که امروزه شکل تکامل یافته آن مطرح می باشد. رشد تراوشهای فکری - سیاسی تنوع دیدگاهی و برداشت مسائل و تغییر اسلوب و روش و اهداف اشغالگران نظامی - سیاسی و تغییر و تحولات جوهری کشورهای هم جوار مد نظر بوده و عاملی بر تحولات فکری - سیاسی منطقه ای گردید که بدون شک ارتباط و جدای از یکدیگر نمی باشند. هر سرکوب در منطقه ظهور و خلق تشکل های سیاسی جدیدی در عرصه مبارزه را به همراه خواهد داشت.

تز = حق تعیین سرنوشت ملت عرب.

آنتی تز = نفی و رد موضوع فوق از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران.

سنتز = نفی وضعیت پیشین و ایجاد وضعیتی که با تز و آنتی تز مقارنت نداشته و جامع هر دو می باشد و در بر گیرنده دو دیدگاه است:

۱ - دفاع از ملی گرایی فارس و مانع قوم گرایی نیروی مقابل است.

۲ - مانع افراط در روش یکسان سازی ست.

آسیمیلزاسیون یا یک سان سازی را قبول دارد نه به شکل افراط - سیاست و اهداف فعلی نظام مورد پذیرش چنین دیدگاهی ست.

طیفی که سعی نمود با واژه نگاری و متوسل شدن به فلسفه علمی در جهت مصالح ملی خویش و توسعه طلبی و استیلاء نظامی - سیاسی بر دیگر مناطق و به تحریف حقایق و واقعیت های موجود و ضرورت داشتن و تاکید بر نظام نئوکولونیال و

تسهیل امر آسیمیلزاسیون و تعبیر سوء از واژه ها در جهت مصالح و منافع ملی مردم خویش گام بردارد.

قوه قضائیه و انتفاضه

وقایع و رویدادها در جامعه بحران زده امری طبیعی و روزمره است. اعتراضات در سطوح گوناگون جامعه به طرق مختلف آشکار می گردد. دولت ایران در دوران مختلف حکومت به شیوه های غیر انسانی مخالفانش را سرکوب نموده است و نارضایتی اقشار اجتماعی و رشد فکری سیاسی ناهنجاریهائی در جامعه سبب گردید که موجب شکاف عمیق طبقات اجتماعی گردیده است. پائین بودن سطح زندگی - بستن فضای سیاسی - امرار معاش پائین - خط فقر وسیع در سرتاسر منطقه را نوید می دهد. افزایش مهاجرت غیر بومیان به منطقه مزید بر این علت گشت. مهاجرت های بی رویه و برنامه ریزی شده تحت اشراف وزارت کشور - سازمان برنامه و بودجه - سازمان مسکن و شهر سازی - وزارت کار و امور اجتماعی - وزارت کشاورزی و این در شرایطی است که وضعیت اقتصادی ملت عرب روز بروز دچار افت معیشتی و نوسان می گردد و به این تناسب مهاجرین فارس با وعده های بیشمار و تسهیلات تدارک

دیده شده در اختیارشان قرار می‌گیرد (مسکن - کار - امنیت) از جمله عواملی هستند که شامل آنها می‌گردد. تحقیر و تحمیق فرهنگ و آداب و سنن ملل غیر فارس و گسترش آن در سطح جامعه بیکاری - فساد - اعتیاد - فقر عواملی که دامنگیر بخش اعظم منطقه را فرا گرفته و ریشه و عامل بحران کنونی است. انسان های آگاه و مستقل - طیف های سیاسی رسالت تاریخی در این مقطع که خطر فروپاشی اجتماعی تهدید کننده بافت جمعیتی و اجتماعی منطقه است. برنامه و سیاست حساب شده ای که بر اساس استراتژی دولت ایران برای منطقه و ملت عرب تدارک دیده و دارای اهداف و عواقب وخیم که به عارضه و نتیجه هجران و اهداف رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی مجری و ادامه دهنده آنست.

احزاب و نیروهای مستقل منطقه تخریب از تعهدات و وظائف سیاسی - اجتماعی در قبال ملت عرب بمثابة تحلیل رفتن چنین جوامعی در شرایط و سرنوشت تحمیلی تدارک دیده از سوی ولی فقیه و ولایت فقیه می‌باشد. بیشترین در صد قربانیان در معادلات کنونی رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی را جوانان عرب تشکیل می‌دهد. بیشترین درصد جمعیتی و نیروی جوان جامعه متوجه سیاست های آپارتایدی دولت ایران و اهداف آن می‌باشد. طبیعی ست در جوامعی با چنین ویژگیهائی، نا هنجاریهای اجتماعی پشتوانه تغییر و تحولات بیشماری خواهد بود و انتفاضه تنها مجرا و مامن جوامعی که دچار تبعیض - حرمان و توتالیتر حاکم بر خود می‌باشد. اهداف سیاسی دو پس سیاست ها و اهداف استراتژی دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن ولی فقیه (شخص) و ولایت فقیه (نهاد حقوقی سیاسی) و سنت های دیرینه و تقالید جامعه خود را نمایان می‌سازد و اهداف خویش را عملی می‌نمایند. آخرین مرحله و نهایت

استبداد به فساد می انجامد و استبداد مطلق به فساد مطلق و دیکتاتوری های فاسد، دارای حکومت های فاسد هستند. این ارتباط ساختاری میان استبداد و فساد یکی از علل اصلی عقب افتادگی روندهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی در جوامع و جغرافیای کنونی ایران است. فضای سیاسی آزاد، از شروط اصلی پیشرفت اقتصادی بشمار می رود. هرگونه تغییر و تحول سیاسی - رشد و ثبات آن در فضای مناسب و آزاد و به دور از هر گونه وابستگی و تنگ نظری حکومتی رشد اقتصادی و پیشرفت آن مدیون و مرهون فضای سیاسی حاکم بر جامعه خواهد بود. رابطه تنگاتنگ فساد و استبداد که به دیکتاتوری و اختناق منجر گردیده، فضای بسته سیاسی را به همراه خواهد داشت و به طبع پیامدهای مشتق از آن.

در سیستمهای باز و دموکراتیک شفافیت مانع ایجاد رشد و تداوم فساد می شود. آزادی بیان و قلم همانند سیستم تدافعی بدن که با میکروب می جنگد و آنرا دفع می کند فساد را یافته و تعقیب نموده آنگاه رسوا (افشاگری) و نابود می سازد و سرنگون می کند. مطبوعات آزاد در جوامع آزاد به تنهایی نمی توانند جامعه را در برابر فساد محافظت کنند اما نقش حیاتی جراید غیر قابل انکار می باشد. در جوامع کنونی استناد و تاکید بر عوامل منافع و مصالح ملت و فضای باز سیاسی جامعه بمعنای دیگر دستگاه قانون گذاری و تشکیلات قضائی می باشد. نمایندگان مردم در پارلمان از وظایف گوناگونی برخوردارند که وضع قوانین مهمترین آنها بشمار می روند که به قانون گذاری معروف می باشد بمعنای نظارت و تحقق در امور اجرائی کشور است و به نمایندگی از مردم در برابر تخلفات برخورد و ایستادگی نمایند و مهمترین عامل پیگیری نارسائی های جامعه و ملت خویش می باشند. نمونه بارز آن حاج جاسم تمیمی است. نماینده منطقه در

مجلس شورای اسلامی، تاکید می نماید من گرچه در دفاع از حقوق مردم (ملت) خویش و توجه به تفاوت ها و تمایزها کوتاه نخواهم آمد اما این هدف تنها از مسیر دفاع از حقوق کلیه اقوام (ملت ها) ایران ممکن الوصول خواهد بود لذا خواهم کوشید تا از مردم سالاری و حقوق کلیه مردم ایران با تمام توان خویش دفاع به عمل آورم.

ارکان اساسی کشور قوه قضائیه است و مستقل از دولت - قوه مجریه و پارلمان قوه مقننه وارد عمل می شود و تصمیم گیری می نماید و زیر نظر مستقیم ولایت فقیه عمل می کند و تابع فرامین مقام معظم رهبری است. مجلس خبرگان عهده دار چنین وظایف و اختیاراتی است. اشاره مختصر و مفید به بیانات آیت الله محمد یزدی طی دو دوره پنج ساله ریاست قوه قضائیه را بر عهده داشت. روزنامه سلام تیرماه سال ۱۳۷۸ برابر با ۷ تیر روز قوه قضائیه.

افشگری و عکس گرفتن و توجه افکار عمومی به جنایات جمهوری اسلامی - ولی فقیه (شخص) و ولایت فقیه (نهاد حقوقی سیاسی) و قوه قضائیه است. جهانیان را آگاه ننموده و چهره واقعی آنانرا در پس جنایات ضد بشری افشاء نمائیم و در مناسبات عام و خاص دید و بازدیدها و مراسم شادی و فرح انگیز و مراسم عزاداری فرصت را غنیمت شمرده و عوامل مطرح را در اذهان عموم حاضرین بررسی و مرور نمائیم و وقایع و رویدادهای انتفاضه را کلام مجلس نمائیم. این از عوامل موفقیت انتفاضه و ایمان ما را نسبت به آن استوارتر می نماید. عدم درک انتفاضه و عدم شناخت شرایط عینی جامعه و نگرش و دیدگاه سطحی و احساساتی نسبت به پروسه و روند آن و قضیه ای با این حجم و محتوا و گستردگی مبادا طیفی را که می پندارد کار تمام است - به هدفمان نائل آمدیم - دشمن را از خانه

راندیم. کلیه موارد بر شمرده حاکی از ظلم و ستم – محرومیت و اشغال نظامی – سیاسی و تئوکراتیسم های حاکم و رژیم توتالیتر ولی فقیه و ولایت فقیه محصول هشت دهه و انتفاضه مبتنی بر عوامل بیشمار و فوق می باشد. راه طولانی و صعب العبور در پیش است. سخن ها و عمل کردها – چهره های گوناگون با ایده و نظرات و برداشت های مختلف در پیش است. انتفاضه دریای عمیقی ست که رسوبات را به ساحل هدایت می نماید.

آب های عمیق با آرامش و امواج تحولات مرحله به مرحله و گام به گام انتفاضه را به ساحل موفقیت و آغوش ملت عرب هدایت می نماید. در این مقطع آگاهی و افشاگری بهترین سلاح انتفاضه ست. شناخت چهره های پنهان و آشکار و افشای ماهیت و نقش آنان ضروری ست. چه کسانی از عمق و گسترش انتفاضه در هراسند؟ از رشد آگاهی سیاسی متوسل به اعمال ددمنشانه و صخیفی دست می زنند؟ واقعیت امروز جامعه بدنبال کدام سو سیر می کند؟ کدام موضع گیری ها و ارزیابی ها و تحلیل های سیاسی – اجتماعی را به همراه خواهد داشت؟

ریشه یابی رویداد ها و وقایع و منظم نمودن راه کارهای آینده بر اساس تحلیل وقایع و سنجش موقعیت طرفین (انتفاضه – دولت جمهوری اسلامی ایران) و شناخت هویت انتفاضه ملت عرب از سوی ولی فقیه و ولایت فقیه (شخص و نهاد حقوقی سیاسی) هدف و خواست آن می باشد.

شناخت و درک دقیق و صحیح موضع گیری ها از رویدادها و وقایع و عمیق تر شدن انتفاضه و به همان میزان یدک کشیدن مشکلات خاص خود را به همراه خواهد داشت. هر آنچه انتفاضه وسعت پیدا نماید به همان تناسب دارای هزینه و آسیب های اجتماعی ست. دستگیر نمودن – شکنجه – زندان – اعدام

- تبعید - مهاجرت اجباری - اخراج از کار و منزوی کردن
هزینه انتفاضه بشمار می روند و غفلت از آن بمعنای سهل
انگاری و ساده نگری و خوش بینی نسبت به آینده و تحولات آن
می باشد و با یافتن زوایای پنهان و آشکار عوامل فوق را با
تدبیر و راه کارهای مناسب و صحیح بر طرف نمود و باری از
دوش انتفاضه برداشت و این بیم و هراس هسته مرکزی و
استمرار انتفاضه ست.

بدون درک چنین پدیده اجتماعی و عدم رفع آن و بکارگیری
راهکار مناسب فاجعه عظیمی دامنگیر جامعه می گردد. دقیقاً
همان چیزی ست که دولت جمهوری اسلامی ایران در پی تحقق
آن لحظه شماری می کنند. هشت دهه محاصره اقتصادی -
سیاسی - اجتماعی - فرهنگی بهترین و مناسب ترین راه حل و
خروج از بن بست اوضاع و احوالی که حاکمان طهران ترسیم
نموده اند کدام است؟ پذیرش و تن سپردن و تسلیم اراده
اشغالگران شد یا انتفاضه و بر هرگزها فائق آمدن و نفی
عبودیت و استثمار در برابر دولت ایران و رژیم آپارتایدی و
توتالیتر جمهوری اسلامی ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه می
باشد.

انتفاضه سرنوشت گهواره زمان این جامعه ست - ملت آنست که
با تمامی وقایع و رویدادهایش رشد نموده است. پیامدهای ناشی
از انتفاضه التهابات عمیقی دارد و اپیدمیک نمودن جامعه را در
بر گرفته است. درک واضح و روشن روند تغییر و تحولات و
ریشه های آن لازم است و اکنش های متقابل به واقعیت های
عینی - شناخت و درک همه جانبه و کامل پدیده های خالق آن و
عوامل خالق بستگی به شناخت استراتژی و خطوط فکری آنان
که مجریان و نافذان چنین جنایات هستند. بررسی اینگونه مفاهیم
نه از زاویه فرد و یا افراد مجری بلکه از زاویه نظام و سیستم

که دارای استراتژی و اهداف دراز مدت و کوتاه مدت و مؤسسات وابسته و تصمیم گیرنده و مجری با ابعاد شعب و ادارات وابسته و تحقیقاتی که منفذان و مجریان طرح ها و اهداف شان در منطقه عبارتند از سازمان مسکن و شهر سازی - سازمان برنامه و بودجه - وزارت کار و امور اجتماعی - وزارت کشاورزی و اکنش های متقابل به واقعیت های عینی، شناخت و درک همه جانبه و کامل استناد کنیم درک وقایع و ریشه های آن ضروری ست ولی نباید اکتفا کنیم و حوزه شناخت و کالبد شکافی پدیده های جامعه را گسترش و عمق بیخشیم تا شناخت و ادراک واقعی خود را نسبت به پدیده مورد نظر ملموس تر و عینی تر بنمائیم. با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و کشش ذهنی و آگاهی سیاسی را منطبق بر یکدیگر عملی نموده و به نتایج مطلوب تری دست یابیم. تقویت و آگاه شدن انتفاضه به همان تناسب بر توطئه ها و افزایش قدرت مانور تئوکراتیسم ها را در پی خواهد داشت و نتیجه چنین اعمالی در گیری عظیمی را به همراه داشته و منطقه را بسوی خشونت و عنف سوق می دهند. آگاه شدن مردم و حضور در صحنه سیاسی و کشف و شناخت توطئه ها آمادگی مردم را برای دفاع از آنچه در پروسه انتفاضه بدست آورده اند حریصانه به دفاع از آنها و تثبیت شان مبارزه می نمایند. ملت عرب انتخاب شیوه مبارزاتی خویش را بر گذار مسالمت آمیز در این مرحله و درین مقطع بهترین و مناسب ترین گزینه است.

مصاحبه روزنامه سلام تیرماه ۱۳۷۸ با آیت الله محمد یزدی:
« هر وقت نزد مقام معظم رهبری شرفیاب می شدم و فهرستی با اولویت های کاری به ایشان ارائه می کردم، ایشان اطلاعاتی به آنها اضافه می کردند و راهنمایی لازم را می فرمودند.»

از بیانات آیت الله یزدی چنین می توان استنباط نمود که مقام معظم رهبری حاکم و تصمیم گیرنده بلامنازع در قوه قضائیه می باشد و مسئولیت پیامدهای گذشته (ده ساله) در قوه قضائیه بعهدہ ولی فقیہ و ولایت فقیہ است. آیت الله یزدی در قتل عام و جنایات بیشماری در زمان تصدی پست قوه قضائیه سهم بسزائی داشته و از میان رؤسای سه قوه ای که در جمهوری اسلامی مصدر امور را دارند ریاست قوه قضائیه تنها مقامی ست که مردم هیچ نقشی در برگماری وی ندارند. یکی از نواقص عمده قانون اساسی کنونی همین بخش است. آیت الله یزدی خود و رهبر ولی فقیہ را مشترکاً مسئول عملکرد قوه قضائیه اعلام داشته است. نه تنها مردم در انتخاب رئیس قوه قضائیه نقش ندارند، بلکه حتی ضوابط و شرایط و دلایل مربوط به برگماری این مقام نیز هرگز اعلام نشده و به مردم توضیح داده نشده است. زندان های جمهوری اسلامی زیر نظر این قوه است و مرکز و ستاد بزرگترین جنایات و توطئه هاست. آیت الله هاشمی شاهرودی عضو شورای نگهبان (سابق) جانشین آیت الله یزدی گردید. موضوع بسیار مهم تغییر دادستان ها - رؤسای دادگاهها و تجدید سازمان زندانهای کشور است. (این بخش مهم و حساس متعلق انجمن حجتیه و ستاد مرکز آنها مدرسه حقانی در شهر قم می باشد.) ولایت فقیہ بعنوان یک نهاد حقوقی و سیاسی (در قانون اساسی است).

درک ارتباط ساختاری ولی فقیہ (شخص) و ولایت فقیہ (نهاد حقوقی - سیاسی) استبداد و دیکتاتوری مهمترین گام در شناخت ساختار حکومتی جمهوری اسلامی است. اعدام های فراقانونی - شکنجه - آزار - اعترافات اجباری - بازداشت های خود سرانه - زندان های طولانی و بدون ملاقات غیر قانونی - محاکمات غیر عادلانه و فرمایشی و اختصاری - ناپدید شدن

افراد و رفتارهای تحقیر کننده کارنامه سیاه قوه قضائیه جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نظامی است که قانون را به محاکمه می کشاند. واقعیاتی که در زندان جمهوری اسلامی می گذرد و در جامعه منعکس می گردد افشای شکنجه – ایجاد رعب و وحشت در میان زندانیان سیاسی عمق انتفاضه و عمق آگاهی ملت عرب بیشتر می شود و در نتیجه تحولی که در نهایت در منطقه بوقوع خواهد پیوست تحولی اساسی خواهد بود. ملت عرب با دیدن و پی گیری عمل کردهای قوه قضائیه در زندانها نه تنها دچار انفعال نگشته بلکه انتفاضه عمیق تر و جدی تر از گذشته است. رعب و وحشت و گمراه کردن افکار عمومی مانع سرنوشت سازی در برابر اراده و خواست ملتی نخواهد بود و هزینه هر انتفاضه و تغییر و تحولی زندان – شکنجه و اعدام است. تا کنون هیچ مرجع حقوقی و سیاسی جهت رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی عرب و سرنوشت آنها تشکیل نشده و ضرورت چنین تشکلی برای دفاع از زندانیان و وضعیت تاسف آور دادگاه ها و احکام صادره در حق زندانیان و شیوه ها و ابزار اعتراف و شکنجه از ماهیت جمهوری اسلامی – ولی فقیه و ولایت فقیه و قوه قضائیه و وزارت اطلاعات و رژیم توتالیتر و تئوکراتیسم ها در برابر جهانیان و انسانهای آزاد و آگاه و مسئول رسوا و افشاء نمائیم و بر حقانیت انتفاضه و اراده و خواست ملت عرب می افزاید و به اثبات می رساند.

تحرك های سیاسی در ابعاد تجمع و صدور بیانیه و اطلاعاتیه در برابر ارگان های تصمیم گیرنده سیاسی – اقتصادی کشورهای اروپا و سفارت جمهوری اسلامی – حقوق بشرطیف سیاسی و مستقل خارج از کشور همسو شدن با انتفاضه و همگام با ملت عرب و اتخاذ هدف مشترک و وحدت عمل مشترک از جمله اهداف و شعار شرکت کنندگان می باشد و خالق شرایط نوینی

در انتفاضه و تحولات آن خواهد بود با بهره گیری از فضای کنونی علیه قوه قضائیه و احکام دادگاههای منطقه و عناصر ذی نفوذ آیت الله موسوی جزائری (امام جمعه) و بازاریان و فرزندان آنان در وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و ارگان های تصمیم گیرنده منطقه (نظامی - سیاسی) و مجریان استراتژی و دکترین جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه در راستای نظامی کردن منطقه و اجرای اهداف و پروژه های دیموگرافی و آسیمیلزاسیون منطقه توسط اشغالگران نظامی - سیاسی دولت ایران بر منطقه می باشد. با ادامه چنین روندی (حضور در صحنه و افشای ماهیت تئوکراتیسم ها) خواهان آزادی زندانیان سیاسی عرب اسیر در زندان های جمهوری اسلامی باشیم. شرایط بشکل و گونه گذشته (انتفاضه محمره) نیست. شرایط کنونی اجتماعی بدنبال رشد آگاهی و سیاسی تفاوت بسیار و فاحشی نموده و غیر قابل قیاس با دو دهه گذشته سمت واکنش های اجتماعی و مقاومت های پراکنده و انتقال سریع اخبار منطقه و زندان ها و وضعیت زندانیان به بیرون و بر روی سایت ها و انعکاس آن در خارج از کشور و مراجع بین المللی و قانونی دلیل بر صحت و سقم و ادعای فوق و تغییر شرایط گذشته و تغییر و تحول جامعه و رشد فکری مردم و کنترل اوضاع و عمل کرد دولت ایران و توتالیتر ولی فقیه و ولایت در شرایط کنونی توسط مردم می باشد. واکنش های اجتماعی و مقاومت های پراکنده در برابر صف آرائی ها و تنگ نمودن حلقه و زنجیره سیاسی منطقه و کنترل اوضاع و تسلط بر امور از سوی مجریان فرامین دستورات ولی فقیه و ولایت فقیه در منطقه و از سوی دیگر انتفاضه با اتخاذ روش و تغییر شکل و شیوه و استمرار مبارزه بر اساس شرایط عینی جامعه با تغییر اسلوب و بکار بستن تاکتیک مناسب اوضاع و

احوال کنونی و ارزیابی نیروهای خودی و حجم و قدرت مانور در شرایط کنونی را درک نموده و بر اساس چنین شناخت بکارگیری روش های مناسب را در پروسه فعلی بکار می گیرد و نه مرعوب شرایط و نظامی گری جمهوری اسلامی نخواهد بود. درک شرایط و ارزیابی نیروی مقابل و شناخت کم و کیف مسائل جاری، نشان از درایت و هوشیاری هواداران انتفاضه و برداشت های فکری آنان از اوضاع جاری می باشد. پیش گیری از هر گونه آسیب پذیری انتفاضه و دور نمای آن که اتحاد طیف وسیعی از نیروی خارج را در بر خواهد داشت و مهمتر از همه پیوند دادن مسائل با یکدیگر جهت پیش گیری از مسائل حاشیه ای که روزی اینگونه مسائل توسط عوامل بر جسته شده و به صحنه مبارزه ظاهر و مطرح گردد. نزدیکترین درک به واقعیت انتفاضه و خواست ملت عرب همین درک و ضرورت آن می باشد. با این عمق نگریستن به مسائل منطقه طبعاً راه دشوار و سختی که مشتمل بر وقایع جامعه و بافت اجتماعی و ساختاری آن می باشد که با تحول فرهنگی - سیاسی و تغییر ذهنیت و برداشت های کنونی نسبت به مسائل و عوامل زیربنایی و اهداف آنان در پس اختلافات و بهره گرفتن از آنها در جهت تسلط خویش بر منطقه و منحرف شدن انتفاضه و مسیر آن و اهداف پیش روی می باشد تحت هیچ شرایطی زندانیان سیاسی را از یاد نبرده و از سرنوشت آنان آگاه باشیم و در راه آزادی و بهبود وضعیت شان تلاش نمائیم و نیروهائی که بنوعی در ارتباط با انتفاضه دستگیر و وضعیتی مشابه دیگر زندانیان سیاسی داشته از هیچ کوششی دریغ نورزیم و در راه استمرار و حفظ انتفاضه تلاشمان را دو چندان بنمائیم. اعزام گروه و اکیپ تحقیقاتی و اطلاعات طهران و هیئت هائی از سوی ولی فقیه و رئیس جمهوری به منطقه و بررسی کم و کیف قضایا و در عمل

آنها قادر خواهند بود از تنش های موجود و از گسترش انتفاضه و عواقب و نتایج حاصله از آن بکاهند. عمل کردها و اهداف و سیاست و استراتژی جمهوری اسلامی - شورای مصلحت نظام - شورای نگهبان - مجلس خبرگان رهبری - ولی فقیه - ولایت فقیه عوامل تاثیر پذیر و تصمیم گیرنده خط مشی و اتخاذ روش و سیاست های در بر گیرنده مصالح و منافع و اهداف تئوکراتیسم های حاکم است و در برابر چنین مجموعه و ترکیب آنها، پروسه انتفاضه است که در حال حاضر در منطقه جریان دارد و بیان کننده و معرف شکلی از اشکال مبارزه و راهها و شیوه های آنست. چنین انتخابی قابلیت انعطاف و قدرت مانور و تاکتیک را در برابر نیروی مقابل (اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه) و حفظ و تثبیت دست آوردهای انتفاضه و عبور از مرحله کنونی با هدف حفظ و استحکام زیر ساخت های آن و تلاش و کوشش در جهت وحدت و یک پارچگی طیف سیاسی و مستقل و نیروی شرکت کننده با هدف شعار واحد - پرچم واحد و هدف مشترک ورود به مرحله نوین با برنامه ریزی منسجم و دقیق و رهنمودی که متکی بر تئوری و راه کارهای واقع بینانه و بافت اجتماعی و ساختاری منطقه هم خوانی و قابل درک و در بر گیرنده کلیه طبقات اجتماعی باشد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی در ایام انتفاضه - سران سه قوه قضائیه - مجریه - مقننه باتفاق آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد وقایع و رویدادهای پیش آمده با ولی فقیه جمهوری اسلامی دیدار کردند و در پایان نشست اعلام شد مبارزه با فساد - تبعیض - فقر از اهم مسائل روز جامعه بشمار می رود و تاکید رهبر بر رفع چنین مواردی در شرایط کنونی کشور می باشد و اوضاع منطقه را زنگ خطر و هشدار بر وضعیت کنونی آن و کشور عنوان می کند.

انعکاس وقایع و رویدادهای انتفاضه در بیت رهبری و مراجع ذی صلاح حکومتی در نظام جمهوری اسلامی استناد کرد و نشان از عمق انتفاضه و اهمیت سیاسی - جغرافیائی آن می باشد.

منطقه ما در حال شکل گیری مراحل تکوین و تکامل و تنظیم صفوف و وحدت عمل سیاسی و خواست و هدف مشترک را دنبال می نماید. تاکید بر این موارد عامل اساسی و تعیین کننده انتفاضه است که عکس العمل و واکنش رهبر جمهوری اسلامی - ولی فقیه را در پی داشته است. اعتراف به سه محور تبعیض - فقر - فساد از سوی ولی فقیه در جمع مسئولین کشور در بحبوحه انتفاضه گامی به جلو نیست؟ ولی فقیه در زمان صدارت آیت الله هاشمی رفسنجانی و طرح استعماری نیشکر و غصب زمینهای کشاورزان عرب سخن به میان نیاوردند. اعترافات ولی فقیه و ولایت فقیه و ارکان سه قوه قضائیه - مجریه - مقننه زیر فشار و تحت تاثیر انتفاضه ملت عرب است نه انعکاس واقعیت های طهران که آنان را بنوعی مجبور به اعتراف در محکمه انتفاضه نموده است و از دیگر برکات و ثمرات انتفاضه بررسی و پیگیری چنین مسائلی را می بایست به تناسب ظرفیت - حجم جغرافیائی انتفاضه تجزیه و تحلیل نمود و نباید بسادگی از کنار آنها گذشت هر کدام حامل درسهای گذشته و حال (انتفاضه محمره و انتفاضه کنونی ست) و استراتژی آینده ملت عرب را پی ریزی می نماید. جامعه در حال شکل گیری و تکامل است و تقسیم وظائف سیاسی - مالی - فرهنگی - اقتصادی و انسجام و تمرکز و برنامه ریزی تسلط بر امور و عبور از مرحله ای به مرحله دیگر و تغییر و تحول انتفاضه تابع عوامل مطرح شده است. دسترسی به اهداف جدید در تحولات پیش رو و شرایط موجود به موقعیت انتفاضه بستگی دارد امری طبیعی و خارج

از قاعده عرف سیاست و فرهنگ حاکم بر آن نیست. طبیعی بر شمردن قاعده ای بدلیل ویژگیها و خصلت های اجتماعی – فرهنگی و سیستم و نظام حاکم بر آن که از بافت اجتماعی و ساختار فکری آن نشأت می گیرد و عدم استیلاء طیف سیاسی و عناصر حزبی و سازمانی و جبهه و تعزیر رساله خویش بدلیل پیشرو و پیشآهنگ تئوریک تحولات و نه رهبریت آن در ایام انتفاضه (تعبیری که ملت عرب با حرکت خود بخودی و خود جوش انتفاضه را شکل بخشید) طیف سیاسی خارج از کشور بی تاثیر نبوده ولی عامل تعیین کننده و سرنوشت ساز نبوده، این انتفاضه بود که با شکستن حصارها و حلقه تنگ شرایط حاکم بر منطقه فائق آمده و طیف های سیاسی را بسوی خود کشاند و با پذیرش واقعیت های موجود جامعه همسو و همگام با انتفاضه هم صدا گشته و بر علیه رژیم آپارتایدی و توتالیتر جمهوری اسلامی- ولی فقیه و ولایت پیا خواستند.

در این مقطع نقش و جایگاه طیف سیاسی خارج به لحاظ دارا بودن ویژگیهای تشکل و انسجام و سازمان دهی و برخورداری از فضای آزاد و فارغ از هر گونه حصاری با انعکاس وقایع و رویدادهای منطقه و جنایات تئوکراتیسم های حاکم، و با ایفای نقش و رسالت خویش و کسب تجارب و درس های گرانبهای انتفاضه و تمرکز و تطبیق آنها بر تئوری و دیدگاههای خویش و تاثیر تحولات سلبی و ایجابی اقلیمی منطقه بر انتفاضه با توجه به تعلقات تاریخی و فرهنگی – سیاسی – اجتماعی وابستگی هائی به همراه داشته و دارد که تاثیر پذیری عوامل فوق بنوعی نقش و عامل تعیین کننده ای در سرنوشت و آینده آن ایفا می نماید. تنها وجه تمایز جغرافیا و حکومت های حاکم می باشد و سنت های دیرینه و اعتقادات ایدئولوژیکی جایگاهی در برابر ویژگیهای فوق نخواهد داشت.

ملت عرب هیچگاه و تحت هیچ شرایطی بدون عبور از چنین
مراحلی که حق تعیین سرنوشت است دست از انتفاضه و عقب
نشینی ننموده و در چارچوب پروسه کنونی که از عمق جامعه و
نیاز و درک و ضرورت آن بشمار می رود ولی فقیه هرگز
انتفاضه را بر زبان نخواهد آورد ولی به شکل دیگری به وجود
پتانسیل انتفاضه اعتراف می نماید و نمی تواند آنرا کتمان نماید.
چرا که از عمیق شدن چنین تحولاتی در سرزمین های دور
دست با ملیت و فرهنگ و ویژگیهای خاص در هراس است نه
اعتراف به موارد تبعیض - فقر - فساد که سوژه هر انسانی
ست در منطقه. طرح چنین اصولی از جانب ولی فقیه از قافله
زمان پیشی گرفته و تسلط بر اوضاع را به اثبات برساند عمق
فاجعه منطقه قابل تعمق است که ولی فقیه را به گفتن و افشای
وضعیت هولناک واداشته نه شکل و ظاهر آنها. انتفاضه به
درون طهران و به خانه های مسئولین کشور راه یافته و نفوذ
کرده است. سه اصل فقر - فساد - تبعیض ارکان انتفاضه بوده
و اعتراف ضمنی ولی فقیه در بیت رهبری در جمع حضار
مسئول- اساتید دانشگاههای کشور به مناسبت انتخابات نهمین
دوره ریاست جمهوری برای بار دوم سه اصل را مطرح و بر
رفع و رسیدگی به آنها تاکید می نمایند. گوئی این سه اصل در
خلال ایام انتفاضه در جامعه ظهور کرده و نه محصول سیاست
ها و اهداف استعماری سالیان بیشمار است. فشار از پائین و
انعکاس آن در بالا خواست ملت عرب و نشان از موفقیت
انتفاضه است، ریشه های تغییر و تحول در هر جامعه ای و ملتی
همین هاست. چرا که انتفاضه ثمر بخش و عمیق و دارای
ساختاری سیاسی حاکم بر جامعه و واقعیات آنر یدک کشیده
مسائلی که از انتفاضه محمره به این سوی هرگز در چنین ابعاد
و حجمی مطرح نگردیده و انعکاس آن در حاکمیت اشغالگران

نظامی - سیاسی و رژیم آپارتایدی جمهوری اسلامی قابل قیاس با گذشته نیست. موفقیت انتفاضه یعنی اعتراف به ارکان انتفاضه و در ایام آن مهم و حیاتی است. اعتراف به هر شکل و شمایل آن مطرح و مهم است. به هر عنوان و لقبی که به او بدهند - شورش - طغیان - حوادث - القابی که نثار انتفاضه نمودند اعتراف به انتفاضه و پیش زمینه های شکل پذیری آن با هر تعریف و وجه تسمیه قابل تعمق است.

در سالهای گذشته از بیان صریح و آشکار این واقعیات چشم پوشی می نمودند و در بسیاری موارد تنها استناد به خنثی سازی خواست ها و کاستی های جامعه اکتفا می نمودند بدلیل اینکه نیروی دافعه و اهرم فشار در پشت سر آن نبوده و اکنون شرایط به گونه دیگری ست.

ملت عرب با واژه ها و تعریف های گوناگونی از سوی مسئولین مورد خطاب قرار می گیرند (خالقان و رکن اساسی انقلاب و حامیان میهن در جنگ هشت ساله) دقیقاً چنین عمل کردهائی بیشتر جنبه علامت استفهام را در بر داشته تا گویای حقایق و اهداف آن شرایطی که هم اینک و در مقطع کنونی در آن بسر می بریم تغییر تناسب و زنه سیاسی منطقه بسوی ملت عرب و شرایط عینی آنرا بهمراه داشته است. همان گونه که کالبد شکافی جامعه و محور اساسی (مبارزه مسالمت آمیز) را بهمراه آورده و بهره گیری از امکانات موجود مردم در خدمت واقعیات جامعه و بر علیه مخالفان انتفاضه بکار گیریم. رهبران جمهوری اسلامی با برخورد قاطع و مطرح نمودن حیات و مصالح و منافع کشور در مخاطره است و با نیروی عظیمی در منطقه مستقر می باشند و با کلیه توان و نیرو در برابر پدیده های اجتماعی - سیاسی منطقه قد علم نمایند و انتفاضه را سرکوب نمایند. در چنین شرایطی می بایست مردم را منسجم و متشکل

نمود و بر علیه دسایس دولت جمهوری اسلامی- ولی فقیه و ولایت فقیه صفوف مان را فشرده نموده تا با نیروی قوی در برابر آنان مقاومت نمائیم.

چه کسانی از چه چیزی حمایت می کنند؟ و طرفداران چه کسانی هستند؟ و عمل کردشان چیست؟ این فاکت های سنجشی و قیاس در برابر افرادی ست که عملکردشان سؤال برانگیز است.

نگذاریم وقایع و رویدادها از حافظه ها محو گردد. باید در مناسبت ها و تجمع ها آنها را مرور کرد و در جهت آگاهی و تقویت حافظه تاریخی - سیاسی ملت عرب اذهان را زنده نگاه داریم. بدنبال عمق قضایا باید برویم. ریشه های رویدادها را دریابیم. آنچه که امروز دولت ایران در منطقه بر سر ملتمان می آورند، ریشه دارد. سابقه دارد. سابقه ای دیرینه به قدمت تاریخ. سابقه ای که هشت دهه از عمر خویش را سپری نموده است. ضربات بیشماری بر پیکر ملت و جسم جغرافیایش متحمل گردیده بهترین فرزندان خویش را نثار هویت و حاکمیت مردمانش را بر سرنوشت خویش تقدیم و سیادت بر آن نمود. ریشه آن در انتفاضه محمره ست باید به گذشته ها نگریست. کاوش کرد. تاریخ را مرور کرد. آنچه امروز جریان و مستمر است ریشه هایش مربوط به گذشته است که چنین استوار و محکم پا برجاست.

انتفاضه طلّیعه چنین تاریخ و دورانی است. اراده و آگاهی ملت عرب حاضر در صحنه سیاسی ست که دولت جمهوری اسلامی در پی نابودی و در هم شکستن چنین اراده و آگاهی هستند.

فضای کنونی منطقه فضای عنف و خون ریزی نیست. دولت جمهوری اسلامی ایران تلاش می کنند با خلق شرایطی منطقه را سوی عنف و خشونت سوق بدهند تا بهره برداری های لازم

را در جهت منافع و مصلح و تثبیت و استحکام موقعیت خویش بکار گیرند. استمرار چنین اعمالی بیان چه اهدافی ست؟ باید بدنبال واقعیتهای رفت و آنها را جستجو نمود، انتفاضه هرگز بسوی خشونت نگرانیده، واقعیات ست.

تحمیل نمودن خواست و اراده ای که از سوی طهران و تئوکراتیسم های حاکم بر کشور که بوی خون در مشامشان جاری ست مسئله دیگری ست و راهکار مناسب خویش را می طلبد که از توان و خواست انتفاضه و انتخاب شیوه قهر آمیز مبارزه در شرایط کنونی هرگز به صلاح و به منفعت ملت عرب نخواهد بود. انتفاضه به شکل و شیوه کنونی از حمایت و پشتیبانی داخلی و خارجی برخوردار می باشد و در جهت اراده و خواست توتالیترهای جمهوری اسلامی و در رأس آنها ولی فقیه و ولایت فقیه گام برداشته و تسلیم اراده و خواست آنان در جهت فروپاشی انتفاضه ست، نخواهیم شد. صف آرائی نیروهای انتفاضه در برابر نیروی مقابل خویش، صف آرائی و آرایش سیاسی و نماد عینی جامعه کنونی ست نه آرایش نظامی و جنگ پارتیزانی. آنچه که در منطقه می گذرد در صحنه سیاسی - اجتماعی ست نه میدان جنگ و خاک ریز دولت ایران و رهبران جمهوری اسلامی بدنبال چه هستند؟ آنان بر بستر باروت نشسته و در پی نظامی نمودن منطقه هستند. ما با استناد و درک اوضاع و شرایط منطقه خواست ها و تحولات را دنبال می کنیم و مصرانه در پی تحقق آنها هستیم و همه توان و نیرو و امکانات خویش را در جهت مسالمت آمیز نمودن انتفاضه به خدمت خواهیم گرفت و بدون شک ارزیابی و شناخت جامعه و کشش آنرا ارزیابی می کنیم. انتفاضه ملت عرب در جهت سقوط مشروعیت اشغالگران نظامی - سیاسی و از سوی دیگر سیادت خویش بر منطقه ست. اگر انتفاضه به اخمد گرانیده و ضعیف و

ناتوان شده و اگر محاکمات فرمایشی و اعدام های کور به فروپاشی انتفاضه منجر گردیده دیگر نیازی به ایجاد جو خوف و رعب نیست. در صورتیکه این فشار انتفاضه و تعمیق آن ولی فقیه و ولایت فقیه و قوه قضائیه را مجبور به اتخاذ چنین اعمالی نموده است. این نشان دهنده قدرت دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نیست. بلکه نشانه ضعف و ترس و وحشت شان از انتفاضه ملت عرب می باشد و به دنبال آن بی قانونی که امروزه به یکی از دلایل بزرگ بحران همه جانبه در جامعه تبدیل شده است و تحمیل بی قانونی و قانون گریزی در جامعه توسط جمهوری اسلامی و عواقب و عوارض این بی قانونی امروزه در جامعه ما واضح و آشکار می باشد و نیازی به تمازی نیست. جامعه ای که قانون نداشته باشد زورگویی و ناهنجاری اجتماعی بیداد می کند و اداره چنین جوامعی با زورگویی و بی قانونی هرگز امکان پذیر نیست. حیثیت جمهوری اسلامی به قوه قضائیه آن می باشد. اگر قوه قضائیه عادلانه و قضائی عمل نماید و رسیدگی به پرونده ها و مسائل از زاویه و دیدگاه قضائی و نه جناحی بررسی شود، می تواند زمینه ای برای تحقق عدالت اجتماعی و تحقق قوانین آن باشد. یعنی همه انسانها از هر ملیت و نژادی در برابر قانون یکسان و از حقوق برابر برخوردار می باشند. هیچ عاملی نمی تواند مانعی در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی و پروسه رو به رشد آنرا سد نماید. ادامه چنین روندی در جامعه ای که به سطحی از تکامل اجتماعی - سیاسی رسیده نمی توان با تصویب چنین قوانینی مانع تحولات و هدف و خواست انتفاضه گردید. بررسی و تحلیل رویدادها و وقایع به شکل واقعی و عینی آن راه گشای تحولات و استمرار مراحل پیش روی می باشد. همه چیز تحت تاثیر برخوردها و صحنه هائی شد و مطبوعات از بیم خبر

انتشار چنین برخوردها و متهم شدن به تشنج آفرینی به خود سانسوری وقایع و رویدادها تن داده و بسنده نمودند. در روزهای بعد تنها به اخبار کوتاهی در باره برخوردها قناعت کردند! انتفاضه و دیدگاههای سیاسی - اجتماعی جامعه بر آگاهی عمومی افزون گشته که در حاشیه برخوردها و وقایع قرار گرفتند و این در شرایطی ست که انتفاضه از حمایت مردمی برخوردار می باشد و دشمنان انتفاضه ملت عرب (جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه) وقایع و رویدادهای چهارده روزه انتفاضه را لحظه به لحظه دنبال می نمودند با هر حيله و توطئه ای سعی در پراکنده نمودن و سرکوب انتفاضه به طرق گوناگون نمودند ولی هرگز نه موفق شدند و نه موفق خواهند شد. شرایط کنونی را به دوران انتفاضه محمره بر گردانند و نه حاضرند درک دقیق و عینی از مردم کنونی و شرایط پیش آمده انتفاضه را درک نمایند و بر طبل بیست و پنج ساله گذشته می زنند. با در نظر داشتن شرایط حاکم بر منطقه بعنوان یک واقعیت هر حرکت سیاسی که به انتفاضه برای گذار از مرحله مسالمت آمیز کمک کند حرکتی مثبت و پشتوانه حمایت مردمی را به همراه خواهد داشت. انتفاضه به معنای محتوی و ریشه است. مرحله گذار مسالمت آمیز انتفاضه دارای اهمیت حیاتی ست. خروج از این دایره با توجه به ظرفیت های کنونی و عینی جامعه خواست و اهداف دشمنان ملت عرب را جامه عمل خواهد پوشاند. با توجه به شناخت شرایط عینی حاکم بر جامعه عبور مسالمت آمیز انتفاضه از روند کنونی تحولات و حفظ و تثبیت دست آوردهای آن درک جدید (در مقطع کنونی) و صحیح و دقیق از شرایط موجود و حاکم بر جامعه بدست آورده ایم و اهداف دشمنان انتفاضه را خنثی و توطئه های آنان را برملا سازیم. طیف سیاسی بر پشتوانه

حمایت ملت و خواست آنان مسیر طبیعی را سیر می نماید و توازن و قیاس نیروها بر اساس درک و شناخت و جمع بندی طیف سیاسی ست که با ارائه تحلیل عینی و جامع منابع تحقیقات و شناخت و اطلاعات خویش را از کوچه - خیابان - دکان دار - بیکار - راننده تاکسی - بنگاه معاملات املاک - اداره کشاورزی - مسکن و شهرسازی - برنامه و بودجه - اداره کار - شرکت نفت و گاز - ثبت احوال - بررسی جرایم منطقه - و وضعیت حقوقی و شرایط کار در مزارع نیشکر - کارخانجات تولیدی - شرکت های دولتی - خصوصی - حاشیه شهرها - روستاها - مدیران مدارس - اساتید دانشگاهها - مراسم افراح و عروسی - مراسم سوگواری - طلاب حوزه ها - دانشجویان آرشيو عظیمی از منابع فکری - اطلاعاتی و شناخت مفید و مختصر جامعه را کسب نموده ایم و با روحیات آنان آشنا شده ایم. با زخمها و کاستیهای جامعه آشنا شده ایم. با نبض جامعه آشنا شده ایم. اینست آنچه زیربنا و ربنای انتفاضه می نامیم. شرایط عینی و ذهنی انتفاضه ست. تحولات کمی و کیفی انتفاضه ست. این خمیرمایه و جوهره انتفاضه ست. شرایط و روندی که مانع ماجراجویی نیروهای سرکوبگر ولی فقیه گردد. علی رغم خواست و بر خلاف میل باطنی و درنده خوئی آنان است.

انتفاضه راه دشوار و عظیمی را پشت سر گذاشته است و آثار ایجابی (مثبت) آن و پیامدهایش قابل تعمق و بازنگری آنچه که گذشت و آنچه در حال وقوع و پیوستن است. درس های آموزنده ای که دور از هرگونه واژه نگاری و پسوندهای ایدئولوژیکی شعار هویت - سرزمین - وطن و به دور از هرگونه معادلات و فرمول بندی آنها را تحقق و جامه عمل بپوشانیم. استقلال قوه قضائیه یعنی قوه قضائیه متأثر از عوامل بیرونی نگردد و

قاضی نباید تحت تاثیر فشار بیرون قرار بگیرد. در صورتیکه تئوکراتیسم حاکم بر جامعه نفی چنین ادعائی است. انتفاضه و استمرار آن هدف نهائی را تعیین می کند. تئوکراتیسم = حاکمیت روحانیت و متولیان مذهب می باشد. حکومت از نوع فقهی و یا حکومت فقها می گویند.

هشت دهه اخیر با بکارگیری استراتژی جایگزینی نیروی انسانی و اقتصادی منطقه به موجب استفاده وسیع از سیاست های حمایتی در ابعاد - اشکال و انواع مختلف آن، سیاست ها و اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران و نقش بالفعل و تعیین کننده آنها از سوی نیروی مهاجر و ادارات مربوطه در منطقه که نمایندگان و مجریان تام الاختیار دولت جمهوری اسلامی و حافظ منافع و اهداف دراز مدت (استراتژی) دولت ایران در طی هشت دهه از گذشته بشمار می روند، خلق شرایط خاص حاکم بر منطقه و اجرای سیاست ها و عمل کردهای خلاف عرف و قوانین بین المللی و گسیل نمودن نیروی بیشماری به منطقه و جذب آنان در مراکز تولیدی - صنعتی - اداری و مراکز تصمیم گیری سیاسی و اقتصادی منطقه در راستای استراتژی دیموگرافی و در جهت استراتژی توازن نیرو و همگرایی با نیروی بومی منطقه و در بخش کشاورزی طرح استعماری نیشکر - انحراف مسیر آب رودخانه کارون از سر شاخه ها یا سرچشمه های آن - تحلیل روند سیاست های اقتصادی - صنعتی ایران گویای آنست که در راستای رشد - توسعه و بهبود اوضاع زیربنای منطقه می باشد و اعزام نیروی کارشناس و آموزش دیده به منطقه مد نظر می باشد در شرایطی است که میزان بیکاری در منطقه بالای ۲۵٪ می باشد. مدیرکل کار و امور اجتماعی منطقه میانگین نرخ بیکاری در کشور ۱۰.۴ درصد است و منطقه با وضع فعلی ۸٪ بیشتر از

میانگین کشوری است. (مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی - مسعود حاجی چهارلنگی - روزنامه صبح همسایه ها - پنجشنبه ۲۲، ۲، ۱۳۸۴ - صفحه ۲ - شماره ۸۱۸).

ملی کردن ساختارها و دستیابی به قدرت و حاکمیت سیاسی - اقتصادی بر منطقه و جایگزینی کارگران و پرسنل اداری بومی بجای نیروی مهاجر و فروپاشی ساختارهای قدیم که مبتنی بر تعلقات و تعهدات و مجری اهداف و استراتژی رژیم آپارتایدی و تئوکراتیسم حاکم بر منطقه است.

از سوی دیگر تحقق عدالت اجتماعی و آموزش و نهادها و ساختارهای سرنوشت ساز سیاسی - اقتصادی - فرهنگی بر اساس عرف بین المللی خواهد بود نه در حوزه تعریف و قانون مندی دولت ایران و نفوذ آن و تاثیر گذاری و تسلط بر جامعه (منطقه) و نهادها و سیستم های نظامی که پیامدی جز ناهنجاری اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی بر کل منطقه و تاثیری منفی را به همراه خواهد داشت و با تاسیس نهادهای مورد نیاز خویش و حفظ وضعیت موجود (پوزیتیویستی) در شرایط متزلزل و بحرانی خویش به تقویت و افزایش قدرت آنها مبادرت ورزید. نهادهائی که دولت با استحکام پایه های آنها روند طبیعی خویش را در شرایط کنونی بر مبنای آنها و بر اساس تغییر و تحول اوضاع و شرایط منطقه پایه ریزی نموده است نهاد اقتصادی - نهاد اجتماعی - نهاد سیاسی - نهاد فرهنگی شرایط و اوضاع رژیم آپارتاید و اشغالگر و تئوکراتیسم های حاکم بر منطقه که بطور ریشه ای و بنیادین متفاوت با شرایط طبیعی و تاریخی است و مبتنی بر نیروی نظامی و ابزار سرکوب و عوامل بازدارنده و هر گونه تغییر و تحول ریشه ای منطقه توسط اشغالگران نظامی - سیاسی می باشد. معضل بیکاری پدیده شوم جوامع بشری

امروزه ست بندرت می توان کشوری را یافت که از پدیده کنونی مصون و در امان و از آن بی بهره نباشد. وجه تمایز اینگونه پدیده ها معضل کنونی جوامع صنعتی و پیشرفته بودن آنهاست و میزان در صد بیکاری بمراتب پائین تر از دیگر جوامع است و راهکار سیاست های اصولی در جهت رفع و حل معضل بیکاری بکار بسته اند و به نتایج مثمر ثمری نائل شده اند. بررسی وضعیت ساختار اقتصادی ایران در ردیف کشورهای جهان سومی ست. تولید ناخالص ملی پائین و اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت و افت و استهلاک و فرسوده شدن صنایع مادر و سنگین و صنایع جانبی - عدم دسترسی به تکنولوژی مدرن و پیشرفته - ضعف مدیریت اقتصادی - بازرگانی - فرار مغزها به خارج کشور - خروج سرمایه های هنگفت. بررسی مختصر و زود گذر دلیل بر اصلاح و جستجوی راه حل مناسب و بر طرف کننده معضلات کنونی نیست، بلکه بخشی از سرنوشت منطقه، متاثر و در بر گیرنده عوامل فوق بدلیل پیوندهای اقتصادی و متکی به نفت منطقه می باشد و تاثیر منفی سیاست های اقتصادی ناکار آمد است. بدلیل صنعتی بودن و ویژگیهای نادر اقتصادی و فرصت های شغلی بیشماری که می تواند بر طرف کننده معضل کنونی جامعه باشد اهداف دیدگاهها و برداشت های رانت خواران جمهوری اسلامی در راستای عملی نمودن استراتژی خویش در منطقه ست. بیکاری بخش مهمی از استراتژی تئوکراتیسم های حاکم بشمار می رود. بخش قابل توجه و اعظم بیکاری در منطقه دامنگیر مردم منطقه ست (بومی) و مهاجرین از شرایط مناسب و قابل قبولی برخوردارند. دکتر سید احمد موسوی نماینده منطقه در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی: روزنامه همسایه ها - پنجشنبه ۲۲، ۲، ۱۳۸۴ - صفحه ۵ - سال سوم - شماره ۸۱۸.

بیشتر نیروهائی که اکنون توسط کشت و صنعت نیشکر جذب شده اند غیر بومی هستند و کسی که زمینش را به زور گرفته اند حداقل انتظار دارد کاری برایش انجام دهید. معضلات کنونی منطقه به عقیده من شاید تعدد قومیت های موجود در استان خوزستان یکی از علل باشد. در حضور وزیر کشور موسوی لاری، ناصر سودانی نماینده مردم منطقه در پارلمان (هفتمین دوره) مجلس شورای اسلامی.

فقر - محرومیت - بیکاری - تبعیض - فقدان آب آشامیدنی سالم - ورود بیشترین پسابها و فاضلابها به رودخانه های استان = مواجه شدن کشاورزان با کم آبی و خشک سالی با وجود بیشترین سدهای کشور در منطقه - فقدان زیر ساخت های مناسب و جاده های روستائی - مهاجرت نخبگان - افزایش میزان تحصیل کرده - فقدان آموزش مناسب - مهارت های فنی - صنعتی - حضور کمتر کارگران بومی در اجرای طرحهای استانی - نبود مدیریت دانش محور و کارآمد در خوزستان. روزنامه صبح همسایه ها - صفحه ۲ - پنجشنبه ۲۲، ۲، ۱۳۸۴ شماره ۸۱۸.

دکتر غلام علی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی: هیاتی از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و هیاتی از سوی دولت به منطقه اعزام شده است. امضای ۱۸۸ نماینده مجلس و رئیس جمهور و اعزام هیات ویژه به منطقه، ۱ - هیات مجلس شورای اسلامی. ۲ - هیات دولت. حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی: برگزاری یک راهپیمائی بزرگ در منطقه ضروری است.

معضل سیاسی - اقتصادی

بحران سیاسی - اجتماعی که در حال حاضر و در شرایط کنونی دولت ایران در منطقه با آن دست به گریبان است، بحرانی ست که ریشه های آن را در پدیده های فوق جستجو نمود. بحرانی که از سوئی با نفی هویت ملت عرب و از سوی دیگر با اشغال نظمی - سیاسی منطقه مکمل این دو قطب متضاد و استراتژی تئوکراتیسم های حاکم بر منطقه را به اثبات می رساند. انتفاضه چنانچه فرصت رفع حصار طیف سیاسی و ایجاد جبهه ای برای حضور منسجم و در بر گیرنده کلیه جوانب در صحنه سیاسی به منظور بهره گیری از آن و مقابله با توطئه ها و ترفندهای آنان، فرصت و شرایط عینی مناسبی ست که از طریق عبور مسالمت آمیز آن و با این مضمون و هدف است که انتفاضه به یک ضرورت تاریخی برای عبور از این مرحله تبدیل گشته است.

انتفاضه با تحمیل هدف و خواست خویش که نتیجه شرایط عینی و ضرورت اوضاع منطقه ست ایجاد تغییرات اساسی در ساختار حاکم بر منطقه و گام به گام آن نشان از عمق و گسترش

و توسعه سیاسی انتفاضه ست که مروج گسترش هدف و خواست ملت عرب در برابر اهداف شوم و استراتژی کهنه دولت ایران است. پایه ریزی بحران های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی نتیجه ساختاری ست که حاصل هشت دهه و حضور بلامنازه طیف سیاسی در منطقه است. که با افشای ماهیت و عملکردهای تئوکراتیسم های حاکم و تمسک آنان به باورهای دینی و سنت های حاکم بر آن حاصل چنین محصولی ست.

کلام و فرهنگ جدید منجر به تحولات درونی و رشد فکری و آگاهی مردم گردید. جامعه بحری از علم و ناگفته های بیشماری ست که طی دهه های گذشته فرصت خانه تکانی اوضاع رقت بار خویش را تا به امروز و این چنین نداشته است. چهره غبار آلود زمان را از چهره ها کنار زده، لباس نوینی بر تن کرده، با الفاظ جدید آشنا می گردد. ولی فقیه کیست؟ ولایت فقیه چیست؟ چه صیغه ایست که این دو را از یکدیگر تفکیک نموده؟ اشغالگران نظامی - سیاسی منطقه تعبیر جدیدی در انتفاضه. همگی مقدمه توسعه سیاسی و محصول انتفاضه و شرایط عینی جامعه ست. بررسی جراید محلی منطقه - انعکاس اخبار وقایع و رویداد های منطقه در پارلمان توسط نمایندگان منطقه - جراید کشورهای خلیج و بررسی و پیگیری تحولات منطقه - تحلیل ریشه ای و عمیق عوامل رئیسی منطقه پرداخته اند. انتفاضه و مقاومت زبان زد عام و خاص گشته هدف - خواست و شعار ریشه در تاریخ چنین ملتی ست. شعار نان - آب - کار مطرح نمی باشد. شعار وطن - هویت - سرزمین است. شعار اشغالگر نظامی سیاسی منطقه ست. شناخت سیگنال های جامعه است. جراید - رادیو تلویزیون - اپوزیسیون همه در صف واحد بر علیه او صفوفشان را تنظیم نموده و آرایش داده اند. مقاله می

نویسند. شعار می دهند. جراید داخل و رسانه های گروهی رژیم آپارتایدی و توتالیتر جمهوری اسلامی و حمایت همه جانبه توطئه ها و برچسب ها را در کنار یکدیگر ردیف نموده تا زمینه ی سرکوب دهشتناک و حمام خون را سرعت ببخشند.

چنین محصولی پیامد توسعه سیاسی انتفاضه ست. همه چیز دچار تغییر و تحول و رشد آگاهی را بهمراه خواهد داشت. نظام نئوکولونیال و اشغالگر گام به گام و با انواع عوام فریبی ها سعی در برگرداندن اوضاع به سیاق گذشته می باشند و سعی در پایان بخشیدن به اندک فضای آزادی سیاسی و تغییر اوضاع و تسلط بر آن می باشند. عمده ترین دلیل این بحران فاجعه بار سرنوشت و آینده ملت عرب و منطقه ست و در گرو و بستگی تام به پروسه و روند طبیعی انتفاضه- روند مسالمت آمیز و استمرار آن می باشد. دولت جمهوری اسلامی با حفظ قدرت و سلطه نظامی بر منطقه را حفظ نموده و رژیم آپارتاید و توتالیتر خویش را بر جامعه ادامه و گسترش دهند. همه مقاومتی که در برابر توسعه سیاسی و انتفاضه و تحولات آن می شود ناشی از همین خواست ولی فقیه و اراده ولایت فقیه می باشد. تحت شعار و در پوشش توطئه بر علیه اسلام و فروپاشی آن و برباد دهندگان کشور ایران عنوان می نمایند. ولی فقیه هرگز از استراتژی دولت ایران، اهداف جمهوری اسلامی دم به سخن نمی آورد. استراتژی که برای تحقق آن هلال شوم استعماری حاکمیت مذهب صفویه ولی فقیه و ولایت فقیه به درون مرزهای سرزمین عراق - سوریه - لبنان است. شکل آن هیچگونه تغییری در ماهیت اهداف نخواهد کرد. هدف شرط اساسی و محوری این استراتژی است. هیکل امپراطوری کنونی دولت ایران است با لعاب و مضمون سنت گرایانه و تقالید دیر پای ملت های پاینده به اسلام است برای رسیدن به چنین هدفی و

تبدیل آن به حاکمیت مطلق و بلامنازع ولی فقیه و ولایت فقیه بر سرزمین – ملت و جغرافیای آنست که با شکل و شمایل هلال آن خواهد بود. توسعه سیاسی و جهت دار نمودن آن بسوی افشای ماهیت و استراتژی و اهداف دولت ایران در منطقه بسیاری از ناگفته‌ها را آشکار می‌نماید. ما را با چنین شناختی و صف آرایی‌های سیاسی عینی‌تر می‌سازد. انتفاضه بدون انسجام و هرم سیاسی معنا و مفهومی در دراز مدت نخواهد داشت و سخن به بیهوده خواهد گزائید و آسیب‌پذیری آن سهل و آسان می‌باشد و خطر سایه به سایه آن حیات سیاسی انتفاضه را تهدید می‌کند. طیف سیاسی بر این امر حساس اشراف کامل دارند و واقفند و به شرایط توتالیتر حاکم بر منطقه اکتفا و بسنده می‌نمایند و انتخاب راهکار مناسب و شیوه‌های آنرا با اسلوب خاص پیگیری می‌نمایند. مرحله تقدم یا توسعه سیاسی به مفهوم درک و شناخت ضرورت انسجام و تشکل خویش است که رفع عطش انتفاضه ست و سیراب نمودن نیاز و کاست جامعه ست که تنها مانع تحقق اهداف و تسلط اشغالگران نظامی سیاسی منطقه و مانع به انحراف کشاندن سلیقه سیاسی و یا جریانی خواهد گردید. مصلحت سرزمین – وطن و هویت در جهت پیش‌گیری و مانع تسلط دشمنان ملت عرب در این بحبوحه و مقطعی که ضرورت شناخت عینی نیروهای خودی ست و شناخت دقیق آرمان آنهاست. دولت ایران از این شناخت همه‌جانبه ناخشنودی خود را ابراز نموده‌اند و بارها با ذکر نام حزب و جبهه در انگلیس و دخالت آنان در پروسه انتفاضه، علی‌رغم میل باطنی و مصالح ملی دولت ایران و بنا به خواست و اراده و فشار انتفاضه و مشروعیت آن در میان ملت عرب، مسئولین جمهوری اسلامی را وادار به اعتراف نموده. واقعیت کنونی و امروزه ملت عرب تحقق حقانیت انتفاضه محمره ست که امروزه شاهد بثمر رساندن

آن هستیم روند حاکم بر جامعه امتداد تاریخی انتفاضه و رشادت مردم محمره ست و انتفاضه ای که با پشت سر گذاشتن هشت دهه و شهدای بی‌شمار و گرانقدر که برای درک عمیق و ضروری مقطع کنونی در برابر دشمنان انتفاضه مقاومت و به شهادت رسیدند. نظام نئوکولونیال و اشغالگر دولت جمهوری اسلامی ایران با فروپاشی بورژوازی سنتی عرب در منطقه و تسلط نظامی بر این بخش در جهت عقیم ساختن قدرت و مانور سیاسی، از دید ملی آن و مصالح وطن خویش در لحظه خاص تاریخی و سرنوشت ساز و ستیز فرسایشی با دولت ایران و تقویت بنیه انتفاضه - سرکوب نمودن بخشی از فرآیند های اجتماعی طبقاتی جامعه توسط جمهوری اسلامی نه بمنظور تضاد آن با تحولات انقلاب و دیدگاه های آن بلکه طبقه ای که بنا به دلائل و شرایطی نقش خویش را در خدمت به وطن و ملت عرب ایفاء می نماید و وزنه ای در برابر معادلات مطرح و محسوب گردد. دولت جمهوری اسلامی ایران با تمسک به قانون وارد معرکه شدند و موفقیت چشمگیری نصیب آنان گردانید جلوگیری از تسلط انتفاضه و حاکمیت مردم بر صحنه سیاسی ضرورت تاخیر ناپذیر سرکوب نمودن آنرا در دستور اولویت های قوه قضائیه قرار دادند و از سوی دیگر قوه مجریه (مجلس) و قوه مقننه (دولت) همسو با یکدیگر لوایح مربوط به بخشی از در آمد فروش حاصله از نفت را به منطقه اختصاص دهند. رهنمودها و عمل کردها و برداشت طیف سیاسی از اوضاع و احوال منطقه متناسب با جامعه و شناخت بافت اجتماعی و پتانسیل جامعه در جهت پذیرش و ظرفیت و منسجم نمودن ملت عرب و عدم آسیب پذیری به آن می باشد و با نگرش به عمق پدیده ها و کلیه جوانب امر را در نظر گرفته تا انسجام سیاسی منزه را به دور از وابستگی های فکری تحقق نموده و تعریف

دقیق و شفاف از توسعه سیاسی انتفاضه به جامعه ارائه داد. تحولات سیاسی - اجتماعی منطقه و مسیری که انتفاضه دنبال می نماید، مورد پذیرش و حمایت مردم می باشد. موفقیت در انتخابات شوراهای باعث تحول و پیروزی سیاسی شگرفی که نتیجه هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی، خفقان و تحقیر - غارت و چپاول نصیب ملت عرب گردید و پیروزی ملی ملت عرب لقب گرفت. اتخاذ چنین تعبیری بدلیل حریص بودن قشر آگاه و متعهد و عناصر مسئول در سرنوشت و آینده منطقه و پیگیری و استمرار اوضاع و احوال آن و تهی نمودن صحنه سیاسی در برابر اهداف رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی است. و در چنین شرایطی که حساسیت دو چندان دولت ایران به منطقه و تغییر و تحول آن بدلیل تحولات اقلیمی منطقه و تاثیر پذیر بودن آنها بر منطقه می باشد نیروهای آگاه و مسئول با فائق آمدن بر چنین شرایط تحمیلی و با کسب بیشترین آراء و کسب قدرت سیاسی در شوراهای را با توجه به سرمایه گذارهای کلان دولت ایران در نهادهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و عدم کارائی آنها در شرایط مورد نیاز و حاد را به اثبات رساند. بکارگیری تعبیر فوق (پیروزی ملی ملت عرب) به دلیل وسعت و حجم موفقیت در انتخابات شوراهاست. اگر چه شوراهای دارای قدرت تصمیم گیری محدود در چارچوب اختیارات تعیین شده و قانونی انجام وظیفه می نمایند. با تحلیل دیگری می توان به موقعیت جامعه شناسی و روان شناسی هر دو پدیده در پی اهداف سالیان و منزوی و به حاشیه راندن نیروی جوان و فعال جامعه و خلق جامعه ای منفعل و نسلی منزوی است، استراتژی کهنه ای به قدمت هشت دهه و طرد و نفی توطئه ها و اهداف رژیم آپارتایدی و عدم پذیرش فرهنگ تحمیلی و سیاست های آنان است.

تحولات انتفاضه و مدت زمانی که از آن سپری گشته و آینده پیش روی آن گویای تغییر و تحولات مثبت (ایجابی) و شگرفی است. عمده نیروئی که پذیرش تحمل واقعیت های موجود جامعه را پذیرفت و در برابر آنها مقاومت نمود و بدنبال تغییر آنها شتافت، نیروی جوان جامعه ست. با انرژی سرشار و پتانسیل بالا و بیشترین نفوس (جمعیت) جامعه را در بر می گیرد. مهمترین خواست جامعه متوجه نسل جوان است که با ویژگیهای دوران کنونی نسل جوان انرژی - قدرت تصمیم گیری - بدنبال نمودن و پی گیری تغییر و تحولات جوامع بشری و پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و آزادی های فردی و اجتماعی عصر نوین

- عصر انفجار علم و دانش و کشف پدیده های نوین همگی در تکوین شخصیت و آمال این نسل نهفته است. شرط موفقیت نسل جوان در هر جامعه ای برآورده نمودن نیازهای واقعی و عدم واکنش منفی در برابر ناملایمات اجتماعی و تصمیم گیری احساسی و لحظه ای را از نظرها دور داشت. باید بدنبال عمق قضایا رفت و آنها را کاوش نمود. بسیاری از رویدادها و وقایعی که در منطقه بوقوع می پیوندد ریشه در گذشته دارد. مرور تاریخی تحولات گذشته هر کدام دارای تجارب و درس های آموزنده بیشمار است ریشه در تاریخ و تحولات سیاسی اجتماعی و چهره های بیشمار سیاسی و تاریخی است. شخصیت سیاسی - تاریخی و جایگاه و نقش آنان در تحولات تاریخی هرگز از اذهان محو نخواهد گشت و نسل امروز جامعه با نام و یاد و حماسه سرائی های آنان تاریخ را مرور و بررسی کرده و بهره برداری های لازم را در جهت تحولات جامعه بکار می بندد و با گذشت چندین دهه از حماسه سرائی ها و وقایع مهم تاریخی و حماسی آنان، مرور زمان

شامل حال شهدای گرانقدر و تاریخ ساز ملت عرب و منطقه نگر دیده و آنان را (راه و روش) از یاد نبرده.

مقابله و برخورد مسالمت آمیز با اشغالگران نظامی سیاسی در منطقه بمعنای ضعف انتفاضه در برخورد با عوامل حکومتی نیست. چنین درک و برداشتی از انتفاضه از عدم شناخت و درک روحیات مردم و شیوه برخورد با مسائل منطقه ست.

انتخاب عبور و مقابله مسالمت آمیز نشان از درک اوضاع و شرایط فعلی و شناخت عینی جامعه و روحیه ماجراجویانه رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی و اهداف استعماری آنان در منطقه بر اساس تغییر دیموگرافی و آسیمیله نمودن ملت عرب است که نیاز و ضرورت انتخاب روش مسالمت آمیز انتفاضه هویت در برابر دشمن را پذیرا گشته و بمثابة واقعیت روز جامعه در شرایط و مقطع کنونی و با توجه به شناخت دقیق و کامل و ارزیابی های عینی جامعه انتخاب چنین روشی را واقع بینانه و در شرایط کنونی ضروری می پندارد و در جهت منافع و مصالح ملت عرب می باشد. تحولات آینده در منطقه بسیاری از واقعیات را پیش از گذشته در برابر ما قرار خواهد داد.

با تغییر رئیس جمهور (پایان دوره ریاست) و آمدن رئیس جمهور جدید (احمدی نژاد) هیچ یک از پدیده های اجتماعی - سیاسی جامعه ما تغییر نخواهد کرد. استراتژی همان استراتژی ست. این تاکتیک است که به لحاظ قابلیت انعطاف پذیرش بر اساس شرایط و درک اوضاع بکار گرفته می شود (از سوی طرفین). تحولاتی که اکنون در انتفاضه شکل گرفته روند رو به رشد آگاهی سیاسی و توسعه آن و شرایط سیاسی - فرهنگی جامعه می باشد. ساختار کنونی انتفاضه (انتخاب شیوه مبارزه و عناصر دخیل در آن) متأثر از چنین تحولاتی است که ساختار کنونی آنرا تشکیل و حفظ و مقاوم در برابر پدیده های اجتماعی

می نماید و به طبع آن شرایط مورد نظر انتفاضه هویت جامعه متاثر از عوامل فوق دچار تحولات محسوسی خواهد شد. تبعیض و غارت منطقه را در ساختار سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران باید یافت و در جهت فروپاشی پدیده های فوق که بخشی از استراتژی حکومت کنونی ست گام برداشت و استمرار شیوه انتفاضه و آگاه نمودن مردم بخشی از موفقیت استمرار انتفاضه ست. اتخاذ هر پدیده و روشی و ساختار سیاسی - اقتصادی بمتابه استراتژی طهران در جهت منافع و مصالح آنان بوده و روشنگری و افشای ماهیت و اهداف تئوکراتیسم های حاکم بر منطقه با آن به مبارزه برخاسته و در جهت فروپاشی آن گام بر خواهیم داشت. پدیده های فوق حاصل تفکر و اندیشه توسعه طلبانه رژیم آپارتایدی جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه است که در جهت فروپاشی نظام اجتماعی و ساختار کنونی ملت عرب اهداف خود را دنبال می نمایند.

عکس العمل واکنشی دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انتفاضه ملت عرب ریشه هایش در این واقعیت های تاریخی نهفته است. بحران های ساختگی که محصول سیاست های استعماری اشغالگران نظامی - سیاسی در منطقه می باشد. واقعیت های آشکاری که در راستای عمل کردها و استراتژی دیرینه آنان بشمار می رود و انتفاضه حاصل چنین محصولی ست و آنتی تز اعمال و اهداف و آمال دولت جمهوری اسلامی ایران ست. مصیبان و عاملان بحران در منطقه را که در جهت اهداف و نیات پلید خود بکار بسته اند ماهیت و جایگاه آنها را افشاء و رسوا نمائیم که در پس و نقاب دین پنهان گشته (ولی فقیه و ولایت فقیه) را به قضاوت انتفاضه بسپاریم. وحدت صفوف خویش را با خنثی نمودن توطئه های تئوکراتیسم های حاکم و اهداف آپارتایدی آنان برملاء و نابود سازیم. با شناسائی

و پیگیری عوامل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و سرمایه گذاری دولت ایران در این موارد و در جهت اهداف خویش با بکارگیری و برخوردهای سیاسی و فرهنگی بر علیه آنها مبارزه صفت و سختی در پیش گرفت مهمترین گام هائی که برداشته خواهد شد می بایست در این مسیر برداشته شود و در این مسیر و هدف مشترک است که یکدیگر را خواهیم یافت (پروژه مبارزه) و پی به اهمیت مسئله و اهمیت یکایک تحولات کوچک بدست آمده و استمرار و رشد آنهاست که به هدف غائی خواهیم رسید. انتفاضه در جهت نفی استبداد سیاسی فرهنگی و در جهت رشد آگاهی سیاسی و توسعه آن به جایگاه واقعی خویش و غلبه بر عقب ماندگی های تاریخی (خلاء تاریخی) که می بایست در طی هشت دهه نقش خود را ایفاء نماید.

ملت عرب بدلیل اشغال نظامی - سیاسی هرگز نتوانست نقش مثبت تاریخی - سیاسی خود را ایفاء نماید و در طی هشت دهه عملاً هیچگونه نقشی در معادلات سیاسی - تاریخی و اقلیمی بر عهده نداشته و خلاء آن بر ملت عرب و کشورهای منطقه مشاهده می گردد که ناشی از اشغال نظامی - سیاسی منطقه و تسلط بی چون و چرای استبداد سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی آنان بر منطقه و ملت عرب می باشد که با ظهور انتفاضه هویت می رود تا معادلات در منطقه از جانب اشغالگران دست خوش تغییر و تحولات گردد و بکارگیری اسلوب گذشته را با مشکل و تا حدودی غیر ممکن سازد و همراه با تنش های اجتماعی - سیاسی و همگام با انتفاضه شاهد تحولات نوینی باشیم. نظام نئوکولنیال اشغالگر و ضد تاریخ و تمدن بشری دولت جمهوری اسلامی ایران برای حفظ بقای خویش و غارت منابع طبیعی - زیرزمینی به سرکوب فضای

سیاسی و عناصر آگاه و مسئول روی می‌آورند. جمهوری اسلامی برای حفظ موقعیت و سیطره اش بر عرصه سیاسی - فرهنگی و پتانسیل های طبیعی منطقه و رشد جامعه را سرکوب و با نیروی آن (ملت عرب) به مقابله بر می خیزد و برخورد قهر آمیز از سوی جمهوری اسلامی با روند طبیعی جامعه و توسعه سیاسی که ضرورت تحولات فکری جامعه کنونی ست بر خواهد خواست. نظامی نمودن منطقه و بستن فضای سیاسی با حمایت و پشتوانه قانونی قوه قضائیه - ولی فقیه و ولایت فقیه. آیت الله شاهرودی - رئیس قوه قضائیه کشور - زاهدان در حضور مردم ۲۲، ۲، ۸۴ پنجشنبه اعلام کرد: « نباید برای حل و فصل مشکلات تنها به دستگاههای نظامی - امنیتی - پلیسی اکتفا کرد. کشور را نمی توان تنها با توسل به اسلحه و پلیس اداره کرد.»

در تتگنا قرار دادن فعالین - آگاهان سیاسی - نیروهای متعهد و نویسندگان منطقه و نمایندگان شوراها و بوجود آوردن شرایطی در جهت تسلط نیروهای نظامی - انتظامی - امنیتی بر امور و حاکم بر جامعه و تغییر و تحولات آن در چنین شرایطی مصالح انتفاضه اقتضاء می کند که با شکستن جو حاکم و فروپاشی حصار موجود و خلق شرایط نوین . به مبارزه طلبیدن عناصر حکومتی و افشای ماهیت آنان و جنایاتشان است. اراده و خواست ملتی که از این پس هرگز شرایط گذشته را نپذیرفته و بر تغییر و تحولات ریشه ای و اساسی سرنوشت و دگرگونی ها تاکید نموده و تن به پذیرش روابط گذشته بر اساس معیارها و موازین حکومت در منطقه (اشغال نظامی - سیاسی منطقه و عدم اعتراف به حقوق مشروع ملت عرب) را نخواهد پذیرفت و پایبندی و استمرار انتفاضه تا تحقق اهداف و خواست مشروع مان تاکید ورزیده و ادامه خواهیم داد و تغییرات در حوزه

سیاسی - اجتماعی و ساختار آنها حائز اهمیت است و تغییر ساختار اقتصادی نقش بسزائی در تفکیک امور و روابط تولیدی و مناسبات حاکم بر آن که در رابطه تنگاتنگ با عوامل تولید و برنامه ریز نظام نئوکولونیال و اشغالگر داشته مستقل عمل نموده و با اتکاء به منابع و نیروی کار آزموده و متخصص ملت عرب چرخش تولید صنعتی - کشاورزی نوپا را در منطقه آغاز نمائیم. زیربنای هر جامعه ای بر اقتصاد و روابط تولید بستگی دارد. تحلیل سیاسی بر مبنای قدرت اقتصادی و منافع ملی و منطقه ای و بین المللی ملت عرب و تمامیت ارضی و حفظ کیان آن است.

تجمع های اعتراضی و راهپیمائی های پراکنده و بدون سازمان دهی و انسجام در کوتاه مدت بر طرف کننده نیاز و خواست مردم است. در دراز مدت شرایط به گونه و شکل و شیوه دیگری خواهد بود. بکارگیری کلیه امکانات سیاسی در جهت تثبیت و وسعت دست آوردهای انتفاضه و تحولات آن، کسب و تسلط بر صحنه سیاسی - تقویت انتفاضه - راههای خروج از بن بست و بکارگیری تاکتیک مناسب در شرایط خاص - آمادگی جهت مقابله با توطئه ها - درک شرایط موجود و استفاده از فرصت های پیش رو و بدست آمده در جهت انتفاضه و افشای ماهیت جنایتکارانه دولت ایران، ملت عرب را گام به گام در جریان امور قرار داده و سلاح سیاسی و سنتی جامعه را بر علیه ولی فقیه و ولایت فقیه بکار گیریم و استراتژی آنان را افشاء و خنثی نمائیم. توسعه آگاهی سیاسی و ضرورت آن در بر خورد و شناخت تاکتیک ها و شیوه های فرمولبندی شده آنهاست و راهکارهای مناسب بر خورد با آنها، توسعه و ضرورت اهمیت خود را در بکارگیری چنین معادلات مبرم و با اهمیت می باشد و در طی پروسه انتفاضه به اثبات رسیده است. ماهیت

نظامی حاکم بر جامعه و ضرورت توسعه آگاهی سیاسی جامعه در جهت آگاهی مردم و رشد فکری آنان است. نابودی بنیه اجتماعی و اقتصادی جامعه و وابسته نمودن اقتصاد منطقه به طهران چرخش اقتصادی و مرکزیت قرار دادن طهران در این بعد (اقتصادی) می باشد. بعد سیاسی جای خود دارد. رشد بورژوازی سنتی فارس در منطقه با در پی داشتن اهداف خاص رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی و سرکوب نمودن و فروپاشی اقتصاد بومی منطقه و خطوط قرمز توسعه و احیاء اقتصاد بومی (ملت عرب) و حدود قرمز توسعه سیاسی و بستن فضای آن در راستای اهداف و تسلط بر کلیه مناسبات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی منطقه است. فروپاشی ساختار و مناسبات تولیدی صنعتی کشاورزی و زیر ساخت های آن (بومی منطقه) همراه با باز سازی رشد و توسعه اقتصادی مهاجرین فارس به منطقه و اعطای تسهیلات و حمایت های مادی - معنوی حکومت را بهمراه داشته و دارد. اوضاع و احوال و شرایط کنونی منطقه بهترین بازتاب اوضاع و شرایط و نمو اقتصادی منطقه در دو فاز مردم منطقه و مهاجرین و عدم رشد طیف بومی در این زمینه (سیاست ها و اهداف اشغال و فروپاشی بافت اجتماعی و ساختار اقتصادی منطقه) فجایع بیشمار و عدیده ای برای ملت عرب و ساختار اجتماعی آن به ارمغان آورد. جنایاتی که در پس روابط اجتماعی (ازدواج) و تحلیل بردن ملت ها در یکدیگر بدلیل شرایط سخت معیشتی و محاصره اقتصادی ملت عرب و مهیا نمودن شرایط مناسب اقتصادی مهاجرین در منطقه در ابعاد مختلف اجتماعی - اقتصادی خود را نمایان ساخته است. روابط کنونی و جاری در منطقه بهترین سند و گویای تحلیل رفتن ملت عرب می باشد که قربانی آمال و اهداف توسعه طلبانه و آپارتایدی حاکم بر خود

می باشد. اوضاع ناخوشایند و نامطلوب اقتصاد منطقه که نتیجه ای و اهدافی به جز تغییر دیموگرافی و آسیمیلزاسیون نمودن ملت عرب چه مفهوم و تعبیری خواهد داشت؟ در کدام قاموس و فرهنگ می توان با چنین پدیده های شوم برتری نژادی و مرگ تدریجی ملتی را با بهره گیری و غارت و چپاول منابع طبیعی و زیرزمینی آن، آنان را بسوی مرگ و هجران و فروپاشی هویت شان هدایت نمود؟ عمق بحران اقتصادی منطقه به سبب وجود نظام نئوکولونیال و اشغالگر دولت ایران و انباشت و تمرکز سرمایه در دست اقلیت مهاجر در منطقه و بکارگیری نیروهای غیر عرب در پروژه های تولیدی و غیر تولیدی (ساختمانی - راه سازی - تسهیلات سرچاهی) سبب ناهنجاری های اجتماعی - اقتصادی و عدم تعادل و تناسب در این بخش از جامعه گردیده است که در نتیجه اهداف و اجرای برنامه های استعماری منطقه و سیاست تسلط و حاکمیت مهاجرین بر اقتصاد و در دست داشتن نبض جامعه و پذیرش هجرت از سوی بومیان منطقه (ملت عرب) به منظور یافتن راه حل و تامین کسب و کار و خروج از دایره حصار اقتصادی و اهداف شوم آن.

تغییر و تحولات سیاسی لاجرم تغییر و تحولات اقتصادی را به همراه خواهد داشت. اجتناب ناپذیر بودن تغییر و تحولات در ساختار اقتصادی - سیاسی جامعه از اهم وظایف و ضرورت های انتفاضه هویت بشمار می رود و تغییر چنین ساختاری با حذف ساختار کنونی و جایگزین نمودن ساختار نوین امکان پذیر و معالجه اقتصاد فروپاشی شده منطقه است.

ریشه های حفظ شرایط کنونی (پوزیتیویستی) و ساختار اقتصادی منطقه و زیر بنای جامعه از سوی جمهوری اسلامی در عمق استراتژی و اهداف و حجم و میزان نظامی گری و شرایط پلیسی و سرکوب انتفاضه به اثبات رسیده است. سرکوب

و استمرار آن بستگی به میزان و حجم عملکرد انتفاضه خواهد داشت. هر قدر انتفاضه عمیقتر و مردمی تر و گسترش نماید و بر اراده و خواست ملت عرب پافشاری نموده و زبان گویای تحولات و تغییرات جدری را به همراه آورد و حامل انسجام و تشکل و دست آوردهای پروسه مبارزاتی گردد، به همان میزان بر وسعت عمل سرکوب و اختناق و پیامدهای حاصله از سوی دولت جمهوری اسلامی و نظام توتالیتر حاکم بر آن می باشد تغییرات اساسی و جدری روبنا و زیربنای جامعه، توسعه سیاسی متأثر از چنین تغییرات است.

انتفاضه در پی آنست که فضای سیاسی و فرهنگ حاکم بر جامعه را متوجه کاستی ها و دردهای جامعه و افشای عوامل دست اندر کار و حقایق دیرینه و زدودن غبار تاریخی (هشت دهه) جایگاه ملت عرب را در معادلات سیاسی - اقتصادی و سیادت آنرا بر منطقه در اذهان و آرشینو تاریخ احیاء و در میان کشورهای همجوار هویدا نماید. نیاز و ضرورت کنونی منطقه ایجاب می نماید که در برابر دسیسه ها و فتنه های دولت جمهوری اسلامی ایران و سرکوب های خشن نظامی مقاومت و استواری را پیشه خود نمود و نا گفته ها را پیش روی عموم قرار می دهد. برداشتن گامهای مثمر ثمر و اساسی در راه معضلات تاریخی - سیاسی و خروج از بن بست اوضاع و احوال و سرنوشت کنونی و تحقق اهداف و خواست ملت عرب با توسعه آگاهی سیاسی منطقه و شکوفا شدن اقتصاد منطقه بدست ملت عرب و برداشتن گامهای عملی و تربیت و آموزش کادر متخصص و نیروی کار آزموده و متعهد میسر می باشد. وقوع رویدادهای مهم منطقه و فعل و انفعالاتی را در نگرش اقتصادی آن بوجود آورده است که فعل و انفعالات سیاسی نیز دستخوش تغییراتی گشت. واکنش ها و فعل و انفعالات از

مهمترین عرصه های مقاومت انتفاضه بشمار می روند. دولت ایران با مقایسه شرایط کنونی با شرایط انتفاضه محمره نشان از عدم درک و شناخت اوضاع و احوال و رشد فکری و توسعه آگاهی سیاسی مردم نسبت به دهه های گذشته می باشد.

نسلی که در انتفاضه محمره الف باء انتفاضه را آموخت با تجربیاتی که از دوران انتفاضه محمره کسب نموده و آموخته است با شرکت در انتفاضه هویت و انتقال تجربیات گذشته سهمی از آن خود نموده است. رشد فکری و خواست نیروهای وحدت طلب که عمدتاً از نیروی سیاسی دهه های پیشین بوده با بکارگیری شیوه ها و ابتکارات عملی و ممکن و طرح شعارهای روز و مبتنی بر واقعیت جامعه، اهمیت وجودی چنین عناصری و نقش آنان را در تحولات انتفاضه به اثبات رسانده است. تغییراتی که در سیستم مبارزاتی و شیوه های بکارگیری آنها، تجمع و گریز نیروهای مردمی (سیستم اتصال و قطع) در سریعترین زمان ممکن ملحق شدن نیروها به یکدیگر و پراکنده شدن آنها، در شرایط کنونی و اتخاذ چنین روشهایی ضروری و بجاست و سیستم گام به گام، مرحله ای معرف چنین سیستمی است. با در نظر داشتن واقعیات عینی جامعه و رشد فکری مردم جامعه را بسوی تغییر و تحول سوق داد، که با همگامی دیگر طبقات اجتماعی به تحولات عمیق و اساسی دست یافت که در سرنوشت منطقه موثر و سرنوشت ساز واقع گردد.

تئوکراتیسم های حاکم با فراخوان نیروهای خودی و عناصر حکومتی وابسته و اتخاذ مرز بندی مشخص و وفاداری آنان به (انقلاب - اسلام - کشور) بخوانیم (ولی فقیه و ولایت فقیه) برداشت نمائیم که تعبیر صحیح آن می باشد.

گام های آهسته و مستمر انتفاضه بمراتب وسیع تر از آن چیزی است که دولت جمهوری اسلامی ایران در تصور باطل شان می

گنجانند. ملت عرب خواهان سیادت کامل خود بر اوضاع و خواست سیاسی اقتصادی بر منطقه ست. پروسه کنونی، پروسه تغییرات و تحولات است. پروسه ساختاری و اقتصادی منطقه ست. پروسه تغییرات زیر بنای جامعه ست که متاثر از تغییرات روبنای جامعه ست. با گامهای آهسته انتفاضه و رشد فکری و توسعه آگاهی سیاسی مردم و برجسته نمودن واقعیات جامعه و آگاه نمودن آنان پیرامون شناخت علل و عوامل و ریشه های آن که در منطقه اپیدمیک گردیده شاهد رشد انتفاضه و موقعیت و مواضعش و خواست آن در برابر دشمنان ملت عرب و افشای ماهیت آنان هستیم. استمرار و حفظ نیروهای انتفاضه حاضر در صحنه سیاسی، فرصت هرگونه توطئه و سرکوب را خنثی نموده و در جهت تنظیم صفوف و متشکل شدن آن گام بر می دارد.

ارزیابی و شناخت نیروهای خودی و پتانسیل آنان در برخورد های مرحله ای و سنجیده و تناسب حد نصاب نیروها در صحنه سیاسی و مبارزاتی و تقدم . کسب جایگاه نوین و امتیاز و تقدم گام به گام با ایمان به شناخت دقیق و مستمر از نیروی مقابل خویش و محدودیت و شعاع عملیات آنان و حجم نیروی شرکت کننده – بومی یا غیر بومی بودن – رده نظامی – سازمانی و پرسنلی – بسیج – سپاه – نیروی نظامی – انتظامی – ساعات گشت زنی (روز – شب) – دفعات آن – فاصله زمانی و وسیله نقلیه – تعداد آنها در سطح شهر – ادارات – میداين تجمع و بزرگترین موفقیت انتفاضه تعمق و شناخت چنین مواردی ست و بکار گیری آنها در پروسه مبارزه می باشند. نتایج حاصله از آن شناخت و ارزیابی نیروی مقابل و بکارگیری تاکتیک مناسب در برابر آن و محدود نمودن قدرت مانور و آسیب پذیری کمتر نیروهای خودی می باشد و ارتقاء قدرت و توان انتفاضه با پشتوانه شناخت و تحقیقات و ارزیابی حجم و

قدرت آنهاست و ازدیاد تردد در مناطق نسبت به اهمیت و حساس بودن آنها حائز اهمیت است. نتایج حاصله از آنها و بکارگیری و شناخت موقعیت و انرژی نیروی خودی ست که برنامه ریزی صحیح و شیوه مناسب را عملی تر و آسانتر می نماید و بدور از خوش باوری و خوش خیالی، استناد به واقعیت ها و درک و شناخت نیروی خودی و شرایط عینی عامل تعیین کننده گام به گام و مرحله ای انتفاضه است و نتایج حاصله موضع گیری های ضد و نقیض در حاکمیت جمهوری اسلامی را به همراه خواهد داشت و چند دستگی و چند پارچگی حاکمیت نتیجه انعکاس تحولات انتفاضه و ایجاد شکاف در آن می باشد. مواضع ضد و نقیض مسئولین دولت ایران متأثر از فشار در درون دستگاه حکومت ولی فقیه و ولایت فقیه است. یک هفته پیش از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری (احمدی نژاد)، آیت الله خامنه ای زعیم انقلاب! در حضور اساتید دانشگاهها و دانشجویان انجمن های سراسری با مطرح نمودن چنین مضامین و وقایع منطقه را ناشی از چنین ویژگیهای دانست (مبارزه با تبعیض و فقر) همگی نشان از تحمیل شرایطی ست که امکان رشد چنین ساختاری را فراهم نموده، توسعه آگاهی سیاسی و دگرگونی در طبقات اجتماعی جامعه همگی حکایت از ساختار جدیدی ست که در منطقه در حال تکوین و رشد و نمو خویش است. عبارتی تغییر ساختار سیاسی - اقتصادی منطقه از اهم وظایف و رسالت انتفاضه هویت بشمار می رود. ادامه چنین وضعیتی و اوضاع کنونی حاصلی از سیاست ها و استراتژی دیرینه و دکترین دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت فروپاشی نظام اجتماعی کنونی و بافت آن می باشد. عرب زدائی و تغییر دیموگرافی منطقه از آن جمله اند. انسان شئی نیست که بتوان آنرا به اراده و خواست خود تغییر داد. کما اینکه هویت

انسان تابع و متغیری از چنین شرایطی نیست. وظیفه ماست که با تمامی نیرو در کنار انتفاضه قرار گرفت و در رسیدن به هدف غائی اش یاری رسانیم. با نفی و نابودی سیستم و ساختار حاکم بر منطقه سیاسی - اقتصادی کنونی، حضور فعال در کلیه عرصه های اجتماعی ضروری می باشد. توسعه آگاهی سیاسی و تغییر ساختار اقتصادی و منسجم نمودن مردم نقش تعیین کننده ای در فرو پاشی دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و مناسبات سیاسی - اقتصادی حاکم بر منطقه خواهد داشت. در شرایط کنونی تردیدی نباید داشت که با تشدید و اوج گیری انتفاضه و انعکاس آن در سطح وسیع همان مسیری طی شود که با تحولات جدی و جوهری همراه شده و رشد آگاهی سیاسی همپای انتفاضه تا رسیدن به نتیجه نهائی مبارزه ای سیاسی و آگاهانه و استحکام پیوندهای کلیه نیروهای خارج و داخل منطقه مبرم و ضروری می باشد. هر گونه تغییر و تحول و دست آوردی از سوی انتفاضه ضرورت حفظ و تثبیت و استمرار آنرا در جهت پیش برد اهداف و تقدم نیروها را عینی تر می سازد و می بایست آنرا در اذهان عموم زنده نگاه داشت. گسترش انتفاضه جهت خروج سلطه گران سیاسی - اقتصادی به ضرورتی تاریخی برای تحقق چنین خواست استراتژی ملت عرب تبدیل کرده است. بدون شک آگاهی سیاسی کمک شایان توجهی به انتفاضه و پیش برد استراتژی آن نموده است. تغییر و تحولات اجتماعی که در جامعه کنونی با توجه به شرایط عینی و عبور از مرحله کنونی با مشارکت فعال طیف سیاسی درون منطقه نقش تعیین کننده ای در تغییرات کنونی داشته است، تغییرات اگر چه قابل لمس نیست. لکن به اشکال مختلف و با عناوین گوناگون تحقق هدف انتفاضه هویت می باشد.

چنین دست آوردهائی حاصل مشارکت مردم و حضور در صحنه مبارزه می باشد که توطئه های دولت جمهوری اسلامی ایران را خنثی نموده است. استراتژی دراز مدت انتفاضه بمنظور تغییرات جدی و جوهری که هیکل و نظام سیاسی - اداری آن بشمار می رود، انعکاس وسیعی در حاکمیت بر منطقه داشته است و در برگیرنده زمینه های سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی می باشد. شکل و شیوه انتفاضه با توجه به شرایط و شناخت نیروهای خودی و وضعیت جهانی قابل تغییر و انتخاب مسیر اصلح انتفاضه و بکارگیری ابزار مبارزه می باشد و نقش تعیین کننده ای در ساختار اجتماعی - سیاسی منطقه و نوع انتفاضه خواهد داشت و بستگی به مهیا بودن شرایط عینی خواهد داشت. شناخت بمعنای واقعی کلمه از محیط و درک اوضاع و احوال و شرایط موجود و افشای ماهیت سیاسی - اقتصادی دولت ایران - ولی فقیه و ولایت فقیه و آگاهی کامل از موقعیت مناسب ضربه مناسب را وارد آورد و آنرا در سطح جامعه برجسته نموده که همراه با پیش روی انتفاضه (گسترش و عمیق تر شدن آن) از سوئی و عقب نشینی آرام و شمرده دولت ایران از سوی دیگر بمعنای تحقق ابتدائی ترین خواست انتفاضه و سرآغاز تحولات بعدی آن خواهد بود. در این مقطع تاکتیک نقش تعیین کننده ای در اتخاذ تصمیم مناسب و متناسب با شرایط و حفظ کمترین دست آورد در جهت دستیابی و تحقق تحولات بعدی ست. در این مقطع که ملت عرب میرود تا به نتایج قطعی تری دست یابد. با توجه به نیروی انتفاضه و تسلط بر اوضاع نظام نئوکولونیال و اشغالگر در جهت خروج از چنین اوضاع و احوالی و حفظ نیروهایش در چنین شرایطی دست به فرم خواهد زد و بیشتر بر اساس به انحراف کشاندن انتفاضه و فریب دادن مردم می باشد.

انتفاضه با دارا بودن تشکیلات منظم و منسجم و تحولات پیش روی خویش را بسوی تغییرات اساسی و ساختاری است. ساختار اقتصادی - سیاسی و تسلط بر سرنوشت خویش را به همراه خواهد داشت. طبیعی ست در چنین شرایطی، وظایف سنگینی بر عهده طیف سیاسی است که وقایع و رویدادها را تجزیه و تحلیل نماید. عمق انتفاضه یعنی حضور گسترده طبقات اجتماعی با کلیه ادیان و هر طرز و تفکری امکان پذیر باشد که مهمترین آن گسترش و تقویت وحدت کلیه اطیاف (طیف های) منطقه ست. دولت جمهوری اسلامی ایران و دکتورین آنها مبنی بر نفی توسعه سیاسی - اقتصادی منطقه است.

ضروری است که دلایل و اهداف آنرا روشن نمود. در حال حاضر و در شرایط کنونی، توسعه سیاسی - اقتصادی مهمترین مسئله ای است که انتفاضه با مسلح شدن به آن رشد و آگاهی جامعه را ارتقاء بخشیده و مردم را در جریان رویدادها و وقایع بیشماری قرار خواهد داد و هرگز صحنه سیاسی را ترک نخواهد کرد. با توجه به بسته شدن فضای سیاسی منطقه معضل اقتصادی بمراتب اهمیتی کمتر از معضل سیاسی و دیگر معضلات جامعه نداشته و توسعه دیگر معضلات بمعنای مرتبط بودن هر کدام به دیگری است. توسعه و موفقیت هر کدام از آنها عدالت اجتماعی را به همراه خواهد داشت. معضل اقتصادی از معضلاتی است که تاثیر بی چون و چرایش در ساختار قدرت در منطقه آشکار می باشد. دیدگاههای نژاد پرستانه دولت جمهوری اسلامی ایران به این معضل مهم و حیاتی جامعه در جهت فرو پاشی بافت اجتماعی و ساختاری آن است.

نگرش های شوونیستی با پشتوانه و اهداف غیر انسانی و ضد بشری رانت خواران حکومتی و بقاء و تسلط بر اوضاع در جهت استثمار مردم منطقه و غارت منابع طبیعی منطقه و

استیلاء بر منافع و مصالح منطقه در جهت ارضا و اشباح خوی توسعه طلبانه و اشغالگرانه دولت جمهوری اسلامی ایران و تنوکراتیسم حاکم بر منطقه می باشد. معضلات حساس منطقه و پیچیدگی اوضاع افزوده و راه حل آنرا دشوار می نماید. مراحل پیش رو و شرایط آن شکل و مضمون تحولات بگونه ای دیگر خواهد بود. همه چیز دست خوش تغییر و تحول و متاثر از انتفاضه و پیامدهای آن می باشد. نه تغییر اوضاع و نه بهبود شرایط هیچکدام در شرایط عادی تحقق نپذیرفته و شکل نخواهد گرفت مگر با پشتوانه اهرم فشار انتفاضه ملت عرب تحقق اهداف فوق شکل عینی و واقعیت را بخود خواهد گرفت. تغییرات اساسی بر پایه جدری و جوهری آن ضرورت جامعه کنونی و شرایط حاکم بر ملت عرب و اوضاع منحنی و از هم گسستن زنجیره اقتصادی جامعه و در جستجو و بدنبال تغییر اوضاع و شرایط نوین است. با پشت سر گذاشتن و پیش رو داشتن مراحل حساس و سرنوشت ساز انتفاضه ای طولانی و فراز و نشیب ها دولت ایران و ملت عرب و بررسی و تحلیل هشت دهه اشغال نظامی - سیاسی عمل کردهای آن و بررسی نکات قوت و ضعف خویش و بهره گیری از تجارب گذشته برای انتفاضه کنونی جهت پیش گیری و آسیب پذیری کمتر در برابر نیروئی که با فرهنگ و منش عنف و خون ریزی استوار گردیده است. دولت جمهوری اسلامی ایران با انتخاب خشونت بمثابه تنها راه حل معضلات کنونی منطقه و بر طرف کننده تضادهای تاریخی - سیاسی می پندارند هر بحرانی راهکار مناسب خاص خود را می طلبد و بحران ها دارای زوایا و دیدگاههای مختلفی هستند.

بازنده میدان مبارزه و عرصه سیاسی آن در برابر اراده و خواست ملت عرب و پذیرش واقعیت پیش روی دولت ایران

قرار خواهد گرفت. مردم برای حمایت از خود، بناچار به دفاع از خود بر خواهند خواست و به انتظار مرگ نخواهند نشست. تحقق چنین خواستی عملی نمی‌گردد مگر با حمایت جهانی و بین‌المللی در منطقه به دفاع از ملت عرب. هر گونه تحول و تقدم با حمایت و پشتوانه مردم امکان‌پذیر است ولی کافی نیست و نیاز به حمایت جهانی می‌باشد تا مانعی در برابر تاخت و تاز دولت جمهوری اسلامی ایران و جنایات و قتل عام مردم باشند و از دست دادن سیادت سیاسی - اقتصادی بر منطقه توجیه‌کننده اعمال عنف و یورش به مردم از سوی دولت ایران است. انتفاضه تا کسب نتایج قطعی و اساسی که حاصل هشت دهه می‌باشد و این نیاز و خواست ملت عرب است که آنرا به ضرورت تاریخی تبدیل نموده است. رشد آگاهی اقشار مختلف جامعه که جوهره تحولات اجتماعی ست و پسوند آن درک و شناخت ماهیت و اعمال دولت ایران است، تحولات در منطقه را اجتناب‌ناپذیر ساخته و با هر واکنش و عکس‌العملی از سوی دولت ایران تابع تحولات اجتماعی و متأثر از آنها خواهد گردید و نقش مهمی در تغییر اوضاع و ایجاد نمودن تحولات در جهت اهداف انتفاضه ملت عرب و گامهای شمرده و موثر آن تغییر خواهد کرد. با تمسک و برداشتن سلاح افشاگری و آگاه نمودن مردم نسبت به سرزمین ملت و مستقبل آن بهترین و مناسب‌ترین ابزار مقابله با ستیز و هجوم اشغالگران است. تغییرات جدی و ساختاری سیاسی - اقتصادی منطقه و آگاهی مردم عامل هر گونه تغییر و تحولی در جامعه ست و شرایط و وقایع و رویدادها عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در تسلط نیروهای انتفاضه و در دست داشتن شریان و نبض جامعه ست. درک دقیق و برداشت عینی از جامعه منجر به تحولات فکری - سیاسی طبقات اجتماعی گردید و ضرورت تغییرات از سوی

آنرا عملی نمود و به آن شکل بخشید و بزرگترین دست آورد سیاسی در منطقه و نقش بسزای آن در آگاهی و توسعه سیاسی و افشاء نمودن ماهیت دولت ایران و نظام نئوکولونیال و اشغالگر طی هشت دهه گذشته و رهبران جمهوری اسلامی - ولی فقیه و ولایت فقیه و اهداف آپارتایدی و نظام توتالیتر ایفاء نموده است. پروسه و روند و مضمون انتفاضه حامل تحولات عمیقی است، زیرا تحقق چنین اهدافی همگون با شرایط عینی جامعه و در تضاد آشکار با اشغالگران نظامی - سیاسی بر منطقه است. درک دو جهت انتفاضه (تحلیل پروسه و ماهیت آن) اهمیت اساسی داشته و انتفاضه لسان کلیه جوانب و واقعیت واحدی است، انتفاضه اراده و خواست ملتی است. شرایط عینی و ضرورت جامعه باعث و بانی انتفاضه است. ملت عرب رکن و ستون اساسی انتفاضه را تشکیل می دهند. اهداف و تحولات گام به گام و تحقق و تثبیت آنها، شرط اساسی و بنیادین حفظ انتفاضه و تطور آن می باشد. در این مقطع که با ویژگیها و اوصاف نوینی همراه است، حفظ آنها قابل تعمق می باشد. شکاف در حاکمیت جمهوری اسلامی و تنش های موجود در شرایط کنونی، انتخاب راهکارها و شیوه انتفاضه بر اساس شناخت و معیارهای دولت جمهوری اسلامی ایران و در رأس آنها ولی فقیه و ولایت فقیه نسبت به پروسه کنونی و طرح توطئه های جدید و شیوه های سرکوب می باشد.

انتفاضه با انعکاس های گوناگون و جایگاه مردمی اش، متأثر از آراء و افکار عموم مردم است و با تغییر و تحولات جامعه و تاثیرات آن انعکاس و تاثیرش را بر دولت جمهوری اسلامی ایران و عامل مهمی در تصمیم گیری ها و سیاست های متعلق به منطقه داشته است. شکل و شیوه انتفاضه بستگی به شناخت و درک شرایط و ضرورت جامعه می باشد و در برابر آن دشمنان

تاریخی - سیاسی و آشتی ناپذیر ملت عرب صف آرائی نموده اند. کلیه عوامل بر گرفته از شرایط عینی جامعه می باشد. استمرار اوضاع کنونی و تداوم شرایط فعلی فرصت مناسبی در جهت شناخت نقاط قوت و ضعف انتفاضه و تحلیل روند جامعه در ابعاد فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی است.

انتفاضه با حمایت کلیه طبقات اجتماعی قادر است بر معضلات و توان مندی بالائی در برابر دولت ایران مبارزه و مقاومت نماید و به خواسته های مشروع خود دسترسی یابد.

قطع شریانهای تولید در کلیه ابعاد و فازهای آن و فلج نمودن اقتصاد اشغالگران نظامی - سیاسی و عوامل مساعد و مجری اهداف آنان، انتفاضه تنها به بستن خیابانها - تظاهرات - راهپیمائی ها و شعار دادن و پرچم در دست گرفتن نیست و محدود به آنها نمی باشد. انتفاضه استراتژی است. انتفاضه ملت است. انعکاس هویت و خواست منطقه ست که با معرفی خویش به جهانیان افکار را متوجه منطقه و اوضاع و احوال کنونی اش نموده است و تحول عظیم تاریخی - سیاسی پس از انتفاضه محمره و انجازات عظیم آن بشمار می رود. نباید انتفاضه را محدود به چند پارامتر کرد. انتفاضه حکومت است. سخنگوی ملتی ست.

دولت جمهوری اسلامی ایران و طیف های در برگیرنده و حامی آنها که بنوعی در این مسیر همصدا با آنان گشته بمثابة سدی در راه رشد و تغییر و تحولات جدی و جوهری منطقه و اعداء ملت عرب بشمار می روند. انتخاب روش و بکارگیری شیوه های صحیح و بجاست که نیروهای اجتماعی را به گرد انتفاضه کشانده و جذب نموده است. و در جهت حفظ منافع و مصالح آنان (طبقات اجتماعی) مبارزه می نماید. مصالح مشترک و هدف مشترک است که مردم را به یکدیگر وصل و پیوند داده است.

بهترین روزنه و صف واحد انتفاضه ست. وضعیت کنونی و شرایط فعلی جامعه گرایش به تغییرات اساسی داشته و با دارا بودن ویژگیها و شرایط عینی و کاستی های آن، بسوی چالشی همه گیر (اپیدمیک) و بنیادین گام بر می دارد و سرنوشت مرحله ای و گام به گام آن بستگی به قدرت انتفاضه و عکس العمل و واکنش نیروهای جمهوری اسلامی و نتایج حاصله از آنست. دست آوردهای مرحله ای و کوچک آن در نهایت نقش تعیین کننده ای در تصمیم گیری ها و اتخاذ مواضع و تناسب نیروی سیاسی در صحنه مبارزه را به خود اختصاص خواهد داد. هر دست آوردی و سرنوشتی معرف وضعیت کنونی و زائیده اوضاع کنونی جامعه ست که سرنوشت آنرا تغییر خواهد داد و از فرصت کنونی در جهت محکومیت و در انزوای سیاسی قرار دادن جمهوری اسلامی نهایت بهره برداری را در جهت مصالح و هدف ملت عرب بکار گیریم. روند تاریخی و مبارزاتی هشت دهه و بن بست نظام نئوکولونیال و اشغالگر جمهوری اسلامی در برخورد با چنین پدیده هائی و عوامل آشتی ناپذیر عمل کردها و اهداف شوونیستی و آپارتایدی دولت جمهوری اسلامی ایران، آنان را بسوی بن بست سیاسی در منطقه سوق داده است و کلیه راهها و حوار فی مابین را از بین برده اند و نشان از خصم و کینه و حقد آنان ست. انتخاب شیوه های نظامی و سرکوب کشش و تاثیرات سابق را نداشته و نخواهد داشت.

نه ملت عرب با رشد و آگاهی سیاسی پذیرای چنین روش ها و عمل کردهائی ست و نه شرایط جهانی و اوضاع و احوال کنونی مجال چنین اعمالی را خواهد داد. تبعیض - استثمار - اشغال در فرهنگ نوین معنا و مفهومی نداشته، استعمارگران و ایدئولوژی که مشوق و اساس فرهنگ چنین ملتی هائی ست محکوم به

فناست چرا که معضلات کنونی اجتماعی و ریشه های آن مهمترین انگیزه و خواست ملت هاست و بدنبال برون رفت و تغییرات جدری و جوهری سرزمین و ملت خویش اند. جغرافیای سیاسی منطقه و طبیعت ملت عرب با همان بافت و سیستم اجتماعی و با همان سنت های دیرینه خویش است و هیچ گاه و در هیچ زمانی خود را تحت تاثیر شرایط و مطیع و فرمانبردار آن نگردیده و در برابر دولت ایران مبارزه و نفی سیادت آنرا بر منطقه هدف و شعار خویش نمودند. شهدای ملت عرب در طول سالیان (هشت دهه) گذشته معرف چنین ادعائی است.

اگر چه روبنای جامعه متاثر از زیربنای آن گردید و شرایط اقتصادی تاثیرات محدود و محسوسی بر روابط و عواملی که متاثر از محرومیت و انزوا و انحصار فرهنگی و اقتصادی هشت دهه گذشته نشأت می گیرد هر ملتی دارای استراتژی است و استراتژی آن منبعث از مصالح و منافع و اهداف ملی اش در کوتاه مدت و دراز مدت آن است و ایجاد روابط منطقه ای و جهانی بر اساس منافع و مصالح خویش است.

راه حل علمی درک مشکلات و برون رفت جوامع متشنج و ناهنجار اجتماعی، روندهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی آنست. جامعه ما نیاز مند چنین پروسه ها و روندی است تا بتواند به هویت سیاسی خویش و حفظ مصالح ملت عرب گام بردارد. تضاد اجتماعی - سیاسی هرگز حل و برطرف نگردیده مگر با سیادت کامل و تغییرات جدری و جوهری زیربنا و روبنای جامعه همراه باشد. جامعه کنونی چنانچه به لحاظ اجتماعی ملت عرب فاقد چنین هویت اجتماعی باشد هیچگونه شناخت و درکی از اجتماع خویش را بهمراه نداشته و تحولات سیاسی - فرهنگی - اقتصادی پارامترهای تحولات اجتماعی

ست و مهمترین عامل چتر حمایتی تحلیل علمی اوضاع و احوال جامعه و بافت اجتماعی آن می باشد. جمع بندی و عملکرد طیف سیاسی برون و درون مرز و بررسی علمی - تاریخی و ارزیابی آنها - رشد و تکامل جامعه و ابعاد آن سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و تفکیک نمودن شکل ظاهری قضیه از محتوای آن هر کدام جایگاه خاص خود را داشته و مفهوم جداگانه که پیشتر بدان اشاره رفت. هر جامعه ای متشکل از طبقات اجتماعی و تحولات آنهاست و نقش هر کدام در سرنوشت و تغییر مسیر ملت ها نقش اساسی و بنیادین دارد. تحلیل سطحی اوضاع و وقایع و رویدادها در جهت مصالح فردی و دیدگاهی (ایدئولوژی) و طیف در بر گیرنده در جهت حفظ شرایط موجود و ادامه استثمار و غارت منافع و مصالح ملی ملت عرب و رابطه این دو قطب بر معیار استثمار کننده و استثمار شونده می باشد. انتفاضه نبرد سرزمین و نبرد هویت و بقا ملتی است که در پدیده های اجتماعی خود را هویدا ساخته و شکل پذیرفته است. تحولات به هر اندازه و شکلی که باشد تاثیر خود را خواهد داشت و عوامل در بر گیرنده چنین پدیده ای متاثر از تحولات آن - تنظیم نمودن تحولات - ارزیابی ها - انتخاب شکل و شمایل پیش روی - انتخاب خط مشی - یارگیری و تنظیم صفوف - میزان قدرت و تاثیر آن بر انتفاضه - پشتوانه تحولات انتفاضه بشمار می رود که خواست دیرینه و تاریخی ملتی ست. روندی که از گسترش تداوم اساسی ترین اهداف انتفاضه یا در جهت فروپاشی آن و با داشتن سابقه دیرینه و تاریخی بعنوان سد و مانعی در برابر روند کنونی و با توجه به شرایط فعلی جامعه و سرنوشت آن، تمامی سعی و تلاش و کوشش خویش را در جهت اخمداد و افشال و به حاشیه راندن انتفاضه سرمایه و نیروی زیادی صرف اهداف شوم و توسعه

طلبانه خویش (جمهوری اسلامی) نموده اند که با هوشیاری و درایت اهداف اشغالگران نقش بر آب گشت و دو عامل نقش اساسی و حیاتی ایفاء نمودند:

۱ - عامل انتفاضه. ۲ - بحران همه جانبه.

استمرار و گسترش بحران تا مرحله به زانو در آوردن و تأثیرات برون مرز بر پایه و اساس انتفاضه و استمرار آن و بحران همه جانبه و کنونی منطقه و تحت تأثیر قرار گرفتن طبقات اجتماعی که در تحولات اخیر با عکس العمل و واکنش هر یک از نهادهای اجتماعی و تحلیل رفتن در انتفاضه و تحکیم صفوف خویش را در سطح جامعه منعکس نمودند. روند کنونی انتفاضه و بحران حاکم بر منطقه و تأثیر پذیر نمودن آن در سطح جامعه و انعکاس آن در سطح بین المللی بر اهمیت و اعتبار و جایگاه انتفاضه افزون گشت و مشروعیت و مقبولیت آن را در میان ملت عرب به اثبات رساند. سرکوب سیاسی و بذل و بخشش اقتصادی هیچ کدام راه علاج و برون رفت از شرایط موجود و تغییر ماهیت و استراتژی و اهداف آنان و از عمق و گسترش بحران منطقه نخواهد کاست، تغییرات ساختاری و اساسی ست که سرنوشت آینده منطقه را رقم خواهد زد نه فرم و بذل و بخشش از نوع انتفاضه ای آن از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و رانت خواران حکومتی ست که سعی در اخمد و منحرف نمودن پروسه انتفاضه و بحرانی شدن اوضاع اقلیمی و جهانی و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی از سوی متحدان امریکا - اروپا نسبت به پروژه های اتمی ایران و سرکوب ملت های جغرافیای ایران، ملت عرب و ملت کرد - حقوق بشر - زندانیان سیاسی، انزوای سیاسی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده و گسترش حوزه فعالیت طیف سیاسی برون مرز و راهیابی به مکتب های بین المللی بهترین و

مناسبت‌ترین گزینه را انتخاب نموده و جایگاه خویش را در میدان بین‌المللی باز یافته و تجربیات بیشماری را کسب نموده اند. چنین واقعیتی پایه و اساس پایه‌گذاری تحولی عظیم و سیاسی و دفاع از ملت عرب و منافع و مصالح آنرا در بر گرفته است. فعالیت و جنب و جوش - چاپ عکس - نشریه - اعلامیه - بیانیه - گزارش - مصاحبه - تحلیل - تجمع و افشاگری، دیدگاهها و برنامه‌های سیاسی مشخص را به‌مراه داشته است. توسعه و قدرت سیاسی ناشی از قدرت و اراده و گسترش حوزه فعالیت جبهه - احزاب - سازمان‌ها ناشی می‌شود و نقطه عطفی در راه دموکراسی و جامعه مدنی بشمار میرود. افزایش فشار جامعه بر علیه اشغالگران آنان را بسوی عنف سوق داده که ناشی از عجز و ناتوانی دولت جمهوری اسلامی ایران در حل بحران و معضلات جامعه و منطقه است. با سرعت بخشیدن به تحولات در منطقه و پشت سر گذاشتن مرحله به مرحله انتفاضه و تحولات پیش روی آن، راه طولانی و پرفراز و نشیبی و ظهور و مطرح شدن مسائل حاشیه‌ای بیشماری، راه طولانی در پیش روی و در برابر همگان و آینه تمام‌نمای جوهره و کشش و عمل کرده‌های نیروهای حاضر در صحنه و میدان انتفاضه را به اثبات می‌رساند. نیروئی که بتواند در کنار ملت عرب و انتفاضه و بر اساس واقعیت منطقه و همگام با آنها پروسه کنونی را ادامه و به دور از جنجال و هیاهو تحولات را پیگیری و نقش موثر خویش را ایفا نماید در صحنه انتفاضه باقی خواهد ماند.

هر گونه تحولات بر مبنای اصلاحات سیاسی - اقتصادی و حفظ و بقاء نظام و ساختار کنونی را در بر داشته باشد و حافظ منافع و مصالح دولت ایران را به‌مراه داشته باشد بمعنای بقای اشغالگران در منطقه و تسلط بر زیربنا و روبری جامعه و

شریان حیاتی منابع و مصالح منطقه و استمرار روند و ساختار هشت دهه حاکمیت بر منطقه خواهد بود و مروجان و دارندگان چنین ایده و طرز تفکری واپسگرایانه را در پیشگاه ملت عرب افشاء و رسوا و ماهیت شان را برملاء سازیم و فریب سخن پردازی ها و مانورهای عوامفریبانه آنان نشویم و محکوم به فنا و نابودی خواهند بود.

انتفاضه ریشه هر تحولی در جامعه ست. اجتناب ناپذیر نمودن تغییرات در جامعه بر اساس دگرگونی طبقات اجتماعی می باشد. دگرگونی حاصل تحولات سیاسی - فرهنگی جامعه ست. و بدنبال آن تحولات اقتصادی را به همراه خواهد داشت که تحولی ساختاری ست و در بر گیرنده ارکان جمهوری اسلامی ست. از سوی دیگر عدم انسجام در تحولات اخیر را در ناهماهنگی - عدم برنامه ریزی - عدم تشکل جستجو نمود. اصلاح و عملی نمودن هر کدام از موارد فوق استمرار مشی و مصونیت آن در برابر تهاجم و سرکوب دشمنان انتفاضه تضمین می نماید.

مهمترین عامل و اساسی ترین آن تغییر سیستم و ساختار اقتصادی منطقه ست و قطع هر گونه وابستگی صنعتی و رابطه تولیدی می باشد. استراتژی ملت عرب و انتفاضه در اینجا ارزش و معنا خواهد داشت. رفرم در پروسه انتفاضه جایگاهی نخواهد داشت و بیان زبان حال نیست. آنچه در شرایط کنونی و با توجه به شرایط عینی جامعه روند طبیعی اش را سیر کند فروپاشی سیستم و نظام سیاسی - اقتصادی منطقه ست. ملت عرب در پروسه انتفاضه چیزی را از دست نخواهد داد که متأثر از آن گردد و در سرنوشت آن تاثیر سلبی داشته باشد بلکه بعکس بر سرنوشت خویش و سیادت بر منطقه و استیلاء بر نهادهای اجتماعی را از آن خود می نماید. شفافیت در ساختارهای جامعه مانعی در برابر بروز و ایجاد رشد و تداوم

تبعیض - فساد - فقر می گردد. مناسب ترین شرایط ذهنی جهت فراگیری فرهنگ سیاسی و گرایش به امور سیاسی - ارتقای فرهنگ سیاسی خواهد بود و مسئولیت طبقات اجتماعی ملت عرب را نسبت به حق تعیین سرنوشت خویش به همراه خواهد داشت. یگانه دشمن انتفاضه در شرایط کنونی خوش بینی و خوش باوری از اوضاع و شرایط کنونی ست. تدوین خطوط فکری متناسب بر پایه ضرورت های عینی منطقه و ملت عرب می باشد.

انتقال آب کارون

اجرای چنین پروژه هائی (انتقال آب کارون) هیچگونه توجیه اقتصادی نخواهد داشت.

در پی پروژه انتقال آب کارون به کرمان (رفسنجان) هزینه انتقال یک میلیارد دلار و نیم و هفت هزار میلیارد ریال هزینه می شود.

حجم باغات پسته رفسنجان از سی و پنج هزار هکتار در اوایل انقلاب به یکصد و ده هزار هکتار رسیده است. خوزستان دارای ۶,۸ میلیون هکتار زمین است که حدود ۴,۵ میلیون هکتار از زمین های مذکور به کشت انواع محصولات زراعی و باغی اختصاص یافته است. حدود ۱,۳ میلیون هکتار از زمینهای حاصل خیز منطقه در حاشیه رودخانه کارون واقع است. اجرای چنین پروژه ای به محیط زیست - کشاورزی منطقه و آب شرب و اشتغال ضربه می زند و برداشت های آب کارون از سرچشمه

ها صورت می گیرد که خطر جدی کم آبی در منطقه و میرایی کشاورزی را به ارمغان خواهد آورد و انتقال سالانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب کارون به رفسنجان نیازمند عوامل اجرایی زیر است. ۵۶ کیلومتر تونل، ۳۸۴ کیلومتر خطوط لوله گذاری، ۴۰۰ کیلومتر شبکه گذاری و تاسیسات نیاز دارد و نظر کارشناسان اقتصادی منطقه و تاثیرات سلبی آن، انتقال آب کارون به رفسنجان پروژه ای ملی نبوده بلکه در جهت منافع رفسنجان در کرمان می باشد. ۱,۶ میلیون هکتار زمین حاصل خیز منطقه برای ۷۵۰ هزار هکتار برای مزارع، پرورش ماهی (میگو) از نوع صادراتی آن و انحراف دومیلیارد متر مکعب آب کارون نیروگاههای برق - آبی منطقه ۲۰٪ افت پتانسیل مواجه می شوند. رطوبت ۸۰٪ و ۹۰٪ و گرمای بالای ۵۰ درجه در انتظار منطقه خواهد بود. انتقال یک میلیارد متر مکعب آب از سرچشمه های کارون به استانهای اصفهان - یزد - قم - کرمان (رفسنجان) و مشهد با هزینه سرسام آور که این میزان آب می تواند ۴۰ تا ۴۵ هزار هکتار زمین را در استانهای ذکر شده بارور سازد. مردم منطقه در فصل تابستان نیاز مردم به آب کارون ۲۰۰ متر مکعب در ثانیه است. دکتر مصطفی چرم عضو هیات علمی دانشگاه جندی شاپور و استاد یار:

« طرح کارون ۲ باید متوقف شود. در این طرح آب کارون به زاینده رود منتقل می شود. انتقال آب دز به زاینده رود مرحله اول ۱۲۰ میلیون متر مکعب آب از طریق تونل بطول ۱۳,۷۶ کیلومتر قادر است ۲۲ متر مکعب آب را در ثانیه به پشت سد زاینده رود منتقل کند. تونل چشمه لنگان و کوه رنگ ۳ انتقال ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب از سرشاخه های دز به زاینده رود.» همسایه ها - پنجشنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۴.

شوری آب کارون دو هزار و پانصد میکرو زیمناس است و تبعات سلبی انتقال آب کارون به رفسنجان منجر به نابودی تالاب بین المللی فلاحیه می شود.

مصطفی مطور زاده نماینده محمره در پارلمان در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی:

« کارون صرفاً یک رودخانه نیست. میراث طبیعی و تاریخی کشور و گهواره پرورش تمدن است و نابودی کارون پیامدهای امنیتی و زیست محیطی برای کشور در پی دارد.

سد و نیروگاه کارون ۳ در فاصله ۲۸ کیلومتری شهرستان ایذه در شرق منطقه بر روی رودخانه کارون ساخته شده است. استاندار خراسان جنوبی از رئیس جمهور خواست آب از سر شاخه های کارون به این استان منتقل شود. (ابراهیم رضائی بابادی - استاندار خراسان جنوبی) .»

پنجشنبه ۲۶ آذر شماره ۷۰۶ روزنامه صبح همسایه ها. « انتقال آب از سرشاخه های کارون به استان خراسان جنوبی - رفسنجان - یزد - اصفهان - محلات - کاشان - ساوه و قم منتقل می شود. » روزنامه صبح - همسایه ها - پنجشنبه ۲۶ آذر سال سوم شماره ۷۰۶.

عوارض و پیامدهای سلبی آب گیری سد کارون ۳. « ۲۰ آبان تا ۲۰ آذر بهترین فصل کشت بهار در منطقه ست و به ۳۵ هزار کشاورز در مسیر سد آسیب میرساند و ۱۰۰ تن کاهش محصول ببار خواهد آورد و خسارت ۲۰۰ میلیارد تومان به کشاورزان منطقه پیامدهای آب گیری سد کارون ۳ می باشد. » روزنامه صبح همسایه ۱۳۸۴.

کشاورزان منطقه با روی آوردن و استفاده از آب چاه در جهت رفع آب مورد نیاز کشاورزی و شرب اهالی قریه استفاده نموده و با تحمل هزینه گزاف و پرداخت مالیات سالیانه معادل ۴ الی

۶ میلیون ریال به اداره کشاورزی می باشد. استفاده و بکارگیری بخشی از کشاورزان منطقه و با تحمل هزینه سرسام آور و کمر شکن، این سرمایه می تواند در جهت رفع دیگر ابزار آلات و ماشین آلات مورد نیاز زمین و کشاورز و محصولات آنرا بر طرف نماید و بر افزایش بازدهی و میزان محصولات خویش بیافزاید و این در شرایطی است که آب رودخانه کارون از مبداء یا سرچشمه های آن بطرف باغات پسته رفسنجان و زاینده رود اصفهان و دیگر مناطق ایران منتقل می کنند.

زدن یا حفر چاه عمیق ۸۵ متر می باشد و فاصله هر چاه به دیگری ۱۰۰ الی ۱۲۰ متر می باشد. هزینه هر چاه ۱۵ میلیون ریال و مدت زمان تکمیل و بهره برداری از آن ۱ هفته تا ۲ هفته می باشد. و استفاده از چنین شیوه ای مدت ده سال سابقه دارد و زیر نظر مهندسان وزارت کشاورزی و مالیات یکساله آن معادل ۴ الی ۶ میلیون ریال می باشد به حساب وزارت کشاورزی منطقه واریز می گردد.

پایان سخن

دوران جدید حکومت وحشت و ترور پس از انتفاضه محمره دگر بار در سطح و ابعاد وسیع با تمسک به استراتژی دیرینه و تحقق اهداف خویش و خوی توسعه طلبانه اشغالگران نظامی - سیاسی دولت ایران بر علیه ملت عرب و منطقه و تحمیل آسیب های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در جهت دیموگرافی و آسیمیلزاسیون منطقه.

انتفاضه با پیش رو داشتن مسائل اقتصادی و سیاسی منطقه و دیدگاهها و برخورد با دولت ایران و اهداف توسعه طلبانه و غصب اراضی به عناوین مختلف و سیل مهاجرت به سوی منطقه می باشد. مسائل و دیدگاههای نژاد پرستانه که در بر گیرنده و معرف دو قطب متضاد، یکی در جهت غارت و چپاول - استثمار و تغییر هویت ملتی و دیگری در جهت حفظ هویت و دفاع از سرزمین و حفظ آن می باشد. افکار عمومی ملت عرب یکی از حیاتی ترین و پایدارترین مفاهیم این مقوله و رسالت خویش در برابر دولت ایران بشمار می رود.

اهمیت و مفاهیم این مقوله حیاتی و سرنوشت ساز و مهم بخش لاینفک انتفاضه در برابر قطب متضاد خویش بشمار می رود. مسئله بقاء و نفی و برجسته نمودن استراتژی و تغییر بافت و ساختار اجتماعی - سیاسی ملت عرب تجلی شدن اهداف از سوی دولت ایران می باشد. اهمیت علمی هر کار تئوریک چه در حوزه شناخت و چه در قلمرو درک فرهنگ و مبانی جامعه شناختی آن مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل روان شناسی جامعه در خور تعمق می باشد. تغییر ساختار سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی موجب نارضایتی و تقویت ریشه انتفاضه و اراده و پتانسیل آنرا در جهت تغییر بنیادین ساختارهای فوق سوق داده است. در دوره ای (دورانی) که افکار عمومی ملت عرب آماده و خود را مهیای چنین انتفاضه ای نموده است، نقش احزاب درون وطن الاهواز - ح همچنان در کنار سایر نیروها و طیف های مستقل به مبارزه فکری خود تا مرحله ای استمرار یافت که به انتفاضه ای ملی تبدیل گشت. ایفای نقش و اهمیت اهرم فشار را در استمرار و تحولات فکری منطقه مشاهده نمود. انتفاضه نه تنها تاثیرات خود را بر طیف سیاسی و آگاه جامعه به جای گذاشت، بلکه تاثیر پذیری خویش را بر سایر اقشار و طبقات اجتماعی به مثابه رکن مهم در به ثمر رساندن هدف غائی و سرنوشت ساز ملت عرب و منطقه بشمار می رود و سرعت تحولات فکری رو به فزونی گذاشت و رشد و توسعه ادبیات سیاسی و تاثیرات آنرا هویدا نموده است. تقویت ساختارهای کنونی از سوی دولت ایران در جهت منافع و مصالح خویش در منطقه و بهره برداری های استثمار و تصرفات اشغالگرانه بر علیه ملت عرب و جغرافیای آن می باشد. پذیرش واقعیت انکار ناپذیر از سوی دولت ایران و استمرار انتفاضه ملی و گسترش و حضور مستمر در صحنه و

پشتیبانی معنوی و بین‌المللی از انتفاضه در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران و جنایات آن ضروری و حیاتی بشمار می‌رود. خانه‌تکانی فکری و بازنگری رویدادهای تاریخی و تصحیح آنها در کلیه جوانب و ابعاد آن و قرار دادن پدیده‌ها در جای خویش نادرستی و صحت و سقم هر کدام روشن گردد و ارزش هر کدام همان باشد که هست. هشتمین دهه اشغال نظامی سیاسی منطقه توسط قشون رضا شاه پهلوی و سومین دهه حاکمیت جمهوری اسلامی و فروپاشی اقتصاد و گسترش دامنه نارضایتی اجتماعی سیاسی در صفوف مختلف، شرایط را مهیای جهت‌گیری و رشد دامنه تحولات و قدرت‌فراگیری بسوی تغییرات زیرساخت‌های جامعه و ادراک آن از مرحله ابتدائی به مرحله متوسط و سپس در مرحله نهائی در پرتو پروسه انتفاضه کنونی و جوهره متکامل نارضایتی اجتماعی سیاسی ملت عرب در برابر دولت ایران آشکار نموده است. تحولات مهمی که همگام با انفجار اجتماعی سیاسی منطقه در برابر پوپولیست‌های دولت ایران و اهدافشان، بستر مناسبی جهت شکل‌گیری انتفاضه و موجبات تحولات اجتماعی و تاثیرپذیری آنرا بر سایر طبقات اجتماعی فراهم نموده است. اهداف سیاسی و اقتصادی دولت ایران و مسائل اجتماعی و فرهنگی از اهمیت خاصی در سطح جامعه به لحاظ منش و کردار توسعه‌طلبانه و استراتژی معین و هدف مشخص نیروی مهاجر با گسترش دامنه نفوذ خود در ابعاد زبان - فرهنگ - تاریخ - رادیو - تلویزیون - مطبوعات - آموزش و کتب درسی در مقاطع مختلف (مهد کودک - دانشگاه) می‌باشد. نا همگون و نامتجانس بودن هر دو پدیده ریشه‌ای و اساسی دو ملت و ویژگیهای متمایز از یکدیگر و عدم تطابق این دو و تحمیل ویژگیهای برشمرده از اهم مقولات دو ملت با جوامع مختلف یکدیگر است. تفاوت ماهوی در برداشت‌های

فکری - ذهنی - تاریخ - فرهنگ - زبان - آداب - رسوم و تقالید این دو را از یکدیگر متمایز می نماید به استثناء دین. انتفاضه و گسترش پایگاه اجتماعی - سیاسی و نیاز جامعه به تغییر و تحول بنیادین و اساسی چهره نوینی به آن اعطاء نموده و موجبات تحول عظیمی در فراسوی روستاها و شهرهای دور دست منطقه را فراهم آورد که زمینه ای جهت مشارکت آنان و همسوئی با انتفاضه و تغییرات کمی و کیفی را در بطن جامعه و در سطح منطقه عینی تر نموده است.

اگر حمل بر مداهنه نشود، ضروری ست که نسل جوان با متون و ادبیات گذشته خویش آشنا و مرور و بررسی و کنکاش دقیق - صحیح و عمیق متون و ادبیات منجر به ارتباط درست نسل جوان با آثار پیشینیان و مبارزات و هدف و خواست آنان در برابر دولت ایران می باشد استمرار و مد هشت دهه مبارزه از نسلی به نسل دیگری نتیجه انتفاضه کنونی ست و نیازی به کالبد شکافی اجتماعی - سیاسی نداشته و انتفاضه مجرای طبیعی خویش را بر اساس درک شرایط عینی جامعه و تحولات اجتماعی - سیاسی معطوف خواهد ساخت، پیش فرض این نگرش چیست؟ این نوع تقسیم بندی و تعیین هویت و بافت و ساختار اجتماعی - سیاسی بیش از هر چیز مبتنی بر طبیعی دانستن و ثابت جلوه دادن واقعیت های کنونی ملت عرب در ابعاد اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی جامعه و سیادت بر منطقه بشمار می رود. انتفاضه پروژه نیست! پروژه مبارزه و روندی برای تمامی فصول و تداوم تسلط آن در فضای سیاسی منطقه و تحت الشعاع قرار دادن و تغییر ساختار سیاسی و تحولات اجتماعی کنونی جامعه بشمار می رود.

صف آرائی متحد و متشکل نیروها و طیف سیاسی در برابر دولت ایران اولین عامل موفقیت و میزان تناسب و قدرت خویش

را در برخورد با عوامل مافوق خود در منطقه به ترازوی تنش های اجتماعی سیاسی به قیاس خواهد گذاشت و ارزیابی دقیق در تحولات پیش روی را به عیان می گذارد. ارتقاء سطح کمی و کیفی اجتماعی سیاسی نیروی معنوی جامعه در بر گیرنده طبقات اجتماعی منطقه خواهد بود. شیوه برخورد و عمل کرد سیاسی و منسجم و افشای ماهیت و اهداف دولت ایران در حق ملت عرب ضروری ست. برای هر تغییر و تحول جوهری و جدی و بنیادین نیروی جوان جامعه این انرژی ذخیره شده و دارای پتانسیل بالا و اهرم فشار در برابر دولت ایران و نارضایتی اجتماعی سیاسی جامعه جوان ملت عرب که از نیروی سرشار این نسل برخوردار می باشد. چنین نیرویی را می بایست در جهت خواست و اراده برحق و مشروع تاریخی ملت عرب بکار گرفت و از آن بهره مناسب را بگیریم. نیروی جوان که دارای خصلت شجاعت و قدرت برخوردار بوده و در برابر واکنش های نامتجانس و اشغالگرانه دولت ایران عکس العمل و مقاومت نموده، این نسل چیزی را از دست نخواهد داد بلکه در مبارزات خویش بدنبال کسب حقوق مشروع ملت خویش می باشد. طبیعی ست دولت ایران در برابر اراده چنین نیرویی به قوه قاهره متوسل می شود. ضرب و شتم - زندان - شکنجه - اعدام، چهره عریان و ماهیت دولت ایران را در برابر عموم نمایان می سازد. اجتناب ناپذیر بودن تحولات اجتماعی پیش زمینه انتفاضه ای گردید که در دراز مدت در چنین پروسه هائی خود را نمایان خواهد ساخت. تاکید بر هدف غائی و نهائی و موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک منطقه و منابع طبیعی - نفت و گاز طولانی شدن پروسه انتفاضه را به همراه خواهد داشت. این در شرایطی ست که روند رویدادها مسیر طبیعی و واقعی خود را سیر نماید و در حیطه جغرافیائی خویش عمل کند

و چنانچه عواملی خارج از اراده و قدرت و حجم انتفاضه عمل نماید و روند کنونی و پروسه آنرا تحت الشعاع قرار داده و مسیر آنرا دگرگون نماید و تحولات و تغییرات ژئوپلیتیکی را به همراه داشته باشد معادلات منطقه ای به گونه دیگری شکل و تحت تاثیر مستقیم تحولات آن قرار خواهد گرفت. باید دید چه چیزی این رویدادها و وقایع و حوادث منطقه ای و اجتماعی – سیاسی آنرا از سایر تحولات متمایز می کند و آنرا در برابر عوامل دیگر اقلیمی و جغرافیای کنونی آن صف آرائی می کند.